



در نشست رئیس سازمان بورس با فولادسازان تاکید شد

**حذف قیمت گذاری دستوری
در بورس کالا بر اساس قانون**

مهر تایید وزیر اقتصاد بر عملکرد بورس کالا

فرهاد دژپسند: بورس کالا عملکرد بسیار مطلوب و متناسب
با قواعد و مقررات داشته است



باید ها و نبایدهای قیمت گذاری دستوری

با آثار و گفتارهایی از: رزگار خضری، امیر مسعود پرور، نادر سلیمانی، بهرام سبحانی، رضا شهرستانی، ساعد جمشیدیان و...

جلای شمش طلا با گواهی سپرده بورس کالا

کارکرد ابزارهای مالی
در تکمیل زنجیره طلا

پاگشایی خرما در تالار نقره ای

گزارش میدانی از کاشت تا برداشت خرما در بم و نماشیر
و عرضه در بورس کالا، گپ و گفتی با نخل داران جنوب

پایگاه اطلاع رسانی

کالاخبر



aparat.com/imereport



[imereport](https://www.instagram.com/imereport)



[@imereport](https://www.telegram.com/@imereport)



www.imereport.ir

بازار را از وبگاه ما ببینید

- مرور تحولات بازار کالای ایران و جهان
- جدیدترین تحلیل‌ها از روند معاملات
- معرفی ابزارهای مالی بورس کالا
- انعکاس دیدگاه کارشناسان و مسئولان
- مشاهده لحظه‌ای قیمت کالاها در بازار قراردادهای آتی
- زعفران، زیره سبز و پسته
- مشاهده لحظه‌ای حجم معاملات بازار فیزیکی



دوماهنامه اختصاصی

بورس کالا ■ دی و بهمن ۱۳۹۹ ■ شماره ۲۷

www.ime.co.ir

◀ صاحب امتیاز | شرکت بورس کالای ایران

◀ مدیرمسئول | حامد سلطانی نژاد

◀ زیر نظر شورای سردبیری

◀ همکاران این شماره |

◀ فرزانه تهرانی، مائده امینی، حمیدرضا محمدی
یزدان مرادی سودابه کیوان فر، طیبه مرادی
محسن نعمتی نسیم بنائی، سیاوش ضرابی
امید امانی، نهاد علی بیگ زاده، هدا عربشاهی

◀ مدیر هنری و صفحه آرا | حمیدرضا خاتونی

◀ ویراستار | امید امانی

◀ عکاس | سجاد رزم

◀ چاپخانه | انتشارات یزدا

◀ نشانی | تهران، خیابان آیت الله طالقانی،

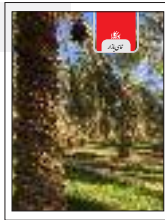
نبش بندر انزلی، شماره ۳۵۱

◀ تلفن | ۸۵۶۴۰۰۰۰-۲

◀ نمابر | ۸۸۳۸۳۰۰۰

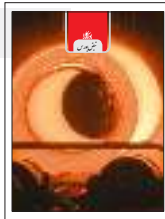
◀ نمای بازار

۶.....	پاگشایی خرما در تالار نقره ای
۸.....	دسترنج دیار کریمان
۱۴.....	رنج بی گنج
۱۶.....	همه مصائب یک تجارت
۱۶.....	سرزمین خورشید و نخل و خرما
۲۴.....	مرغ از سفره ایرانیان پر کشید
۲۶.....	مرغ های بی دان، مرغداران نگران
۲۸.....	معاملات بورسی؛ آخرین امید مرغداران
۲۹.....	بایگانی قوانین مصوب و تجارب موفق



◀ نبض بورس

۳۲.....	تلخ و شیرین عرضه های بورسی
۳۳.....	یک بستر و دو رویا
۳۴.....	از دولت یکه تاز تا دولت مداخله گر
۳۸.....	پادزهر رانت و گرانی در بازار فولاد
۴۰.....	دود غلیظ مداخله قیمتی در «اتاق شیشه ای»
۴۲.....	رمز موفقیت؛ نظارت و پیشگیری از تخلف
۴۳.....	یورش به رانت های نهفته بین حلقه ها
۴۴.....	فولادگران در گرداب مداخلات دستوری
۴۶.....	بازار فولاد چشم به راه ظرفیت های ضد رانته یورس
۴۷.....	خروجی بد سیاستی با اهداف خوب
۴۸.....	ورود «ویژه خواران» ممنوع



◀ تاریخ شفاهی

۵۴.....	زخم دیرپای قیمت گذاری دستوری بر پیکر عرضه های بورسی
---------	---



◀ تالار نقره ای

۶۲.....	جلای شمش طلا با گواهی سپرده بورس کالا
۶۴.....	دورنمای طلایی تقاضا برای شمش بورسی
۶۶.....	تغییر مقصد شمش طلا از بازار به بورس کالا
۶۸.....	زیرپوست معاملات «آب شده»
۷۰.....	از معدن تا خزانه ملی، بدون توقف
۷۲.....	در نه ماه سال ۱۳۹۹ رقم خورد
۷۸.....	کارنامه ۹ ماهه رقابت کارگزاران



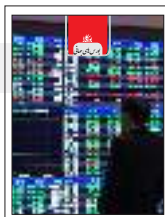
◀ چشم انداز

۸۰.....	نقل مکان معاملات املاک به بورس
۸۲.....	اما و اگرهای خانه دارشدن با بورس
۸۶.....	شفافیت و کاهش قیمت مسکن ارمغان عرضه بورسی ملک



◀ بورس های جهانی

۹۰.....	غول «آتی» در سرزمین ارزها
۹۵.....	فروکش تب بازارهای کلایی در سال ۲۰۲۱
۹۷.....	وداع بازارهای کلایی با رکود کرونایی
۹۹.....	ویروس انگلیسی، بلای جان نفت
۱۰۰.....	افتتاح معاملات صندوق های کشاورزی و گواهی سپرده خرمای مضافتی





مهر تایید وزیر اقتصاد بر عملکرد بورس کالا

فرهاد دژپسند: بورس کالا عملکرد بسیار مطلوب و متناسب با قواعد و مقررات داشته است

موضوع قیمت گذاری دستوری محصولات فولادی که طی هفته های اخیر به یکی از موضوعات حساس بازار تبدیل شده بود، از یک سو با تاکید مدیران بورسی مبنی بر مقاومت در برابر قیمت گذاری دستوری و حمایت جامعه کارشناسی، رسانه ای و مدیران ارشد کشور به جایی نرسید و از سوی دیگر عملکرد بورس کالا مورد تحسین وزیر اقتصاد و دیگر مقامات ارشد سیاسی و اقتصادی قرار گرفت. در همین زمینه وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص قیمت گذاری فولاد و عملکرد بورس کالای ایران گفت: دولت تصمیم گیری در این زمینه را به شورای عالی بورس ارجاع داده است. همچنین این موضوع باید مدنظر قرار گیرد که تاکنون بورس کالا عملکرد بسیار خوبی را از خود نشان داده و متناسب با قواعد و مقررات در حال فعالیت است.



پرونده برنج مازندران برای عرضه در بورس کالا در دست بررسی است ولی نیازمند کار همه جانبه برای تطبیق با شرایط بازار سرمایه است.

به گزارش ایرنا، فرهاد دژپسند در بازدید از پایانه بین المللی صادرات برنج آمل در جمع خبرنگاران افزود: پرونده و درخواست ورود برنج مازندران به بازار بورس کالا به سازمان بورس کشور ارجاع شده است تا جوانب آن بررسی شود. وی گفت: وزارت اقتصاد با ورود برنج به بازار بورس موافق است و از آن حمایت می کند، اما این موضوع نیازمند بررسی دقیق و کار کارشناسی است که روند آن آغاز شده و اکنون در حال بررسی همه جانبه است. دژپسند افزود: خوشبختانه بررسی های اولیه صورت گرفته و حتی کارشناسان بورس نیز از پایانه بین المللی صادرات برنج آمل بازدید کردند که رضایت آنها را نیز در پی داشت.

وزیر اقتصاد و دارایی ورود برنج به بازار بورس را نیازمند طی مراحل متعدد و همچنین در نظر گرفتن متغیرهای مهم دانست و گفت: در مرحله نخست باید جهاد کشاورزی به این موضوع ورود کند. وی با بیان اینکه بورس کالا دارای ویژگی هایی است که باید محصول برنج خود را با آن سازگار کند، افزود: یکی از این مباحث کیفیت است که سازمان جهاد کشاورزی باید در این مورد ورود کند تا برنج مورد نیاز با کیفیت مورد نظر مطابق با استانداردهای لازم بورس تامین شود.

دژپسند همچنین میزان توزیع را یکی از دغدغه ها و الزامات ورود برنج به بازار بورس دانست و گفت: تولید و عرضه برنج باید به استاندارد ثابتی برسد و این تعهد داده شود که میزان عرضه برنج نوسان نخواهد داشت.

«فرهاد دژپسند» در گفت و گو با ایرنا به قیمت گذاری دستوری که از مدت ها قبل از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت مطرح شده بود اشاره کرد و افزود: این موضوع از همان ابتدا با حاشیه های بسیار زیادی همراه بود و معاملات بازار را تحت تاثیر قرار داد، در نهایت وزیر صنعت، معدن و تجارت این موضوع را تکذیب و اعلام کرد که به هیچ عنوان موافق قیمت گذاری دستوری نیست.

وی ادامه داد: وزیر صنعت، معدن و تجارت در آخرین جلسه برگزار شده شورای عالی بورس به صراحت اعلام کرد که اعتقادی به قیمت گذاری دستوری ندارد. دژپسند در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه احتمال اجرایی شدن قیمت گذاری دستوری وجود دارد یا خیر، گفت: ممکن است قیمت گذاری دستوری اجرایی نشود.

وزیر اقتصاد و دارایی اظهار داشت: به دلیل حاشیه های ایجاد شده از زمان مطرح شدن این موضوع، دولت تصمیم گیری در این زمینه را به شورای عالی بورس ارجاع داده است؛ بنابراین اگر قرار بر تغییر قیمت گذاری باشد شورای عالی بورس باید در این زمینه تصمیم گیری کند. وی با بیان اینکه موضوع قیمت گذاری دستوری درخصوص محصولات فولاد در بورس کالا بود، افزود: این موضوع باید مدنظر قرار گیرد که تاکنون بورس کالا عملکرد بسیار خوبی را از خود نشان داده و متناسب با قواعد و مقررات در حال فعالیت است. دژپسند اظهار داشت: همیشه شاهد معاملاتی شفاف در بورس کالا بوده ایم و این بازار توانسته است کمک بسیاری را به مصرف کنندگان و تولیدکنندگان داشته باشد.

در اظهار نظر دیگری، وزیر اقتصاد و دارایی گفت که

در نشست رییس سازمان بورس با فولادسازان تاکید شد

حذف قیمت گذاری دستوری در بورس کالا بر اساس قانون

بورس کالای ایران روز ۱۸ بهمن میزبان نشست رییس جدید سازمان بورس و اوراق بهادار و نماینده وزارت صمت با مدیران شرکت های بزرگ فولادی کشور بود که در این نشست علاوه بر همدلی و عزم مدیران فولاد برای حمایت از حقوق سهامداران، نماینده وزارت صمت بر تعامل همه جانبه این وزارتخانه با بازار سرمایه تاکید کرد؛ در پایان این نشست، مقرر شد بیانیه ای برای تامل بیشتر کمیسیون صنایع مجلس در طرح فولادی نگارش و به نمایندگان ارسال شود تا بهترین تصمیم ها در این حوزه با تعامل صنعت فولاد، بازار سرمایه، مجلس و وزارت صمت اتخاذ شود.



درخشان است بنابراین به همت تلاش های زیادی که در دست اجراست، تمام اقدامات انجام خواهد شد تا تمام زنجیره فولاد کشور در بورس کالای ایران عرضه شود.

دستورالعمل تضامین اجرایی می شود

حامد سلطانی نژاد مدیرعامل بورس کالای ایران در این نشست از تلاش همه جانبه رییس سازمان بورس، مدیران فولادی و وزارت صمت در جهت بهبود فرآیندها در حوزه مبادلات بازار فولاد قدردانی کرد.

سلطانی نژاد با اعلام این خبر که دستورالعمل تضامین در بورس کالا در حال نهایی شدن است گفت: با اجرایی شدن این دستورالعمل، بسیاری از مشکلات تضامین شرکت ها برای فعالیت در بورس کالا برطرف می شود. وی همچنین در پایان اظهار داشت: هدف دکتر دهقان از همان ابتدای حضور در سازمان بورس، هم افزایی در حوزه فولاد بوده است که قطعا بحث شیوه نامه و اصلاح آن را با هماهنگی وزارت صمت نهایی خواهیم کرد و باید اعلام شود که هم اکنون اختلاف نظری میان بورس و وزارت صمت وجود ندارد و شرایط برای ثبات و پایداری شرایط بازار مهیا است.

حذف قیمت گذاری دستوری

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار به ماده ۱۸ قانون توسعه ابزارها اشاره کرد و گفت: کالاهایی که در بورس کالا عرضه می شوند، از شمول قیمت گذاری خارج می شوند و امید می رود که با هماهنگی و تعامل دستگاه های مختلف، شاهد توسعه و تعمیق بازار سرمایه باشیم.

حقوق سهامداران خط قرمز سازمان بورس است

به گزارش کالاکبر، محمدعلی دهقان دهنوی رییس سازمان بورس در نشست با مدیران فولادی کشور گفت: شما مدیران صنعت فولاد کشور، وکیل میلیون ها سهامدار عدالت هستید و باید از حقوق آنها دفاع کنید که خوشبختانه این اراده و رویکرد برقرار شده است.

رییس سازمان بورس تاکید کرد: تقریباً ۹۰ درصد جمعیت کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم با سهام عدالت در ارتباط هستند و قطعاً باید از منافع آنها دفاع کرد. او افزود: از شما تولیدکنندگان فولاد کشور می خواهیم در راه توسعه بازار سرمایه و ایجاد رقابت در بازار به ما کمک کنید چون قطعاً شفافیت و رقابت به توسعه شما نیز کمک می کند؛ از سوی دیگر شما وکیل میلیون ها سهامدار هستید تا حق آنها اجحاف نشود که این مسوولیت سنگینی است.

عرضه کل زنجیره در بورس کالا محقق می شود

دهقان دهنوی در ادامه به بورس کالا اشاره کرد و افزود: بورس کالای ایران در ماهیت خود یک پلتفرم معاملات است و این بستر معاملات، تعیین کننده قیمت نیست بلکه مکانی را فراهم کرده است که قیمت ها براساس عرضه و تقاضا کشف شود؛ بنابراین هر گونه اعمال دستوری قیمت در بورس کالای ایران یعنی انحراف قیمت و ضربه زدن به اقتصاد کشور. او تاکید کرد: هر گونه دخالت در قیمت کالاها از جمله فولاد در بورس، شفافیت را کاهش می دهد و عدالت را نقض می کند؛ از این رو سازمان بورس براساس قانون، اجازه قیمت گذاری دستوری را نمی دهد که خوشبختانه تعامل بسیار مطلوبی با وزارت صمت و شخص وزیر صمت ایجاد شده است. رییس سازمان بورس با تاکید بر اینکه اهداف وزارت صمت و سازمان بورس، یکی است و همگی به دنبال توسعه صنعت فولاد و کنار رفتن فضای مه آلود در اقتصاد هستیم، گفت: هفته گذشته با معاون جدید معدنی وزیر به مجلس رفتیم و خوشبختانه مسیری روشن و اتفاق های مثبتی در حوزه فولاد در حال تحقق است. او افزود: چشم انداز بازار فولاد در کشور بسیار

تالار «حراج باز» در بورس کالا راه اندازی شد



روز شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ عرضه یکجای ۵۰ هزار تن سنگ آهن دانه بندی فلات مرکزی ایران برای اولین بار در تالار حراج باز بورس کالای ایران انجام شد که در رقابت سه خریدار، سرانجام کارگزاری تدبیرگر سرمایه با ثبت قیمت ۱۰ هزار و ۶۵۰ ریال به ازای هر کیلوگرم به عنوان خریدار این محموله شناخته شد. پیش از این، عباس یعقوبی مدیر عملیات بازار بورس کالای ایران از راه اندازی تالار حراج باز در بورس کالای ایران خبر داده و گفته بود: این تالار برای مبادله کالاهایی که به زمان رقابت بیش تری نیاز دارد، راه اندازی می شود و با معاملات سنگ آهن افتتاح می شود.



به گزارش «پیام اقتصادی بورس کالا»، وی درخصوص راه اندازی تالار حراج باز افزود: در بخشی از معاملات کالاها با توجه به ماهیت آنها خریداران نیاز به زمان

بیشتری جهت تصمیم گیری و خرید در زمان رقابت دارند. در ابتدا این تالار برای معاملات یکجا در نظر گرفته شده است که در ادامه سایر کالاها و محصولات نیز به این تالار اضافه خواهد شد.

■ عرضه ها استمرار خواهد داشت

امیر صباغ مدیر اقتصادی و توسعه سرمایه گذاری ایمیدرو با ابراز رضایت از مکانیزم عرضه سنگ آهن دانه بندی مجتمع سنگ آهن فلات مرکزی ایران در بورس کالا گفت: در این عرضه ۳ متقاضی برای خرید اعلام آمادگی کردند و در نهایت بالاترین قیمت از سوی یکی از مشتریان مورد پذیرش قرار گرفت و برنده این حراج معرفی شد.

وی با تاکید بر اینکه قطعا به سمت گسترش این روش عرضه پیش خواهیم رفت تصریح کرد: در عرضه های بعدی تلاش خواهیم کرد استفاده از ابزار بورس کالا را نسبت به مزایده های موجود، افزایش دهیم و سنگ آهن بیشتری را از این طریق کشف قیمت کنیم.

معاملات «مناقصه» در راه بورس کالا



با آغاز معاملات مناقصه در بورس کالا، در کنار اطلاعیه عرضه کالاها که به روش مزایده و رقابت خریداران انجام می شود، اطلاعیه مناقصه نیز منتشر خواهد شد که در این اطلاعیه، خریدار اعلام خواهد کرد تمایل به خرید چه کالایی و با چه مشخصاتی را دارد؛ به این ترتیب شرکت هایی که برای عرضه کالای مورد نظر در بورس پذیرش شده اند می توانند در مناقصه شرکت کنند؛ برنده مناقصه شرکتی خواهد بود که حاضر به فروش کالا با قیمت پایین تری به خریدار باشد.



به گزارش کالاکبر جواد فلاح مدیر مطالعات اقتصادی و سنجش ریسک بورس کالای ایران با اشاره به ماده ۱۷ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، گفت: براساس این ماده قانونی، خرید و فروش کالاهای پذیرفته شده در

بورس های کالایی که با رعایت مقررات حاکم بر آن بورس ها مورد دادوستد قرار می گیرند، توسط وزارتخانه ها، سازمان ها، نهادها و دستگاه های دولتی و عمومی و دستگاه های اجرائی نیاز به برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آنها را ندارند. فلاح ادامه داد: در حوزه معاملات فیزیکی، روشی که تا به امروز در بورس کالای ایران استفاده شده مبتنی بر روش مزایده بوده است؛ به طوریکه در روش مزایده، تولیدکنندگان محصول خود را برای فروش در بورس کالا عرضه می کنند و خریداری که بالاترین قیمت را سفارش دهد، برنده مزایده شناخته می شود، اما در روش مناقصه عکس این اتفاق در تالار معاملات رقم می خورد.

■ توانیر آغازگر معاملات مناقصه

فلاح اعلام کرد: با مذاکرات انجام شده، مقرر شد شرکت توانیر که شرکت های توزیع برق های منطقه ای زیر مجموعه آن بوده و برای زیرساخت های توزیع برق خریدهای کالایی انجام می دهند، در اولین گام و به صورت پایلوت خرید کنتور برق را در قالب معاملات مناقصه وارد بورس کالا نماید که در کنار کنتور، مسیر مناقصات اقلام دیگری مانند کابل، ترانسفورماتور، پایه ها و دکل های برق برای انجام معاملات باز خواهد شد.

بورس کالا

نمای بازار





پاگشایی خرما در تالار نقره ای

«رطب مضافتی» هم بورسی شد

بورس کالا خرما از جمله محصولاتی است که طی سال های گذشته و در جریان معاملات بازار فیزیکی بورس کالا هر از گاهی روی تابلوی تالار کشاورزی می رفت و پس از انجام چند نوبت معامله، خبری از استمرار معاملات نبود. اما از روز سه شنبه ۱۶ دی ماه ۹۹ با انجام چندماه اقدامات لازم، معاملات گواهی سپرده رطب مضافتی پس از پذیرش نخستین انبار بورسی در کرمان آغاز شد تا فعالان تالار نقره ای هر روز شاهد درج نام خرما بر تابلوی معاملات بورس کالا باشند.

جغرافیایی انبارهای تحت کلید بورس کالا عموماً در مناطق جنوبی کشور در دستور کار بورس کالا قرار دارد.

مزایای معاملات گواهی سپرده خرما

معاون توسعه بازار و مطالعات اقتصادی بورس کالای ایران در خصوص مزایای راه اندازی معاملات گواهی سپرده خرما در بورس کالا گفت: کشف نرخ شفاف و عادلانه، کمک به ایجاد بازاررسانی بهتر محصول، استانداردسازی محصول در بلندمدت، کنار رفتن واسطه ها با امکان فروش مستقیم محصول کشاورز در بورس و تبدیل شدن ایران به مرجع قیمت خرما در منطقه و حتی دنیا با توجه به حجم تولید مطلوب، از جمله مزایا و اهداف ورود خرما به بورس کالای ایران است.

فرآیند عرضه محصول از سوی کشاورزان

ناصرپور به چگونگی بهره مندی کشاورزان و فرآیند معامله خرما در بورس کالا اشاره کرد و گفت: فرآیند عرضه خرما در بستر گواهی سپرده کالایی به این صورت است که پس از پذیرش یک یا چند انبار، کشاورزان می توانند محصول خود که با استانداردهای تعیین شده از سوی بورس کالا منطبق است، به انبار بسپارند. در این مرحله یک قبض انبار به نام کشاورز صادر می شود که این قبض انبار در حکم گواهی سپرده کالایی بوده و امکان معامله آن به صورت مستقیم توسط

علیرضا ناصرپور معاون توسعه بازار و مطالعات اقتصادی بورس کالای ایران در خصوص ورود خرما به بورس کالا گفت: معاملات گواهی سپرده خرما پس از انجام اقدامات لازم و پذیرش نخستین انبار در بورس کالای ایران راه اندازی شد که خرمای مضافتی بم شروع کننده این معاملات در بورس کالا بود. وی عنوان کرد: گواهی سپرده خرما در ادامه راه اندازی گواهی سپرده گروه محصولات کشاورزی راه اندازی شد که برای امکان سنجی و تعیین کالا، بررسی های زیادی با مشارکت مجموعه وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تعاون روستایی، انجمن خرما و تولیدکنندگان بخش خصوصی انجام شد و در نهایت مقرر گردید در فاز اول، نخستین نماد گواهی سپرده این حوزه با خرمای مضافتی بم گشایش یابد. ناصرپور افزود: در همین راستا نخستین انبار متعلق به سازمان تعاون روستایی در شهرستان نرماشیر در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرستان بم پس از ارائه تضامین و بررسی مدارک در بورس کالای ایران پذیرش شد و دومین انبار نیز به اتحادیه تعاون روستایی استان کرمان اختصاص دارد.

به گفته وی، ورود انواع دیگر خرما به این معاملات به همراه پذیرش انبارهای جدید به منظور تکمیل پوشش

شد تا پس از دو روز معاملات آزمایشی، معاملات رسمی افتتاح شود. گفتنی است این انبار برای تحویل و پذیرش محصول کشاورزان از روز ۱۰ دی ماه باز شد و نماد آن در سامانه معاملات "رطب ۰۰۰۰۲پاه" است. موضوعی که کشاورزان باید به آن توجه کنند این است که محصول تحویلی به انبار باید تولید سال ۹۹ بوده و انباردار کالای تولیدی سال های گذشته را پذیرش نخواهد کرد. همچنین آخرین روز معاملاتی نماد ایجاد شده، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ بوده و پس از آن معاملات نماد برای فرآیند تحویل و تسویه حساب با انبار متوقف خواهد شد.

دومین انبار هم باز شد

دومین انبار رطب مضافتی جهت انجام معاملات گواهی سپرده خرما نیز روز شنبه ۲۷ دی ماه گشایش یافت و به این ترتیب معاملات خرما در نماد دومین انبار هم روز سه شنبه ۳۰ دی ماه آغاز شد.

این انبار مربوط به اتحادیه تعاون روستایی استان کرمان بود و نماد معاملاتی آن نیز "رطب ۰۰۰۰۲پاه" است.

استقبال کشاورزان از معاملات گواهی سپرده خرما

اکبر میرزاپور، سرپرست مدیریت توسعه بازار فیزیکی بورس کالای ایران درخصوص وضعیت معاملات گواهی سپرده خرما گفت: با وجود آنکه زمان اندکی از راه اندازی معاملات گواهی سپرده خرما می‌گذرد اما استقبال به نسبت خوبی از سوی کشاورزان و خریداران از این نحوه داد و ستد شده است.

میرزاپور افزود: در راستای گسترش معاملات این بخش انبار دوم خرما نیز در استان کرمان مورد پذیرش قرار گرفت و معاملات گواهی سپرده این انبار در بورس کالای کشور آغاز به کار کرد. خرمای مورد پذیرش این انبار از نوع مضافتی بم بوده و کشاورزانی که تولیدکننده این محصول هستند می‌توانند با مراجعه به این انبار نسبت به تحویل محصول خود و دریافت قبض انبار (گواهی سپرده خرما) اقدام کنند.

وی ادامه داد: اولین انبار گواهی سپرده خرما نیز به دنبال یک افزایش ظرفیت است که به زودی اجرایی شده و به این ترتیب زمینه افزایش حجم معاملات این بخش فراهم می‌شود. استفاده از این روش برای خرید و فروش خرما جدید بوده و توسعه آن نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

به گفته او، ظرف ماه‌های گذشته بورس کالای ایران اقدامات قابل توجهی برای فرهنگ‌سازی در این زمینه و آشنایی کشاورزان و خریداران با مزایای راه‌اندازی این شیوه معاملاتی داشته که نتیجه‌بخش نیز بوده است. البته همچنان معاملات گواهی سپرده خرما نوباست. با این وجود زمانی که کشاورزان با مزایای این روش آشنا می‌شوند از آن استقبال می‌کنند و بنابراین انتظار می‌رود که با ترویج بیشتر در این زمینه توسط بورس کالا، وزارت جهاد کشاورزی، رسانه‌ها و شرکت‌های کارگزاری، رونق این معاملات سرعت بیشتری بگیرد.

کشاورز در بستر آنلاین یا توسط کارگزاران در بازار گواهی سپرده بورس کالا وجود دارد. معاون توسعه بازار و مطالعات اقتصادی بورس کالای ایران تصریح کرد: به این ترتیب کشاورز می‌تواند به‌صورت مستقیم و بدون حضور واسطه‌ها محصول خود را از طریق تابلوی بورس به کل کشور عرضه کند، این موضوع علاوه بر حذف واسطه‌ها به کشف نرخ واقعی قیمت نیز کمک می‌کند.

آموزش به کشاورزان

وی در خصوص سطح آشنایی کشاورزان با معاملات بورس کالا اظهار داشت: با توجه به محدودیت های ایجاد شده در پی شیوع ویروس کرونا، امکان برگزاری کارگاه های آموزشی حضوری برای کشاورزان همانند گذشته فراهم نیست که البته بورس کالا آمادگی خود را در این زمینه با رعایت پروتکل های بهداشتی اعلام کرده است. اما مجموعه وزارت جهاد کشاورزی و سازمان تعاون روستایی و بورس کالا در حال اطلاع رسانی و آموزش به کشاورزان هستند و شبکه کارگزاری ها نیز در استان کرمان مستقر است تا خدماتی مانند دریافت کد معاملاتی، مشاوره و آموزش را به کشاورزان ارائه دهند.

جایگاه ایران در تولید خرما

در همین زمینه مدیرکل دفتر مقررات و استانداردهای بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی گفت: محصول خرما در کشور یکی از اصلی ترین محصولات کشاورزی به شمار می‌رود که ۱.۳ میلیون تن تولید سالانه این محصول در کشور است.

ولی الله فریادرس افزود: ایران رتبه دوم یا سوم را در تولید خرما در جهان دارد و در جایگاه صادراتی هم از نظر ارزش رتبه ۵ و از نظر میزان رتبه ۲ را دارا است و راه اندازی ابزارهای مالی بر پایه این محصول در بورس کالا مثبت تلقی می‌شود. فریادرس به عرضه محصولات کشاورزی در بورس کالا و راه اندازی ابزارهای مالی روی محصولات مختلف اشاره کرد و گفت: بورس کالا به عنوان ارکان بازار سرمایه می‌تواند در احیای اقتصاد بخش کشاورزی نقش ویژه ای ایفا کند اما در نگاهی واقع بینانه باید اذعان داشت که بازار سرمایه و بورس کالا زمانی می‌تواند کارایی اصلی خود را بر بازارها داشته باشند که باور اقتصاد رقابتی نیز در کشورمان ایجاد شود. به گفته مدیرکل امور مقررات و استانداردهای واردات وزارت جهاد کشاورزی، باید این باور در سیاست گذاران ایجاد شود که مسیر واقعی اقتصاد از رقابت و عرضه و تقاضا می‌گذرد و در این میان نوسانات قانون گذاری باید از بین برود.

گشایش نخستین انبار رطب مضافتی

همان طور که ذکر شد معاملات رسمی گواهی سپرده خرما از روز سه شنبه ۱۶ دی ماه آغاز شد اما براساس اطلاعیه بورس کالا، گشایش نخستین نماد معاملاتی انبار رطب مضافتی برای معاملات گواهی سپرده کالایی در روز یکشنبه ۱۴ دی ماه انجام



بورس کالا

حمیدرضا محمدی | روزنامه‌نگار: خبر آمده قرار است «خرما» در بورس کالا عرضه شود و معاملات گواهی سپرده خرما، پس از انجام اقدامات لازم و پذیرش نخستین انبار به‌زودی در بورس کالای ایران راه‌اندازی می‌شود که خرمای مضافتی بم، آغازگر این معاملات در بورس کالا است. به همین خاطر به بم رفتیم، شهری در استان کرمان که مأمن خرماست و مضافتی بم، البته شهره نه فقط خاص و عام، بلکه معروفیت جهانی دارد و برایش سر و دست می‌شکنند.

دسترنج‌دیار کریمان

گزارش میدانی از کاشت تا برداشت «خرما»
در بم و نرماشیر و عرضه رطب مضافتی در بورس کالا

محل جمع‌آوری شده دارد، وزن نهایی بین ۶ تا ۱۱ کیلوگرم متغیر است.»

بهنام‌پور دلیل اینکه چرا وزن هر کارتن خرما چنین بازه گسترده‌ای دارد را وابسته به میزان حجم محصول خرما و همچنین مواردی چون میزان گوشت خرما، درشتی یا ریزی خرما و آبدار یا کم‌آب بودن خرما عنوان می‌کند. رئیس اداره تعاون روستایی شهرستان بمر درباره مناسبات کشاورز و سردخانه‌دار هم بیان کرد: «برای نگهداری خرما قراردادی میان کشاورز و مالک سردخانه منعقد می‌شود که البته برای مدتی معین است یا اگر طولانی باشد، مقطع تاریخی دارد، مثلاً تا پایان خرداد سال آینده با سقف مبلغ برآوردشده که دوباره پس از آن تمدید می‌شود. بر این اساس در هر مقطعی از این بازه زمانی، حجمی از بار خرما فروش برود آن مبلغ توسط سردخانه‌دار پرداخت می‌شود. هرچند معمولاً خرمایی نمی‌ماند و همه فروش می‌رود و البته بعد از سال، شرایط کمیت و کیفیت خرما هم رو به تغییر می‌رود چون دوره خوب خرما، شش‌ماه اولیه پس از برداشت است.»



برای نگهداری خرما قراردادی میان کشاورز و مالک سردخانه منعقد می‌شود که البته برای مدتی معین است یا اگر طولانی باشد، مقطع تاریخی دارد، مثلاً تا پایان خرداد سال آینده با سقف مبلغ برآوردشده که دوباره پس از آن تمدید می‌شود

سخن از برداشت خرما شد که باکیفیت‌ترین خرما، آنهایی است که با کمترین فاصله از برداشت باشند. بد نیست بدانیم برداشت این محصول، در سه مرحله انجام می‌شود که بهترین آن، باری است که در مرحله دوم چیده شده باشد و از قضا ۵۰ درصد برداشت هم در همین مرحله رخ می‌دهد. اما تفاوت آن در چیست؟ «خرمای مرحله وسط به این سبب بر خرمای پس و پیش خود، ارجح است و درجه ممتاز؛ همین کیفیت باعث تفکیک زمان برداشت و باعث می‌شود خرما به سه درجه تقسیم شود. این خرما، گوشت‌دارتر، پربارتر، رسیده‌تر، مشکی‌تر و درشت‌تر و میزان خرابی‌اش

سفر به بمر، نیمه دوم آذرماه رقم خورد؛ زمانی که نه زمین این خطه تفتیده است و نه از آسمانش آتش می‌بارد. اصلاً بهترین روزهای کرمان و بمر همین ایام سال است که هوا رو به خنکی می‌گذارد. بمر در ۱۱۷۸ کیلومتری پایتخت واقع است و با مرکز استان کرمان هم ۱۸۹ کیلومتر فاصله دارد. چون بمر با کرمان، بُعد مسافت نسبتاً قابل توجهی دارد، شبی را در کرمان مقیم شدیم تا آماده مسافرت به بمر شویم. کرمانی که به دیار کریمان شناخته می‌شود و کرامت، وجه ممیزه مردم آن است. هنوز ساعات اولیه صبح بود که حرکت کردیم. برای رسیدن به آن دو ساعتی در راه بودیم. در مقصد، «غلامعلی بهنام‌پور»، رئیس اداره تعاون روستایی شهرستان بمر منتظرمان بود. به اتفاق او به سردخانه‌ای رفتیم که متعلق به تعاون روستایی است و یکی از سوله‌های آن، در حال آماده‌سازی بود که مهابی عرضه خرما در بورس کالا شود و به آن اختصاص یابد.

او ضمن اشاره به اینکه این سردخانه یکی از دو سردخانه تعاون روستایی با ظرفیت هر یک ۲ هزار تن است، گفت: «هرساله در فصل برداشت خرما که در شهریور شروع می‌شود، محصول کشاورزان پس از بسته‌بندی، در سردخانه نگهداری و از سردخانه در مراحل مختلف فروش تخلیه می‌شود. معمولاً جداسازی و بسته‌بندی خرما در همان مرحله اول یعنی برداشت و در باغات صورت می‌گیرد اما کشاورزان پرمحصول، خودشان محصول‌شان را می‌آورند و تحویل می‌دهند و در اینجا جدا می‌شود. کشاورزانی که محصول‌شان زیاد نیست و مثلاً پنج تن است، در همان باغ خود تقسیم‌بندی می‌کنند؛ کشاورزان همراه با خانواده‌شان در باغ زیراندازی پهن می‌کنند و پس از برداشت، خودشان کار جداسازی را انجام می‌دهند. اگر محصول به سردخانه بیاید، محصول، در سبدهای ۱۵ کیلویی، روی نقاله ریخته می‌شود و چند نفر در دو سوی آن می‌ایستند و به‌صورت دستی جدا می‌کنند.»

اما اینکه هر جعبه چگونه وزن‌کشی می‌شود هم جالب است: «پس از بسته‌بندی، هر دوازده جعبه در یک کارتن جای می‌گیرد؛ جعبه‌هایی که هر کدام ۶۰۰ تا ۶۵۰ گرم وزن دارند اما ممکن است بیشتر هم باشد که بستگی به نوع خرما دارد. هر عدد خرما، بین ۱۰ تا ۱۵ گرم وزن دارد و بر این اساس، در هر جعبه ۴۸ عدد خرما قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هر کارتن خرما، عموماً ۸ تا ۹ کیلوگرم وزن دارد اما چون بستگی به کیفیت، اندازه و

خرمایی که به کشورهای دیگر می‌رود، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد رطوبت دارد چون اگر خرما آبدار باشد، بودن در بار و مسافت طولانی باعث خرابی آن می‌شود و ضمناً، چنانچه مصرف آن مشمول زمان شد، کیفیت خود را از دست ندهد. در نتیجه خرمای تجاری اگر ۷/۵ کیلوگرم و کمتر باشد، برای صادرات می‌رود. اگرچه وزن خرما نشان می‌دهد که چگونه کیفیتی دارد.»

اما حالا بد نیست از انواع خرما بدانیم؛ خرماهایی که در این خطه به دست می‌آیند: «شرق استان کرمان یعنی شهرهای بم، ریگان، نرماشیر و فهرج، سالانه ۳۰۰ هزار تن محصول خرما دارند که خرمای اصلی‌شان مضافتی است و همین هم در بم رایج است. البته خرمای زاهدی و کلوته (کلیته) که بیشتر در بزمان و جیرفت به بار می‌نشیند- هم هست ولی غالب محصول زیر کشت، مضافتی است چون هم بازارپسندتر است و هم در این شرایط اقلیمی، محصول بهتری می‌دهد و حتی صادرات بهتری هم دارد.» ضمن دانستن ویژگی‌های خرمای مضافتی، فهم سبب تفاوتش با دیگر انواع خرما، خالی از لطف نیست: «تفاوت در ضخامت پوست، میزان گوشت و میزان آب است. در جیرفت، همین نوع خرما، آبش بیشتر و پوستش ضعیف‌تر است و شکننده که اگر بسته‌بندی شود، به هم می‌چسبد بنابراین شرایطی که باید داشته باشد ندارد اما مضافتی بم تا خرداد سال آینده می‌ماند، له نمی‌شود، به هم نمی‌چسبد و در هم مچاله نمی‌شود. ناگفته نماند که این تفاوت به منطقه کشت هم برمی‌گردد. اینکه مضافتی، ۳۰ تا ۳۵ درصد رطوبت دارد و کلوته، ۱۰ درصد، به‌خاطر منطقه کشت آن است.»

در پایان، سری هم به سالن جداسازی و تقسیم‌بندی سردخانه

هم کمتر است. خرماهایی هم که کیفیت کمتری دارند، در صنایع تبدیلی استفاده می‌شود. حتی اگر به هیچ وجه مناسب خوراک انسانی نبود (مثلاً پوسیده و ترشیده بود) به مصرف دام می‌رسد و به این ترتیب هیچ محصول خرمایی دور ریخته نمی‌شود.» سخن از صنایع تبدیلی یعنی کارگاه‌های پخت کماج و کلمپه و کارخانه‌های شیرینی‌پزی و شکلات‌سازی شد، فراموش نکنیم از خرما، الکل هم به دست می‌آید که در این روزهای مبارزه با ویروس کرونا، بسیار به کار آمده است.

چگونگی فروش خرما نیز بسیار مهم است که رئیس اداره تعاون روستایی شهرستان بم درباره آن توضیح داد: «اگر خود کشاورز بفروشد که هیچ اما اگر بخواهد ما برایش بفروشیم، محصول هر کشاورز، کدبندی و مشخص می‌شود. ضمناً اگر سردخانه

چیزی از محصول او را به فروش برساند، کارمزد هم دریافت می‌کند.» او نکاتی درباره فروش برون‌مرزی خرما، یعنی صادرات آن هم ضمیمه کرد: «برای خرمای تجاری و صادراتی مجوز مختص آن به‌ویژه اداره استاندارد صادر می‌شود که خرمای خاصی به شمار می‌رود و فرآیند آن چنین است: تاجر وزن مورنظر خود را برای خرید اعلام می‌کند. مثلاً می‌گوید خرما با وزن ۶ کیلو و ۸۰۰ گرم می‌خواهم. پس از طی مراحل معمول، اگر مسیر دریا باشد، از اینجا با کامیون یخچال‌دار به بندر می‌رود، در اسکله بارگیری می‌شود و با کشتی می‌رود. اگر هم مسیر خشکی باشد که همین‌جا بار زده می‌شود.» جالب آنکه در همین اثنا دو کامیون، یکی به مقصد هلند و دیگری به مقصد روسیه از این سردخانه حرکت کردند.

چون بحث خرمای صادراتی داغ بود، از او درباره تفاوت مصرف داخل و خارج پرسیدیم: «رطوبت خرمای مصرف داخل، ۳۰ درصد است اما



برای خرمای تجاری و صادراتی مجوز مختص آن به‌ویژه اداره استاندارد صادر می‌شود که خرمای خاصی به شمار می‌رود و فرآیند آن چنین است: تاجر وزن مورنظر خود را برای خرید اعلام می‌کند. مثلاً می‌گوید خرما با وزن ۶ کیلو و ۸۰۰ گرم می‌خواهم. پس از طی مراحل معمول، اگر مسیر دریا باشد، از اینجا با کامیون یخچال‌دار به بندر می‌رود، در اسکله بارگیری می‌شود و با کشتی می‌رود. اگر هم مسیر خشکی باشد که همین‌جا بار زده می‌شود

او درباره چگونگی دریافت خرما و نحوه نگهداری آن گفت: «پس از برداشت، اگر کشاورز بخواهد خودش بسته‌بندی کند، در کارتنی که به او داده‌ایم، این کار را انجام می‌دهد و خودش تحویل می‌دهد. جز این، خودمان بعد از برداشت کارتن می‌کنیم و به کشاورز پیش‌پرداخت می‌دهیم. حتی خودمان به سفارش مشتری، می‌رویم و محصول برداشت‌شده را تحویل می‌گیریم و بسته‌بندی می‌کنیم.»

او درباره دسته‌بندی خرما اما متذکر شد که این اتفاق، «براساس مرغوب بودن» آن صورت می‌گیرد ضمن آنکه، «خرماهایی که رطوبت بالایی دارند به مصرف داخل می‌رسند و سبک‌وزن‌ها به خارج از کشور می‌روند چون رطوبت کم‌تری دارند.»

اما اینکه تفکیک چگونه صورت می‌گیرد که این حجم عظیم بار خرما، برای هر کشاورز، طبق معاهده معقود،

محفوظ بماند؟ پاسخ روشن بود: «هر قفسه، نام کشاورز، کد، وزن هر جعبه و وزن کل کارتن را دارد و معلوم است هر محصول برای چه کسی است. البته کشاورزانی هم هستند که خودشان سردخانه دارند؛ یعنی خودشان هم نگهداری می‌کنند و هم خرما را به فروش می‌رسانند. اما اگر کشاورز، بخواهد، ما هم می‌توانیم کمک‌حال او در فروش محصولش باشیم. خریدار اما اگر به سردخانه بیايد، روندش کمی متفاوت می‌شود. زیرا او باید درخواست دهد و مزیت‌های خرمایی که می‌خواهد می‌گوید. ما هم می‌سنجیم و با کشاورز هم هماهنگ می‌کنیم. هر دو می‌آیند و مبادله انجام می‌گیرد.»

جالب است جز آنکه هر کشاورز می‌تواند نگهداری و فروش دسترنج سالانه‌اش را خود بر عهده بگیرد، حتی می‌تواند برندی هم داشته باشد که البته شاید کشاورزان تاجر بتوانند چنین کنند، کم‌اینکه برند خرمای کلوتا هم متعلق به اتحادیه تعاون روستایی استان کرمان است. طبق نظر او، سبب گرایش کشاورزان

زدیم که به گفته بهنام‌پور، در اوج برداشت خرما، «این سالن از خرما فرش می‌شود.» و نیروی انسانی به کمک می‌آید چون به قول او، «علاجی نیست. خرما و گردو و پسته و تمام محصولات کشاورزی، وقتی روی نوار نقاله ریخته می‌شوند، باید با دخالت دست جدا شوند و البته در شرایط کاملاً بهداشتی با روپوش و کلاه و ماسک.» و پس از آن، «محللول روغنی خوراکی به آن می‌پاشند تا برق‌شود و شکل ظاهری‌اش، کیفیت‌دار و بازارپسند شود.»

چون صحبت از شرایط بهداشتی تفکیک خرما شد، او اگرچه معتقد است، «خرما قابل شستن نیست و میان تاجران و خرماداران چنین جا افتاده که خرما میکروب‌پذیر نیست» اما منکر هم نمی‌شود که «هر محصولی اگر شرایط بهداشتی‌اش مراعات نشود، هم اضافات به آن می‌چسبد و هم میکروبی می‌شود.

به‌خصوص آنکه چون آب دارد و دچار پوسیدگی و ترشیدگی می‌شود، پس حتماً می‌تواند آلوده شود و میکروب بپذیرد.»

در همین بازدید، حاج‌آقا افشار که مالک سردخانه بود، درباره عرضه خرما در بورس کالا یادآور شد: «قراردادها منعقد، ضمانت‌نامه داده شده و رایزنی‌ها صورت گرفته است و تنها چگونگی انجام امور پس از انعقاد قرارداد مانده است. نکته قابل توجه اما آن است که ما کیفیت خرمایی را که امروز فروختیم و تحویل دادیم، تضمین می‌کنیم اما اگر بماند و دچار گرفتاری‌های اداری شود، خریدار، به‌ویژه اگر خارجی باشد، ضرر می‌کند و متصدیان فروش مسئول هستند.»

از بم راهی نرماشیر شدیم. شهری در جنوب بم، که فاصله‌ای ۳۸ کیلومتری دارد. سردخانه‌ای که قرار بود از آن بازدید کنیم، فاصله‌ای پنج کیلومتری با شهر داشت. آنجا به دیدار «مراد سلیمانی» رفتیم که به نمایندگی از اداره تعاون روستایی شهرستان نرماشیر در آنجا حاضر بود.



قراردادها منعقد، ضمانت‌نامه داده شده و رایزنی‌ها صورت گرفته است و تنها چگونگی انجام امور پس از انعقاد قرارداد مانده است. نکته قابل توجه اما آن است که ما کیفیت خرمایی را که امروز فروختیم و تحویل دادیم، تضمین می‌کنیم اما اگر بماند و دچار گرفتاری‌های اداری شود، خریدار، به‌ویژه اگر خارجی باشد، ضرر می‌کند و متصدیان فروش مسئول هستند

می‌کنیم. هر بار که نخیلات را می‌تکانیم، خرماهای خوب و بد را جدا می‌کنیم.»

او درباره تفاوت خرماهای خوب و بد اشاره کرد: «البته ما دیگر تجربه داریم و می‌فهمیم چه خرمایی مرغوب است چون خرما سه درجه دارد. وقتی خرماها جمع شد، روی فرش تمیزی می‌ریزیم و جداسازی می‌کنیم. خرماي درجه یک، عالی است، خرماي درجه دو، متوسط است و خرماي درجه سه هم ضایعات است که این درجه‌بندی بستگی به پوست و گوشت و رطوبت خرما دارد. خرماي ممتاز، هم سنگین و پرگوشت و هم آبدار است و شیره دارد اما خرماي متوسط، به اصطلاح ما، دوئم است.»

مرحله بعدی، بسته‌بندی است که «خودمان کارتن می‌آوریم و در جعبه می‌ریزیم و به سردخانه تحویل می‌دهیم.» هرچند برای فروش، سروکله واسطه‌ها پیدا می‌شود که این برای کشاورزان، اصلاً رضایت‌بخش نیست: «واسطه‌ها ما را بدخت می‌کنند و چون به هیچ‌جا دسترسی نداریم به آنها متوسل می‌شویم. این در شرایطی است که ما خرما را هر کیلو، شانزده، هفده‌هزار تومان فروختیم که با احتساب ۱۰ هزار تومان هزینه‌های جانبی مثل کارگر و کود و آب، حتی نصف فروش هم

سود نمی‌شود و این در شرایطی است که برای ثمردهی یک نخل، باید بیست سال هزینه کرد. قیمت کود هم البته خیلی بالاست؛ کود دی آمونیوم فسفات، کیلویی ۵۰۰ تومان است و هر درخت باید پنج کیلو دریافت کند نه یک کیلو و این تنها هزینه کود ما برای یک روز است اما اگر بتوانیم کود ماکرو تهیه کنیم، تا ۶ ماه تامین می‌شویم.»

او همچنین گفت: «در تابستان‌ها، هر هفته و زمستان‌ها هر دو هفته آبیاری انجام می‌شود. نخیلات، بیست روز قبل و بیست روز بعد از عید شکوفه می‌زنند و باید گرده‌افشانی انجام شود و از بیست مرداد تا اول مهر هم برداشت صورت می‌گیرد.»

منطقه به کشت خرماي مضافتی، «به خاطر بادهای شدیدتر است. همچنین گرمای اینجا طوری است که از گذشته، مضافتی بیشتر جواب داده است زیرا مقاومت بیشتری دارد و به همین خاطر اینجا بیشتر مضافتی کشت می‌شود. این اقلیم است که به شما می‌گوید، چه محصولی، بهترین نتیجه را می‌دهد.»

سلیمانی ضمناً از مراحل کاشت و داشت و برداشت هم گفت که ترتیب زمانی آن چگونه است: «کاشت نخل، به‌وسیله پاجوش صورت می‌گیرد و پس از نزدیک به بیست سال ثمر می‌دهد. اما فرآیند سالانه، در ماه‌های اسفند و فروردین انجام می‌شود. برداشت اما در ماه‌های مرداد و شهریور صورت می‌گیرد که البته آن هم در سه مرحله است.» او همچنین یادآور شد: «مضافتی، خرماي سخت‌تری نسبت به خرماهای دیگر است یعنی دشوارتر به بار می‌نشیند و عمل می‌دهد و حتی ممکن است محصول آن خشک شود، در نتیجه حساسیت بیشتری می‌طلبد.»

حالا وقت آن رسیده بود که به دل نخلستان بزنیم و با یکی از نخل‌داران و خرماکاران گپی بزنیم و بدانیم خرما از کاشت تا برداشت، چطور و چگونه عمل می‌آید و در این راه، چه مصائب و مسائلی بر آنها می‌گذرد.

«علی‌مردادی»، صاحب یک زمین زراعی وسیع در نماشیر است. با او همراه شدیم و در نخلستانش قدم زدیم که درباره مراحل کاشت گفت: «درختی که کاشتیم بعد از بیست سال بار می‌دهد. بعد هم که شکوفه داد باید با زحمت گرده‌افشانی کنیم. باید هر سال درخت را هرس کنیم تا آنکه بالاخره ثمر دهد. البته برداشت و بسته‌بندی هم پرزحمت است.»

و بعد، به سراغ برداشت رفت: «خوشه که با طنابی از جنس لیف خرما به درخت بسته شد، در هفت یا هشت نوبت تکانده می‌شود. هر بار هم زیر درخت پارچه‌ای که به آن چادرشب می‌گوییم، پهن



سبب گرایش کشاورزان منطقه به کشت خرماي مضافتی، «به خاطر بادهای شدیدتر است. همچنین گرمای اینجا طوری است که از گذشته، مضافتی بیشتر جواب داده است زیرا مقاومت بیشتری دارد و به همین خاطر اینجا بیشتر مضافتی کشت می‌شود. این اقلیم است که به شما می‌گوید، چه محصولی، بهترین نتیجه را می‌دهد



او درباره نخل‌داری که معتقد است «شغل پدری و ارثی ماست»، اضافه کرد: «محصول هر نخل متفاوت است؛ در منطقه ما مضافتی که مشکی‌رنگ است، بهترین محصول را می‌دهد. کلوته که قهوه‌ای‌رنگ است و خوریک و هلیله که در زمستان می‌رسد هم البته در اینجا می‌توان برداشت کرد.» او درباره تفاوت خرما و رطب نکته مهمی را متذکر شد: «خرما را چون آفتاب می‌دهند اصلا ترش نمی‌شود ولی رطب وقتی برداشت شد حتما باید به سردخانه برود. این مهم‌ترین فرق‌شان است.»

سردخانه‌های خرما را دیدیم و با کشاورزان هم گپ زدیم و تمام شد. دیگر غروب شده بود که در مسیر بازگشت به کرمان، آقای راننده‌ای که ما را می‌برد، نکته‌ای گفت که دیگران نگفته بودند. او از عرق کاشیکلو یاد کرد که محصول گرده‌افشانی نخیلات است. ماجرا هم این است که غلاف گل نخل یا همان خوشه درخت خرما، عضوی از درخت خرمای نر که به شکل غلاف چوبی با بافتی نرم است که در آن سلول‌های جنسی به‌صورت رشته‌هایی حاوی گرده وجود دارد و برای عمل گرده‌افشانی و باروری خرما که به صورت دستی انجام می‌گیرد از آن استفاده می‌شود. به بیان دیگر، خوشه خرما داخل پوشه‌ای به نام کوریشکو یا در زبان مردم محلی، کاشیکلو است که وقتی خوشه کامل رسید، پوسته را شکافته و بیرون می‌آید. این گرد که موجب باروری و محصول‌دهی نخل ماده می‌شود، آرمانند است که از آن عرقی استحصال می‌شود که مسکن و آرام‌بخش اعصاب و روان است.

خرما حالا با ورود به بورس کالا و درنوردیدن مرزهای تازه، به کالایی بورسی تبدیل شد. اتفاقی که شاید بتوان آن را یک نقطه عطف در معاملات این محصول دانست. یادمان نرود خرما، مهم‌ترین کشت مردم جنوب ایران، از خوزستان تا سیستان و بلوچستان است و حالا می‌توان با این اتفاق، حاصل دسترنج‌شان را ارج و اجر داد.

رنج بی گنج گپ‌وگفتی با نخل‌داران جنوب ایران

امیرحسین احمدی | عمر خود را پای یکایک این نخل‌ها صرف و با آنها زندگی کرده است. نخل‌هایی که محصول خرماي‌شان، نان او و زن و بچه‌اش را در این سال‌ها تامین کرده است. سنش به شصت می‌رسد و لهجه غلیظ عربی با رویی گندمگون دارد. حاج‌محمد یکی از کسانی است که در حمیدیه از توابع استان خوزستان نخیلات دارد. او می‌نالد از اینکه شیرینی حاصل جان‌کندن پای نخل‌هایش را تعرفه صادراتی و شل‌کن سفت‌کن‌های بازار، هر سال بر او زهر می‌کند؛ «شکر خدا می‌گذرونیم ولی هر سال یه قصه جدید داریم. یه بار می‌گن صادرات ممنوع، فرداش دوباره راه رو باز می‌کنن که خرما صادر بشه. با همین کارها، محصول ما خاک بر سر شده!» دو-سه سال پیش به یادش می‌آید؛ همان سالی که قیمت خرما در تهران سر به فلک کشید؛ «قبل از ماه رمضان بود. کلی هم در تهران سروصدا کردن که چرا خرما گرون شده و مردم خرما ندارن بخورن. صادرات رو ممنوع کردن. به جای اینکه برن ببینن ریشه گرونی کجاست، جلو صادرات رو گرفتن. اون سال ولی کسی حواسش به ما نبود که باید از پس هزینه نخیلات‌مون بریایم.»



است، به گونه‌ای دیگر می‌گوید. نزدیک چهل سال دارد و زندگی‌اش را از یک زمین ۱۰ هکتاری گندم و یک نخیلات دو هکتاری در حمیدیه می‌گذارند: «بدبختی که یکی دو تا نیست. سیل خوزستان خیلی از نخیلات رو ویرون کرد. آباد کردن‌شون چون ما نخل‌دارا رو گرفت. الان هم مشکل دائم، آبه. یا می‌گن آب نیست و تو کانال نیومده یا لایروبی‌ش نمی‌کنند و آب درست پایین‌دست نییاد یا هزار تا بهونه و طرح دیگه می‌ریزن. این نخل آب می‌خواد که خرما بده. می‌گن مصرف آب تو نخلستان‌های ایران سرسام‌آوره. وقتی که من هنوز تو دو دو تا چهارتای زندگیم موندم، چه جور می‌تونم درآمد این نخلستون رو خرج خودش کنم؟ خرج اینکه آبیاری

او می‌گوید پرورش نخل، پرهزینه‌تر از محصولات دیگر است: «نخل مثل خود انسانه. ذره‌ای ازش غافل بشی کل نخیلات از بین می‌ره. هر سال هم که هزینه کارگر و آب و تیمار بالاتر می‌ره. انقدر که دیگه دخل‌وخرج به هم نمی‌خونه ولی بازم شکر خدا.» حاج محمد اما شاکی است؛ «این همه سال گذشته و هنوز بسته‌بندی درست برای خرماي صادراتی ندارن. رطب هم مثل زعفران و پسته است. اگر بهش برسن درآمد داره به جیب کشور خودمون می‌ره. اونم خرمايی که از اول شهرپور که خارک هست تا آبان که رطب می‌شه، هر کدوم مشتری خودش رو داره.» حرف‌های حاج‌محمد را عباس که او هم اهل حمیدیه

جدید داشته باشم و آب کمتر هدر بره؟ نصف این آبی هم که هدر می‌ره به خاطر اینه که درست آب رو کانال‌کشی نکردن.»

بر اساس آمار وزارت جهاد کشاورزی نزدیک به ۲۷۰ هزار هکتار از زمین‌های کشور نخلستان است. نخلستان‌هایی که هر سال نزدیک به ۱/۵ میلیون تن خرما می‌دهد و سهم ۱۵ درصدی از کل خرمای جهان دارد. با این حال آمار دیگر کشورها نشان می‌دهد که ایران آن‌چنان که باید و شاید جایگاه خود را در بازار خرمای جهان تثبیت نکرده و هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری از نخل و نبود مکانیزاسیون، تولید خرما را در کشور از نفس انداخته است. در این سال‌ها اما مسئولان این وزارتخانه مدام از این گفته‌اند که کاهش هزینه‌های تولید برای اقتصادی کردن تولید خرما از مهم‌ترین مولفه‌های افزایش درآمد خرماکاران بوده و بنابراین توسعه مکانیزاسیون کشاورزی در باغات و اصلاح نخیلات از اصلی‌ترین برنامه‌های این وزارتخانه برای حمایت از باغداران در جهت کاهش هزینه‌های تولید است.

سالانه حدود هفت میلیون تن خرما در جهان تولید می‌شود که کشور ما با تولید بیش از یک میلیون و چهل هزار تن خرما جایگاه ویژه‌ای در این میان دارد. ایران ۱۵ درصد تولید و ۲۱ درصد سطح زیر کشت خرمای دنیا را به خود اختصاص داده است.

برای تفهیم اهمیت این موضوع، شاید بد نباشد، وضعیت تولید خرما در ایران و مصر را مقایسه کنیم؛ مصر اولین تولیدکننده خرما در جهان است. در این کشور از هر هکتار نخلستان، حدود ۴۰ تن خرما برداشت می‌شود. این در حالی است که بر اساس آمار میانگین، تولید خرما در ایران چیزی در حدود ۴/۵ تا ۵ تن در هکتار است؛ یعنی یک‌هشتم مصری‌ها. جالب است بدانید با اینکه تونس، رتبه هفتم تولید خرمای جهان را دارد اما نخستین صادرکننده خرما در جهان است و این یعنی در ایران اگر برنامه‌ریزی ملی در عرصه خرما صورت پذیرد، حصول نتیجه مطلوب ممکن خواهد بود.

طبق آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران و آمارنامه محصولات کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی که مربوط به سال ۱۳۹۳ است، طی ۲۵ سال گذشته میزان تولید خرما در کشور بیش از پنج برابر افزایش یافته و از ۱۷۳ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به یک میلیون و ۴۲ تن در سال ۱۳۹۳ رسیده است. با این حال اما بیم آن نیز وجود دارد که صنعت تولید خرما در ایران دوام چندانی نداشته باشد. کارشناسان می‌گویند که یکی از راه‌های برون‌رفت از مشکلات کوچک و بزرگ تولید خرما، توسعه مکانیزاسیون

است. نزدیک به ۷۰ درصد از هزینه‌های تولید خرما، صرف دستمزد کارگر می‌شود. علاوه بر این، وقتی بدانیم که اکثر خرماکاران کشور خرده‌مالک هستند و از عهده هزینه‌های توسعه ابزار در نخلستان‌های خود بر نمی‌آیند، توسعه مکانیزاسیون و شیوه‌های جدید تولید از صرفه اقتصادی خالی می‌شود.

شش سال پیش، کامبیز عباسی، رئیس مرکز مکانیزاسیون وزارت جهاد کشاورزی گفته بود این وزارتخانه قصد دارد برای بخشی از باغ‌های سنتی خرما که امکان ورود برخی ماشین‌آلات مکانیزه وجود ندارد، از دستگاه‌های مکانیزه مخصوص و برای باغ‌های قابل دسترسی از تکنولوژی و ماشین آلات نوین دنیا استفاده کند. رئیس مرکز مکانیزاسیون وزارت جهاد کشاورزی همچنین گفته بود که برای توسعه مکانیزاسیون برداشت خرما برنامه ۱۲ ساله‌ای تدوین و در این راستا نیز ماشین‌آلات مختلفی به کشور وارد شده و در اختیار کارخانه‌های سازنده ماشین‌آلات کشاورزی قرار گرفته است. به گفته عباسی، طبق مطالعات صورت‌گرفته در دنیا، بیشترین دستگاه‌های پیشرفته مکانیزه برداشت خرما مربوط به رژیم صهیونیستی است که از این رو، ایران برای رفع مشکل برداشت خرما در کشور به دنبال واردات ماشین‌آلات مکانیزه خرما (بالابر) از دیگر کشورهاست. او از این هم گفته بود که سالانه ۶۰ تا ۷۰ میلیارد تومان سرمایه برای توسعه مکانیزاسیون ورود تکنولوژی نوین در بخش برداشت مکانیزه خرما نیاز است که در این راستا ۲۰ درصد سرمایه از آورده کشاورزان و بقیه از طریق تسهیلات دولتی در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. عباسی نیز بر این نکته تاکید کرده بود که عمده تولیدکنندگان بخش کشاورزی خرده‌مالک هستند که انتظار می‌رود تعدادی از خرده‌مالکان که دارای اراضی نیم‌هکتاری هستند، تشکلی را ایجاد کنند تا بتوانند از این تسهیلات بهره‌مند شوند. نوسانات شدید قیمت ارز، تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از سال ۹۳ تا امروز اما دالان تودرتوی توسعه مکانیزاسیون خرما را پیچیده‌تر کرده است.

تا آنجا که حتی صدای حاج‌محمد هم درآمده است: «کدوم ابزار و کدوم ماشین؟ قیمت هر بالابر یک میلیارد تومن پول برمی‌داره. مگر این یه هکتار نخل چقدر درآمد داره که من بتونم ماشین و ابزار هم بگیرم؟» این است گیر و گرفتاری نخل‌داران ایرانی که پهنه جنوبی ایران، زیر بار دسترنج کاشت آلهاست؛ آنهایی که بیشترین رنج را می‌برند اما کمترین گنج را به دست می‌آورند.

همه مصائب یک تجارت

کنکاشی در وضعیت صادرات خرماي ایران

مهدی نوروز / روزنامه‌نگار : کشت خرما در ایران سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد و در متن تاریخی «بندھشن» (به معنی آفرینش آغازین) که در اواخر دودمان ساسانی تالیف شده است، واژه نخل به چشم می‌خورد. اگرچه این محصول در مناطق مختلفی از کشور به عمل می‌آید اما ۶ استان شامل بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان و هرمزگان بیشترین سهم را در تولید سالانه یک میلیون تن خرما در کشور دارد. در این میان سهم استان کرمان از تولید خرما به تنهایی به ۳۰۰ هزار تن می‌رسد که ۳۰ درصد از تولید سالانه خرما در کشور را شامل می‌شود. برای درک بهتر موضوع تجارت خرما، به سراغ «محسن رشیدفرخی»، رئیس انجمن ملی خرماي ایران و همچنین «مهدی ایرانی کرمانی»، صادرکننده باسابقه این محصول رفته‌ایم. محبوبیت خرماي ایرانی نزد مردم کشورمان در حدی است که تقریباً ۷۵ درصد این محصول در بازارهای داخلی به فروش می‌رسد و فقط ۲۵ تا ۳۰ درصد آن صادر می‌شود. البته رشیدفرخی، رئیس انجمن ملی خرماي ایران، نگاهی متفاوت به این آمار صادراتی دارد و معنای تجارت در ایران را متفاوت با سایر دنیا می‌داند: «پس از تحریم‌های ناعادلانه آمریکا، برخی معیارهای کارآمد در تجارت جهانی را از دست دادیم. در نبود اقتصاد پایدار، نمی‌توانیم ادعا کنیم در حال تجارت هستیم، زیرا مهم‌ترین پیش‌شرط برای تجارت موفق، ثبات ارزش پول ملی است که امکان برنامه‌ریزی به فعالان بازار می‌دهد. معیار دیگر، بسته‌بندی و نشان‌سازی است. سوای دو یا سه نوع خرماي خشک مثل «پیارم» که روی آن قدرت مانور داریم، خرماهای دیگر فقط در یک ماه از سال به عمل می‌آید و باید تمام حجم کارهای ما در آن یک ماه انجام شود. طبعاً در این بازه زمانی اندک، انتقال محصول به بسته‌بندی‌های جدید، کاری دشوار است». اینها اما فقط مشکلات کلی تجارت خرما است، درون بازار این محصول هم گویی زنجیره‌ای از موانع وجود دارد.



۱۲ زیرساختی که نیست؛ فرصت‌هایی که می‌سوزند

طی سال‌های اخیر، خرماي «مضافتی» به عنوان نامی تجاری شناخته شده است. اگرچه این خرماي تر و مرطوب یکی از محبوب‌ترین انواع رطب در ذائقه جهانی است اما حمل‌ونقل آن، چندان ساده نیست. مهدی ایرانی کرمانی در این زمینه می‌گوید: «خرمایی قابلیت نگهداری دارد که رطوبتش زیر ۲۰ درصد باشد. البته کیفیت این نوع خرما، پایین‌تر است و در جنوب استان کرمان یعنی در منطقه بم، نرماشیر و ریگان، برداشت می‌شود.» به گفته این فعال بازرگانی، نبود زیرساخت‌هایی از جمله سردخانه سبب شده تا ایران امکان چندان برای صادرات خرماي مرغوب و مضافتی نداشته باشد نکته‌ای که محسن رشیدفرخی نیز بر آن صحنه می‌گذارد و

می‌افزاید: «کشوری مانند تونس، پیش از ورود به بازار بین‌المللی، حدود ۱۵ سال صرف تقویت زیرساخت‌ها کرد و با اینکه هفتمین کشور تولیدکننده خرما در دنیاست اما اکنون، در رتبه اول صادرات خرما ایستاده است. درواقع خلأ زیرساخت در ایران، عامل مهمی در عقب ماندن از رقبای از دست رفتن فرصت‌های بزرگ به شمار می‌رود.» اما فرصت‌هایی که رشیدفرخی به آن اشاره می‌کند چیست؟ پنجم ژوئن ۲۰۱۷ کشورهای عربی به محوریت عربستان روابط سیاسی-اقتصادی خود را با قطر قطع کردند. هرچند ایران در صادرات غذایی به قطر پیشگام شد اما به سرعت قافیه را به دیگر همسایه خود یعنی ترکیه باخت. به گفته کارشناسان، دلیل این شکست تجاری نبود زیرساخت تجاری مناسب در کشورمان بود و

همچنین کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی جلب شود. تاجران خرما کوشیدند با وجود ضعف زیرساخت‌های موجود، جاپایی در این بازارهای جدید پیدا کنند اما سیاست‌گذاری‌های «یک‌شبه»، آفتی بود که دامنگیر تاجران کشورمان شد. رشیدفرخی، آهی از سینه بیرون می‌دهد، نگاهش را به دوردست می‌دزد و با تاسف، لب به سخن باز می‌کند: «سال ۹۷ بیش از ۴۰۰ میلیون دلار صادرات خرما داشتیم اما با تصمیمی یک‌شبه و بدون هیچ علتی آن را ممنوع کردند. اگرچه ما با تلاش زیاد و طی ۱۵ تا ۲۰ روز مشکل را حل کردیم اما اعتماد فعالان بازار هدف به ما ضربه جدی خورد و برای سال بعد، حسابی جدی روی ما باز نکردند و به این ترتیب رقم صادرات سال ۹۸ به ۲۵۰ میلیون دلار سقوط کرد».

۲ راه ورود به بورس از کجا می‌گذرد؟

با وجود وضعیت خرمای ایران در بازارهای بین‌المللی اما زمزمه‌هایی از عرضه این محصول در بورس کالا نیز به میان می‌آید. به باور رئیس انجمن ملی خرمای ایران ورود خرما به بورس مشکلی ندارد اما این کار باید از نوع خشک خرما آغاز شود: «محصولی مثل پسته را می‌توان به عنوان کالای سرمایه‌ای در یک محل نگهداری کرد اما خرما باید در سردخانه باشد. بنابراین ابتدا باید عرضه دیگر محصولات خشک به نتیجه برسد و سپس عرضه خرما را از انواع خشک شروع کنیم».

۲ سالی که گذشت و آینده خرما

سال ۱۳۹۹ در حالی به سه ماه پایانی خود رسیده که شیوع ویروس کرونا و بیماری مرگبار کووید-۱۹، گلوئی تجارت جهانی را فشرده است. با این حال دست‌اندرکاران با خوشبینی از ثبت رقم ۲۵۰ میلیون دلار صادرات خرما تا پایان سال جاری سخن می‌گویند، رقمی که حتی در صورت تحقق هم در قیاس با ظرفیت‌ها و مزیت‌های خرمای ایران در بازارهای جهانی، ناچیز به نظر می‌رسد.

۲ دواي درد صادرات خرما چیست؟

ترجیع‌بند گلایه‌ها و توصیه‌های فعالان و کارشناسان بازار خرما این است: توسعه زیرساخت‌ها، سیاست‌گذاری‌های منظم و پایدار و همچنین پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه، مطالبات و نکاتی است که اگر از سوی مسئولان جدی گرفته و از حرف به عمل تبدیل شود، می‌تواند افق روشن‌تری پیش روی تجارت خرمای ایران قرار دهد. محصولی که اگر روند تولید و صادرات آن، به‌درستی مدیریت شود -یعنی از کاشت در نخلستان‌ها تا عرضه در بازارهای جهانی از استانداردهای لازم برخوردار باشد- می‌تواند با ورود قدرتمند به کانال بورس کالا به‌سرعت مرزها را درنورد و ارزآوری شگفت‌انگیزی برای کشوری که سرتاسر پهنه جنوبی آن، مأمن خرماست به ارمغان آورد.

البته مورد قطر، تنها مثال برای اثبات نقش کاستی‌های مان در واگذاری بازار جذاب خرما به رقبا نیست.

۲ چرا چین بازار هدف نشد؟

چین را شاید بتوان بازاری بسیار پُرطرفیت برای صادرات خرمای ایران دانست، زیرا علاوه بر اینکه ۱۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۱/۵ میلیاردی این کشور مسلمان‌اند، ذائقه چینی‌ها هم شیرین‌پسند است. اما چرا خرمای مضافتی در چین یافت نمی‌شود؟ رشیدفرخی درباره مشکل صادرات خرما به این کشور می‌گوید: «چین، خرما را میوه تلقی کرده و در نتیجه پس از ورود این محصول به کشورش، قرنطینه دوماهه برای آن اعمال می‌کند». بنابراین اگر سردخانه مناسبی وجود نداشته باشد، قرنطینه دوماهه موجب شکرک‌زدن رطب می‌شود.

۲ تحریم و بازارهایی که مُرد

مانع دیگر بر سر راه توسعه تجارت خرمای ایران تحریم‌هایی است که از سال ۲۰۰۹ اعمال شد. با این حال در میانه سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ و به واسطه گشایش‌های بین‌المللی در پرونده هسته‌ای ایران وضعیت تحریم‌ها کمی تغییر کرد. اما اقتصاد ایران که هنوز در ابتدای شناخت موقعیت جدید بود به دنبال خروج دولت دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با تحریم‌های جدید و شدیدی مواجه شد که مهم‌ترین تأثیرش ریزش ارزش پول ملی بود؛ ریزشی که ادامه فعالیت را برای همه فعالان اقتصادی، از جمله تاجران خرما سخت‌تر کرد. این در حالی بود که از پیش‌تر و تحت تأثیر تحریم‌های ۲۰۰۹ بازار ایران در آمریکای شمالی دچار آسیب‌های فراوانی شده بود. مهدی ایرانی درباره این چالش‌تحمیلی می‌گوید: «صادرات به آمریکای شمالی و کانادا، قطع نشده بلکه مُرده است. طرف‌های تجاری صادرکننده ایرانی در کانادا، اغلب، دچار هندی و پاکستانی مستقر در «ونکوور» بودند و مشتریان مسلمانی داشتند اما تحریم‌ها، نقل و انتقال پول را بسیار مشکل کرد تا حدی که آن بازار مُرد». رشیدفرخی نیز این واقعیت تلخ را تایید می‌کند و ادامه می‌دهد: «در زمینه حمل‌ونقل بین‌المللی، ناگهانی و یکباره با افزایش هزینه دو تا سه برابری غافلگیر شدیم، هزینه حمل با کانتینر به آمریکای شمالی از ۷ هزار دلار برای یک کانتینر به ۱۲ هزار دلار رسید. همچنین زمان ترانزیت هم از ۳۵ روز به ۷۰ روز رسیده است. این فشارها را کنار ریزش ارزش پول ملی قرار دهید و محاسبه کنید تا متوجه شوید چگونه هزینه‌های صادرکنندگان، چهار تا پنج برابر شده است و میدان رقابت را به دیگران واگذار کرده‌ایم».

۲ خودتحریمی و سیاست‌های خلق الساعه

باختن قافیه به رقبا در بازار آمریکای شمالی، انگیزه‌ای شد تا طی سال‌های اخیر، توجه ایران به بازارهای روسیه، هند و



سرزمین خورشید و نخل و خرما

کنکاشی در آیین و آداب فرهنگ خرما در ایران

حمیدرضا محمدی | جنوب ایران از غرب تا شرقش از کهن‌ترین ازمنه، مأمنی برای نخلستان‌ها بوده است، خرما مهم‌ترین محصول کشاورزی آن به حساب می‌آمده و می‌آید و «خرمائنان» را گرمای می‌داشتند. اما این محصول استراتژیک، نه تنها در فرهنگ ملی و بومی، بلکه در فرهنگ آیینی مردم ایران جایگاه و پایگاهی ریشه‌دار دارد.



خرما حتی در دین اسلام و فرهنگ تشیع نیز ارزشمند دانسته شده و روایت‌های بسیاری در دست است که خرما را جزو جدایی‌ناپذیر سفره رسول اکرم و ائمه اطهار نشان می‌دهد و از همه والاتر و بالاتر اینکه در بیست آیه قرآن کریم از این میوه نام برده شده است. حتی در اوستا، کتاب دینی زرتشتیان هم خرما خوردنی‌ترین میوه زمین برشمرده شده است. اما حضور این میوه در فرهنگ مردم ایران را باید در گنجینه‌ها و سنگ‌نبشته‌های عصر باستان جست‌وجو کرد. نمونه‌ای از آن، مَهری هخامنشی است که در آن، داریوش ایستاده بر ابراهای در میان دو نخل و در زیر تمثال فروهر تصویر شده است. اما در عصر ساسانی، حضور خرما حضور پررنگ‌تری به خود می‌گیرد چنانکه طی گزارشی از مالیات‌های کشاورزی در دوران خسرو اول انوشیروان، یک درهم برای هر چهار درخت خرمای ایرانی و یک درهم برای هر شش خرمای دَقَل (نامرغوب) را نشان می‌دهد. البته طبق روایتی دیگر، آن خرمای نامرغوب را خرمای آرامی -یا همان عراقی- نوشته‌اند. از این گذشته در فرهنگ ایرانیان باستان، نشانه‌های ایزد میترا، درخت خرمای نر است و افزون بر این هم به نوشته سترابو، جغرافیدان و مورخ یونان، در میان ایرانیان سرودی درباره ۳۶۰ فایده درخت خرما سروده شده و هم آنکه منظومه «درخت آسوریک» در دست است؛ مناظره‌ای ادبی و غیردینی میان یک نخل و یک بز که صورت مکتوب آن، به خط پهلوی است اما در سنت تاریخ شفاهی ایرانیان جای می‌گیرد که گویی از بین‌النهرین به پارتیان رسیده و خود درخت آسوریک هم، همان خرما در فرهنگ بابلی است.

رونق کشت‌وکار این درخت در گذشته است. برخی از درختان خرماي این مناطق، از درختان مناطق عرب‌نشین تنومندتر و بارورتر و گاه لطافت و شیرینی‌شان سرآمد بوده است اما خرما در جای‌جای ادبیات فارسی هم آمده است. از جمله ابیاتی که خرما جایی در آنها دارد، می‌توان از این بیت حکیم ابوالقاسم فردوسی: «هر آن کس که دارد ز گیتی امید/ چو جوینده خرماست از شاخ بید» یا از این بیت سعدی شیرازی: «خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم/ دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم» یاد کرد. از نخل اما بسیار نام برده شده که نمونه آن، بیت منوچهری دامغانی: «آن آتشی که گویی نخلی به بار باشد/ اصلش ز نور باشد فرعش ز نار باشد» است و حتی مصادیقی هم از خرمايُن در ادبیات فارسی وجود دارد و نمونه آن، تاریخ بلعمی: «چون عیسی از مادر جدا شد زیر آن خرمايُن خشک اندرو آنجا نه آب بود و نه جوی»، و تاریخ بیهقی: «از اتفاق عجب را چون به خرمايُن رسیده پیلان را یافتیم زیر این خرمايُن پیل بسته و خرما می‌برند» است.

در فرهنگ مثل‌ها و مثل‌های فارسی هم خرما جایگاهی مهم برای خود دارد. برای مثال در کنار ضرب‌المثل زیره به کرمان بردن، «خرما به بصره بردن» وجود دارد. همچنین می‌توان به «از خر افتاده خرما پیدا کرده»، «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل»، «هم خدا را می‌خواهد هم خرما را»، «رطب خورده، منع رطب کی کند»، «هر کجا خرماست، خار است» یا «خار با خرماست»، «تخم خرما به یمن تربیتش، نخل باسق گشته»، «رطب وعده‌کردن وتود فرستادن»، «خرماکشی بی‌مزد، بهتر از سنگ‌کشی بامزد است»، «خرما خورم بخندم، پولش دهم بگیرم»، «خرماهایی که خورده‌ای هسته‌اش در جیب من است» و «خرمای خوبی بود داخل آب هم افتاد» اشاره کرد. جالب آنکه مثل «همیشه به گشت»، شق اولی هم دارد که تقریباً گفته نمی‌شود: «خرمای لشت، همیشه به گشت».

خرما اما در طب ایرانی هم بسیار محل توجه است. گذشته از آنکه مصری‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها در جهان باستان که برای خرما ویژگی‌های دارویی قائل بودند، در ایران پیش و پس از اسلام هم چنین بوده است. یک نمونه‌اش این است که قدما برای خرماي کهنه، خواصی متفاوت و بسیار ارزشمندتر از خرمای تازه می‌دانستند. نقل است که در زمان بیمار شدن سعید بن عثمان، امیر خراسان در قرن اول هجری، سیده‌خاتون (ملکه بخارا) برای درمان او

در متون پس از اسلام اما بسیار می‌توان نمونه آورد؛ از «النبات» اثر ابوحنیفه دینوری که شاید کامل‌ترین شرح گیاه‌شناسانه خرما باشد و در قرن سوم نوشته شده است. از دیگر کسان، ابوریحان بیرونی در «الصیدنه فی الطب»، اصطخری در «ممالک و مسالک»، ابومنصور ثعالبی نیز در کتاب «غررالسیر» و همچنین در «حدودالعالم من المشرق الی المغرب» درباره این میوه به تفصیل نوشته‌اند.

اینها همه نشان از آن دارد که خرما، چه قدر و قیمتی در میان ایرانیان کهن داشته است و حتی گاه اعتقاد بر این است که ایرانیان اولین کسانی بودند که خرما را در یکی از جزایر خلیج فارس یافتند و آن را منتقل و تکثیر کردند و به تدریج به جنوب خلیج فارس، هند و حتی چین رسیده است و جالب آنکه به گواهی اصطخری، به عراق هم صادر می‌شده است.

در ایران اما وجود خرما در نواحی مختلف گزارش شده است؛ ابن‌بطوطه در سفرنامه‌اش، از ارزانی و فراوانی خرما در کرمان نوشته و نیز به تفصیل به سرزمین‌های خرماخیز ایران مانند رامهرمز و جندی‌شاپور اشاره کرده و حتی چنان وسیع‌الزرع بوده که در زمان صفویان، خرمای فارس، خوزستان، سیستان و کرمان صادر می‌شده است. همچنین ابن خردادبه از وجود خرما در نواحی متعدد از جمله مسیر دریایی بصره تا هند یاد کرده است.



گاه اعتقاد بر این است که ایرانیان اولین کسانی بودند که خرما را در یکی از جزایر خلیج فارس یافتند و آن را منتقل و تکثیر کردند و به تدریج به جنوب خلیج فارس، هند و حتی چین رسیده است و جالب آنکه به گواهی اصطخری، به عراق هم صادر می‌شده است

در میان سطور سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، مارکوپولووی ایتالیایی درباره نخلستان‌های وسیع یزد، کرمان و جزیره هرمز نوشته و حتی اشاره کرده که غذای اصلی ساکنان این جزیره خرما بوده است. انگلبرت کمپفر آلمانی هم از خرمای هرمز نام برده است. گارسید سیلوا فیگوروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس صفوی، به نخلستان‌های جاسک در هرمزگان امروزی پرداخته و عنوان کرده است اهالی آنجا از شاخه‌های نخل برای مسقف کردن خانه‌های خود استفاده می‌کردند. او از خرمای لارستان هم یاد کرده و جالب آنکه خرمای لارستان را حتی از خرمای بصره درشت‌تر، پرنرنگ‌تر و خوشمزه‌تر دانسته است. ژان شاردن فرانسوی هم خرمای ایرانی را بسیار مرغوب و بهترین آنها را متعلق به خوزستان، سیستان، فارس و نواحی خلیج فارس دانسته است؛ به‌ویژه خرماهای جرون که به شکل خشک، خوشه‌خوشه یا دانه‌دانه حمل می‌شده‌اند.

مورخان و سیاحان به وفور از نخل‌های خرما در مناطق مختلف ایران، مخصوصاً در نواحی جنوب کشور یاد کرده‌اند که نشان‌دهنده

دانه‌های خرمای چندساله آورد. ابومنصور مؤفق هروی در کتاب «الابنية عن حقایق الادویة» درباره خرما و خواصش نوشته و اخوینی بخاری در «هدایة المتعلمین فی الطب» از جمله خاصیت‌های این میوه، درمان قولنج، بواسیر و جراحی و خونریزی شکم و نیز مضرات آن در انواعی از سنگ کلیه، بَرش و نَمَش، بَهَق و دمل را برشمرده است. اسماعیل جرجانی هم در «الاغراض الطبیة و المباحث العلالیة» هم ذیل ویژگی‌های درمانی خرما، نوشته است که عصاره شکوفه خرما برای خون‌دماغ مفید است؛ یا آنکه جُمار که ماده سفیدی است که از درخت خرما استخراج می‌شود؛ قابض، بندآورنده خون‌ریزی و آرام‌بخش حلق است. ابن‌بیطار، پزشک و گیاه‌شناس اندلسی قرن هفتم، در «الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة»، به نقل از ابن‌ماسویه، پزشک ایرانی قرن سوم، خرمای خشک را برای دباغی یعنی زدودن رطوبات اضافی معده و خرمای تر را باعث فساد لثه و دندان دانسته است. و

این همه، در کنار طب مردمی و بومی است، تجویزهایی که سینه‌به‌سینه رسیده و در هر منطقه از پهنه جنوب ایران شکلی دارد. فقط ذکر یک نمونه آن ادای منظور می‌کند. در افواه چنین است که خرما دردهای استخوان و مفاصل را درمان می‌کند اما در هر جا، نسخه‌ای جدا می‌پیچند؛ در دشتستان، محل کوفتگی را با روغن ماساژ می‌دهند، برگ مورد و خرما را مخلوط می‌کنند و روی محل درد می‌گذارند. در لامرد، ترکیب خرما و تخم‌مرغ و در بلوچستان ترکیب خرما و روغن را روی پارچه‌ای تمیز می‌گذارند و محل کوفتگی را با آن می‌بندند. در ماهشهر، خرما را با نمک کاملاً مخلوط می‌کنند و روی محل کوفتگی می‌گذارند و با پارچه‌ای تمیز می‌بندند.

این میوه اما در باورهای مردم جنوب ایران هم قُرب بسیار دارد و چنان قوت غالب‌شان است که یکی از اقلام فطریه در عید فطر به شمار می‌رود. این ارزشمندی، هم اقتصادی است و هم اجتماعی، هم در سوگ جای دارد و هم در سور. حتی در سنت وقف هم محل توجه است و این به کاربرد اقتصادی خرما برمی‌گردد. خرما حتی در علم تعبیر خواب هم راه یافته و دیدن

درخت خرما را نمادی از زن، مال فراوان یا علم می‌دانند. جالب آنکه بسته به فصل خرما، از داشت تا برداشت، تقویمی هم برای آن اندیشیده‌اند؛ مرداد، گرم‌ترین ماه سال را خرماپزون (ماه رسیدن خرما)، و شهریور، ماه برداشت خرما را خرماپرون (ماه بریدن خرما) می‌گویند و حتی برای برداشت آن، مناسبی هم دارند و اشعاری می‌خوانند و زن و مرد دوشادوش یکدیگر محصول سال خود را از شاخسار می‌چینند.

مردم جنوب ایران به‌ویژه در باورهای عامیانه خود و آنجا که آنیمیسیم قوت می‌گیرد، چنان برای نخل ارزش قائل هستند که درخت نخل را بسان یک انسان می‌دانند. چنان‌که محمد طوسی سلمانی، مولف «عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات» نوشته است: «نخل درختی مبارک است ... قامت راست دارد. درخت نر از درخت ماده پیدا بود. همچنان‌که بچه از شکم مادر زاید، طلع از میان درخت آید.» حمدا... مستوفی هم در «نزهةالقلوب» چنین

تعبیری دارد: «شجره مبارک است و به آدمی نیک مانند است به‌طور و راستی قد و امتیاز ذکر و انثی و بوی طلع که به نطفه و شکل طلع که به مشیمه ماند و لیف که به موی آدمی ماند و آنکه ماده که نزدیک بود فصل بیش خواهد و آنکه بر همدیگر عاشق شوند، و این همه صفات انسانی است.»

چون خرما به یکی از اجزای اصلی زندگی مردم خطه جنوب بدل شده است، نه‌تنها میوه درخت نخل که از دیگر اجزای خیالات یعنی ساقه و تنه، الیاف، و شاخ و برگش هم در زندگی روزمره استفاده می‌شود؛ از ساقه و تنه آن در کارهای ساختمانی، ساخت پلکان، سقف، دیوارکشی، داربست، در؛ از الیاف آن در ساخت لیف، ریسمان، جوال، پوشال، صافی؛ و از شاخ و برگش برای بافتن زنبیل، کلاه، درپوش ظروف، جای نان، بادبز، حصیر، گهواره، جارو، مگس‌پران، ترازو و اسباب‌بازی استفاده می‌کنند.

حالا باید سراغی از غذاهایی بگیریم که خرما رکن رکین آن است و از قضا کم هم نیست و در میان غذاهای جنوب ایران، از دسر و خوراک (وعده اصلی) تا نوشیدنی و شیرینی را می‌توان سراغ گرفت که خرما در آن حضور داشته باشد. بُسحاق اَطَعَمَه، از شعری قرن



مردم جنوب ایران به‌ویژه در باورهای عامیانه خود و آنجا که آنیمیسیم قوت می‌گیرد، چنان برای نخل ارزش قائل هستند که درخت نخل را بسان یک انسان می‌دانند. چنان‌که محمد طوسی سلمانی، مولف «عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات» نوشته است: «نخل درختی مبارک است ... قامت راست دارد. درخت نر از درخت ماده پیدا بود. همچنان‌که بچه از شکم مادر زاید، طلع از میان درخت آید

خرما را به تفکیک شهرهای ایران بشناسیم و بدانیم هر یک در کدام ناحیه می‌روید، آل‌مهنتری (بندرعباس)، استعمران (خرمشهر، آبادان، اهواز، اهرم، خورموج و کازرون)، اشرسی (کرمانشاه و قصرشیرین)، حیلالی (شهداد، خیرفسا، رودن میناب و بوشهر)، بوریم (حمیدیه اهواز، شادگان خرمشهر، خشت کازرون و بندر ریگ)، پیاروم (حسن‌آباد کازرون، داراب و حاجی‌آباد فورک)، پرکو و حلاوی (اهواز، خرمشهر و آبادان)، خاسویی (بستک لار، فسا، فیروزآباد و بهبهان)، خضراوی (اهواز، خرمشهر، آبادان، کازرون، دشتستان، جهرم، فسا، بندرریگ، خیر، قصرشیرین و رامهرمز)، دیری (اهواز، خرمشهر، شوشتر، بوشهر، کازرون، برازجان و بهبهان)، دیلگاری (بهبهان)، رابی (ایران‌شهر، زابل، چابهار و سراوان)، زیرک (میناب، بندرعباس، قشم، فسا و جهرم)، زاهدی (برازجان، بوشهر، اهواز، خرمشهر، کازرون، رامهرمز و قصرشیرین)، زرد (دزفول، بندرلنگه، لار، کازرون، بندرعباس، فسا و میناب)، شیخالی (برازجان، خورموج، اهرم، کازرون، خشت و شبانکاره)، شکر (دزفول، میناب، قشم و بندرعباس)، شاهانی (خورموج، فسا، جهرم، بندرعباس، لار، میناب، فیروزآباد و حاجی‌آباد فورک)، کبکاب (خورموج، اهرم، خشت، بوشهر، دالکی، بهبهان، کازرون و جهرم)، قصب (اهواز، بستک لار و میناب)، گنتار (اهرم، اهواز، کازرون، برازجان، بهبهان، داراب، خرمشهر، شادگان و بندرریگ)، مرداسنگ (کرمان، میناب، قشم و بندرعباس)، مضافتی (چابهار، سراوان، ایران‌شهر، زابل، زاهدان، جیرفت و بم)، و مکتوم (اهواز، کازرون، برازجان، خرمشهر، خشت و قصرشیرین) را دربر می‌گیرند. همچنین خرمای خشک بیشتر در نواحی میناب، بوشهر، لنگه و برازجان وجود دارد و به نام‌های محلی خارک، قصب و هسته شناخته می‌شود.

این همه داستان خرما در ایران بود اما ماجرا به همین سطور ختم می‌شود. خرما در میان مردم ایران، بی‌شک جایی دارد که باید از برایش صفحه‌ها نوشت و حتی به مدخلی در یک دانشنامه و دایره‌المعارف نیاز دارد تا حق مطلب ادا شود چون نخل و خرما در فرهنگ ایرانی، ریشه‌ای عمیق و وثیق دوانده و از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب این سرزمین عجین و قرین شده است.

منابع:

متین، پیمان، خرما، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی
محمدفر، شمامه، خرما، دانشنامه جهان اسلام

نهم که مشهور است دیوان اشعارش، حول غذا سروده شده است، بارها به خرما و اینکه با چه خوراکی‌هایی خورده می‌شده، اشاره کرده است؛ مانند خرما و پنیر، ارده خرما، ماست و خرما و شیربرنج و خرما.

اما از آنجا که در دوره صفویه، خرما بخشی از سفره سلاطین سلطان‌نشین اصفهان بوده، متون متعددی هم از آن زمان در دست است. نمونه آنها، رساله «مادة الحیوة» اثر نورا... آشپز شاه‌عباس اول صفوی است و یکی از غذاهایی که خرما در آن هست، از پلویی بسیار ساده به نام خرماپلاو یا سرشک‌پلاو یاد می‌کند و می‌گوید: «خرما را در محل دم نمودن باید ریخت تا لیتی نشود»؛ غذایی که محبوب ایرانیان از دیرباز تا کنون بوده است. از دیگر نمونه‌ها، «رنگینک» است؛ ترکیبی از دانه‌های رطب و یا خرما با آرد و روغن بوداده رقیق به همراه چاشنی دارچین و خاکه قند. مخلوطی که بیشتر در ماه رمضان و هنگام افطار صرف می‌شود و گاهی هسته خرما یا رطب را جدا می‌کنند و به جای آن مغز گردو می‌گذارند. در کرمان، کلمبه و در آبادان و بوشهر، معسل، شیرینی طبخ‌شده با خرماست و این جز حلاوی خرماست که در سرتاسر جنوب رواج دارد.

سخن از خرما که می‌آید، نمی‌شود سراغ از نام‌ها و نشان‌های آن در پهنه این سرزمین نگرفت. میوه‌ای که گفته می‌شود، حدود چهارصد نوع از آن در ایران کشت می‌شود که طبیعتاً مشهورترین‌شان، «مضافتی» است. اما اگر بخواهیم با دیگر اقسام خرمای ایران آشنا شویم، سایر، العروس، کدری، حلاوی، دیری، گنتار، زاهدی، کبکاب، دجله، حمراوی، خضراوی، برحی، سعمران، شاکری، حاجی‌محمدی، بودیم (بریم)، دیلگاری و مکسون، انواع خرما در خوزستان است. در کرمان می‌توان به نام‌هایی چون شهداد، مضافتی، مرداسنگ، زیرک یا زارک، کروت یا کلوت (کلیت)، پورکو، بزمی، عبداللهی، لشت، خاروک، حلاو، پیاران و بیزوک برخورد. خرماهای خطه فارس مشتمل بر شاهانی، کبکاب، دجله زرد، زاهدی، لشت، شکر، زاماردان، مکتیب یا مکتوب، خاسویی، هسته، حلاویی، زین‌الدینی و کیوانی است. مضافتی، رابی، شکری، کرمانی و دسکی هم اسامی خرماهای منطقه بلوچستان است. هرچند در مناطق کویری ایران هم خرما به دست می‌آید که اسامی آنها، خارک (خرک)، خدشکن، کلویژن، سه‌شکن، تمبان، خوش‌چرگ، زرگمبا، خشکو، رُسی، لُپن، آسه‌گن، پشک کرپلا، پنجه عروس، زارش و آروش است. اما اگر بخواهیم گونه‌های



سخن از خرما که می‌آید، نمی‌شود سراغ از نام‌ها و نشان‌های آن در پهنه این سرزمین نگرفت. میوه‌ای که گفته می‌شود، حدود چهارصد نوع از آن در ایران کشت می‌شود که طبیعتاً مشهورترین‌شان، «مضافتی» است. اما اگر بخواهیم با دیگر اقسام خرمای ایران آشنا شویم، سایر، العروس، کدری، حلاوی، دیری، گنتار، زاهدی، کبکاب، دجله، حمراوی، خضراوی، برحی، سعمران، و... انواع خرما در خوزستان است

انبارهای بورس کالا محل پذیرش خرمای مضافتی نخل داران به





مرغ از سفره ایرانیان پر کشید

افزایش شدید قیمت خوراک و کاهش جوجه‌ریزی
عامل مهم افزایش قیمت مرغ

طی دهه‌های اخیر با تغییر و تحولاتی که در عادات غذایی و قیمت محصولات پروتئینی رخ داده است، هم‌اکنون می‌توان ادعا کرد که گوشت مرغ، اصلی‌ترین منبع پروتئینی خانوارهای ایرانی است. مرغ منبع اصلی پروتئین است به طوری که ۱۲۰ گرم از آن حدود ۷۰ درصد از نیاز بدن به پروتئین را تامین می‌کند. علاوه بر این همین ۱۲۰ گرم حدود ۳۲ درصد از نیاز انسان به ویتامین «ب۶»، ۷۲ درصد نیاز به نیاسین و ۴۰ درصد سلنیوم بدن را تامین می‌کند. در حالی که بر اساس گزارش اخیر سازمان خواروبار جهانی (فائو) در سال ۱۹۶۱، عمده گوشت مصرفی ایرانیان با ۳۵ درصد به گوشت بز اختصاص داشته و تنها بخش کوچکی از آن یعنی ۹ درصد با گوشت مرغ تامین می‌شده، اما در سال ۲۰۱۸ میلادی سهم گوشت بز به ۳ درصد و سهم گوشت مرغ با ۷۱ درصد در صدر قرار گرفته است. با این حال در سال‌ها و به‌خصوص در ماه‌های اخیر، گوشت مرغ به عنوان مهم‌ترین منبع تامین‌کننده پروتئین ایرانیان با تحولات و خطراتی مواجه شده است. بررسی میزان مصرف سرانه گوشت در خانوارهای ایرانی نشان می‌دهد، تغییرات قیمتی انواع گوشت و رشد نرخ تورم باعث محدود شدن سهم گوشت در سفره خانوارهای ایرانی شده است.



اهمیت مرغ در سفره ایرانیان

بر اساس گزارش نرخ تورم مصرف‌کننده مرکز آمار ایران در آذر امسال، در مجموع ضریب اهمیت خوراکی‌ها در نرخ تورم ۲۵/۵۵ بوده که پس از نان و غلات با ۶/۶۷ بالاترین سهم و ضریب به گوشت قرمز و سفید با ۵/۹۱ مربوط می‌شود. اگرچه میزان مصرف خانوارها در تعیین ضریب اهمیت کالاهای مختلف موثر است، اما در مقایسه با سال‌های قبل که ضریب اهمیت گوشت با بیش از ۶/۸ در اوج قرار داشت، طی ماه‌های اخیر این رشد قیمتی انواع گوشت بوده که رشد دوباره این ضریب را رقم زده است. طبق گزارش مرکز آمار در حالی که متوسط قیمت هر کیلوگرم گوشت مرغ در فروردین امسال ۱۱ هزار و ۶۲۳ تومان بوده است، این نرخ رفته‌رفته در ماه‌های بعد با رشد بالایی مواجه شد، به طوری که در تیرماه به بیش از ۱۷ هزار تومان، در شهریور به ۱۸ و در مهرماه به بیش از ۱۹ هزار تومان افزایش یافته است. قیمت متوسط این کالا در آبان نیز با یک جهش ملموس به ۲۴ هزار و ۲۵۳ تومان رسید که نسبت به ماه قبل ۲۶/۲ درصد و در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۸۳/۶ درصد رشد داشته است. این در شرایطی است که بر مبنای طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی در سال گذشته، ۲۲ درصد از هزینه‌های خوراکی یک خانوار را گوشت تشکیل می‌دهد که در این

میان سهم مرغ چشمگیر است.

حال با توجه به اینکه دهک‌های پایین درآمدی و استان‌های محروم همواره تورم بیشتری را نسبت به سایر دهک‌ها و استان‌های برخوردار تحمل می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که بار اصلی افزایش قیمت مرغ بر دوش اقشار کم‌درآمد است. در همین راستا، بیشترین نرخ تورم ماهانه در آبان امسال با ۵۴/۵ درصد در استان کرمانشاه و بالاترین تورم سالانه با ۳۴/۲ درصد در استان هرمزگان گزارش شده است. در دهک‌های هزینه‌ای نیز تورم خوراکی‌ها برای دهک اول یعنی کم‌درآمدترین‌ها ۲۶/۶ درصد و برای دهک دهم ثروتمندترین‌ها ۲۳/۱ درصد بوده است. بنابراین خوراکی‌ها سهم و نقش بیشتری برای اقشار ضعیف دارند و با توجه به دخل و خرج محدود آنها، مواد غذایی بخش عمده درآمد آنها را می‌بلعد.

گام اول، جایگزینی مرغ با گوشت قرمز

هرچند طی سالیان گذشته تبلیغات گسترده‌ای برای مصرف بیشتر گوشت سفید به عنوان یک منبع غذایی سالم‌تر نسبت به گوشت قرمز و دام صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد آنچه اصلی‌ترین نقش را در رشد مصرف گوشت مرغ و محدود شدن مصرف گوشت قرمز بازی کرده، افزایش قیمت قابل توجه گوشت قرمز و قدرت خرید

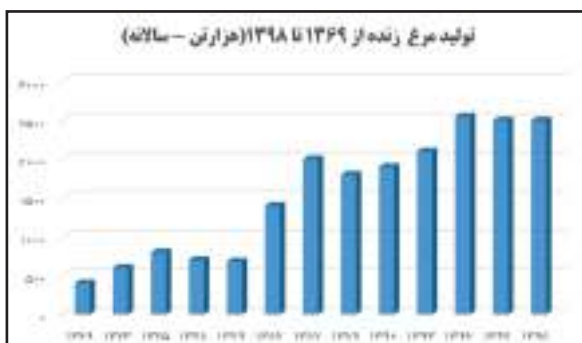
خوراک و کاهش جوجه‌ریزی، قیمت هر کیلوگرم مرغ در بازار مرز ۵۰ هزار تومان را هم پشت سر گذاشت که برای بسیاری از خانوارهای ایرانی راهی جز محدود کردن مصرف این محصول باقی نگذاشت. البته با دخالت‌های دولت و تغییر شرایط، قیمت مرغ با افت همراه شد اما همچنان نسبت به روزهایی که قیمت مرغ زیر ۱۵ هزار تومان بود، فاصله زیادی دارد.

با توجه به آمار و اطلاعات موجود، گوشت مرغ طی سال‌های گذشته به اصلی‌ترین منبع تامین پروتئین مردم به خصوص اقشار متوسط و کم‌درآمد- تبدیل شده است و هرگونه رشد قیمت آن باعث می‌شود تا اقشار آسیب‌پذیر با کاهش یا حذف آن از سبد خرید، دخل و خرج خود را متعادل کنند. در واقع نقص در زنجیره تامین نهاده‌های دام و طیور به صورت مستقیم خود را در سفره خانوار ایرانی نشان می‌دهد. این رخداد از یک سو تولیدکننده را تحت فشار قرار می‌دهد که قیمت تمام‌شده را با وجود تمام قیمت‌گذاری‌ها بالا می‌برد و از سوی دیگر در شرایطی که قدرت خرید خانوارهای ایرانی با تورم کاهش یافته است، آنها را از یک منبع غذایی ارزشمند دور می‌کند.

در این میان علاوه بر افزایش قیمت نهاده و محصول نهایی، شیوع کرونا نیز شرایط را پیچیده‌تر کرده است. با توجه به کاهش شدید مصرف مرغ و فرآورده‌های آن در مراکز پرمصرفی نظیر هتل‌ها و رستوران‌ها و افت صادرات به دلیل محدودیت‌های کرونا، انتظار می‌رفت قیمت این محصول کاهش یابد، اما گرانی نهاده‌ها و خوراک این تأثیرگذاری کاهشی را خنثی کرد و بدین ترتیب با قیمت‌های بالای این محصول مواجه هستیم.

میزان تولید مرغ

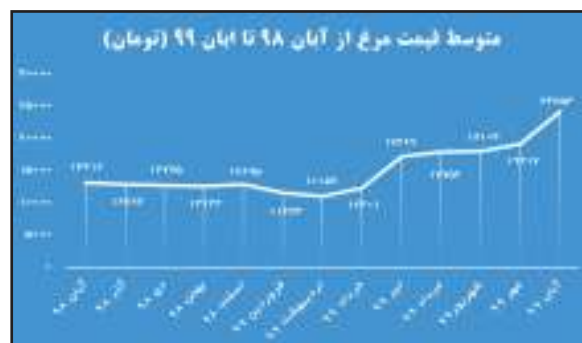
میزان تولید گوشت مرغ در جهان در سال ۲۰۱۸ میلادی بالغ بر ۱۱۴ هزار تن در سال بود که از این رقم سهم ایران با تولید سالانه ۲/۲ میلیون تن ۱/۹ درصد می‌شود. بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران، میزان تولید گوشت مرغ در کشور در سال ۱۳۶۹ حدود ۴۰۰ هزار تن بوده است. این رقم رفته‌رفته افزایش یافت، به طوری که از سال ۹۳ از مرز ۲ میلیون تن عبور کرد و هم‌اکنون در حال عبور از ۲/۵ میلیون تن است تا در سال آینده و طبق برنامه‌ریزی‌ها مرز ۲/۷ میلیون تن را نیز پشت سر بگذارد.



محدود خانوارهای ایرانی بوده که در سال‌های اخیر به واسطه تورم مزمن تحت فشار بوده است. در واقع افزایش شدید قیمت نهاده‌های دام و طیور در مجموع باعث رشد بالای قیمت گوشت در بازار شد، به طوری که گوشت قرمز در ماه‌های اخیر مرز ۱۵۰ هزار تومان در هر کیلوگرم را پشت سر گذاشت و این رشد باعث شد تا بخش عمده‌ای از مردم گوشت مرغ و تخم مرغ را در سبد مصرفی خود جایگزین گوشت قرمز کنند. طبق آخرین گزارش بودجه خانوار بانک مرکزی، سرانه مصرف گوشت قرمز کاهشی بوده و از ۸/۷ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به حدود ۶ کیلوگرم در سال ۱۳۹۶ رسیده است. این گزارش درباره سرانه مصرف خانوارها نیز می‌گوید: در سال ۹۰ مصرف گوشت قرمز خانوارها ۴۸ کیلوگرم بوده اما این رقم در سال ۹۶ به ۳۷ کیلوگرم کاهش پیدا کرده است. اما هرچه از سرانه مصرف گوشت قرمز -که دلیل عمده آن افزایش شدید قیمت این محصول بوده- کاسته شده، مصرف گوشت مرغ افزایش یافته و به این ترتیب، سرانه مصرف گوشت مرغ از ۱۷/۶ کیلوگرم در سال ۹۰ به بیش از ۲۱ کیلوگرم در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در واقع عمده مردمی که قدرت خرید خود را از دست داده‌اند، مرغ را به‌تدریج جایگزین گوشت قرمز کرده‌اند. با وجودی که قیمت مرغ نیز طی سال‌های اخیر با رشد بالایی همراه بوده، اما همچنان از نظر قیمتی برای خانوارها قابل دسترس‌تر است. در این میان شاید مقایسه سرانه مصرف گوشت در ایران با جهان گمراه‌کننده باشد. بر اساس اعلام فائو سرانه مصرف گوشت در جهان از ۴۳/۷ کیلوگرم در سال ۱۹۶۱ به ۲۲/۴ کیلوگرم در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته، در حالی که این سرانه در ایران از ۱۹ به ۳۸ کیلوگرم افزایش یافته است. نکته مهم و قابل توجه اما این است که سرانه مصرف انواع گوشت غیر از مرغ در میان مردم ایران از ۱۷ به ۹ کیلوگرم کاهش داشته است.

گام دوم، حذف یا کاهش مصرف مرغ

در نخستین واکنش مردم نسبت به رشد شدید قیمت گوشت قرمز که در سال‌های نه چندان دور سهم عمده‌ای در مصرف آنان داشت، به گوشت مرغ به عنوان منبع پروتئینی ارزان‌تر روی آوردند، اما رویدادهای ماه‌های اخیر در بازار مرغ ایران، باعث شده است تا این راهکار نیز با اما و اگرهای فراوانی روبه‌رو شود. در هفته‌های اخیر به واسطه افزایش شدید قیمت



مرغ‌های بی‌دان، مرغداران نگران

روایت رئیس هیات‌مدیره اتحادیه سراسری مرغداران
گوشتی از مشکلات این صنعت

با افزایش شدید قیمت‌ها در بازار مرغ و تخم مرغ، بحث درباره ریشه این گرانی‌ها داغ شد. در حالی که برخی مسئولان وزارت جهادکشاورزی از تامین ۹۰ درصدی خوراک و نهاده با ارز دولتی برای واحدهای تولیدی خبر می‌دهند، اما تولیدکنندگان از مشکلات ریز و درشتی می‌گویند که نه تنها، باعث افزایش قیمت شدید محصول نهایی شده، بلکه موجب زیان آنها هم شده است. تولیدکنندگان می‌گویند در بهترین حالت تنها نیمی از نهاده و خوراک با نرخ دولتی به دست آنها می‌رسد و بقیه آن را مجبورند با چندین برابر قیمت از بازار آزاد تهیه کنند که با ارز ۴۲۰۰ تومانی سامان یافته است.



این در حالی است که قوانین مختلف برای تنظیم این بازار و ساماندهی توزیع از سال‌های پیش راه بورس کالا را نشان داده، اما عمل نکردن به این قوانین باعث شده است تا یکی از حیاتی‌ترین بازارهای کشور یعنی نهاده‌های دام و طیور با فرازونشیب‌های فراوانی روبه‌رو شود. غلامحسین جافر رئیس هیات‌مدیره اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی، از مشکلات متعدد تولیدکنندگان به دلیل نقص زنجیره تامین نهاده‌های دام و طیور و خوراک می‌گوید و بهترین راه برای پایان دادن به این شرایط را شفافیت می‌داند. در ادامه متن گفت‌وگوی ماهنامه پیام اقتصادی بورس کالا با وی آمده است.

۴ در تامین نهاده و خوراک با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

مشکل اصلی صنعت مرغداری قیمت‌گذاری غیرواقعی از سوی دولت و تامین ناکافی خوراک و نهاده با نرخ دولتی است. در واقع در حالی که حداکثر ۵۵ درصد از خوراک واحدهای تولیدی مرغ در کشور با ارز دولتی تامین می‌شود اما مجبورند محصول خود را با قیمت مصوب که زیر قیمت تمام شده است، به فروش برسانند. بقیه خوراک و نهاده‌ها را هم باید از بازار آزاد که نرخ آن چند برابر قیمت دولتی است، تهیه کنیم.

۴ آیا سامانه بازارگاه که برای توزیع بهتر نهاده‌ها و خوراک ایجاد شد، کمکی به حل مشکلات نکرد؟

«بازارگاه یک» که توسط وزارت جهاد کشاورزی به منظور توزیع خوراک و نهاده‌ها ایجاد شد به دلیل مشکلات فراوان عملکرد مناسبی نداشت و با رفع بخشی از مشکلات و راه‌اندازی سامانه «بازارگاه ۲» شرایط بهتر شده است، اما با این وجود همان‌گونه

که اشاره شد، تنها بخشی از نیاز ما با نرخ دولتی تامین می‌شود و مجبوریم برای باقی‌مانده به بازار آزاد مراجعه کنیم که قیمت‌های آن گاهی پنج برابر دولتی قیمت است.

در سامانه بازارگاه، به دلیل بوروکراسی‌های اداری، از زمان صدور حواله ۱۰ تا ۱۵ روز طول می‌کشد تا محصول به دست تولیدکننده برسد. درواقع به تولیدکننده فقط یک کاغذ می‌دهند، در حالی که مرغ باید در این مدت خوراک بخورد و به همین دلیل مجبور می‌شویم، تا زمان دریافت سهمیه دولتی از بازار آزاد نیاز خود را تامین کنیم. با توجه به اینکه امکان نگهداری خوراک هم وجود ندارد، نمی‌توان خوراک دولتی را نگه داشت و این روند ادامه می‌یابد و مجبوریم مدام به بازار آزاد مراجعه کنیم.

علاوه بر اینکه فقط بخشی از خوراک با نرخ دولتی به دست تولیدکننده می‌رسد، با فرمولی که وزارت جهاد کشاورزی دارد، میزان نیاز واقعی تولید مرغ در نظر گرفته نشده است. بر اساس فرمول این وزارتخانه،

همخوانی ندارد، ۵ تا ۱۰ درصد از تولیدکنندگان از چرخه تولید خارج می‌شوند. در واقع وقتی تولیدکننده با زبان محصول خود را بفروشد، ادامه کار دشوار می‌شود. واحدهایی هم که به تولید ادامه می‌دهند به دلیل تجربه طولانی و تعهداتی است که در بازار دارند و باید بدهی‌های خود را بپردازند.

۴ قیمت خوراک دولتی با آزاد چه تفاوتی دارد؟

هم اکنون قیمت هر کیلوگرم کنجاله سویا با نرخ دولتی سه هزار و ۲۰۰ تومان و ذرت ۲ هزار و ۱۵۰ تومان است، ولی در بازار آزاد هر کیلوگرم کنجاله را ۲۲ هزار تومان می‌خریدیم. هرچند پس از کاهش نسبی نرخ ارز این قیمت اندکی کاهش یافته اما همچنان چند برابر نرخ خوراک دولتی است.

۴ راه حل تولیدکنندگان برای حل این مشکلات چیست؟

هرچه بازار نهاده‌ها شفاف‌تر باشد به نفع تولیدکننده است و به همین دلیل از عرضه این محصولات در بورس کالا استقبال می‌کنیم. درواقع نهاده‌ها با ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی وارد کشور می‌شود اما به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد و سر از بازار آزاد درمی‌آورد. اگر همه چیز شفاف باشد، امکان سوءاستفاده و تخلف نیز از بین می‌رود. در شرایطی که قیمت مرغ طی هفته‌های گذشته حتی به

میزان نیاز مرغ گوشتی به نهاده با واقعیت فاصله زیادی دارد. در فرمول جهاد کشاورزی میزان نیاز مرغ گوشتی در یک دوره به نهاده‌ها کمتر از چهار کیلوگرم در نظر گرفته شده، در حالی که میزان نیاز واقعی ۴/۷ تا پنج کیلوگرم است. این فرمول به این معناست که تولیدکننده برای تامین نیاز واقعی خود به ناچار باید به بازار آزاد، مراجعه کند. ضمن اینکه کمبود پروتئین در کنجاله سویا به دلیل ناخالصی موجود در آن باعث شده است تا دوره پرورش مرغ نیز از ۴۰ به ۵۰ روز افزایش یابد که این افزایش دوره هم به زیان تولیدکننده تمام می‌شود.

۴ با این تفاسیر یعنی تولیدکنندگان زیان می‌کنند؟

تعیین دستوری قیمت مرغ باعث زیان تولیدکنندگان شده است، در حالی که تمام نهاده هم با نرخ دولتی تامین نمی‌شود. زمانی که قیمت هر کیلوگرم مرغ ۱۴ هزار و ۴۰۰ تومان تعیین شد، ما مخالفت خود را اعلام کردیم چرا که قیمت تمام شده حداقل ۱۶ هزار تومان است. در واقع تولیدکنندگان به دلیل خرید آزاد خوراک، افزایش دوره پرورش و ... کیلویی پنج تا ۶ هزار تومان زیر قیمت تمام‌شده تولید خود را می‌فروشند.

۴ این مشکلات چه تاثیری در تولید واحدهای مرغداری داشته است؟

وقتی که تولید صرفه اقتصادی نداشته و حتی زیان هم داشته باشد، رغبت برای جوجه‌ریزی کم می‌شود که تاثیر آن را به طور مستقیم در بازار می‌بینیم. وقتی که جوجه‌ریزی به زیر ۸۰ میلیون قطعه رسید، قیمت مرغ در بازار هم به ۵۰ هزار تومان رسید. البته طی هفته‌های اخیر قیمت رو به کاهش گذاشته است، ولی مشکلات همچنان پابرجاست.

مشکلات از اسفند سال گذشته آغاز شد. در آن دوره با درخواست و تشویق مسئولان آمار جوجه‌ریزی به بیش از ۱۴۷ میلیون قطعه افزایش یافت. این در حالی است که همزمان با آن شاهد شیوع کرونا در کشور هم بودیم که با تعطیلی و قرنطینه کسب‌وکارها باعث کاهش شدید مصرف مرغ در کشور شد. نظر اتحادیه ۱۲۵ میلیون قطعه جوجه‌ریزی بود، حتی اگر کرونا هم نبود این میزان نیز ضمن پوشش تمام نیاز کشور با مازاد هم روبه‌رو می‌شد. هم‌اکنون نیز جوجه‌ریزی زیر ۱۰۰ میلیون قطعه است که کمتر از نیاز واقعی کشور محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر هرگاه دخل‌وخرج واحدهای تولیدی



تعیین دستوری قیمت مرغ باعث زیان تولیدکنندگان شده است. در حالی که تمام نهاده هم با نرخ دولتی تامین نمی‌شود. زمانی که قیمت هر کیلوگرم مرغ ۱۴ هزار و ۴۰۰ تومان تعیین شد، ما مخالفت خود را اعلام کردیم

۴۰ تا ۵۰ هزار تومان هم رسید، اما این افزایش قیمت به نفع تولیدکننده نیست. همواره افزایش قیمت باعث کاهش مصرف و در نهایت به زیان تولید تمام می‌شود.

۴ تولیدکنندگان مشکلات خود را در خصوص تامین نهاده چگونه به گوش مسئولان می‌رسانند؟

متأسفانه مهم‌ترین تصمیم‌ها درباره تولیدکنندگان توسط ستاد تنظیم، پشت درهای بسته گرفته می‌شود و تولیدکنندگان و اتحادیه‌های صنفی هیچ نقشی در آن ندارند و در عمل تشکل‌ها را نادیده می‌گیرند.

معاملات بورس؛ آخرین امید مرغداران

استفاده از بورس کالا، راهکار موثری برای حذف دلالتان نهادهای دامی است

در سال‌های اخیر با کاهش درآمدهای ارزی دولت به واسطه تشدید تحریم‌ها، تخصیص و تامین ارز برای واردات نهادهای دام و طیور نیز تحت تاثیر قرار گرفت. توزیع نکردن مناسب و شفاف نهادهای میان تولیدکنندگان و مرغداران باعث شد تا با فعال شدن دلالتان، بازارسیاهی برای این نهادهای ایجاد شود؛ موضوعی که به افزایش قیمت تمام‌شده واحدهای تولیدی و گرانی شدید محصولات نهایی مانند مرغ و تخم مرغ در بازار انجامید. به اعتقاد کارشناسان استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه و بورس کالا می‌تواند شفافیت را به این بازار بازگرداند. در این زمینه مجید موافق قدیری، رئیس هیأت‌مدیره انجمن خوراک دام و طیور، بهترین راهکار رفع مشکلات اخیر را ورود و عرضه نهادهای دامی بورس می‌داند. با او گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.



ماه‌های اخیر بوده است، نقش کدام یک از این عوامل را در بروز التهاب در بازار پررنگ‌تر می‌دانید؟

نابسامانی نهادهای دامی طی حدود یک سال گذشته، عامل افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت پروتئین حیوانی شده است. در ایجاد این چالش جدی نقش بانک مرکزی به عنوان متهم اصلی در تامین نکردن و انتقال به‌موقع ارز برای واردات و تامین به‌موقع نهادهای دامی پررنگ‌تر از دیگر سازمان‌های دولتی همچون وزارت صمت و جهاد است. عامل دوم این ماجرا، نبود شبکه توزیع مناسب در توزیع نهادهای دامی است. شوریختانه با وجود اینکه کشور طی پنجاه سال گذشته به نهادهای دامی تولید خوراک دام به شیوه‌های مختلف پارانده داده است اما این موضوع طی این سال‌ها حل نشد و اکنون نیز با وجود سامانه‌های متعدد همچون سامانه بازارگاه، سرانجام وضعیت مناسبی برای اهالی کسب‌وکار و سیاست‌گذاران اقتصادی ایجاد نشده است و هیچ یک از سه ضلع مثلث (دولت، تولیدکننده و مردم) طعم شیرین ارز ۴۲۰۰ تومانی را نمی‌چشند.

میزان فعلی تولید داخلی خوراک و نهادهای دام و طیور چه رقمی است؟

ابتدا باید میان نهادهای دام و طیور و خوراک تفاوت قائل شویم. نهادهای شامل ذرت، سویا، جو و ... است و خوراک دام و طیور با ترکیب این نهادهای در داخل تولید می‌شود و به مصرف واحدهای تولیدی دام یا طیور می‌رسد. در بخش نهادهای به‌طور متوسط ۸۰ درصد نیاز کشور از طریق واردات تامین می‌شود. به عبارتی سالانه ۲۱ میلیون تن در کشور مصرف می‌شود که حدود ۱۶ میلیون تن آن وارداتی است.

با توجه به مشکلاتی که در تامین و توزیع نهادهای دام و طیور به وجود آمده، آیا می‌توان از ظرفیت‌های بازار سرمایه و بورس کالا برای متعادل کردن و شفاف کردن این بازار بهره گرفت؟

در بخش کشاورزی، سرمایه و سرمایه‌گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می‌شود. امروزه سرمایه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید اهمیت بسزایی در افزایش تولید و تجارت در عرصه نهادهای دام و طیور و در نتیجه افزایش بهره‌وری سایر عوامل تولید دارد. اما راهکار پیشنهادی ما در این شرایط استفاده از بازار سرمایه و بورس کالا است. در سال‌های اخیر، شرکت‌های بزرگ با بهره‌گیری از منابع غیر بانکی و به‌کارگیری ابزارهای بازار سرمایه، توانستند از نقدینگی موجود در بازار سرمایه استفاده کنند و فعالیت‌های مولد خود را توسعه دهند.

اگر عرضه و فروش نهادهای روی تابلوی بورس انجام شود، آیا می‌توان امیدوار بود که دست دلالتان از این بازار کوتاه شود؟

ورود نهادهای دامی به بورس سبب می‌شود قیمت‌ها شفاف شود و با حاشیه رفتن معاملات سنتی، دست دلالتان به عنوان واسطه و برای سود بردن کوتاه شود. واقعیت این است که در سال‌های گذشته دولت با اتخاذ سیاست‌های نادرست و دخالت مستقیم در عرصه نهادهای دامی و محصولات دامی، ناخواسته نقش دلالتان را در اقتصاد غیررسمی پررنگ کرد.

علاوه بر کاهش تخصیص و تامین ارز توسط بانک مرکزی برای واردات نهادهای دام و طیور، توزیع آن (به‌خصوص از سامانه بازارگاه) نیز یکی از مشکلات

بایگانی قوانین مصوب و تجارب موفق

برخی قوانین، بورس کالا را ابزاری برای تنظیم و شفافیت بازار نهاده‌ها و خوراک تعیین کرده‌اند و تجربه موفق سال ۱۳۸۹ هم نادیده گرفته شده است



امروزه در دنیا با استفاده از ابزارهای نوین به خصوص در بازار سرمایه، امکان تنظیم بازار محصولات مختلف و قطع کردن دست دلان و تعطیلی بازارهای سیاه از سال‌ها پیش ممکن شده است. این در حالی است که در ایران پایبندی و اصرار بر روش‌های سنتی شرایط متفاوتی ایجاد کرده است و بسیاری از بازارها با نوسان و مشکلات متعددی دست به گریبانند. دولت برای سامان دادن به این بازارها که برخی از آنها نقش حیاتی در امنیت غذایی کشور دارد، به قیمت‌گذاری و پرداخت میلیون‌ها دلار یارانه روی می‌آورد، اما به دلیل سازوکارهای غیرشفاف و غیرقابل نظارت، هرچه بر میزان یارانه پرداختی افزوده می‌شود، فاصله قیمت دولتی و آزاد بیشتر می‌شود و انگیزه برای دلان بالا می‌رود. نمونه بارز این شرایط را می‌توان در زنجیره تامین نهاده‌های دام و طیور مشاهده کرد که به خصوص در یک سال اخیر با کاهش درآمدهای ارزی دولت و تخصیص ارز به‌هنگام، به یکی از معضلات اقتصاد ایران تبدیل شده است. این اتفاق از یک سو، صنعت بزرگ مرغداری و دامداری را با تهدید روبه‌رو کرده و از سوی دیگر، به دلیل رشد قیمت محصول نهایی در بازار، خانوارهای ایرانی را تحت فشار قرار داده است. این در حالی است که در قوانین مختلف، قانون‌گذار راه خروج از این شرایط را با تکیه بر ابزارهای شفاف بازار سرمایه نشان داده، راهی که اجرای آن در سال‌های نه‌چندان دور تجارب موفقی به همراه داشته است، اما بی‌توجهی به این قوانین در سال‌های اخیر باعث شده تا کلاف سردرگم تامین نهاده، روزبه‌روز، پیچیده‌تر شود و تمام تلاش‌های مسئولان بی‌نتیجه بماند.

آزمون و خطا در تامین نهاده

در این زمینه حسن رضایی‌پور، کارشناس بورس کالا می‌گوید: نهاده‌های دام و طیور و تولیدات آن شامل شیر، گوشت، مرغ و ... یک زنجیره به هم پیوسته است که ۸۰ درصد قیمت تمام‌شده این محصولات مربوط به نهاده‌ها یا خوراک است و درصد کمی نیز به دارو، واکسن و ریزمغذی‌ها ارتباط دارد. وی می‌افزاید: در این زنجیره از ۸۰ درصدی که سهم مواد اولیه است، ۵۰ درصد آن وابستگی شدیدی به واردات دارد. برای مثال سالانه پنج تا ۶ میلیون تن ذرت در کشور مصرف داریم که ۲ تا سه میلیون تن آن در داخل تامین می‌شود، در کنگاله نیز از حدود ۲ میلیون تن مصرف، نیمی از آن در داخل کشور تولید می‌شود.

وی با اشاره به اتفاقاتی که در بازار ارز و نحوه تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای نهاده‌های دام و طیور رخ داد، توضیح می‌دهد: به دلیل تخصیص ارز ترجیحی، این محصولات قیمت‌گذاری شد و تحت نظارت شدیدی برای توزیع یارانه‌ای قرار گرفت.

مدیرعامل کارگزاری مدبر آسیا ادامه داد: متأسفانه در این زنجیره تولیدی و وارداتی تنها با یک متولی مواجه نیستیم

و چندین دستگاه در این زمینه نقش دارند که ازقضا با یکدیگر هماهنگ هم نیستند. در این زمینه بخشی از مسئولیت تامین کنگاله دانه‌های روغنی با وزارت صمت است که متولی کارخانه‌های روغن‌کشی است و بخش دیگر را وزارت کشاورزی به‌منظور واردات یا توزیع میان تولیدکنندگان در اختیار دارد. علاوه بر این، شرکت‌های دیگری مانند بازرگانی دولتی ایران، پشتیبانی امور دام و سازمان تعاون روستایی نیز هر یک با سازوکارهای خود در این زمینه نقش دارند.

به گفته وی، وزارت جهاد کشاورزی در مقاطع زمانی مختلف با اجرای طرح‌های مطالعه‌نشده و آزمون و خطا طرح‌هایی را اجرا کرد. برای مثال در مقطعی نهاده‌ها تحویل کارخانه‌های تولید خوراک قرار گرفت تا پس از تولید به دست دامدار و مرغدار برسد. روندی که نتیجه آن را امروز در بازار مشاهده می‌کنیم.

قوانینی که اجرا نشد

رضایی‌پور در پاسخ به اینکه دلیل اصلی مشکلات موجود در تامین نهاده‌ها و خوراک دام و طیور چیست؟ توضیح داد: طی سال‌های گذشته در برخی از قوانین، بورس کالا به

عنوان ابزاری برای تنظیم و شفافیت بازار نهاده‌ها و خوراک تعیین شده است. در همین زمینه، دو مصوبه مهم در قانون افزایش بهره‌وری و قانون بودجه سال ۱۳۸۹ داشتیم که طبق آنها، شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌توانستند برای اجرای خرید تضمینی از بورس کالا استفاده کنند. وی ادامه داد: در آن مقطع زمانی، این مصوبات اجرا و سه دوره با موفقیت تجربه شد، اما به دلایل نامعلوم اجرای این مصوبات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های بورس کالا متوقف شد.

این کارشناس بورس کالا تاکید کرد: در قانون بودجه سال ۸۹ تصویب شده بود که کالاهای وارداتی باید از طریق بورس کالا عرضه شود تا فرایند واردات تا توزیع نهایی قابل ردیابی و رصد باشد، کما اینکه در محصولات پتروشیمی و فولادی به دلیل عرضه کامل در بورس کالا نهادهای نظارتی به راحتی می‌توانند این فرآیند را رصد کنند، اما اجرا نکردن مصوبات یادشده موجب شد تا امروز در زمینه تامین و توزیع نهاده‌های دام و طیور با مشکلات بسیاری روبه‌رو باشیم. به گفته وی، در حالی که پیش از این در عرضه جوجه یک‌روزه، تجربه موفق در بورس کالا داشتیم، ولی دخالت غیرتخصصی برخی نهادها باعث شد تا عرضه این محصول نیز در بورس کالا متوقف شود و انبارهای گواهی سپرده آن چند سال پیش تعطیل شد.

این کارشناس بورس کالا با بیان اینکه هم‌اکنون بازار متشکل و شفاف برای رصد معاملات نهاده‌های دام و طیور نداریم، گفت: به دلیل نبود شفافیت در این بازارها و دسترسی عموم به اطلاعات با شکست مواجه شده‌ایم. وی یادآور شد: اگر قوانین را مرور کنیم بورس کالا می‌تواند ابزاری برای شفافیت و برآورد دقیق و واقعی میزان تقاضا باشد. متأسفانه نبود شفافیت آفتی است که امروزه گریبانگیر بازارهای مختلف شده است. هر جا که شفافیت وجود ندارد با آشفتگی مواجه هستیم. به همین دلیل در بازار پتروشیمی و فولاد که در بورس کالا عرضه می‌شود بازاری به مراتب شفاف‌تر از سایر بازارها داریم.

رضایی‌پور در پایان اظهار کرد: نمی‌گوئیم که بازار را به طور کامل در اختیار بورس کالا قرار دهند، ولی با استفاده از ابزار و شفافیت بورس می‌توانند مشکلات این بازار را حل کنند.

قوانینی که فراموش شده است

استفاده از ظرفیت‌های بورس کالا و خرید تضمینی موضوعی است که بارها در قوانین بالادستی و سالانه مختلف به آن اشاره شده است. یکی از این قوانین «افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» است که در ماده ۳۳ و

آیین‌نامه اجرایی آن بر استفاده از بورس کالا تاکید شده است. بر اساس ماده «۲» آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ این قانون، «وزارت جهاد کشاورزی مکلف است حداکثر تا پانزدهم شهریور هر سال متناسب با شرایط تولید، نوع محصول و وضعیت بازار، قیمت تضمینی سال آینده محصولات کشاورزی و دام قابل معامله در بورس کالا را برای تصویب به هیات وزیران پیشنهاد کند.»

در تبصره «۱» نیز آمده است: «وزارت جهاد کشاورزی مکلف است با همکاری بورس کالا تا پایان اردیبهشت هر سال نسبت به تهیه فهرست محصولات کشاورزی قابل معامله در بورس کالا اقدام کند.»

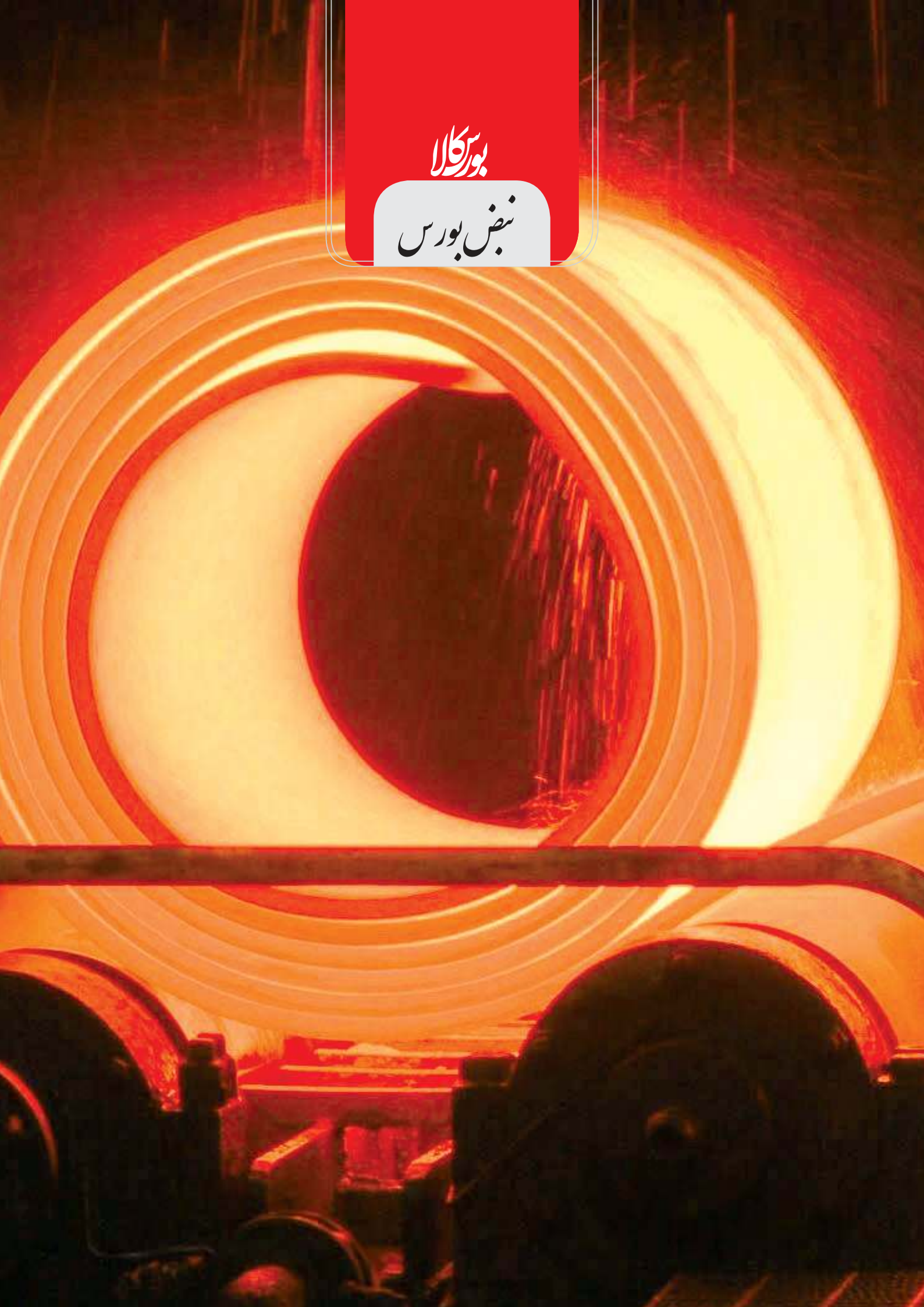
همچنین بر اساس تبصره «۲»؛ مرجع تعیین کیفیت و درجه‌بندی محصولات موضوع این آیین‌نامه، بورس کالا با همکاری وزارت جهاد کشاورزی تعیین شده است. طبق ماده «۳» این آیین‌نامه اجرایی نیز «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور مکلف است بنا به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی، میزان مابه‌التفاوت قیمت تضمینی با قیمت تابلوی بورس به تفکیک محصولات منتخب را در بودجه سنواتی پیش‌بینی کند.»

بر اساس آنچه در ماده «۴» آیین‌نامه به آن اشاره شده است: «عرضه محصولات کشاورزی در بورس کالا منوط به ارائه تاییدیه سازمان جهاد کشاورزی استان برای تولیدکنندگان حقیقی کشاورزی و مصوبه مجمع عمومی مربوط به تفکیک نوع محصول و نیز مجوز وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جهاد کشاورزی استان) برای تشکیل‌های بخش کشاورزی است.» طبق ماده «۵» نیز «وزارت جهاد کشاورزی موظف است پس از دریافت فهرست قطعی معاملات از بورس کالا ظرف دو هفته نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تابلو بورس و قیمت تضمینی اعلام‌شده از سوی هیات وزیران اقدام کند.»

علاوه بر این در ماده «۱۵» ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ نیز تکالیف روشنی برای استفاده از بورس کالا بر عهده دستگاه‌های اجرایی گذاشته شده است. بر مبنای بند «۲» این ماده قانونی، به منظور حمایت از محصولات کشاورزی که در کشور تولید می‌شود ولی دارای کمبود است، واردات با حداقل ۲ برابر نرخ موثر تعرفه سال ۱۳۸۸ بلامانع است مشروط بر آنکه این‌گونه محصولات در بازار بورس تخصصی کالا عرضه و به‌گونه‌ای تعیین تعرفه شود که قیمت این محصولات حداکثر ۲۰ درصد نسبت به محصولات مشابه داخلی بیشتر باشد و خارج از فصل برداشت به بازار عرضه شود.

بورنگالا

نبض بورس



تلخ و شیرین عرضه‌های بورسی

قوانین ناظر بر منع مداخله در قیمت‌گذاری بورس باید اجرایی شود

ثبت اطلاعات معامله‌گران و نوع معاملات، بزرگ‌ترین مزیت بورس در مقابله با رانت در بازار کالایی است. یک کارشناس بازار کالایی ضمن بیان این نکته افزود: قابلیت‌های بورس کالا سبب می‌شود که حتی اگر عده‌ای دلال به اسم تولیدکننده وارد بازار شوند، به راحتی و در سریع‌ترین زمان ممکن، رصد و ردگیری شوند. رزگار خضری توضیح داد: بورس کالا یک بازار رسمی معاملاتی است که در آن تمام کنش‌ها ثبت و ضبط می‌شود. اینکه عرضه‌کننده چه کسی است، خریداران چه افرادی هستند، چه محصولی و با چه کیفیتی عرضه می‌شود، با چه قیمتی به فروش می‌رسد و چه حجمی از کالاها در این بازار داد و ستد می‌شود، همه و همه در این بازار به ثبت می‌رسد و از ابتدا تا انتهای کار به طور شفاف در معرض دید و اطلاع عموم قرار دارد. او افزود: کافیسست همین یک آیتم را در نظر بگیرید تا به خوبی درک کنید شفافیت موجود در بازار، می‌تواند اهرم بسیار قوی علیه سوءاستفاده‌گری و منفعت‌طلبی‌ها باشد.

به گفته خضری، در عین حال باید به این نکته بسیار مهم توجه کرد که اگر این بازار شفاف با مداخلاتی از کارکردهای تعریف‌شده خود فاصله بگیرد، نمی‌تواند به اهداف مورد نظر برسد. در واقع باید اعتبار بورس را حفظ کرد تا از ماهیت اصلی خود دور نشود. این کارشناس بازار کالایی یادآور شد: بورس کالا در واقع نظام قیمت‌گذاری کالاها را طبقه‌بندی می‌کند اما مساله اینجاست که متولیان باید این کارکرد بورس را بپذیرند و اجازه این کار را به آن بدهند.



مقدار محصولی با چه استاندارد و مشخصه‌هایی عرضه می‌شود. البته همواره تخمین‌هایی وجود دارد اما این آمارها، عده‌های دقیقی نیست. او اضافه کرد: از سوی دیگر مشخص نیست در بازار آزاد، چه افرادی تولیدات‌شان را در بازار داخل می‌فروشند و چه افرادی تولیدات را صادر می‌کنند. بنابراین تامین‌کنندگان بازار داخلی هم قابل شناسایی دقیق نیستند.

خضری متذکر شد: در نقطه مقابل اینکه خریداران چه کسانی هستند نیز در ابهام زیادی قرار دارد. در این بخش که به نظر فسادزاترین بخش در بازار است، غبارآلودگی زیادی وجود دارد به طوری که در اغلب اوقات با دلالاتی مواجه هستیم که به اسم مصرف‌کننده در بازار معامله انجام می‌دهند اما محصولات خریداری‌شده سر از بازار سیاه در می‌آورد یا احتکار می‌شود تا در زمان مناسب و در پیک قیمت‌ها به بازار ورود پیدا کند. در عمل می‌بینیم خریداران عمدتاً در گروه تولیدکنندگان قرار نمی‌گیرند و همین مساله تنش‌های بازار را افزایش می‌دهد.

او تاکید کرد: اما در بورس کالا برای انجام یک معامله تمام مراحل و مشخصه‌های افراد متقاضی باید ثبت شود. یعنی عرضه‌کننده، خریدار، میزان محصول عرضه‌شده و کیفیت آن مشخص است. بنابراین حتی اگر عده‌ای دلال به اسم تولیدکننده وارد بازار شوند نیز به راحتی قابل ردگیری و رصد خواهند بود. وی معتقد است: این مزیت بزرگ بورس است که می‌تواند معاملات را پایش کند و در این پایش‌ها رانت‌ها را شناسایی و با آن مقابله کند.

خضری گفت: اگر اجازه ندهیم کالا یا برخی خریداران به بورس بیایند و از سوی دیگر، قیمت‌ها را بدون در نظر گرفتن عرضه و تقاضای موجود، به صورت دستوری تعیین کنیم؛ در عمل بورس به عنوان مبنای قیمت‌گذاری محسوب نخواهد شد و نمی‌تواند اثرگذاری مثبتی مطابق سقف ظرفیت خود داشته باشد.

او ادامه داد: مساله‌ای هم که امروز دغدغه فعالان بازار کالایی است همین است که مسئولان سیاست‌گذار باید بورس را به عنوان مبنای قیمت‌گذاری بپذیرند. به طور مثال با ایجاد محدودیت در عرضه، حجم بسیار اندکی از کالاها در بورس عرضه می‌شود و به این ترتیب بورس دیگر نمی‌تواند مبنای قیمت‌گذاری شود.

خضری خاطرنشان کرد: گاهی در دولت و مجلس و حتی در سطح سران قوا، تصمیماتی گرفته می‌شود که در نهایت ماهیت بورس را تغییر می‌دهد. وی تاکید کرد: ما در قوانین بورس تاکیداتی داریم که هر گونه مداخله قیمتی در بورس را ممنوع می‌داند. در صورتی که این اصول به عنوان هویت اصلی و ستاره راهنمای بورس پذیرفته شود، آنگاه می‌توان کارکردهایی مانند مقابله با رانت را از این بازار انتظار داشت.

این کارشناس بازار کالایی عنوان کرد: در همین بازار پرمداخله هم وقتی معاملات را با خارج از بورس مقایسه می‌کنیم؛ تفاوت بسیار زیادی را مشاهده خواهیم کرد. در بازار آزاد هیچ نظارت دقیقی بر میزان عرضه و نوع آن وجود ندارد، یعنی مشخص نیست که دقیقاً چه

یک بستر و دورویا

تفاوت هدف گذاری با خروجی قیمت گذاری عرضه های بورسی



ورود به حوزه سیاست گذاری های قیمتی، هرچند با هدف حفظ تعادل در بازار اتفاق می افتد اما اغلب به نتایج نامطلوبی منتهی می شود. ایجاد بازار سیاه زیر سایه سیاست های غیرانعطاف پذیر، نتیجه همیشگی این پدیده بوده است. به گفته یک کارشناس بازار کالایی، سیاست های دولت، مجلس و حتی مصوبات سران قوا یک نقطه مشترک دارد و آن غیر انعطاف پذیر بودن است. امیرمسعود پرور افزود: سیاست های مزبور و مصوبات قوا مانند یک قانون دائمی عمل می کند که در شرایط مختلف قابل تغییر نیست. وقتی در جلسه هیات وزیران یا جلسه سران قوا مصوب می شود که محصولی مانند شمش، قیمت پایه مشخصی داشته باشد، تغییر این مصوبه مشروط به برگزاری جلسه دوباره هیات وزیران و سران قوا، بررسی مجدد قیمت ها و نهایتاً تصویب قیمتی جدید است. او ادامه داد: گاهی ممکن است بررسی دوباره یک سیاست قیمتی در چنین روندی چندین سال به طول بینجامد اما بازار، پدیده های سیال و جاری است و ثابت ماندن قیمت ها برخلاف واقعیت های بازار ممکن است پیامدهای ناخوشایندی مانند ایجاد بازار سیاه و فراهم کردن زمینه ویژه خواری برای عده ای را در پی داشته باشد.

تاثیر می گذارد اما به اندازه سیاست های قیمتی مخرب نیست و می تواند گاهی برای ایجاد تعادل در بازار مفید باشد. در مقابل سیاست های قیمتی هیچ مزیتی در بازار ندارد و می تواند رانت گسترده ای ایجاد کند. او ادامه داد: در سال های ابتدای دهه ۸۰ ما با نوعی از همین سیاست گذاری ها مواجه بودیم که در نهایت به رانت های بزرگی منجر شد. دولت هشتم در سال های آخر تصمیم گرفت برای محصولات پتروشیمی قیمت پایه تعیین کند. این قیمت پایه تعیین شد اما قیمت ها در بازار جهانی و حتی در بازار آزاد داخلی تغییر و شروع به افزایش کرد. پرور بیان کرد: در عرض چند سالی که سیاست دولت هشتم و نهم بر پایه همان مصوبه هیات وزیران بود؛ عده زیادی توانستند از رانت ایجاد شده که مربوط به مواد اولیه ارزان قیمت بود، سوءاستفاده کنند. قیمت این محصولات آن قدر وسوسه انگیز بود که حتی افرادی که تولیدکننده نبودند، خود را به عنوان خریدار جا می زدند و با خرید محصولات ارزان و فروش آن در بازار سیاه سودهایی چندین برابری می بردند. این کارشناس بازار کالایی اظهار کرد: اکنون دولت در بازار فولاد نیز اقدام به سیاست گذاری قیمتی کرده و این کار با توجه به عمر مصوبات دولت می تواند خروجی ناخوشایند همان تجربه ناکام قبل را تکرار کند. وی در پایان تأکید کرد: بهترین روش تنظیم بازار، به رسمیت شناختن قوانین عملکردی بورس است تا با اتکا به نظام عرضه و تقاضا، قیمت هایی نزدیک به واقعیت کشف و راه سوءاستفاده های قیمتی مسدود شود.

پرور متذکر شد: دولت طی سال های قبل سقف رقابت ۱۰ درصد را در بورس مشخص کرده بود اما تعیین این رقم باعث ایجاد تقاضاهای ساختگی شد. مدتی طول کشید تا دولت با مشاهده نتایج نامطلوب این مصوبه خود در بازار، تصمیم به لغو آن بگیرد. اما در فاصله زمانی تصویب و لغو این تصمیم، عده ای سودجو از فضای ایجاد شده سوءاستفاده کردند و مبالغ رانتهای زیادی به جیب زدند. این کارشناس بازار کالایی توضیح داد: تعیین قیمت پایه یا در نظر گرفتن سقف قیمت، تنها موارد مداخلات در بازار نیست. گاه دولت محدودیت هایی در عرضه برخی محصولات ایجاد یا برخی معاملات را به دلیل بالا رفتن قیمت، ابطال می کند. او یادآور شد: ایجاد محدودیت در عرضه و تقاضا برای کنترل بازار صورت می گیرد اما این محدودیت ها بر قیمت ها اثرگذار است و به صورت غیرمستقیم، سیاست های قیمتی شناخته می شود. نحوه کار در مداخلات غیرمستقیم، این گونه است که هنگام پذیرش محصول یک تولیدکننده، هیات پذیرش بورس کالا تعیین می کند که چه میزان از محصول مورد نظر مجور عرضه بورسی را دارد. این سازوکار قبلاً الزام اجرایی چندانی نداشت و تولیدکنندگان طبق صلاحدید خود میزان محصول عرضه شده در بازار را تعیین می کردند. با گذشت زمان و تجربه عرضه کالاها خارج از بورس، دولت برای نظارت بر بازار سیاست های کنترلی را در دستور کار قرار داد و برای عرضه و تقاضای بازار کف و سقف اعلام کرد. به گفته پرور، این سیاست گذاری ها اگرچه روی قیمت هم



از دولت یکه تاز تا دولت مداخله گر

مرور نظام قیمت گذاری و تنظیم بازار از ابتدای انقلاب تا امروز

دولت ها در طول سال های بعد از انقلاب همواره نقش پررنگی در تولید و تنظیم بازار داشته اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی همه مراکز تولیدی، تحت مدیریت دولت قرار گرفتند و تا سال ها بخش خصوصی در فعالیت های مولد و غیرمولد حضوری نداشت. در واقع دولت هم تولیدکننده و هم قیمت گذار بود و همزمان مسئولیت توزیع را نیز بر عهده داشت. این نظام یعنی طی سال های جنگ مدیریت دولتی محض به عنوان یک نظام تنظیم گری یکه تاز عمل کرد، زیرا در شرایط بحران کشور باید با منابع مالی محدود مدیریت می شد و در چنین فضایی، پذیرش ریسک حضور و قصور بخش غیردولتی به علت احتمال خارج شدن اقتصاد کشور از کنترل و نظارت، امکان پذیر نبود. سیستم توزیع زمان جنگ پیچیدگی های خود را داشت. کشور در شرایطی عادی نبود و بخش عمده ای از درآمدی که حاصل می شد باید به تجهیز نیروهای دفاعی تخصیص می یافت. در چنین شرایطی مدیریت منابع برای رساندن اقلام به دست مصرف کنندگان واقعی اهمیت بسیار زیادی پیدا می کرد. به همین منظور در سال های جنگ و در دولت های سوم و چهارم، مراکز ی با عنوان تهیه و توزیع ایجاد شد که زیر نظر وزارت بازرگانی فعالیت می کرد. بیراه نیست اگر خود این مراکز را به دلیل اهمیت و نقشی که در تامین مایحتاج کشور ایفا می کرد؛ در حد «وزارتخانه» تلقی کنیم. استراتژی برگزیده آن دوران، چندیوچی بود اما در عمل بخش تولید به عنوان پایه اقتصاد تلقی می شد و تولیدکنندگان، بویژه تولیدکنندگان خرد زیر چتر حمایت ویژه دولت قرار داشتند.

داشتند. در این برنامه‌ریزی‌ها و ایجاد ساختارها، ستاد بسیج اقتصادی هم همراه وزارت بازرگانی به انجام بهتر کارها کمک می‌کرد. ستاد بسیج با نظارت نخست وزیر وقت فعالیت می‌کرد. بر این اساس دولت، می‌دانست که چه میزان کالا مورد نیاز است، این کالاها را از کجا باید تامین کرد، روش تامین چیست و چگونه باید به دست مصرف‌کننده رساند. البته برنامه‌ها همیشه با اشکالاتی هم مواجه می‌شد. برخی از اشکالات و اختلالات در حوزه عملکرد خود مسئولان بود و می‌توانستند آن را رفع کنند، اما برخی دیگر خارج از مدیریت آنان بود. به طور مثال کشتی‌هایی که برای ایران کالا آورده بودند توسط جنگنده‌های عراقی در خلیج فارس هدف قرار می‌گرفتند و کل کشتی با بار آن به قعر خلیج فارس فرو می‌رفت و غرق می‌شد. حالا از سویی برای خرید آن محموله‌ها، هزینه زمانی و ربالی شده بود و از سوی دیگر، کوپن آن کالاها به مردم داده شده بود. در واقع تهیه و تامین کالا در دوران جنگ بسیار سخت‌تر از شرایط تحریمی بود.

ساختارها در آن دوران از اهمیت زیادی برخوردار بود. ساختارها کمک می‌کرد که هم از کمک اصناف استفاده و هم از سیستم مراکز تهیه و توزیع بهره برده شود. با این ساختارها حتی وقتی کار به دست بخش خصوصی هم سپرده می‌شد، مشخص بود که چه کسی قرار است چه بخشی از کار را با چه میزانی و چه کیفیتی انجام دهد.

از سال ۶۸ به بعد دولت وقت به این نتیجه رسید که این ساختارها و سیستم مراکز تهیه و توزیع زائد هستند، بنابراین دستور به جمع کردن آن داد. از آن زمان به بعد کم‌کم با ایده خصوصی‌کردن کارها، نظام تنظیم بازار به جای تولیدکنندگان و واردکنندگان بخش خصوصی به دلالت سپرده شد و نظام واسطه‌گری نیز از آنجا شکل گرفت. دولت وقت می‌گفت دیگر جنگ تمام شده است و در تنگنا نیستیم پس به مراکز تهیه و توزیع و همچنین به کوپن نیازی نداریم. بنابراین ابزارهایی که کمک می‌کرد کالاها به‌موقع تامین شود و از مجراهای واقعی توزیع به دست مصرف‌کنندگان واقعی برسد، جمع شد. در آن زمان مرکز فلزات، مرکز منسوجات، مرکز مواد پلاستیکی و ... وجود داشت اما همه این مراکز پس از جنگ برچیده شد.

هر کدام از این مراکز گذرگاه‌هایی داشتند که آنها را کنترل می‌کرد. ارز مختصری هم که نیاز داشتند از مسیرهای کنترل‌شده تخصیص پیدا می‌کرد. بنابراین موضوعات در حالی که جنگ بر کشور تحمیل شده بود بسیار دقیق ولو دستی پیگیری و محاسبه می‌شد. حساب و کتاب تک‌تک کالاها مشخص بود.

۲ تشکیل اتاق تولیدکنندگان در وزارت بازرگانی

آن زمان اتاقی در وزارت بازرگانی وقت ایجاد شده بود تا نماینده تولیدکنندگان در آنجا مستقر شوند و در تمام تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها مشارکت داشته باشند. در عین حال که تولید، محور اصلی برنامه‌های حمایتی دولت بود، در جبهه دیگر برای تامین همه نیازهای کشور زیرساخت‌های لازم به منظور واردات و توزیع و چرخه مربوط به تامین و توزیع نیز پیش‌بینی و مهیا شده بود. سیستم توزیع برای دولت اهمیت ویژه‌ای داشت. چون منابع اندکی برای تامین نیازها وجود داشت و اگر قرار بود این منابع اندک را نتوانند به دست مصرف‌کننده واقعی برسانند، اداره کشور از دست خارج می‌شد.

با توجه به تجربیات کشورهای موفق دنیا، برای تامین کالاها و پشتیبان تولید شروع به برنامه‌ریزی و ایجاد ساختار کرد. آن زمان تکنولوژی مانند امروز در خدمت نبود و مسئولان ناگزیر بودند بسیاری از محاسبات را دستی انجام دهند. بنابراین امکان استفاده نرم‌افزاری از برنامه‌هایی که کار را راحت می‌کرد وجود نداشت. اما با همان محاسبات دستی می‌شد کار را به‌گونه‌ای پیش برد که تامین نیاز به نحو مطلوبی انجام شود.

برای شناسایی نیاز کشور، کمیسیونی تشکیل شد که حاضران در آن افراد دست‌اندرکار سیستم تامین و توزیع بودند؛ از تولیدکنندگان گرفته تا واردکنندگان و مسئولان و فعالان بازار. حتی از کارشناسان و استادان دانشگاه هم دعوت شده بود تا در این کمیسیون به مسئولان مشورت دهند. بعد از آنکه نیاز کشور برآورد می‌شد هر چقدر که امکان داشت تولید می‌شد و کار به تولیدکنندگان سپرده می‌شد و برای واردات مابقی مایحتاج برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت. در واقع بعد از تخمین‌زدن‌ها و تولید مواد مورد نیاز یا واردات آنها، دیگر بحث توزیع کار وزارت بازرگانی بود که از طریق مرکز تامین و توزیعی که ایجاد کرده بود کالاهای تهیه‌شده را به دست مصرف‌کنندگان برساند.

۲ بررسی میزان نیاز تولید از طریق کمیسیون مشترک

برای تامین کالاها و مواد نیاز تولید هم به همین شکل عمل می‌شد. وزارت صنعت تخمین اولیه‌ای از میزان نیاز به مواد اولیه تهیه و ارائه می‌کرد و سپس در کمیسیون مشترک، راه‌های تامین این مواد بررسی می‌شد و در نهایت مراکز تهیه و توزیع، مأمور پیشبرد اجرایی کار می‌شدند و نقش بسیار مهمی در رساندن مواد اولیه به مصرف‌کنندگان، اعم از خانوارها یا واحدهای تولیدی داشتند. با این روند، امکان حضور افرادی که تحت عنوان واسطه و دلال شناخته می‌شوند، منتفی می‌شد زیرا کل روند توسط دولت و با ساوکار متمرکز، تعریف و اجرا می‌شد.

دولتی‌ها برای اینکه بدانند چه کالاهایی و به چه میزان مورد نیاز است و از کجا باید آن را تامین کرد، به برنامه‌ریزی نیاز

۴ خصوصی سازی همراه با تعدیل ساختاری

اما در برهه زمانی پس از جنگ، نیاز به سیطره همه جانبه دولت بر اقتصاد، کمرنگ شد و به تدریج واگذاری امور به بخش خصوصی جدی تر شد و گسترش یافت. در دوران سازندگی، طرحی با عنوان «تعدیل ساختاری» از سوی دولت مطرح و به دنبال آن واگذاری های به بخش خصوصی آغاز شد. به تدریج در این دوره و همین طور در دولت های بعد واگذاری ها به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گرفت. به این ترتیب موضوع قیمت گذاری ها نیز شمایل دیگری پیدا کرد. اگر تا پیش از این دولت محصولات تولید شده خود را قیمت گذاری می کرد و ایرادی بر او گرفته نمی شد، حال تولیدات از سوی عده ای دیگر انجام می شود که قیمت گذاری را بر نمی تابند.

دولت در این دوران به دو گونه عمل می کرد. بخشی از گروه کالاهای تولید شده که به عنوان کالای اساسی از سوی دولت شناخته نمی شدند به نظام عرضه و تقاضا و خود بازار سپرده شد اما برای برخی گروه کالاهایی که به عنوان کالای اساسی قلمداد می شدند؛ مداخلات دولت همواره وجود داشت.

دولت در برخی کالاهای اساسی به دلیل نیاز اولیه زندگی مردم است ورود و قیمت گذاری و تنظیم گری می کند اما برای برخی دیگر از کالاها به دلیل اعطای یارانه هایی، اجازه ورود پیدا کرده و قیمت گذاری برای آنها را جزو وظایف خود می داند.

فولاد نیز از جمله کالاهایی است که به دلیل اعطای انرژی ارزان، دولت همواره در این بازار حضور پررنگی داشته است. تا پیش از دهه ۸۰، بازار فولاد یک بازار آزاد و تحت مدیریت دولت بود. بعد از سال ۸۲ و با ایجاد بورس کالا، بازاری شکل گرفت که قرار بود در قالب سیستم عرضه و تقاضا و الگوی شفاف معاملاتی فعالیت کند.

در طول سال هایی که از تشکیل بورس کالا می گذرد به رغم انتظار و با وجود قوانینی که هر گونه قیمت گذاری در بورس را ممنوع می داند اما حضور دولت در این بازار به اشکال مختلف در بخش قیمت گذاری احساس شده است. در یک دوره با تعیین قیمت پایه، در یک دوره با تعیین سقف قیمت، در یک دوره با ابطال معاملاتی که بالاتر از قیمت مورد نظر دولت انجام شود و ... این نوع مداخلات قیمتی که با انگیزه خیرخواهانه و ارزان رسیدن کالا به دست مصرف کننده صورت گرفته اما یک پیامد مهم در بازار داشته است؛ ایجاد بازار سایه در کنار بورس.

۴ قیمت گذاری دولتی در بازار غیردولتی

یکی از تجربه هایی که در دهه ۸۰ تحت عنوان مداخلات دستوری در بازار شاهد بودیم تعیین قیمت پایه برای محصولات پتروشیمی بود. دولت وقت (سال ۱۳۸۲) برای محصولات پتروشیمی یک قیمت پایه و ثابت تعیین کرد. در لحظه تصمیم گیری قیمت درست تعیین شده بود اما مشکل وقتی پیش آمد که قیمت جهانی نفت شروع به بالا رفتن کرد و از ۴۰ دلار در هر بشکه به ۱۴۰ دلار رسید. به دنبال آن قیمت محصولات پتروشیمی هم بالا رفت اما در ایران و در بازار رسمی، قیمت ها همانی بود که سال ۸۲ تعیین شد. در این میان یک فاصله قیمت بسیار وسوسه انگیز برای برخی منفعت طلبان ایجاد شد. هر روز یک کارخانه پلاستیک جدید تاسیس می شد تا از این لقمه چرب مواد اولیه ارزان استفاده کند؛ کارخانه هایی که به اسم تولید، مواد اولیه را می خریدند و در بازار سیاه می فروختند. دولت اصلاحات درگیر خداحافظی و رفتن بود و فرصت رسیدگی به قیمت ها را پیدا نکرد و دولت مهرورزی هم که آمد تا بخواهد دغدغه ای به اسم اصلاح قیمت محصولات پتروشیمی داشته باشد، دو سالی گذشت. اما در این چهار سال رانتهای کلانی توزیع شد که اثرات آن هنوز از چهره بازار پلاستیک زوده نشده است.



یک کالا در مجلس یا دولت تصویب می‌شود، در زمانی که نیاز به تغییر قیمت داریم باید همان مرجع دوباره قیمت جدید را تصویب کند. از آنجا که فرآیند تصویب یک تصمیم در مجلس و دولت زمان‌بر است برای بازار مشکلات جدی ایجاد می‌شود و وارد یک دوره توزیع رانت می‌شویم. یعنی حتی اگر قاعده قیمتی دولت یا مجلس در زمان تصویب درست هم بوده باشد اما این قابل انعطاف نبودن آن می‌تواند منجر به مصیبت شود. مانند همان اتفاقی که در سال‌های ۸۲ تا ۸۶ در بازار محصولات پتروشیمی افتاد.

اکنون و در ماه‌های پایانی فعالیت دولت تدبیر و امید، شاهد تصویب شیوه‌نامه فولاد هستیم که دولت در آن قیمت پایه تعیین کرده است. قیمتی که امروز تعیین شده دقیقاً متناسب با نرخ روز بازار است اما اگر بازار وارد دوره رکود یا رونق شود و قیمت‌ها تغییر کند، ثابت ماندن قیمت فولاد در بورس می‌تواند ما را وارد یک دوره توزیع رانت جدید کند. کارشناسان نگران این هستند که دولت دوازدهم آن‌قدر درگیر رفتن شود و دولت سیزدهم، آن‌قدر درگیر چینش کابینه و جایگیری اعضا باشد که اصلاح قیمت پایه فولاد به اولویت‌های آخر تبدیل شود و در این فاصله طلایی عده‌ای شروع به بهره بردن از رانت کنند و ضربات سنگینی به پیکره تولید وارد شود.

۲ شیوه‌نامه جدید و مداخلات غیرقابل انعطاف

طبیعتاً بورس با هر نوع مداخله‌ای که سازکارهای آن را به هم بریزد مشکل خواهد داشت. برخی مداخلات مداخله در سمت تقاضا یا عرضه است که تأثیر کمتری روی بورس دارد اما برخی مداخلات که قیمتی است به شدت می‌تواند کار بورس را مختل کند. تحلیل‌گران معتقدند مداخلات در بازار باید توجیه داشته باشد؛ یعنی اصل بر مداخله نکردن باید باشد مگر جایی که به دلیل بحران و مشکلی با شکست بازار مواجه هستیم و بازار نمی‌تواند تخصیص خود را درست انجام دهد. در اینجا هم مداخله نباید در قیمت باشد بلکه باید در عرضه و تقاضا انجام شود. به طور مثال اگر در یک کالایی تقاضا بی‌قاعده بالا رفته، منطق حکم می‌کند که ابزاری را برای کنترل تقاضا داشته باشیم. یا مثلاً وقتی حجم ورق فولادی کمتر از نیاز بازار است منطق حکم می‌کند اجازه خرید سایر بازیگران را ندهیم، لذا اینجا کنترل خریداران یک مساله قابل مداخله است.

اما زمانی با مشکل مواجه می‌شویم که برای قیمت‌گذاری قاعده می‌گذارند. قاعده‌هایی هم که در هیات دولت یا بعضاً مجلس گذاشته می‌شود اغلب قابل انعطاف نیست. وقتی در یک دوره رکود یا رونق وارد بازار می‌شوید، قاعده‌گذاری قطعاً باید نوسان کند اما وقتی قیمت پایه





پادزهر رانت و گرانی در بازار فولاد

کارشناسان، تنظیم‌گری مشارکتی و حذف سیاست‌های مداخله‌ای را دواي درد این بازار می‌دانند

محصولات فولادی در ایران از ظرفیت بسیار بالایی برای تولید برخوردار است و این مزیت، وامدار منابع غنی کشورمان است که موجب شده، بخش مهمی از صادرات غیرنفتی ایران را محصولات فولادی تشکیل دهد. مرور آمارهای تولید و صادرات فولاد نیز تاییدکننده نقش و جایگاه ارزنده این محصول در اقتصاد کشور است.

طبق آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت، سال ۱۳۹۸ حدود ۲۰ میلیون تن فولاد خام و ۱۳/۴ میلیون تن محصولات فرآوری‌شده فولادی در کشور تولید و در همان سال، رقمی حدود هفت میلیون تن محصول فولادی و فولاد خام صادر شده است. حالا طبق پیش‌بینی انجمن تولیدکنندگان فولاد، سال ۱۳۹۹ میزان تولید به ۳۱ میلیون تن می‌رسد و از این مقدار حدود ۱۲ میلیون تن صادر می‌شود. این آمارها مربوط به واحدهای بزرگ تولید فولاد است و واحدهای کوچک‌مقیاس در آمارها نیامده که با احتساب آنها، قطعاً میزان تولید بالاتر از رقم اعلام‌شده خواهد بود. از سوی دیگر شرایط جهان به دلیل شیوع کرونا در یک تنگنا قرار دارد که به طور قطع اگر در وضعیت عادی‌تری قرار داشتیم، این میزان تولید و صادرات به مراتب به رقمی بالاتر قابل افزایش بود.



۲ پیشگام در بورس کالا

سال ۱۳۸۲ که بورس کالا راه‌اندازی شد؛ فولاد به عنوان پیشگام محصولات عرضه‌شده در این بازار، سردمدار عرضه‌های شفاف اتاق شیشه‌ای شد. محصولاتی که همیشه به عنوان یکی از اصلی‌ترین و عمده‌ترین عرضه‌های این بازار نقش ایفا کرده است. محموله‌های مورد معامله اغلب از حلقه‌های میانی زنجیره فولاد یعنی شمش، ورق و گندله تشکیل شده و کمتر کالاهایی چون سنگ آهن یا محصولات نهایی در بورس معامله می‌شدند.

این عرضه‌های ناقص از زنجیره بزرگ فولاد، پس از تأکیدات مکرر کارشناسی، سرانجام دولت را بر آن داشت که طبق شیوه‌نامه‌ای عرضه تمام محصولات تولیدشده در این زنجیره را به فروش در بورس کالا ملزم کند. وزیر صمت نیز با چنین تفکری همسو است و در مدت کوتاهی که بر کرسی وزارت تکیه زده، ساماندهی بازار فولاد را به عنوان اولویتی جدی در فهرست برنامه‌هایش گنجانده و به دقت پیگیری کرده است. اما شاید دغدغه دیگری را بتوان به عنوان مهم‌ترین مساله این بازار شناسایی کرد که همان دغدغه قیمت‌گذاری است.

طی ۱۷ سالی که از عمر معاملات فولادی در بورس می‌گذرد، موضوع قیمت همواره اصلی‌ترین چالش این بازار بوده و درگیری با بحث قیمت‌گذاری در طول این سال‌ها به اشکال مختلف بروز و نمود داشته و اثرات کوتاه و بلندمدتی را بر بازار تحمیل کرده است. تعیین سقف قیمتی، ابطال معاملاتی که با قیمت بالا انجام می‌شود و تعیین قیمت‌های پایه، نمونه‌هایی از شیوه‌های بحث‌برانگیز قیمت‌گذاری در عرضه بورسی محصولات فولاد بوده است.

۲ عوامل بر هم زننده توازن زنجیره فولاد

بررسی عملکرد زنجیره فولاد، همواره نشان داده که عوامل مختلفی می‌تواند توازن این زنجیره را بر هم بزند. صادرات نامتوازن، صدور مجوزهای یک‌شبه، احتکار و واسطه‌گری از جمله این عوامل است. اما نکته مهم این است که این عوامل زمانی بروز و ظهور پیدا می‌کند که در ابتدا قیمت‌گذاری دستوری انجام شود. یعنی تمام اختلال‌ها در بازار محصولات فولادی از موضوع قیمت‌گذاری نشأت می‌گیرد.

برای کنترل و تنظیم بازار فولاد، همواره سیاست‌هایی بر این بازار اعمال می‌شود که نقطه ثقل آن نیز

محدودیت‌های صادراتی برای آن دسته از تولیدکنندگانی که کف عرضه در بورس را رعایت نکرده‌اند ۵- اعمال ممنوعیت‌های صادراتی برای تجار و ایجاد انحصار صادراتی برای تولیدکنندگان ۶- تعیین عوارض ۲۵ درصدی صادرات برای محصولات فولادی مثل سنگ آهن، گندله و کنسانتره. این مقررات در واقع بر خلاف قوانین مصوب در ستاد تنظیم بازار است که در جلسات شورای هماهنگی سران قوا به تصویب رسیده است. نتیجه‌ای که از این مقررها در سال‌های گذشته عاید شده، اول دو نرخ شدن محصولات فولادی و تشکیل بازار سیاه و دوم نفوذ گسترده دلان به معاملات بوده است.

۲ پیامدهای نامطلوب قیمت گذاری در بازار

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان تبعات مداخلات قیمتی در بازار را به پنج بخش تقسیم کرد:

- ۱) بروز فاصله عمیق بین نرخ‌های داخلی و جهانی و ایجاد انگیزه بالا برای صادرات
- ۲) خارج شدن کشف قیمت در بورس از حیض انتفاع به دلیل دستکاری در عرضه و تقاضا
- ۳) بروز مشکلات در تامین مواد اولیه به دلیل صرفه اقتصادی پایین فروش مواد اولیه در داخل کشور
- ۴) نداشتن امکان نظارت درست بر معاملات مواد اولیه مانند سنگ آهن به دلیل عرضه غیرمستمر در بورس
- ۵) حضور گسترده دلان برای بهره‌گیری از سود حاصل از دونرخ شدن محصولات

البته دولت در شرایطی که کشور از یک‌سو با فشار تحریم‌ها و جهش ارزی روبه‌رو بود و از سوی دیگر کرونا، عرصه را بر اقتصاد تنگ کرده بود ناچار به برخی مداخلات در بازار شد. دولت برای کنترل بازار، تامین مواد اولیه تولید و جلوگیری از جهش قیمتی از تمام ابزار در اختیارش استفاده کرد. ابزارهایی مثل ملزم کردن تولیدکنندگان برای عرضه در بورس کالا، تعیین قیمت‌های دستوری، ایجاد محدودیت‌های صادراتی و وضع عوارض صادراتی و حتی سهمیه‌بندی بین خریداران کالا. اما از آنجا که مداخلات قیمتی، آثار زیان‌باری دارد که پیش‌تر به آن اشاره شد، برخی محافل کارشناسی پیشنهاد می‌دهند دولت در گام نخست، سیاست‌های مداخله‌ای را متوقف و در گام بعدی، مدلی بر اساس تنظیم‌گری مشارکتی طراحی کند.

کارشناسان معتقدند با این روش، اولاً شکاف قیمتی بین قیمت داخلی و قیمت جهانی کم می‌شود و دوماً امکان تامین نیاز محصولات از تولیدات داخل به وجود خواهد آمد.

قیمت‌گذاری است. مسئولان مجموعه اقداماتی برای کنترل بازار انجام می‌دهند که اغلب به دلیل تبعات ناشی از آن تصمیمات و اقدامات، ناگزیر به صدور بخشنامه و مصوبات دیگر می‌شوند که اثرات مصوبه اول را خنثی کنند.

در میان حلقه‌های مختلف زنجیره فولاد نیز طبق محاسبات مراکز تحقیقاتی، واحدهای کنسانتره‌سازی بیشتر از دیگر واحدها تحت اعمال این سیاست‌هاست. به همین دلیل نیز پیش‌بینی شده است که امسال با کمبود کنسانتره مواجه و ناگزیر شویم برای جبران کسری‌ها دست به واردات بزنیم.

عمده‌ترین دلیل این اتفاق نیز به همان موضوع قیمت‌گذاری بازمی‌گردد. هرچند طبق قوانین بورس، تعیین قیمت دستوری برای کالاهای بورسی ممنوع است ولی با توجه به اینکه اقتصاد ایران در وضعیتی ویژه قرار دارد در سه سال گذشته، این اتفاق در بورس افتاده و مسئولان بخش صنعت کشور از سیاست‌های قیمتی استفاده کرده‌اند.

از سال ۹۷ تا ۹۹ شمش فولاد اغلب مشمول قیمت‌گذاری بوده است. در این سه سال، عرضه محصولات تولیدکنندگان بزرگ فولاد در بورس، اغلب بیش از تقاضا بوده و در نتیجه تحت تأثیر عرضه غالب، قیمت شمش تعیین می‌شود.

دیگر محصولات این زنجیره مانند سنگ آهن و آهن اسفنجی هم طبق فرمول‌های مشخص شده از سوی مسئولان تعیین قیمت می‌شود. در واقع قیمت محصولات مثل گندله، کنسانتره و آهن اسفنجی ضریبی از میانگین نرخ سه‌ماهه فروش نقدی شمش فولاد خورستان است.

تا اینجا کار مشکلی وجود ندارد. اما وقتی مشکل ایجاد می‌شود که قیمت‌های جهانی شروع به بالا رفتن می‌کند و قیمت‌های داخلی از این رشد جا می‌ماند. این اتفاق را اگر کنار افزایش قیمت در داخل کشور بگذاریم خواهیم دید که چه جذابیت و سوسه‌انگیزی برای صادرات این کالاها ایجاد خواهد شد.

۲ شش تصمیم تنظیم‌گری دولت در بازار فولاد

وقتی صادرات اوج می‌گیرد و محصول در داخل کم می‌شود دولت به فکر مداخله در صادرات می‌افتد و شروع به وضع قوانین و مقرراتی برای اعمال محدودیت برای صادرات می‌کند. در عمل ما در مدت مورد اشاره با ۶ تصمیم تنظیم‌گری بازار فولاد مواجه بوده‌ایم. ۱- تعیین قیمت‌های دستوری برای محصولات مختلف فولادی ۲- تعیین حداقل عرضه ماهانه برای تولیدکنندگان عمده محصولات فولادی در بورس کالا ۳- باطل اعلام کردن معامله‌های انجام شده‌ای که از قیمت‌های تعیین شده بیشتر است ۴- اعمال



دود غلیظ مداخله قیمتی در «اتاق شیشه‌ای»

محدودسازی روند «کشف قیمت»، فلسفه وجودی بورس را تضعیف می‌کند

تلاش برای پایین نگه داشتن قیمت کالاهای عرضه‌شده در بورس از طریق تعیین قیمت‌های پایه و سایر مداخله‌های دستوری در سال‌های گذشته، در بیشتر موارد نه تنها منجر به تنظیم بازار و ایجاد تعادل نشده بلکه با تشکیل بازاری موازی، ناخواسته زمینه‌ساز بروز سوءاستفاده‌های رانتی و افزایش قیمت‌ها شده است. جالب آنکه این رانت نه به جیب تولیدکنندگان می‌رود و نه مصرف‌کنندگان از دستورات ثابت نگاه داشتن قیمت منفعت می‌برند و در واقع همواره این منافع غیرقانونی و نامشروع نصیب عده‌ای واسطه می‌شود که از فضای رانتی فراهم‌شده حداکثر بهره‌برداری را می‌کنند. تجربه نشان داده است که سودجویان برای دستیابی به اهداف خود از هیچ راهی فروگذار نمیکنند، بلکه بی توجه به هشدارهای کارشناسی معمولاً در پی ایجاد حلقه‌ها و چرخه‌های تولید رانت و سوء استفاده هستند. نمونه‌های این سودجویی‌ها را در حلقه‌های مختلف تولید و توزیع برخی زنجیره‌های کالایی پیش از این شاهد بودیم. با این حال ساز و کار رقابت شفاف در بورس مهمترین ابزار مقابله با این سودجویی‌ها و کشف قیمت منصفانه کالاها است. چه کالاهایی که در زنجیره اولیه تولید قرار دارند و چه کالاهایی که به عنوان کالاهای نهایی در جامعه مورد استفاده قرار میگیرند. به صورت خلاصه میتوان گفت که قیمتگذاری دستوری به جز ایجاد فضای نااطمینانی اقتصادی و رانت، کارکرد مناسبی ندارد.



عضو هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد درباره تاثیر سیاست‌های قیمتی بر بازار گفت: نخستین نتیجه‌ای که ورود دولت به بازار و سیاست‌گذاری‌های قیمتی دارد از خاصیت انداختن بورس است. این بازار اتاقی شیشه‌ای است که با رقابت معامله‌گران قیمت‌های واقعی باید کشف شود. حال تعیین یک قیمت مشخص برای کالاهای به معنی این است که عرضه و تقاضا نادیده گرفته شود و کارکرد بازار از بین برود و در عمل بورس را با سیاست‌های قیمتی خنثی می‌کنیم.

به گفته نادر سلیمانی، هویت این‌گونه شکل می‌گیرد که دو طرف معامله درخواست‌های خود را به اتاق شیشه‌ای می‌آورند، سپس با توجه به میزان تقاضای موجود برای محصول عرضه‌شده، قیمت تعیین می‌شود. سرانجام بر اساس توافق، محصول عرضه‌شده مورد معامله قرار می‌گیرد. به عبارتی در زمان ورود یک جریان دستوری به این فرآیند، در عمل هویت بورس از بین می‌رود و ماهیت ذاتی بورس را به سمت ناکارآمدی می‌برد.

او ضمن تشریح فرآیند طبیعی بازار ادامه داد: مفهوم افزایش قیمت در معاملات این است که تقاضا از عرضه سبقت بگیرد و در واقع کمبود عرضه موجب رشد قیمت شده است. برای کاهش قیمت نیز عرضه باید از تقاضا پیشی بگیرد و به عبارتی متقاضی کم نسبت به عرضه زیاد، نرخ‌ها را پایین آورده است.

عضو هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد معتقد است: زمانی که به تولیدکنندگان تکلیف می‌شود که کالای خود را در بازار کالایی عرضه کنند لازم است که از قوانین بازار تبعیت کرده و سازوکار بورس را بپذیرند. نمی‌توان هم تولیدکننده را مکلف به فروش محصول در بورس کرد و هم هویت بورس را با دخالت‌های مستمر زیر سوال برد.

او یادآور شد: وقتی بورس را در کشور راه‌اندازی کرده‌ایم، یعنی پذیرفته‌ایم کشف قیمت در این بازار انجام شود. بنابراین اگر مزیت کشف قیمت را از بورس محدود کنیم، فلسفه وجودی این بازار تضعیف می‌شود و

بنیان کارکردی خود را از دست خواهد داد. سلیمانی همچنین اظهار کرد: بدیهی است زمانی که نرخ همه کالاهای و قیمت مواد اولیه بالا می‌رود، قیمت کالاهای فلزی و فولاد نیز به تبع آن رشد خواهد یافت. در این شرایط اگر دولت جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد، به طور ناخودآگاه به بازار علامت داده می‌شود که به دنبال رشد ناگهانی و دفعتی در بازار آزاد و صنایع پایین‌دستی باشد. او با تاکید بر اینکه اگر خواستار تعادل در بازار هستیم باید اجازه دهیم بورس بر اساس ماهیت خود عمل کند، تصریح کرد: دولت با ورود به سیاست‌گذاری قیمت در واقع قیمت‌ها را پایین نگه نمی‌دارد بلکه با این اقدام، ناخواسته باعث ایجاد و تشدید تورم انتظاری می‌شود و بازارها را به سمت جهش قیمت هدایت می‌کند.

عضو هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد توضیح داد: مسئولان از حق حاکمیتی خود برای کنترل بازار استفاده می‌کنند و معتقدند قیمت با این سیاست‌گذاری کاهش می‌یابد، اما تجربه نشان داده است در اغلب موارد این اتفاق نمی‌افتد. وی ادامه داد: شاید در مقطعی کوتاه استفاده از ابزارهای دستوری کنترل بازار در تعدیل قیمت‌ها موثر باشد ولی تردیدی نیست که در بلندمدت پیامدهای منفی و اثرات تخریبی آن در بازار آشکار خواهد شد. طی چند سال گذشته تعیین سقف قیمت یا قیمت پایه برای محصولات پتروشیمی را تجربه و ملاحظه کردیم که دخالت دستوری در این بازار موجب شکل‌گیری بازار سایه می‌شود. به نظر می‌رسد دولت اگر قصد تنظیم بازار را دارد بهترین روش برای متعادل‌سازی بازار، نظارت بدون مداخله و نهایتاً مداخلات غیرقیمتی است.

سلیمانی در پایان عنوان کرد: دولت می‌تواند با نظارت بر بازار، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان را رصد کند و این نظارت را تا درب کارخانه و تبدیل مواد اولیه به محصول نهایی نیز ادامه دهد تا پای واسطه‌ها و دلالان از بازار بریده شود اما برای تحقق این هدف باید از هرگونه مداخله قیمتی و قیمت‌گذاری و ابطال معامله بپرهیزد.

رمز موفقیت؛ نظارت و پیشگیری از تخلف

مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد: عرضه بورسی حلقه‌های پایانی زنجیره فولاد ضروری است

امکان عرضه محصولات نهایی باید در بورس کالا فراهم شود. این تاکید مکرر مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد است. وحید یعقوبی می‌گوید: وقتی این محصولات به بورس می‌آید عرضه و تقاضا و سپس قیمت‌ها، شفاف می‌شود. عرضه‌کننده می‌داند که متقاضی محصول او کیست و همین شفافیت معاملات، کنترل اصلی این بازار را امکان‌پذیر می‌کند، اما در بازار سنتی به دلیل عرضه و تقاضاهای پرشمار فعالان ناشناس، امکان رصد معاملات و نظارت بر آنها دشوار است. گفت‌وگوی ما با یعقوبی را در ادامه بخوانید.



بورس کالا

عرضه بورسی حلقه‌های پایانی زنجیره فولاد ضروری است. محصولاتی مثل میلگرد، تیرآهن، ناودانی و حتی پروفیل لازم است در بورس کالا عرضه شود. یکی از پرسش‌های ما هم این است که چرا محصولی مثل «نبشی» در بورس قابل معامله است اما پروفیل قابل معامله نیست؟

دلیل این عرضه نشدن های بورسی چیست؟

می‌گویند به دلیل تنوع زیاد مشخصات نمی‌توانیم عرضه آنها را بپذیریم. البته به گمانم در صورتی که عزمی برای آماده کردن زیرساخت‌ها باشد، می‌توان تمام این محصولات را در بورس عرضه کرد. در بحث میلگرد و شمش نیز این اهتمام صورت گرفته و شرایط برای پذیرش آنها آماده شده است. حلقه‌های پایانی زنجیره تولید هم می‌توانند مشمول این اهتمام باشند. البته باید بحث نظارت هم به طور جدی دنبال شود تا از بروز تخلفات جلوگیری شود. به طور مثال شرکتی که میلگرد به بازار عرضه می‌کند نباید اجازه داشته باشد از طریق شرکت‌های واسطه‌ای خودش دوباره آن میلگردها را خریداری کند. یعنی بورس علاوه بر ایجاد شفافیت در نظام عرضه و تقاضا لازم است نظارت‌های خود را هم در بازار تشدید کند.

چرا معتقدید محصولات حلقه نهایی زنجیره فولاد باید در بورس عرضه شود؟

در وهله اول که این محصولات به بورس بیاید عرضه و تقاضا و سپس قیمت‌ها شفاف می‌شود. عرضه‌کننده می‌داند که متقاضی محصول او کیست و همین شفافیت معاملات کنترل اصلی این بازار را امکان‌پذیر می‌کند. در بازار سنتی، به دلیل عرضه و تقاضاهای پرشمار فعالان ناشناس، امکان رصد معاملات و نظارت بر آنها بسیار دشوار است، اما در حلقه‌های ابتدایی اساسا به اندازه انگشتان دست عرضه‌کننده و متقاضی وجود دارد و چه در بورس و چه خارج از بورس مشخص است که خریدار و فروشنده چه کسانی هستند و معاملات بورسی در این حلقه‌ها تاثیر و کارآمدی چندانی ندارد.

طی بیش از یک دهه‌ای که بورس کالا فعالیت خود را آغاز کرده است، محصولات فولادی از عرضه‌های ثابت این بازار بوده است. فولاد بخش‌های بسیار متنوعی از تولیدات را دارد اما فقط بخشی از آنها در بورس معامله می‌شود. آیا عرضه همه محصولات این زنجیره در بورس را ضروری می‌دانید؟

نحوه عرضه محصولات فولاد در بخش‌های مختلف متفاوت است. به طور مثال عرضه شمش و ورق شرایطی دارد که کاملا با شرایط عرضه سنگ آهن فرق می‌کند. از سوی دیگر عرضه لوله و پروفیل هم شرایط خاص خود را دارد. بنابراین برای هر محصول باید متناسب با ذات و ویژگی‌های آن محصول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد. بورس برای محصولاتی مناسب است که تعدد عرضه‌کننده و متقاضی دارد. در بازار این محصولات بورس می‌تواند با فراهم کردن شرایط معامله، خرید و فروش‌هایی منطقی و با قیمت رقابتی را شکل دهد. در مورد سنگ آهن وضعیت کمی متفاوت است. بیش از ۹۰ درصد سنگ آهن تولیدشده توسط سه شرکت عرضه می‌شود و بیش از ۹۰ درصد تقاضای سنگ آهن مربوط به چهار شرکت بزرگ است. با این تعداد محدود نمی‌توان انتظار شکل‌گیری بازار مناسبی در بورس داشت. در واقع عرضه و تقاضا چندان در کشف قیمت‌ها اثرگذار نخواهد بود. اما در مورد سایر محصولات مثل «گندله» وضعیت متفاوت است و می‌توان با عرضه آن در بورس، انتظار شکل‌گیری بازاری رقابتی و مبتنی بر عرضه و تقاضا را داشت. در زنجیره فولاد، هر حلقه با حلقه قبل و بعد از خود تفاوت دارد. مثلا در بخش شمش به دلیل عرضه و تقاضای زیاد، قیمت‌ها کاملا بر اساس عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد. اما در محصولات سنگ آهن قیمت‌ها در واقع ضریبی از قیمت شمش است.

به اعتقاد شما کدام یک از حلقه‌ها نیاز به عرضه در بورس دارد؟

یورش به رانتهای نهفته بین حلقه‌ها

تاکید شیوهنامه بر عرضه تمام محصولات زنجیره فولاد در بورس گره‌گشاست



رئیس هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد درباره تعیین قیمت برای محصولات فولادی گفت: قیمت‌های دستوری به دلیل ایجاد فاصله بین قیمت محصولات حلقه‌های مختلف زنجیره فولاد، رانت‌زا و فسادآفرین است. عرضه محصولات فولادی به طور کامل در بورس می‌تواند بازار را یکدست کند و رانتهای نهفته بین حلقه‌ها را از بین ببرد. مشروط بر آنکه دولت اجازه دهد بازار بر اساس سازوکار خود عمل کند و به تعادل برسد. بهرام سبحانی با اشاره به اینکه بازار فولاد همواره از مشکل قیمت‌گذاری دستوری رنج برده است، گفت: این اتفاق طی یک سال گذشته، حادث شده و بازار به دلیل قیمت دستوری و محدودیت‌های معاملاتی با مشکلات جدی مواجه شده که این مساله کل بازار و کل زنجیره فولاد را تحت تاثیر قرار داده است. او خاطرنشان کرد: مشکل عمده هنگامی به وجود می‌آید که فقط برای یک یا چند حلقه از کل مجموعه زنجیره فولاد قیمت‌گذاری می‌شود. به این ترتیب با وجود فشار مضاعفی که برای چند حلقه خاص جهت پایین نگاه داشتن قیمت‌ها وارد می‌شود اما سایر حلقه‌ها به صورت آزاد محصول‌شان را خرید و فروش می‌کنند. به این ترتیب رفته‌رفته یک فاصله عمیق بین قیمت محصولات تولیدشده در این زنجیره به وجود می‌آید. بنابراین در یک بخش ممکن است حاشیه سود به حداقل ممکن برسد ولی در بخشی دیگر سودهای رانتهای ایجاد شود.

شیوهنامه مزبور اما نکاتی هم وجود دارد که موجب مشکلاتی می‌شود. به طور مثال تعیین قیمت پایه برای محصولات فولادی این نگرانی را ایجاد می‌کند که با تغییر قیمت جهانی، ثابت ماندن قیمت محصولات فولادی دوباره باعث ایجاد ویژه‌خواری و رانت‌خواری شود. او با بیان اینکه قیمت‌گذاری دستوری به‌ویژه وقتی مصوب دولت باشد اغلب سبب بروز مشکلاتی در بازار و ایجاد بازار سیاه می‌شود، یادآور شد: طی سال‌های قبل تجربیاتی در این خصوص وجود داشته است. وقتی تعیین قیمت از سوی دولت یا مجلس مصوب و اعلام می‌شود، به این مفهوم خواهد بود که برای هر تغییری در قیمت دوباره باید مجلس یا دولت جلسه تشکیل دهند و قیمت جدید تصویب کنند. وی اضافه کرد: از آنجا که این فرآیند زمانبری است، در همین فاصله عده‌ای می‌توانند سودهای کلانی از بازار جمع کنند. این را هم در نظر بگیرید که با تغییر دولت، این فرآیند ممکن است به درازا بکشد و هرچه این زمان طولانی‌تر شود، میزان رانت آن عده خاص نیز بیشتر می‌شود.

سبحانی در پایان صحبت‌هایش تصریح کرد: هر نوع قیمت‌گذاری از نظر ما باعث ایجاد اختلال در بازار می‌شود. بورس بازاری شفاف است که بر اساس عرضه و تقاضا فعالیت می‌کند. دولت باید حضور خود در این بازار را محدود به نظارت کند و اجازه دهد بازار بر اساس سازوکار خود به تعادل برسد.

سبحانی ادامه داد: در واقع وقتی دولت با محدود کردن معاملات یک بخش و ابطال آنها سعی در کنترل بازار دارد، نقصان ایجادشده به واسطه بر هم خوردن نظام عرضه و تقاضا، خود را به شکل ایجاد رانت برای حلقه‌های پسین و پیشین نشان می‌دهد. او به شیوهنامه اخیر دولت در خصوص فولاد اشاره کرد و افزود: این شیوهنامه نکاتی مثبت و منفی دارد؛ یکی از نقاط قوت این شیوهنامه تاکید بر عرضه تمام محصولات زنجیره فولاد در بورس است. بنابراین عرضه محصولات نهایی مانند لوله و پروفیل که تا پیش از این انجام نمی‌شد نیز در بورس صورت خواهد گرفت. یعنی تمام محصولاتی که با مواد اولیه خریداری شده از بورس تولید می‌شود باید در بورس معامله شود. این اتفاق می‌تواند فاصله‌های غیرمنطقی و نامتعارف ایجادشده را از میان بردارد و کل زنجیره فولاد را تحت نظارت قرار دهد.

سبحانی توضیح داد: امروز می‌بینیم برخی از محصولات با وجود آنکه شمش استفاده‌شده در آنها از بورس خریداری شده است اما در بازار آزاد با قیمت‌های چندبرابر و سودهای بالا به فروش می‌رسد. این اتفاق رانتهای برای گروهی خاص ایجاد می‌کند و در عمل تولیدکنندگان حلقه‌های ابتدایی و مصرف‌کنندگان دچار زیان می‌شوند. بنابراین عرضه محصولات فولادی به طور کامل در بورس می‌تواند بازار را یکدست کند و رانتهای خوابیده بین حلقه‌ها از بین برود.

رئیس هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد افزود: در

فولادگران در گرداب مداخلات دستوری

روایت عضو هیات‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران از چهار دهه قیمت‌گذاری دولتی

عضو هیات‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران گفت: از ابتدای انقلاب تاکنون همواره قیمت‌گذاری دستوری دولتی وجود داشته است. یک دوره به شکل دولتی بودن تولیدات، یک دوره با تعیین حواله در بازار آزاد و در دوره‌ای با تعیین سیاست‌های دستوری برای بورس خود را نشان داده و این مداخلات دستوری سبب شده تا در هر دوره با اشکالی از فساد روبه‌رو شویم. در یک دوره با ایجاد ظرفیت مازاد برای کارخانه‌ها و در یک دوره با مخدوش کردن تولیدات برای کسب سود بیشتر!

رضا شهرستانی با اشاره به اینکه ما اولین تولیدکننده فولاد در ایران بودیم تاکید کرد: شرکت ما به عنوان شرکت «بند الف» یعنی «شرکت مادر» شناخته می‌شد و بعد از انقلاب تحت نظر سازمان گسترش شروع به فعالیت کرد و در واقع و به صورت دولتی اداره می‌شد. یعنی چندین سال به صورت دولتی تمام شرکت‌ها کار می‌کردند و بازگشت شرکت‌ها به بخش خصوصی بعد از آغاز دوره سازندگی و اجرای طرح تعدیل ساختاری اتفاق افتاد.



قیمت محصول ضایعاتی چون تحت قیمت‌گذاری دستوری نبود بالاتر از محصول باکیفیت تولیدی در بازار بود. فرض کنید قیمت ورق از سوی دولت ۱۰۰ تومان تعیین شده اما قیمت این محصول در بازار آزاد ۳۰۰ تومان بود. بنابراین فرد وقتی کالا را مخدوش می‌کرد می‌توانست آن را با قیمت ۲۰۰ تومان در بازار آزاد بفروشد؛ یعنی ۱۰۰ تومان بالاتر از نرخ تعیین‌شده از سوی دولت. در واقع قیمت‌گذاری دولتی نوعی فساد ایجاد می‌کرد که بسیاری از محصولات را از بین می‌برد تا فرد سود بیشتری نصیبش شود.

او ادامه داد: در واقع سیاست قیمت‌گذاری کاری کرده بود که افراد به جای بهبود کیفیت، کالاها را ناقص می‌کردند و از بین می‌بردند تا سود بیشتری عایدشان

شهرستانی یادآور شد: در ابتدای انقلاب محصولات به صورت حواله‌ای فروخته می‌شد و تحت قیمت‌گذاری دولتی بود. یعنی این دولت بود که هم تولیدکننده بود و هم قیمت‌گذاری و توزیع می‌کرد. بنابراین از صفر تا صد موضوع با دولت و تحت مداخله و نظارت دولت بود. وی افزود: بعد از آنکه شرکت‌ها به بخش خصوصی بازگشت؛ باز هم قیمت‌گذاری از بین نرفت و مداخله‌های دولت در این بخش وجود داشت. یعنی محصولات باز هم حواله‌ای به فروش می‌رسید. در این دوره شاهد بودیم افراد برای اینکه محصولات را با قیمتی بالاتر از حواله‌های تعیین‌شده بفروشند کالا را مخدوش می‌کردند تا محصول به عنوان کالای ضایعاتی از بخش حواله‌ها خارج شود. زیرا

تولید محصولات نورد دارند و شمش تولیدی را خودشان تبدیل می‌کنند. از ۶ میلیون تن باقی‌مانده حدود پنج میلیون تن را نیز القایی‌ها تولید می‌کنند که اکثریت آنها در بورس نیستند. خوبی این القایی‌ها این است که قیمت‌ها را پایین نگاه می‌دارند چرا که تعداد آنها زیاد است و در کل کشور پخش هستند. پس محصولاتی که به کارخانه نوردی‌ها تحویل داده می‌شود با حداقل قیمت است. به این ترتیب با کسر پنج میلیون تن محصول القایی‌ها نهایتاً یک میلیون تن محصول برای عرضه در بورس وجود دارد.

عضو هیات‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران در پایان صحبت‌هایش یادآور شد: تنها صنعتی که ظرفیت روزافزون توسعه دارد با این نوع سیاست‌گذاری‌ها دچار فرصت‌سوزی شده است. امروز در شرایطی که قیمت‌های جهانی در حال افزایش است دولت جلوی صادرات را گرفته در حالی که ما با مازاد نیاز در کشور مواجه هستیم. با وجود آنکه ۱۰ درصد افزایش تولید نسبت به سال قبل داشتیم ۲۰ درصد کاهش صادرات نسبت به سال قبل اتفاق افتاده است یعنی ۳۰ درصد از صادرات عقب افتاده‌ایم.



شود. بنابراین هر زمان قیمت‌گذاری‌ها دستوری شد، موجی از انواع رانت و فساد نیز به دنبال آن به راه افتاد. عضو هیات‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران اظهار کرد: علت راه‌اندازی بورس کالا این بود که در آن زمان تولیدمان کمتر از نیازمان بود. بنابراین قیمت‌های داخل توافقی و قیمت‌هایی بود که خود تولیدکنندگان تعیین می‌کردند. این مساله سبب شده بود که حواله محصولات تولیدشده پایین‌تر از قیمت بازار باشد و هنوز جوهر برگه فروش خشک نشده با ۳۰ تا ۱۰۰ درصد قیمت بالاتر خارج از کارخانه خرید و فروش شود. او خاطرنشان کرد: گسترش جریان رانتی در بازار سبب شد دولت به فکر ایجاد بازاری بیفتد که اولاً معاملات به صورت شفاف و در یک اتاق شیشه‌ای انجام شود و دوم اینکه عرضه و تقاضا به‌درستی و به شکلی منطقی یکدیگر را پیدا کنند و جلوی رانت و فساد گرفته شود.

به گفته شهرستانی، این تصمیم از ابتدای دهه ۸۰ در دستور کار قرار گرفت و سرانجام سال ۱۳۸۲ بورس کالا راه‌اندازی شد. در طول سال‌های فعالیت بورس فرازونشیب‌هایی را شاهد بودیم اما در طول همه این سال‌ها مداخلات دولت به صورت دستوری در این بازار نیز وجود داشت. او تصریح کرد: امروز بر عکس دهه ۷۰ که با کمبود تولید مواجه بودیم؛ مازاد مصرف نیز داریم و باید این مازاد صادر شود اما همچنان شاهد تعیین قیمت دولت در بازار هستیم، در حالی که مداخله قیمتی دولت بر خلاف تمام قوانین اقتصادی دنیاست.

شهرستانی متذکر شد: جالب اینجاست که برخی افراد به عنوان مخالف سیاست‌گذاری دستوری صحبت می‌کنند اما به هنگام گرفتن سمتی در وزارت صمت و وارد کار اجرایی شدن، به مجری پرو و پا قرص سیاست‌گذاری دستوری تبدیل می‌شوند.

عضو هیات‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران تأکید کرد: از مسئولان می‌خواهیم برای یک بار این مشکل را به طور اساسی حل کنند. ما باید عرضه را به حد نیاز مصرف کشور برسانیم تا بازار خودبه‌خود به تعادل برسد. ما می‌دانیم که کل مصرف داخلی اجناس طویل ۷/۵ میلیون تن و محصولات نهایی طویل مثل میلگرد و تیرآهن و... نیز ۲/۵ میلیون تن است. بنابراین این ۱۰ میلیون تن محصول تولیدی نسبت به ۲۰ میلیون تن شمش تولیدی در کشور باید در داخل عرضه و ۱۰ میلیون تن مابقی صادر شود.

او افزود: از همین ۱۰ میلیون تنی که باید در داخل عرضه شود نیز چهار میلیون تن به خودمصرفی‌ها اختصاص دارد. یعنی شرکت‌هایی که شمش تولید می‌کنند؛ خودشان

بازار فولاد چشم به راه ظرفیت‌های ضد رانتی بورس

قیمت‌گذاری دستوری بورس را از ذات و مأموریت خود دور می‌کند

"بورس کالا ظرفیت‌هایی دارد که می‌تواند مقابل کژکارکردی‌های بازار که به رانت و گاه فسادهای کلان منتهی می‌شود، بایستد؛ البته مشروط بر آنکه هویت و اصالت بورس حفظ شود." ساعد جمشیدیان کارشناس بازارهای کالایی با بیان این جملات، افزود: شفافیت مهم‌ترین ویژگی بورس کالا است. اینکه هر معامله‌ای با تمام جزئیات در بورس قابل مشاهده برای همه است، عامل بازدارنده‌ای برای رانت‌خواری و فسادهای احتمالی به شمار می‌رود.



جمشیدیان کارشناس بازارهای کالایی با بیان این مطلب ضمن تأکید بر اینکه ذات بورس با رانت‌خواری در تضاد است، متذکر شد: با این وجود بعضاً اتفاقات ناخواسته‌ای نیز می‌افتد که بورس را از ذات و مأموریت خود دور می‌کند. این اتفاق نیز عمدتاً به دنبال سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری رخ می‌دهد. وی ادامه داد: طی بیش از یک دهه فعالیت بورس، در هر برهه‌ای که قیمت‌گذاری دستوری برای کالاها حاکم شده -چه در داخل بورس و چه خارج از آن- رانت‌هایی نیز ایجاد شده است. به گفته این کارشناس بازارهای کالایی، اگر دولت اجازه دهد قیمت‌ها بر پایه عرضه و تقاضا و رقابت صورت گرفته در بورس تعیین شود به طور قطع صرفه حضور برای واسطه‌ها از بین خواهد رفت و امکان سوءاستفاده به حداقل خواهد رسید.

نتوانسته نیاز خود را تأمین کند. آنچه در خارج از بورس نیز اتفاق می‌افتد معاملات بدون نظارت و قیمت‌های سوداگرانه در بازار است. بنابراین به طور ناخواسته رانتی خارج از بورس شکل می‌گیرد که نشأت گرفته از سیاست‌های اعمال شده دولت در بورس کالا است.

به اعتقاد جمشیدیان، در یک نگاه کلی‌تر نیز دولت نمی‌تواند از چنین نظارت‌ها و مداخلاتی صرف نظر کند چرا که اقتصاد ایران به واسطه تحمیل تحریم‌ها در یک شرایط پیچیده و بحرانی قرار دارد. بنابراین اگر دولت چنین سیاست‌گذاری‌هایی نداشته باشد بازار برای تأمین نیازهای داخل با مشکل مواجه خواهد شد. وی توضیح داد: آنچه تحلیلگران بازار کالایی بر آن اتفاق نظر دارند آن است که سیاست‌گذاری‌های دولت به تنظیم‌گری‌های عرضه و تقاضا محدود شود و به موضوع قیمت کمتر ورود کند.

جمشیدیان با بیان اینکه قیمت‌گذاری‌های دستوری، اثرات به مراتب مخرب‌تری از نبود نظارت دارد، تأکید کرد: عموماً قیمت‌گذاری‌ها برای یک دوره طولانی انجام می‌شود در حالی که قیمت‌ها در بازار روزانه تغییر می‌کند. این تغییرات در اثر تغییر قیمت‌های جهانی و نوسانات نرخ ارز رخ می‌دهد اما قیمت تصویب شده دولت بدون توجه به این تغییرات ثابت می‌ماند. بنابراین رشد یا کاهش قیمت واقعی در کنار قیمت‌های ثابت دستوری، خواه ناخواه موجب ایجاد بازار در سایه و رانت‌خواری می‌شود.

جمشیدیان در ادامه صحبت‌هایش با تأکید بر اینکه امکان رقابت سالم در بورس فراهم است، افزود: هرچند طبق قوانین بورس، معامله‌گران و کالاهای مورد معامله ثبت می‌شود و تمام اطلاعات معاملات در بورس وجود دارد اما در کنار این شفافیت بعضاً اعمال محدودیت‌های معاملاتی سبب می‌شود سازوکار رقابت به درستی عمل نکند. او اضافه کرد: به طور مثال گاه دولت برای عرضه‌ها محدودیت در نظر می‌گیرد؛ یعنی به تعدادی از تولیدکنندگان اجازه می‌دهد به جای عرضه در بورس، کالاهای خود را در خارج از بورس معامله کنند. از سوی دیگر متقاضیانی که برای خرید محصولات به بورس وارد می‌شوند گاه از سوی دولت تعیین می‌شوند و اجازه ورود همه متقاضیان به بورس داده نمی‌شود. به این ترتیب چنین دستکاری‌ها و دخالت‌هایی در طرف‌های عرضه و تقاضا مانع شکل‌گیری یک رقابت واقعی می‌شود.

این کارشناس بورس کالا تصریح کرد: در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم برخی معاملات به دلیل رشد قیمت‌ها ابطال می‌شود. این باطل شدن یعنی تقاضای آن روز به روز بعد منتقل می‌شود و تقاضاهای انباشته به تدریج سبب سنگینی طرف تقاضا نسبت به عرضه خواهد شد. بنابراین در اینجا نیز رقابت به درستی صورت نمی‌گیرد و کشف قیمت‌ها به شکل واقعی نخواهد بود. وی افزود: کشف نشدن قیمت واقعی یک طرف ماجراست و در طرف دیگر این کژکاری سبب می‌شود حجم قابل توجهی از عرضه و تقاضا به خارج از بورس منتقل شود چرا که در بورس

خروجی بد سیاستی با اهداف خوب

هدف قیمت‌گذاری دستوری، کمک به فقر است اما در نهایت به نابرابری دامن می‌زند

نسیم بنایی/ روزانه انبوهی از کالاهای گوناگون برای مصرف روانه بازار می‌شود. تا به حال فکر کرده‌ایم قیمت این کالاها را چه کسی تعیین می‌کند؟ این یکی از بزرگ‌ترین دعوای اقتصادی است که اجماع مشخصی در مورد آن وجود ندارد، برخی اقتصادها به مزایای تعیین قیمت دستوری از سوی دولت باور دارند و برخی دیگر معتقدند قیمت‌ها باید در بازار و به صورت رقابتی تعیین شود. اما قیمت‌گذاری دستوری چه آسیب‌هایی به دنبال دارد؟ تجربه قیمت‌گذاری دستوری در کشورهایی که آن را اجرا کرده‌اند، حاوی چه نکاتی است؟

قیمت‌گذاری دستوری همیشه با اهداف و نیت‌های خوب انجام می‌شود اما عواقب بدی دارد. این روش به‌ویژه در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به وفور دیده می‌شود. بر اساس گزارش بانک جهانی درباره عواقب قیمت‌گذاری دستوری، عموماً اقتصادهای در حال توسعه برای کالاهای اساسی و مواد غذایی به قیمت‌گذاری دستوری روی می‌آورند. هرچند این اقدامات همیشه با قصد و نیت خوب انجام می‌شود اما عموماً منجر به بدتر شدن وضعیت فقر در جامعه و جلوگیری از سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. شاید مهم‌ترین مشکلی که با قیمت‌گذاری دستوری ایجاد شده، بی‌میل کردن کارآفرینان به سرمایه‌گذاری‌های داخلی باشد.



۴ اصلاحات بی‌اساس

برخی از کشورها در شرایطی که مدافع فقرا هستند، اصلاحاتی را با بی‌دقتی پیگیری می‌کنند بدون اینکه این اصلاحات پذیرش اجتماعی داشته باشد. حکومت‌هایی که سیاست کنترل قیمت را در پیش می‌گیرند، باید شفاف باشند و از کسب‌وکارها حمایت کنند اما این اتفاق در عمل رخ نمی‌دهد.

یکی از مهم‌ترین عواقب کنترل قیمت که بانک جهانی هم در گزارش خود به آن اشاره کرده‌است، ایجاد اختلال در قیمت‌هاست. البته قیمت‌گذاری دستوری از زمان انقلاب فرانسه اجرا شده است. برخی از کشورهای غربی هم در زمان جنگ جهانی دوم سیاست قیمت‌گذاری دستوری را در پیش گرفتند. کشورهایی که نظام کمونیستی داشته‌اند هم همیشه سیاست قیمت‌گذاری دستوری را اجرا کرده‌اند اما به مرور، مشکلات این سیاست اقتصادی نمایان شد.

بر اساس گزارش بانک جهانی، قیمت‌گذاری دستوری به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود، گاهی سقف و گاهی کف قیمت تعیین می‌شود. عموماً هم این سیاست‌ها روی کالاها و خدمات ارائه‌شده توسط دولت‌ها اعمال می‌شود. در بازارهای نوظهور، دولت‌ها برای حمایت از مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر، جلوی قیمت‌گذاری‌های رقابتی را می‌گیرند و به صورت دستوری قیمت‌ها را تعیین می‌کنند. یکی از اتفاقات مهمی که با قیمت‌گذاری دستوری رخ می‌دهد این است که مصرف‌کنندگان به

قیمت مصرف کالاهای یارانه‌ای روی می‌آورند و در نتیجه از مصرف کالاهای غیر یارانه‌ای فاصله می‌گیرند. نتیجه این نظام یارانه‌ای، ایجاد اختلال در نظام قیمت‌گذاری است. عموماً قیمت‌گذاری دستوری با یارانه‌های سنگین همراه است و حتی توزیع ثروت در جامعه باید با یارانه دادن انجام شود.

۵ چالش رشد اقتصادی

کاربرد سیاست قیمت‌گذاری دستوری، می‌تواند عواقبی جدی برای رشد اقتصادی داشته باشد. با تعیین کردن سقف برای قیمت‌ها به صورت دستوری، حاشیه سود برای تولیدکننده محدود و به نوعی سرکوب می‌شود. این روند می‌تواند به مانعی برای سرمایه‌گذاری داخلی تبدیل شود. در واقع سرمایه‌گذاران داخلی در بخش خصوصی، میل و رغبت خود را به سرمایه‌گذاری از دست می‌دهند و به این ترتیب فعالیت کارآفرینان متوقف می‌شود. البته این ماجرا قرار نیست به سرمایه‌گذاران داخلی محدود شود. اگر حاشیه سود وابسته به کسب‌وکارهای داخلی باشد، قیمت‌گذاری دستوری منجر به بی‌میل شدن سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. این در حالی است که کشورهای جهان در بسیاری از بخش‌های خود نه تنها به سرمایه‌گذاران داخلی بلکه به سرمایه‌گذاران خارجی هم نیاز دارند. در واقع قیمت‌گذاری‌های دستوری همواره به عنوان یک مانع بر سر راه اقتصاد و کارآفرینان عمل می‌کند. این یعنی فعالیت بخش خصوصی با مشکل مواجه خواهد شد.



ورود «ویژه خواران» ممنوع

ارکان شش گانه بورس کالا، ضامن شفافیت معاملات

بورس کالا سیاحش ضرابی/ وقتی سال ۱۳۸۲ بورس کالا تشکیل شد، شاید نمی شد حدس زد که این بازار چقدر می تواند مورد استقبال قرار گیرد و تا چه اندازه می تواند به تنظیم بازار و مقابله با رانت کمک کند. طی سال های فعالیت این بازار که با محصولات فلزی آغاز شد؛ فراز و فرودهای بسیاری تجربه شد اما مهمترین اتفاقی که در بازار ایجاد شد، مقابله با رانت و ویژه خواری بود. در بازار رسمی کالایی به دلیل شفافیت موجود، عملاً امکان رانت خواری برای کسی فراهم نمی شود مگر آنکه افراد عرضه ها را از بورس خارج کنند و در بازارهای در سایه از رانت بهره ببرند. اساساً ماهیت بورس با ویژه خواری در تضاد است و ارکان بازار به گونه ای چیده می شود که این اتفاق درون بازار رسمی رخ ندهد. وجود اطلاعات کامل از سوی معامله گران، تضمین معاملات از سوی اتاق پایاپای، وجود ناظر، عرضه کالاهای استاندارد و سایر ویژگی های بورس سبب شده است این بازار یک بازار رقابتی و سالم شناخته شود.

مختلف توسعه یافته یا در حال توسعه نیز از تاسیس بورس ها با توجه به ساختارهای اقتصادی خود، اهداف مختلفی را دنبال می کنند که با توجه به اهداف خود، ابزارهای استاندارد شده خود را به کار می برند که این موضوع می تواند منجر به رفتارهای جزئی متفاوت در بورس های مختلف رسمی شود.

ثبت بورس کالا به عنوان بازار رسمی غیرانتفاعی

ایران نیز به عنوان کشور در حال توسعه، از این امر مستثنی نیست و مسلماً از تاسیس بورس اهدافی را دنبال می کند. به منظور شفاف سازی و حذف رانت موجود در بازار کشور که از اختلاف بین قیمت کارخانه ای و سهمیه ای و قیمت بازار آزاد فولاد ناشی می شد، سازمان بورس فلزات تهران بر اساس ماده «۹۵» قانون برنامه

۲ پنج هدف کلی تشکیل بورس کالا

بورس های کالایی در جهان به منظور ایجاد بازاری شفاف و رقابتی برای تجارت منصفانه کالاهای معین و نیز پوشش ریسک و خطرگریزی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان تشکیل شدند که عمدتاً به دو نوع رسمی و سازمان یافته و غیررسمی قابل تقسیم است. از عمده مشخصات این بازارها که آنها را از دیگر بازارها متمایز می کند، دسترسی برابر شرکت کنندگان به اطلاعات بازار است.

همه بورس های رسمی دنیا از یکسری قوانین و مقررات خاص پیروی می کند که به صورت استاندارد و تعریف شده است؛ این قوانین می تواند در بازارهای غیررسمی موضوعیت نداشته باشد. رعایت قوانین استاندارد توسط همه کشورهایی که دارای بورس یا در حال تاسیس آن هستند، ضروری است. البته کشورهای

- ۳) تضمین معاملات برای طرفین معامله توسط اتاق پایاپای.
 ۴) پرداخت ودیعه تضمین توسط طرفین به منظور انجام تعهدات.
 ۵) خروج از بازار با انجام معاملات تامینی یا تحویل کالا.
 ۶) گزارش لحظه‌ای قیمت توسط خبرگزاری‌های معتبر.

با توجه به موارد بالا، روشن است که یک بورس رسمی از ساختاری کاملاً مشخص تبعیت می‌کند و یکسری معاملات مشخص نیز در آن انجام می‌شود. اگر هر یک از این موارد شش‌گانه رعایت نشود، این بازار به بازاری تبدیل می‌شود که قوانینش از هر معامله به معامله دیگر، متغیر است و در واقع نوع معاملات در نقاط مختلف تفاوت پیدا می‌کند.

حضور دائمی دولت در بازار، آری یا نه؟

هم‌اکنون بورس کالا تحت نظارت و قوانین بورس با چندین کارگزار، محصولاتی مانند فولاد، روی، مس و آلومینیوم، برخی از محصولات کشاورزی و ... را در قالب معاملات نقدی، سلف، آتی و ... مورد معامله قرار می‌دهد که حجم عظیمی از معاملات به محصولات فولادی اختصاص دارد. پس از انجام معامله و ثبت توسط بورس، از طریق سازکار اتاق پایاپای مورد تایید قرار گرفته و قراردادهای تبدیل به کالا می‌شود. عملکرد در معاملات نقدی به صورت تحویل بعد از چند روز به مشتریان است و در مورد معاملات سلف، خریداران سلف پس از خرید قرارداد، حق فروش قبض سلف را ندارند و مجبورند تا سررسید معامله صبر کنند و جنس خود را تحویل بگیرند. تحویل در تاریخ مشخص به مشخصات قرارداد در دربارخانه صورت گرفته که این پروسه در اکثر موارد با چندین روز تاخیر صورت می‌گیرد. در سال‌های گذشته، اغلب دولت‌ها نظارت‌هایی را در بازار اعمال می‌کنند و با سیاست‌گذاری‌هایی چه در بخش عرضه و تقاضا و چه در بخش قیمت-مسیر بازار را دچار تغییر و تحول می‌کنند. شرایط اقتصاد کشور که به دلیل وجود تحریم‌ها تلاطم‌هایی را تجربه کرده، موجب شده است تا دولت همواره به عنوان یک ناظر در بازارها حضور فعال داشته باشد. اما در برخی موارد نوع سیاست‌گذاری‌ها بورس را از مسیر اصلی منحرف و مشکلاتی در بازار ایجاد کرده است. از جمله مداخلات مشکل‌ساز، مداخلات قیمتی است که عده‌ای واسطه را برای حضور در بورس وسوسه می‌کند و این در حالی است که بورس کالا، ماهیتی ضد رانت و ویژه‌خواری دارد. اگرچه نمی‌توان نظارت‌های دولت را در تنظیم بازار نادیده گرفت و ضرورت حضور دولت را نفی کرد اما اگر این حضور و سیاست‌گذاری‌ها محدود به بخش عرضه و تقاضا باشد، بورس بر اساس هویت خود می‌تواند تعادل بیشتری در بازار ایجاد کند.

سوم توسعه و قانون بودجه سال ۱۳۸۰ در ۲۵ شهریور سال ۱۳۸۲ تاسیس شد که با توجه به آیین‌نامه اجرایی، اهدافی را به صورت تعریف‌شده دنبال می‌کند. این بورس به عنوان یک بورس رسمی و غیرانتفاعی به ثبت رسیده و خود را ملزم به رعایت قوانین بورس‌های رسمی کرده است. بورس‌های رسمی کالایی که بورس‌های فلزات نیز جزو آنها محسوب می‌شوند، دارای یک ساختار مشخص بوده و بخش‌های مشخص در این سازمان از قوانین خاص پیروی می‌کنند. البته جزئیات هر بورس، با توجه به قوانین و شرایط هر کشور متغیر بوده و قوانین داخلی نیز در تعیین عملکرد هر بورس می‌تواند مؤثر باشد. به طور مثال قوانین نظارتی و نهادهای نظارتی هر کشور متفاوت است که این می‌تواند نقطه افتراق بورس‌های رسمی باشد، ولی در کل، بورس‌های رسم، دارای پارامترهای مشخص برای فعالیت هستند که در تمام دنیا تعریف شده است.

معاملات در این بازار تضمین می‌شود

دو نوع معاملات آتی و اختیارات در بورس‌های کالایی رسمی مورد معامله قرار می‌گیرد. تمام این معاملات به دو صورت حراج حضوری و معاملات الکترونیکی تحت یک سیستمی متشکل از کارگزاران، بورس‌بازان حرفه‌ای، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انجام می‌شود. در این سیستم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی تحت نظارت مستقیم نهادهای نظارتی هر بورس -که به صورت مستقل و خارج از بورس تشکیل می‌شود- از طریق کارگزاران به خرید و فروش می‌پردازند. معاملات از لحاظ صحت معامله و اطمینان وجود کالای مورد معامله توسط اتاق پایاپایی که به صورت موسسه مستقل در کنار بورس تاسیس می‌شود انجام شده که تضمین‌کننده معاملات از لحاظ مالی برای خریداران و فروشندگان است. اتاق پایاپای باید از یک پشتوانه مالی عظیم برخوردار باشد و توسط بانک‌ها یا موسسات مالی معتبر مورد حمایت قرار گیرد و از لحاظ کیفیت و استاندارد توسط یک موسسه استاندارد بین‌المللی مورد تضمین قرار داشته باشد. این موسسه استاندارد باید از اعتبار کافی در بین تمام شرکت‌کنندگان در بازار برخوردار باشد.

ارکان شش‌گانه بورس

- در حالت کلی بورس‌های رسمی دارای ۶ رکن اساسی هستند که آنها را به بازارهای شفاف تبدیل کرده است:
- ۱) معاملات به صورت شفاف در بورس انجام می‌شود؛ یعنی اصل برابر بودن شرایط و اطلاعات وجود دارد.
 - ۲) استاندارد بودن کالاها.



«بازار سیاه» زاده قیمت گذاری دستوری واکاوی پیامدهای مداخلات در عرضه بورسی محصولات فولادی

قانون و مقررات تصویب شده برای بورس تاکید دارد هرگونه قیمت گذاری کالاهای عرضه شده در این اتاق شیشه‌ای، ممنوع است. با این حال در عمل دولت با هدف کنترل بازار وارد حوزه قیمت گذاری می شود و از ابزارهایی مانند تعیین قیمت پایه یا ایجاد محدودیت در عرضه و تقاضا استفاده می کند.



مداخلات بورسی دولت ناشی از وضعیت ویژه کشور است و به ویژه طی سال های ۹۷ تا ۹۹ و در پی خروج ترامپ از برجام و تشدید تحریم های ضدایرانی دوباره آمریکا، افزایش یافت. چالش های اقتصادی ناشی از شیوع بیماری مرگبار کرونا هم مزید بر علت شد تا مداخلات بورسی دولت، سیر و روندی صعودی را تجربه کند.

بازار فولاد از جمله بازارهایی است که شاهد قیمت گذاری دستوری بوده و دولت معمولاً قیمت شمش فولاد را تعیین می کند. این قیمت البته قیمت پایه است و قیمت نهایی، زمانی مشخص می شود که تولیدکنندگان فولاد، محصولات خود را در بورس عرضه کنند و تحت رقابت موجود، قیمت فروش مشخص شود. در مورد سایر حلقه های این زنجیره داستان کمی متفاوت است؛ برای محصولاتی مانند سنگ آهن تا آهن اسفنجی به این شکل عمل می شود که پس از کشف قیمت شمش، سایر محصولات مانند کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی به شکل ضربی از میانگین قیمت شمش فولاد در سه ماه تعیین می شود. مداخلات دولت در بازار فولاد این اشکال را به وجود می آورد که با یک فاصله عمیق بین قیمت داخلی و جهانی، فروش محصولات در داخل کشور جذابیت خود را از دست می دهد یا حداقل در بورس این جذابیت کاهش می یابد و پای محصولات به بازار سیاه باز می شود.

گرفتن غیرمتعارف صادرات می‌شود. به این صورت که تولیدکنندگان از راه‌های مختلف سعی در فرار از بورس و عرضه‌های داخلی می‌کنند تا نفع بیشتری از بازارهای موازی ببرند.

۴ اختلال در سیستم کشف قیمت

مداخله در بورس و ایجاد محدودیت در عرضه و تقاضا یا تعیین قیمت پایه، سبب می‌شود وارد یک رقابت صحیح نشویم. وقتی دولت میزان عرضه و تقاضا را خودش تعیین می‌کند به این معنی است که دیگر در بازار عرضه و تقاضای واقعی وجود ندارد و رقابتی واقعی نیز شکل نخواهد گرفت، بنابراین قیمت واقعی هم کشف نمی‌شود. در واقع قیمت به تبع مداخله در عرضه و تقاضا، تغییر می‌کند و واقعی نخواهد بود و به این ترتیب بورس نیز از ماهیت اصلی خود دور می‌شود.

۵ دشواری تامین مواد اولیه

در شرایطی که به دلیل فشار تحریم‌ها، ارزش پول ملی در حال افت است و سیاست‌های قیمتی هم فروش مواد اولیه در داخل را به حداقل حاشیه سود رسانده، بازارهای صادراتی جذابیت زیادی ایجاد می‌کند. بنابراین با عرضه محصولات به‌ویژه در بخش مواد اولیه به کشورهای دیگر، تامین مواد اولیه در بازار داخل با نقصان مواجه می‌شود.

۶ عرضه‌های غیرمستمر و اختلال در نظارت

نظارت‌های دولت نمی‌تواند کامل و کافی باشد چرا که محصولاتی مانند سنگ آهن، گندله، کنسانتره، آهن اسفنجی و ... به صورت مداوم و مستمر در بورس عرضه نمی‌شود. به این ترتیب، امکان اینکه دولت بتواند نظارتی کامل و کافی بر بازار داشته باشد، بسیار ضعیف و در مواردی حتی منتفی است؛ ضمن آنکه کنار بورس، بازاری حاشیه‌ای با خرید و فروش نقدی محصولات فعال است. اما معاملات نه با هدف تامین مواد اولیه مورد نیاز بازار بلکه با انگیزه کسب سود بیشتر برای واسطه‌ها انجام می‌شود و کالاها چندین دست بین دلالان می‌چرخد و در هر مرحله، قیمت آنها با افزایش بی‌دلیلی مواجه می‌شود که در نهایت، تاوان این گرانی بی‌پایه را باید تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی بپردازند.

۷ احتکار و انحصار

اینکه فولاد در بازار دو نرخ پیدا می‌کند تبعات مخربی در بازار دارد. اولاً بازار فعالیت‌های واسطه‌ای داغ می‌شود. دوم اینکه به دلیل انحصار ایجادشده در بازار رسمی که بعضاً به دلیل عملکرد سامانه بهین‌یاب رخ می‌دهد،

دولت دست‌کم در ۶ بخش، سیاست‌گذاری در سطوح مختلف بازار را تجربه کرده است:

۱- تعیین قیمت دستوری برای محصولات مختلف فولادی در بورس.

۲- تعیین میزان حداقل عرضه محصولاتی مانند شمش و ورق فولادی از سوی تولیدکنندگان بزرگ این کالاها.

۳- رصد روزانه معاملات انجام‌شده و ابطال آن دسته از معاملاتی که با قیمت‌های بیشتر از نرخ مصوب دولت انجام شده است.

۴- ممانعت از صادرات محصولات فولادی برای آن گروه از تولیدکنندگان که کف عرضه را رعایت نکرده‌اند.

۵- ممنوع شدن صادرات محصولات فولادی توسط تجار و مجوز صدور محصولات صرفاً از سوی تولیدکنندگان.

۶- تعیین عوارض برای صادرات محصولاتی مثل گندله، سنگ آهن و کنسانتره تا سطح ۲۵ درصد.

دولت برای کنترل بازار فولاد، تامین نیاز داخلی و جلوگیری از هدررفت منابع، اقدام به سیاست‌گذاری‌های اشاره‌شده کرده است. این سیاست‌های کلی که در ۶ بخش تقسیم شده، هر یک مصوبات مختلف دیگری دارد که در طول فواصل زمانی مختلف و بنا به اقتضائات روز صادر شده است. اما مشکلی که این نوع سیاست‌گذاری ایجاد کرده، تناقضاتی است که این مصوبات بعضاً با یکدیگر دارند. از سوی دیگر به دلیل عدم جامعیت و نگاه همه‌جانبه به موضوع، این سیاست‌ها گاه عامل ناکارآمدی و بروز مشکلاتی در بازار شده است.

در پاره‌ای از موارد مشاهده می‌شود، برخی افراد از همین محدودیت‌های ایجادشده که با هدف حفظ منافع عمومی اعمال می‌شود، سوءاستفاده کرده و از آن به نفع شخصی برده‌اند یا با سوءاستفاده از اختلاف قیمت موجود، سودهای نامتعارفی از معاملات در خارج از بورس عایدشان شده است. در واقع یکی از مهم‌ترین پیامدهای این نوع سیاست‌گذاری، دو نرخی شدن محصولات است که به ایجاد و تقویت بازار سیاه منجر می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی، آثار این نوع سیاست‌گذاری را می‌توان در پنج محور خلاصه کرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۸ بازار سیاه و فرار محصولات به خارج

همانطوری که اشاره شد؛ شکاف قیمت و دو نرخی شدن محصولات، جذابیت عرضه در بورس را کم می‌کند. این مساله باعث شکل‌گیری بازار سیاه در داخل و رونق



جهانی نرخ این محصول تعیین شود در شرایط حاضر ۱۵ درصد رشد قیمت را تجربه خواهیم کرد. بع عبارتی این افزایش ۱۵ درصدی نرخ میلگرد، در محاسبه قیمت تمام شده ساختمان فقط یک درصد اثر خواهد داشت.

آنچه ما در بخش مسکن با عنوان گرانی و جهش قیمت شدید در سال ۹۷ و ۹۸ تجربه کردیم، ریشه در رفتار هیجانی خریداران و فروشندگان مسکن داشت و اغلب تابع مستقیمی از رشد قیمت مواد اولیه نبوده است، زیرا میان افزایش قیمت مواد اولیه و میزان رشد قیمت مسکن، تناسب معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، بررسی بازار مسکن نشان می دهد، این بازار در حال حاضر ظرفیت رشد دوباره قیمت را ندارد. بنابراین آزادسازی قیمت میلگرد اگر تدریجی انجام شود، نمی تواند تاثیر قابل توجهی بر قیمت مسکن داشته باشد.

سیاست گذاری های تنظیم بازار روندی است که اعمال حکمرانی دولت را زمینه سازی می کند. هدف دولت از اعمال این سیاست ها، ایجاد تعادل در بازار و کنترل قیمت ها است به نحوی که منافع عمومی حفظ شود. تنظیم گری امروز یک مقوله صرفا اقتصادی و قانونی نیست بلکه تبدیل به یک حوزه متنوع و پیچیده شده که فعالیت های پیش دستانه، نهاد سازی هوشمند و نگاه جامع بین بخشی از خصوصیات آن است.

با تصویب اصل ۴۴ قانون اساسی و تشکیل شورای رقابت، نقطه عطفی در استقرار نظام تنظیم گری در ایران رخ داد. در واقع توسعه نظام تنظیم گری عملا تلاشی در جهت ایجاد نهادهای نسبتا مستقل و همزمان با فرآیند خصوصی سازی بود که به واسطه ناسازگاری ساختارهای حقوقی و قانونی و مقاومت های درونی دستگاه های اجرای، موفقیت زیادی به همراه نداشته است. اکنون چند نهاد به عنوان تنظیم گر در کشور وجود دارد که هر یک قسمتی از وظایف تنظیم بازار را انجام می دهد اما مرز مشخصی بین آنها کشیده نشده و نهادهایی وجود دارند که ترکیبی از امور سیاست گذارانه، تنظیم گرایانه و اجرایی را عهده دار هستند.

احتکار صورت می گیرد و خریداران با کارتهای بازگانی یکبار مصرف و صادرات محصولات سودهای کلانی می برند. با توجه به آنچه گفته شد نهایتا بازار به سمت فعالیت های غیرمولد سوق پیدا می کند و به تدریج رونق تولید از بین می رود. تورم، ناخواسته بر مصرف کننده تحمیل می شود. در واقع دولت به منظور جلوگیری از رشد تورم و برای پایین نگه داشتن قیمت برای مصرف کننده وارد بازار می شود و شروع به سیاست گذاری می کند اما چون سیاست ها همواره نقاط ضعفی نیز دارد، سوءاستفاده کنندگان از این روزه ها به نفع خود بهره می برند و اثرگذاری مطلوب سیاست گذاری ها را خنثی می کنند.

بازار کالاهای نهایی مانند مسکن، خودرو، لوازم خانگی و ... نشان می دهد که مردم و مصرف کنندگان نهایی نفعی از سیاست های قیمتی دولت نمی برند. محصولات نهایی همچنان برای مردم گران تمام می شود در حالی که دولت یارانه های سنگینی در حلقه های مختلف تولیدی پرداخت کرده است.

به طور مثال برای ساخت خانه های بتنی، سهم میلگرد در هزینه تمام شده حدود ۴ تا ۱۰ درصد است. به طور مشخص در ساخت و سازهای شهری حدود ۵ درصد و در ساخت و سازهای روستایی و شهرهای کوچک حدود ۹ درصد تاثیرگذار است. حال اگر قیمت میلگرد را آزاد کنیم و بر اساس قیمت های

بورگالا

تاریخ شفاهی





زخم دیرپای قیمت گذاری دستوری بر پیکر عرضه های بورسی

جمع بندی حسین پناهیان، دومین مدیرعامل بورس کالا از خطرات و فرصت های دوره مدیریت خود

حمیدرضا محمدی-مهدی نوروز/ یکی از نخستین روزهای زمستان، هم کلام «حسین پناهیان»، مدیرعامل سابق بورس کالا شدیم که از بهمن سال گذشته، ریاست شرکت مدیریت طرح و توسعه آینده پویا، از شرکت های مالکیتی و کنترلی بانک ملی ایران را به عهده دارد. در این گپ و گفت یک ساعته، از تاریخ شفاهی بورس کالا ایران، در دوره چهارساله حضور در صدر این نهاد اقتصادی و سرمایه گذاری گفتیم و شنیدیم. پناهیان از روزگاری سخن گفت که هنوز بورس کالا وجود نداشت و به قانونی اشاره کرد که پانزده سال پیش، زمینه ساز تاسیس بورس کالا شد. بورسی که با نوآوری او، عرصه ای برای عرضه محصولات پتروشیمی شد. پناهیان در این گفت و گو بارها تاکید کرد، قیمت گذاری دستوری طی سالیان اخیر بیشترین ضربه ها را به بورس کالا زده است. مدیرعامل سابق بورس کالا همچنین دخالت نکردن نهادهای دولتی در این بازار را ضرورتی اجتنابناپذیر می داند. آنچه در ادامه می خوانید، متن کامل این گفت و گو است.



و من از همان زمان تا سال ۱۳۹۰ به عنوان عضو هیات مدیره بورس کالا در خدمت بورس کالا بودم و در روند شکل گیری، توسعه زیرساخت ها و فرآیندها، حضور و مشارکت داشتم. سال ۹۰ پیشنهاد انجام وظیفه، به عنوان مدیرعامل بورس کالا را مطرح کردم و تا سال ۹۴ در خدمت بازار سرمایه بودم.

در برهه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ تحریم های شدید علیه اقتصاد ایران حاکم بود و از این سال تا ۱۳۹۴ در پی توافق موقت ژنو و تا پیش از برجام، گشایش هایی ایجاد شد. به این ترتیب، کشور و شما با دو دوره تشدید فشار و گشایش برجامی مواجه شدید.

آقای دکتر پناهیان، شما از مرداد ۱۳۹۰ تا تیر ۱۳۹۴ در رأس بورس کالا ایران حضور داشتید. چگونه وارد این نهاد بازار سرمایه شدید؟ آیا ارتباط قبلی با این مجموعه داشتید؟

نکته مهمی درباره شکل گیری بورس کالا وجود داشت. قانون بازار سرمایه مصوب سال ۱۳۸۴ تشکیل و توسعه بورس های کالایی را به عنوان یکی از اهداف اصلی مصوب کرده بود. تا قبل از این قانون، سازمان کارگزاران بورس فلزات در کشور با شکل و شمایل و ماهیت حقوقی خاص خود، وجود داشت. شکل گیری بورس کالا از سال ۸۶ شروع شد

جمع‌بندی شما از میزان تاثیرگذاری هر دوره بر بورس کالا چه بود؟

دو اتفاق مهم در این دو دوره رخ داد؛ طی دو سال اول، تغییرات و جهش زیاد نرخ ارز (نسبت به آن دوره) به وجود آمد، دلار از ۸۵۰ تومان به سه هزار و ۵۰۰ تومان رسید که در زمان خود یک جهش وحشتناک به حساب می‌آمد. در نتیجه باید تدابیری اتخاذ می‌شد. از آنجایی که در بورس کالا محصولات بر اساس نرخ جهانی قیمت‌گذاری و سپس به ریال تبدیل می‌شدند، تغییرات نرخ ارز کارکرد بورس کالا را با اختلال مواجه کرد. همچنین دلار و ارز به عنوان یک منبع سرمایه‌گذاری برای عده‌ای از مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در آن زمان من و همکارانم در بورس کالا بسیار به توسعه ابزار مشترک قرارداد آتی سکه کمک کردیم. چیزی که قبل از آن وجود داشت خیلی ضعیف بود و آمار و ارقام معاملات آن هم وجود دارد.

تمرکز در آن دوره بر دو مورد بود؛ بورس کالا، همواره در مظان این اتهام بوده که به بازار نقدی سیگنال قیمت طلا و سکه می‌دهد. طبیعتاً برای رفع این اتهام ناروا تمیهداتی اندیشیده شد و در مقطعی حتی حرکت به سمت تعطیلی اوراق مشتقه آتی بود. اعتقاد بنیادینی برای به‌کارگیری ابزار نوین در بازار سرمایه وجود داشت تا از این نهال نوپا صیانت شود زیرا اگر چنین نمی‌شد، تحقق مقبولیت ابزارهای مالی برای بازار سرمایه مشمول زمان زیادی می‌شد. بر اساس این اصلاح فرایندها به سراغ توسعه کارکردها رفتیم. هدف اثبات این نکته بود که بورس کالا هیچ‌وقت به بازار نقدی سیگنال نمی‌دهد بلکه بازار نقدی باید بر اساس بورس کالا قیمت‌های آتی را کشف کند. طبیعتاً برخی تمهیدات اعم از بازار جبرانی، ساعات معاملات، محدودیت‌های کد و مواردی از این دست طراحی شد که جواب داد و توانستیم از ابزار نوین بازار سرمایه صیانت کنیم.

در زمینه ارز نیز اقداماتی صورت گرفت از جمله آنکه اوراق آتی ارز یا حتی آپشن ارز را پیشنهاد دادیم اما شرایط از لحاظ اقتصادی برای راه‌اندازی آن فراهم نبود. ای کاش آن شرایط ممکن می‌شد و بخشی از خسارات وارد شده به اقتصاد ایران توسط ابزار مشتقه آتی و حتی قراردادهای اختیار ارز مدیریت و از نوسانات

هیجانی جلوگیری می‌شد.

این نکته را نیز باید بگویم که بورس کالا در دو بخش فعالیت می‌کرد؛ بخش سنتی از زمان بورس فلزات به میراث رسیده و شامل معاملات نقدی بود، در حالی که در دنیا عمده‌ترین نقش بورس‌ها مرتبط با اوراق مشتقه و به طور کلی اوراق است. یکی از برنامه‌هایی که من هدف‌گذاری کرده بودم ایجاد نسبت در معاملات نقدی و معاملات اوراق بود و خوشبختانه در اواخر آن دوره از نسبت ۵-۹۵ به ۵۰-۵۰ رسید.

همچنین در بورس کالا این برنامه راهبردی تدوین شده بود که توسعه زیرساخت و بازار سرمایه را فراهم کنیم و بر همین اساس برنامه‌های بورس کالا هدایت و برنامه‌ریزی شد. در دوره دوساله دوم بیشتر به سراغ توسعه بورس کالا برای تامین مالی رفتیم و به عنوان مثال من در زمینه اوراق سلف موازی معاملات کارهایی انجام دادم. به دنبال این اقدامات ظرفیتهایی برای تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی ایجاد شد یعنی یکی از کارکردهایی بود که همواره از بورس انتظار می‌رفت. تقریباً می‌توان گفت که در این دوران چهار ساله، (هم دو سال اول و هم دو سال دوم) کارکردهای بورس به‌گونه‌ای تحت تاثیر متغیرهایی قرار می‌گرفت که خارج از اراده و کنترل بورس بود و باید امکان مدیریتش فراهم می‌شد. تمام تلاش ما این بود که نهالی که در کشور به عنوان بورس کالا به وجود آمده به بلندگی لازم برسد.

یکی از اتفاقات دوران شما (خرداد ۱۳۹۴) عرضه محصولات پتروشیمی در بورس کالا بود. انگیزه و هدف از راه‌اندازی این عرضه بررسی چه بود؟

عرضه محصولات پتروشیمی قصه خیلی طولانی در بورس کالا دارد، یعنی اگر بنا باشد برای قبل از سال ۱۳۹۰ را بگویم یک شرایط خاصی داشت و در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ همواره بین کارکرد بورس کالا و جایگاهش میان تولیدکننده و مصرف‌کننده یک پارادوکس وجود داشت. طبیعتاً وقتی که سازوکار قیمت‌گذاری و بازار دچار اختلال می‌شود و خارج از سازوکار بازار اراده‌ای روی قیمت‌گذاری محصول و کالاها وجود دارد، کارکرد بورس نیز با نقصان و کمبودهایی مواجه خواهد شد. لذا اینکه چگونه محصولات پتروشیمی وارد بورس کالا شد، داستانی بسیار طولانی دارد.

۴ حیف است این موضوع باز نشود.

عمده‌ترین بحثی که به صورت سنتی وجود داشت، مربوط به بورس فلزات بود زیرا سهام‌داران این بورس به عنوان سهام‌داران بورس کالا هم شناخته شدند. شرکت‌هایی مثل فولاد مبارکه، ذوب‌آهن و اصلا فلزی‌ها بودند و بخشی از آنها نیز بنا بر این تقسیم‌بندی اگرچه جزو دسته نهادهای مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بودند اما از لحاظ ژنتیکی بورس کالا، بورس فلزات بود. طبیعتاً شرکت‌های پتروشیمی یا حتی مادر آن شرکت‌ها به صورت مستقیم در بورس کالا دخالت نداشتند. البته قانون بازار سرمایه محدودیت‌هایی را گذاشته بود که شخصیت‌های حقوقی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بیش از ۲/۵ درصد از سهم بورس کالا را نمی‌تواند داشته باشد ولی یکی از اقدامات من این بود که به سراغ شرکت‌های بالادستی پتروشیمی رفتم. به عنوان مثال به سراغ شستا، تاپیکو و جاهای مختلفی که به صورت مستقیم سهام‌دار پتروشیمی بودند، رفتم. این مجموعه‌ها عملاً به صورت غیرمستقیم می‌توانستند به ما

کمک کنند که خوشبختانه در آن مقطع، تحولی شگرف در بورس رخ داد و تا پیش از شوک ارزی، عرضه محصولات پتروشیمی در بورس کالا رشد زیادی داشت. وقتی این اتفاق افتاد طبیعتاً قیمت محصولات پتروشیمی اعم از محصولاتی که برای زندگی روزمره مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد تا محصولاتی که در خودروسازی به کار می‌رود دچار عارضه عجیبی شد و اختلاف قیمت‌های بازار و بورس نگران‌کننده بود.

یکی از اتهامات رایج علیه بورس کالا در آن دوران، این بود که بورس عرصه تاخت‌وتاز دلالان شده و البته الان هم این اتهام مطرح است که برخی خریداران عرضه‌های بورسی، شرکت‌های صوری هستند. اما

منتقدان باید بدانند بورس کالا در انتخاب مشتریان عرضه‌های بورسی، هیچ نقشی ندارد زیرا سایت «بهین‌یاب» وزارت صمت، فهرست مشتریان مجاز به حضور در عرضه‌های بورسی را به بورس کالا اعلام و ظرفیت خریدشان را مشخص می‌کند. در واقع تقسیم کاری بین بورس کالا و وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام شده است. سازوکار کشف قیمت و رقابتی کردن بازار بر عهده بورس کالا بود در حالی که درگاه ورودی اعلام اینکه چه کسانی خریدار محصولات پتروشیمی باشند، از سمت وزارت صمت معلوم می‌شد. در آن زمان، خطری بسیار جدی بورس کالا را تهدید کرد و در رسانه‌ها اعلام کردند که بورس عرصه تاخت‌وتاز دلالان است. ولی چون ما زیرساخت‌های لازم را فراهم کرده بودیم و تقسیم کار بین ما و وزارت صمت انجام شده بود، به راحتی توانستیم دفاع کنیم که اگر کسی به عنوان مثال مصرف‌کننده نهایی محصولات بورس کالا است همین‌طوری وارد سامانه معاملاتی نشده، بلکه یک نهاد، سیستم و ساختار، این اجازه ورود را داده که همین سایت «بهین‌یاب» وزارت صمت است. البته

در آن زمان بحث بر سر این بود که برای کنترل‌های داخلی بیشتر درباره میزان برق مصرفی، مالیات، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، فهرست بیمه و موارد این‌چنینی نظارت‌هایی صورت گیرد و سپس بر اساس آن درگاه ورودی بورس کالا پالایش شود زیرا گاهی برخی اشخاص که مجوز و پروانه‌هایی را کد و بی‌استفاده داشتند، به خاطر اختلاف قیمت وارد معاملات می‌شدند و سپس به ما گزارش می‌شد سایت «بهین‌یاب» وزارت صمت، عده‌ای را حذف کرده است.

۴ در دوران مسئولیت‌تان، درباره اهمیت ساخت بورس کالا در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای گفتید: «مهم‌ترین ویژگی در ساختار بورس کالا، امکان تسهیل معاملات تجاری



منتقدان باید بدانند بورس کالا در انتخاب مشتریان عرضه‌های بورسی، هیچ نقشی ندارد زیرا سایت «بهین‌یاب» وزارت صمت، فهرست مشتریان مجاز به حضور در عرضه‌های بورسی را به بورس کالا اعلام و ظرفیت خریدشان را مشخص می‌کند

به کل آحاد جامعه تعلق دارد. رانتهایی در اقتصاد و بخش فلزات، پتروشیمی، معدن و کشاورزی وجود داشت و اینها عاید تولیدکننده نمی‌شد بلکه برخی از واسطه‌ها و کسانی که بعد از تولیدکننده قرار داشتند، بیشترین منافع را می‌بردند. شما می‌توانید صورتهای مالی شرکت‌ها را نگاه کنید. ما این مطالعه را انجام و مشخص کردیم که هزینه مبادله، اضافه نشده است. ما تجزیه و تحلیل سود را انجام دادیم تا با مستندات ثابت کنیم، بورس کالا نه تنها هزینه مبادلات را افزایش نداده بلکه در مجموع، کارایی اقتصاد کشور را نیز ارتقا داده است. این یک اصل بنیادین است که بورس به وجود آمده تا تسهیل‌گر باشد نه وجودی مازاد. یکی از نکات مهم فراگیری این تسهیل‌گری بود. به عنوان مثال اعتقاد داشتیم در هر کجای کشور باید دسترسی به سامانه معاملاتی بورس کالا امکان‌پذیر باشد. قبل از این هدف‌گذاری، کارگزاران در ساختمان بورس مستقر و حتماً باید اجاره‌نشین بورس می‌بودند اما وقتی زیرساخت الکترونیک ایجاد شد، هر کسی و در هر مکانی، توانست به سامانه‌های معاملاتی دسترسی داشته باشد.

برای ذی‌نفعان بازار است. «شاید بد نباشد، به تشریح این گزاره بپردازید.

فلسفه وجودی و مأموریت اصلی همه بورس‌های کالایی این است که تسهیل‌کننده همه معاملات باشد. بنابراین نباید بورس‌های کالایی را همانند یک مانع، تلقی کرد. در مباحث کارایی اقتصادی این واقعیت مطرح است که هزینه‌های مبادله نباید زیاد باشد طبیعتاً وقتی نهادی مثل بورس کالا در مجموعه معاملات قرار می‌گیرد، اگر کارایی درست نداشته باشد، عامل افزایش هزینه مبادلات خواهد شد و بازار را به سمت ناکارایی سوق خواهد داد. حالا باید وارد یک بحث بنیادین علمی می‌شدیم و به این سوال کلیدی پاسخ می‌دادیم که آیا بورس کالا هزینه مبادله را اضافه کرده است یا خیر؟ مخالفان بورس کالا با اشاره به اینکه تا قبل از بورس کالا، خبری هم از هزینه کارمزد معاملات بورس وجود نداشت، دریافت چنین هزینه‌ای از سوی بورس کالا را از عوامل موثر بر افزایش هزینه مبادلات معرفی می‌کردند.

اما واقعیت این است که بورس کالا، یک ثروت ملی است و مربوط به فرد و شخص خاصی نیست بلکه



و زمانی که تحویل دادید ۴۵ میلیارد تومان. این افزایش سرمایه چگونه محقق شد؟

یکی از بحث‌های همواره مطرح در بورس‌های کالایی و به طور کلی در بورس مربوط به توسعه زیرساخت است. توسعه زیرساخت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. بورس کالا در ابتدا با ۱۲ میلیارد تومان سرمایه اولیه شکل گرفت و طبیعتاً این رقم، کفاف توسعه و تحقق ظرفیت موجود در آن زمان را نمی‌داد و جز افزایش سرمایه بورس کالا، چاره دیگری نداشتیم. بورس کالا باید به نهادی تبدیل می‌شد که پذیرای صدها هزار میلیارد تومان معامله باشد. در یکی از سال‌ها، حدود سیصد هزار میلیارد تومان ارزش معاملات بورس کالا بود، در نتیجه باید کشش این میزان معاملات را هم داشته باشد. افزایش سرمایه نیازمند آورده سهام‌داران بود. بنابراین با سازمان بورس بر سر سازوکاری به توافق رسیدیم که افزایش سرمایه عمدتاً از سود انباشته تامین شد و عواید مناسبی هم برای سهام‌دارانش ایجاد کرد.



به عقیده من بورس کالا علاوه بر نقش تسهیل‌کنندگی، یک ثروت ملی متعلق به همه آحاد جامعه است و اگر عملکردش درست باشد می‌تواند اقتصاد را به سمت کارایی بیشتر ببرد

برخی معتقدند که قیمت‌گذاری دستوری در روند بورس کالا پیامد منفی متعددی دارد. آیا این انتقاد

را واقع‌بینانه می‌دانید؟

هر زمان که بورس کالا از کارکرد اصلی خودش یعنی سازوکار عرضه و تقاضا خارج شود، طبیعتاً اختلالی در بازار ایجاد می‌شود، این اختلال یا ممکن است از سمت عرضه باشد یعنی عرضه به اندازه کافی وجود نداشته باشد یا اینکه تقاضایی مازاد به وجود بیاید که تقاضای معاملاتی است نه تقاضای بخش تولیدکننده. این تفاوت بین بخش عرضه و تقاضا زمانی به وجود می‌آید که سازوکار نادرست باشد و کشف قیمت به درستی اتفاق نیفتد. طبیعتاً وقتی چنین فرآیندی دستوری باشد

نکته دیگر این بود که در همان اواخر دوران مدیریتم بحث قانون بهره‌وری کشاورزی و خرید تضمینی مطرح شد. بین قیمت تضمینی و خرید تضمینی تفاوت ماهوی وجود دارد. در خرید تضمینی بار اضافی به دولت وارد می‌شود. ما در تعهدات مالی اثبات کردیم که این هزینه دولت را به حداقل خواهیم رساند. برای این منظور روی گواهی سپرده کالایی، قبض انبار و یک سری از محصولات متمرکز شدیم. همچنین می‌توانستیم جایگزینی برای قیمت

تضمینی و خرید تضمینی ایجاد کنیم که در آن زمان با راه‌اندازی انبارهایی در نقاط مختلف کشور صورت گرفت و سه استان به عنوان پایلوت انتخاب شد. طبیعتاً وقتی چنین سازوکاری در عرصه اقتصاد ایجاد می‌کنیم، نقش تسهیل‌کنندگی معاملات به وضوح روشن است. کل کسانی که تصمیم‌گیرندگان ارشد اقتصادی کشور بودند به کارکرد بورس کالا اعتقاد داشتند و این اعتقاد باعث می‌شد این بورس بتواند توسعه پیدا کند، در غیر این صورت به راحتی می‌توانند آن را ببندند. این بورس شرکت سهامی عام است و عده‌ای سهام‌دارش هستند و من کاری به ساختار قانونی آن ندارم. بورس‌های کالایی در دنیا

و در حدود ۲۵۰ سال گذشته نقش خودشان را اثبات کرده‌اند و ما یک بورس نوپای ۱۰ تا ۱۵ ساله داریم. به عقیده من بورس کالا علاوه بر نقش تسهیل‌کنندگی، یک ثروت ملی متعلق به همه آحاد جامعه است و اگر عملکردش درست باشد می‌تواند اقتصاد را به سمت کارایی بیشتر ببرد و تخصیص منابع را به نحو درست هدایت کند. ما همواره به این اعتقاد داشتیم و سعی کردیم آن را پیاده کنیم.

در جایی عنوان کرده‌اید زمانی که بورس کالا را تحویل گرفتید سرمایه آن ۱۲ میلیارد تومان بود

گرچه به هر حال شرکت‌های سپرده‌گذاری متولی و به طور کلی بورس و ساختار آن متضمن سلامت و صحت معاملات هستند. در داخل چنین ظرفیتی وجود دارد که بتواند معاملات را تضمین و خیال عرضه‌کننده و سمت تقاضا را راحت کرد. چنانکه می‌بینید که در بازار چقدر میزان چک برگشتی وجود دارد، چقدر کلاهبرداری صورت می‌گیرد و مواردی از این دست؛ اما در بورس یک مورد از این اتفاقات رخ نداده است. زیرا بورس چنین تضمینی را فراهم کرده بود. در بخش صادرات، مهم‌ترین گلوگاهی که داشتیم در مورد نقل و انتقال ارز بود، اگر آن مشکل هم حل می‌شد،

می‌توانستیم بگوییم که این توانایی در عرصه اقتصادی کشور وجود دارد. به‌ویژه روی چند محصول مانند VB و قیر. برای این منظور تفاهمی با گمرک داشتیم که اگر کالایی صادر شد الزاما باید معامله‌اش از طریق بورس کالا صورت گرفته باشد و طبیعتا این بخش کارکرد بسیار زیادی داشت و منجر به توسعه بخش‌های پالایشگاهی شد زیرا منافع اصلی آن عاید تولیدکنندگان محصولات می‌شد.

آیا هنوز هم تحولات بورس کالا را رصد می‌کنید؟

تحولات بورس کالا را به‌طور خاص رصد نمی‌کنم ولی چون در عرصه بازار سرمایه فعالیت دارم با اطلاعاتی مواجه می‌شوم که ممکن است روی این اطلاعات بحث و نقد داشته باشم و بر اساس آنها حتی پیشنهادهایی هم داشته و ارائه کردم ولی آنکه خواسته باشم به طور خاص رصد کنم، نه، زیرا ضرورتی نداشته است. زمانی که آنجا بودم به‌طور تخصصی این کار را می‌کردم، الان ممکن است در حد اخبار روزنامه، تحولات بورس کالا را بررسی کنم.

اگر بخواهید بورس کالای ایران را با بورس‌های بزرگ دنیا با بیش از ۲۵۰ سال سابقه مقایسه کنید، چه نقاط ضعفی وجود دارد تا ما نیز به آن نقطه برسیم؟

مهم‌ترین تفاوت ماهوی بین بورس‌های کالای ما و بورس‌های کالایی دنیا روی بخش معاملات نقدی

اصل کارکرد بورس زیر سوال می‌رود. نمی‌توان توقع داشت، امور بورس با سازوکارهای خودش انجام شود اما یک متغیر برون‌زا به عنوان قیمت دستوری اجازه دهد که این سازوکار به صورت شفاف باشد. طبیعتا یکی از درگیری‌های اصلی بورس کالا که همواره وجود داشته، قیمت‌گذاری دستوری و بدون پایه و منطق است. پایه منطقی زمانی است که من به عنوان مثال، قیمت محصولم بر اساس قیمت‌های جهانی بوده و با دلاری که مبادلاتی است، اختلاف داشته باشد این اختلاف باعث کاهش عرضه می‌شود زیرا

تولیدکننده، انگیزه و تمایلی برای عرضه با سود کمتر ندارد. هم‌زمان افزایش تقاضا هم ایجاد می‌شود و این شکاف عرضه و تقاضا، یک دور باطل را شکل داده و دائم همدیگر را تشدید می‌کنند. اما راه حل این چالش چیست؟ علاج این است که بگذارند بورس کارکرد خودش را داشته باشد و بپذیرند هرچقدر از قیمت‌گذاری دستوری جسته شود، بورس بهتر می‌تواند کار کند زیرا وظیفه محوری بورس، کشف قیمت است و نه قیمت‌گذاری. در اقتصاد وقتی متغیری برون‌زا قیمتی را تعیین کند ماهیت و وجود بورس دچار اختلال می‌شود.

بورس کالا چقدر می‌تواند به صادرات کمک کند و این ظرفیت بورس چقدر نادیده گرفته شده است؟

یکی از فلسفه‌های اصلی شکل‌گیری بورس کالا این است که بتواند توسعه ظرفیت ایجاد کند، یک بخشی از این توسعه برای نیاز داخل و بخش عمده نیز برای مصارف بازارهای صادراتی است. بورس کالا در رابطه با بخش صادراتی کارهایی انجام داده است. به عنوان مثال در کیش یک تالار صادراتی راه‌اندازی کردیم، حتی در زمینه عرضه نفت خام هم اقداماتی صورت گرفت ولی عواملی غیر از بورس، در تحقق نیافتن این امر دخالت داشت. یکی از مهم‌ترین عواملی که تا حدی کارکرد بخش صادراتی بورس‌ها را دچار اختلال کرد بخش نقل و انتقال پول بود.



علاج این است که بگذارند بورس کارکرد خودش را داشته باشد و بپذیرند هرچقدر از قیمت‌گذاری دستوری جسته شود، بورس بهتر می‌تواند کار کند



است. در بورس‌های کالایی دنیا معاملات نقدی را نمی‌بینند. زیرا آن‌قدر بازار توسعه یافته که ابزارهای مالی کار بازار نقدی را انجام می‌دهد. به نظر من هر چقدر بورس کالا به سمت توسعه ابزارها برود و ابزارهایی اعم از قرارداد آتی، آپشن، سوآپ و مواردی مثل اینها توسعه پیدا کند کارکردش موثرتر است و به نحو کاراتری می‌تواند در صحنه اقتصادی نقش ایفا کند. بازار نقدی کارکرد خودش را دارد بدون اینکه ما در آن دخالت داشته باشیم، عمدتاً در بورس‌های کالایی بخش اوراق فعال است که دو هدف را دنبال می‌کند؛ نخست پوشش ریسک که برای مصرف‌کننده و تولیدکننده (به عنوان فلسفه اصلی بورس‌های کالایی) و بخش دوم آنهایی هستند که بین خریدار و فروشنده قرار می‌گیرند و هر قدر تعداد معاملات‌شان بیشتر شود نقش کشف قیمت و رسیدن به تعادل طبیعتاً بیشتر خواهد شد. شما می‌توانید یک مطالعه و بررسی داشته باشید که حجم معاملات بورس‌های کالایی در کشور توسعه یافته چند برابر تا صدبرابر تولید ناخالص داخلی آن کشور است و کشف قیمت با کارایی بالا صورت می‌گیرد.

■ با توجه به تجربه‌تان، چشم‌انداز و افق آینده بورس کالا را چطور می‌بینید؟

چشم‌انداز بسیار روشنی است زیرا به هر حال یکی از بازوهای اصلی که می‌تواند به دولت‌ها در زمینه توسعه کمک کند، سازمان بورس است. اگر اینجا بورس اوراق و بورس کالایی را در نظر بگیریم، این دو بخش می‌توانند به توسعه اقتصادی به‌ویژه در زمینه تامین منابع مالی کمک کنند و از این بخش بزرگ اقتصاد نمی‌توان غفلت کرد. به‌خصوص اکنون که در بازار سرمایه سهام‌داران خیلی زیادی آمدند و سهمیم شدند و هر یک به‌طور غیرمستقیم در کارکردها و منابع بورس کالا سهمیم هستند، طبیعتاً اگر بورس کالا به‌درستی کار کند، می‌تواند روی قیمت سهام شرکت‌های عرضه‌کننده، حتی شرکت‌های مصرف‌کننده پایین دستی نیز تأثیری بسیارشگرف داشته باشد.

بورس کالا

تالار نقره ای





جلای شمش طلا با گواهی سپرده بورس کالا

امکان جذب حجم بالایی از سرمایه‌های سرگردان بازار طلا تقویت می‌شود

بورس کالا طیبه مرادی: چندی است که روزشماری برای دادوستد شمش طلا در بازار اوراق گواهی سپرده کالایی آغاز شده است. شمش طلا پیش از این به بازار فیزیکی بورس کالا راه پیدا کرده بود و معاملات نقدی آن در بستر رسمی بورس کالا از نیمه ابتدایی سال ۱۳۸۷ آغاز به کار کرده و تاکنون تداوم یافته است. با توجه به موفقیت معاملات شمش طلا در بازار فیزیکی بورس کالا، از این پس شمش طلا در بازار مشتقه و تحت اوراق گواهی سپرده کالایی نیز معامله خواهد شد تا به عمق معاملاتی زنجیره طلا در بورس کالا افزوده شود. حضور بیشتر معامله‌گران و افزایش حجم و ارزش معاملات و توجه بیشتر به بازارهای رسمی طلا همراه با سهولت معاملات، آن هم در شرایطی که معاملات طلای آب‌شده در بازارهای غیررسمی از رونق بالایی برخوردار است، می‌تواند نیروی محرکه جدیدی برای این بازار تلقی شود. بنابراین با هدایت این معاملات به سمت بستر رسمی معاملات کالایی در بورس کالا، امکان جذب حجم بالایی از سرمایه‌های سرگردان این بازار وجود دارد.

دارایی پایه اوراق گواهی سپرده کالایی نیز، ۹۹۵ مشخص شده است.

سازوکار معامله شمش در بازار گواهی سپرده

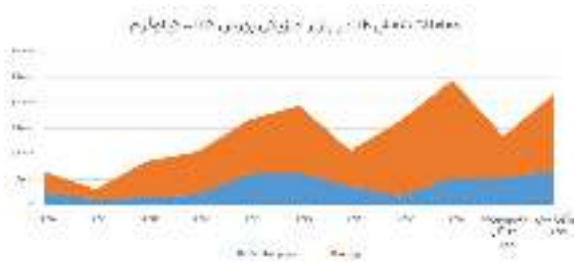
سازوکار معاملاتی اوراق گواهی سپرده شمش طلا، مشابه سایر اوراق گواهی سپرده است که اکنون در این بازار مورد دادوستد متقاضیان قرار می‌گیرد. بر مبنای این اوراق، امکانی فراهم خواهد شد که شرکت‌های تولیدکننده شمش طلا، بتوانند وارد این بازار شوند و طلای تولیدی خود را در خزانه بانک‌های مورد پذیرش، قرار دهند. با این اقدام، ورود دارایی و نحوه ارزیابی و عیارسنجی شمش طلا تا حدود زیادی تسهیل می‌شود. پس از انجام این مراحل، امکان فروش محصول در بازار

صدای پای ابزارهای مالی شمش طلا

چندی پیش با هدف گسترش معاملات شمش طلا به بازار گواهی سپرده کالایی، تفاهم‌نامه‌ای بین بانک ملت و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران و شرکت مشاور سرمایه‌گذاری معیار به امضا رسید. بر اساس این تفاهم‌نامه، تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری با پشتوانه طلا بر بستر گواهی سپرده کالایی ترسیم خواهد شد. مدت این تفاهم‌نامه از زمان امضا، سه ماه تعیین شده است و حداقل اوراق معادل یکصد سوت (هر سوت معادل یک هزارم گرم) در نظر گرفته خواهد شد. خلوص شمش‌های طلا به عنوان

و غیررسمی طلا را فراهم می‌کنند. این مطلب به کاهش حباب قیمتی در انواع مصنوعات طلا می‌انجامد. در حال حاضر معاملات طلای آب‌شده در بازار آزاد از جذابیت بالایی برخوردار است. این در حالی است که هدایت دادوستدهای شمش طلا به بازار گواهی سپرده بورس کالا، نه تنها ریسک معاملاتی را کاهش می‌دهد، بلکه سازوکارهای لازم برای مدیریت بازار را فراهم می‌کند. به طوری که امکان رهگیری ساده‌تر ذخایر و دارایی‌های طلا از مسیر شفاف بستر معاملاتی بورس کالا فراهم می‌شود. این احتمال وجود دارد که حتی در گام‌های بعدی که بازار اوراق گواهی سپرده شمش طلا به بلوغ کافی برسد، سکنداری معاملات شمش طلا در بورس کالا از تالار فیزیکی به سمت معاملات گواهی سپرده تغییر کند.

معاملات اوراق گواهی سپرده شمش طلا در مقایسه با معاملات طلای آب‌شده که این روزها در بازار غیررسمی بسیار جذاب شده است، به وضوح مناسب بودن این بستر معاملاتی را برای افراد متمایل به سرمایه‌گذاری‌های خرد و با ریسک کمتر، به تصویر می‌کشد. فعالیت در بازارهای



غیررسمی شاید برای اهالی فن با ریسک ناچیزی همراه باشد اما برای سایر سرمایه‌گذاران که در شرایط تورمی به دنبال دارایی سرمایه‌ای هستند که ارزش آن کاسته نشود، چندان ساده نخواهد بود. این در حالی است که در معاملات گواهی سپرده شمش چنین ریسک‌هایی متصور نیست و اعتماد کافی به فرآیند معاملاتی، ویژگی‌های فنی و امنیت طلا قطعی است. در صورت توجه جدی به این شیوه معامله و استفاده از ظرفیت ابزارهای مالی، بستر تامین مالی اکتشاف معادن جدید طلا فراهم و امکان فروش دائمی تولیدات معدنی طلا در کشور ادامه خواهد یافت. این رویکردهای سرمایه‌گذاری، زمینه‌های رشد و گسترش ظرفیت تولید طلای معدنی در کشور را افزایش می‌دهد که با ایجاد این بازار با فرض وجود تقاضای دائمی و با احتساب پتانسیل تامین منابع مالی از بازار سرمایه به کمک ابزارهای مالی، چنین احتمالی را می‌توان با صراحت بالایی اظهار کرد.

برای شرکت تولیدکننده فراهم می‌شود. بقیه مراحل دادوستد اوراق شمش طلا، مشابه سایر کالاهایی است که تاکنون در بازار اوراق گواهی سپرده معامله شده است. بنابراین کارکرد اوراق گواهی سپرده شمش طلا نیز همچون سایر اوراق گواهی در این بازار، به گونه‌ای است که اگر دارنده اوراق تمایل به اتمام حضور خود در این نماد داشته باشد، می‌تواند اقدام به فروش اوراق گواهی سپرده شمش طلا در بورس کالا کند. به عبارتی دو راه وجود دارد؛ یا لازم است که به اندازه یک شمش اقدام به خرید کند تا بتواند آن را از انبار خارج کند یا آنکه گواهی خود را در بازار به فروش برساند و چنانچه تمایل نداشته باشد، هیچ یک از این دوکار را انجام دهد، محدودیتی در مسیر انتقال نماد به نمادهای بعدی برای دارنده اوراق وجود ندارد. همچنین دارندگان اوراق گواهی سپرده شمش طلا محدودیتی برای دریافت شمش از خزانه نخواهند داشت و هر فردی که به میزان حداقل وزن شمش اوراق داشته باشد، می‌تواند دارایی خود را تحویل بگیرد.

۲ کارنامه شمش طلا در بورس کالا

بررسی داده‌های منتشرشده از سوی شرکت بورس کالای ایران نشان می‌دهد، از ابتدای ورود شمش طلا به فهرست کالاهای مورد معامله در بازار فیزیکی، تاکنون پنج تولیدکننده به عرضه شمش طلا در این بازار مبادرت کرده‌اند. شرکت‌هایی همچون زر معدن، طلای موته، گروه صنعتی و معدنی زرمهر، معدن زرشوران و شرکت صنعتی معدنی طلای تویزار از جمله این شرکت‌ها هستند. بر مبنای این مطلب می‌توان انتظار داشت با شروع به کار معاملات گواهی سپرده شمش طلا در بورس کالا راه ورود دیگر شرکت‌هایی که اکنون به عرضه در بازار نقدی بورس کالا می‌پردازند به بازار گواهی سپرده نیز هموار شود. جریان معاملاتی شمش طلا در بازار فیزیکی بورس کالا نشان‌دهنده فرازونشیب‌هایی است که هنگام افت میزان عرضه‌ها، حجم دادوستد این محصول با وقفه‌ای چندماهه و به تدریج کاهش یافته است. از ابتدای سال جاری تا پایان آذر به میزان ۸۲۸ تن شمش طلا در بورس کالا عرضه شده است که در برابر آن، ۷۷۵ تن تقاضا ثبت شد که در نهایت ۵۲۰ تن از شمش‌های عرضه‌شده مورد معامله قرار گرفت.

۲ کارکرد ابزارهای مالی بورس کالا در تکمیل زنجیره طلا

ابزارهای مالی بورس کالا پتانسیل جذب سرمایه‌گذاری بیشتر را برای شمش طلا در بر داشته و با افزایش حجم عرضه و دادوستدهای شمش طلا، امکان تعمیق بازار رسمی



دور نمای طلایی تقاضا برای شمش بورس

تقویت امکان جذب حجم بالایی از سرمایه‌های سرگردان بازار طلا

با ورود شمش طلا به بازار گواهی سپرده کالایی بورس کالا، مسیر تکمیل زنجیره دادوستدهای طلا در این بستر رسمی معاملاتی بسیار هموار شده است. اینکه دادوستدهای سکه طلا در این بازار با استقبال زیادی از سوی متقاضیان مواجه شد، گواهی بر ادعای موفقیت هدایت معاملات شمش طلا به این بازار است. اقدام به راه‌اندازی سایر ابزارهای مالی برای طلا در بازار کالایی رسمی کشور می‌تواند اثربخشی چندوجهی در توسعه و گسترش سرمایه‌گذاری بر جای گذارد آن هم در شرایطی که از ابتدای زنجیره تولید در معادن تا معاملات این فلز گرانبها در بازار را در بر می‌گیرد. علی اسکینی، کارشناس ارشد تحلیل کارگزاری بانک صنعت و معدن معتقد است: «این بازار می‌تواند بستری مفید برای جذب سرمایه‌های خرد و کلان افراد جامعه باشد و این ابزار مالی، ظرفیت هدایت نقدینگی را که اکنون در بازار طلای آب‌شده به شکلی غیررسمی فعالیت می‌کند به سمت دادوستدهای شفاف در اختیار دارد. همچنین با کاهش هزینه‌های مربوط به انبارداری و حمل و نقل می‌تواند به راحتی معامله شود و از آنجایی که ابزارهای مالی در سایه قوانین مشخص و با دریافت تضامین معتبر از سوی بورس کالا رهگیری می‌شود، تا حد زیادی ریسک معاملاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین راه‌اندازی گواهی سپرده شمش طلا در بورس کالا می‌تواند از سوی سرمایه‌گذارانی که به دنبال راهی برای حفظ ارزش دارایی‌های خود و حتی متنوع‌سازی سبد سرمایه‌گذاری‌شان هستند، بسیار کارآمد تلقی شود. از این رو دورنمای مثبتی برای ورود شمش طلا به این بازار وجود دارد.» در ادامه متن گفت‌وگو با علی اسکینی آمده است.



اقتصادی و همچنین ایجاد نشدن التهاب در بازارهای مختلف به هر بهانه‌ای، باید از بازار شفافی چون بورس کالا سود ببریم، در غیر این ضرر خواهیم کرد. نیاز است که استفاده از ابزارهای مشتقه همچون قراردادهای آتی، آپشن و گواهی‌های سپرده کالایی در دستور کار قرار گیرد زیرا امروز شفافیت حلقه گمشده بسیاری از بازارهای کشور محسوب می‌شود و برای مقابله با این کاستی، بورس کالا می‌تواند نقش موثری را ایفا کند.

با توجه به جذابیت بالای طلا برای سرمایه‌گذاری و تجربه موفق معاملات گواهی سپرده سکه طلا، پیش‌بینی شما از استقبال سرمایه‌گذاران از معاملات گواهی شمش طلا چیست؟

با توجه به مزیت‌های که به دنبال ورود شمش طلا به بازار گواهی سپرده محقق می‌شود، همچنین موفق بودن معاملات گواهی سپرده سکه طلا، اوراق گواهی سپرده شمش طلا این پتانسیل را دارد که مورد استقبال سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

لازمه موفقیت مبادله شمش طلا تحت اوراق گواهی سپرده کالایی چه پیش‌شرط‌هایی است؟

نکته مهم این است که بورس یک بستر معاملاتی است که می‌تواند برای اجرای سیاست‌ها در اختیار ذی‌نفعان مختلف قرار گیرد. بنابراین وظیفه بورس کالا بسترسازی فراهم ساختن زیرساخت‌هاست اما از آنجا که طرح‌های

در موضوع معامله گواهی سپرده کالایی، نقدشوندگی بحثی بسیار مهم و برجسته تلقی می‌شود. از این رو نیازمند بازارگردان در این بازار هستیم. بهترین بازارگردان برای بازار اوراق گواهی سپرده شمش طلا چه نهادی است؟

بانک مرکزی. با توجه به اینکه در اختیار داشتن ذخایر طلا برای بانک‌های مرکزی در جهان و حتی ایران امری عادی به شمار می‌آید، بانک مرکزی در این فرآیند می‌تواند منابع ریالی خود را به شمش طلا تبدیل کند و در صورت لزوم تحویل بگیرد یا در نوسان نرخ ایفای نقش کند. از طرفی معمولاً بازارگردانان شامل نهادهای مالی و اشخاصی هستند که علاقه به فعالیت در بازار واقعی و معاملات آن کالا دارند و از خرید و فروش کالا یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا درآمد حاصل می‌کنند که می‌توان با توجه به تجربه موفق سایر سپرده‌های کالایی از بخش‌های خصوصی نیز استفاده کرد.

آیا راه‌اندازی معاملات شمش طلا در بازار گواهی سپرده می‌تواند آغاز تحولی در ابزارهای مالی طلا باشد؟ چه ابزارهای مالی دیگری می‌تواند دادوستدهای زنجیره طلا را تعمیق بخشد؟

باید سازوکاری فراهم شود تا استفاده از ظرفیت بورس کالا در بازار کالایی کشور توسعه پیدا کند زیرا دنیا به این سمت حرکت کرده و ما نیز برای داشتن ثبات

سرگردان را دارد و ریسک‌های بازارهای غیررسمی نیز برای آن وجود ندارد. همچنین با توجه به اینکه امکان خرید شمش یک کیلویی با توجه به پس‌انداز مردم برای بسیاری از آنها وجود ندارد، صدور اوراق یکصد سوتی، امکان خرید طلا برای عموم مردم به میزان پس‌انداز آنها را فراهم می‌کند و از این نظر نقش موثری در جذب سرمایه‌های کوچک خواهد داشت.

۴ نقش معاملات گواهی سپرده شمش طلا در جذب سرمایه‌های سرگردان (خرد و کلان) چه خواهد بود؟

سال‌هاست در دنیا از ابزارهای نوین مالی به منظور ورود نکردن سفته‌بازان به بازارهای واقعی کالایی استفاده می‌شود. اما در کشور ما وقتی بورس کالا شرایط هدایت نقدینگی به بازار مالی طلا را فراهم می‌کند، عده‌ای با آن مخالفت می‌کنند که جای تعجب دارد. این معاملات فرصت ایجاد بستری شفاف و به دور از حضور واسطه‌ها را فراهم می‌کند و بورس کالا بهترین مکان برای تعادل بخشی به بازار کالایی کشور است.

۴ موفقیت این ابزار مالی با توجه به حجم معاملات فعلی شمش طلا در تالار فیزیکی بورس کالا را چطور ارزیابی می‌کنید و آیا این بستر فراهم می‌شود که معاملات طلا از بازار فیزیکی به سمت گواهی سپرده هدایت شود؟

راه‌اندازی اوراق گواهی سپرده شمش طلا پتانسیل تغییر فاز معاملات از بازار فیزیکی به سمت معاملات گواهی سپرده را دارد. با توجه به محدودتر بودن کاربردهای شمش طلا نسبت به سایر محصولات صنعتی و معدنی، حجم کم معاملات آن در بازار فیزیکی قابل توجیه است اما انتظار می‌رود از گواهی سپرده شمش طلا با توجه به مزیت‌های مطرح‌شده استقبال بیشتری به عمل آید.

پیشنهادشده در حوزه مربوطه ملی است و دستگاه‌های مختلفی نیز در آن دخیل هستند، لازمه موفقیت این طرح‌ها، همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌ها در کنار یکدیگر است. بر همین اساس وجود یک شخص حقوقی به عنوان مباشر پذیرش (به تبعیت از الگوی سایر بورس‌های کالایی دنیا)، معرفی به موقع بازارسازها از سوی نهاد ناظر و تشکیل کمیته بازارسازی برای نظارت بر قیمت‌ها پیش از آغاز معاملات در بورس و همکاری سازمان بورس برای فعالیت‌های آموزشی و ترویجی می‌تواند در موفقیت مبادله شمش طلا تحت اوراق گواهی سپرده کالایی تاثیرگذار باشد. از دیگر نکات مهم این است که بورس کالا برای برخورداری از تاثیرگذاری مورد نیاز باید استقلال کافی پیدا کند، اگرچه در ذات استقلال بورس کالا نیاز به اختیارات هم برجسته می‌شود. یعنی با فرض اختیارات کامل و مورد نیاز در چارچوب قوانین بازار سرمایه است که استقلال این بازار مالی تامین خواهد شد.

۴ آیا راه‌اندازی ابزار معاملاتی شمش طلا این پتانسیل را دارد که به کاهش ریسک و حذف واسطه‌گری در این بازار بینجامد؟

دلالی و واسطه‌گری یکی از مشکلات اساسی کشور است و این قبیل فعالیت‌ها که در جایی هم ثبت و بر آنها نظارت نمی‌شود، آسیب‌های جدی به اقتصاد وارد می‌کند. با توجه به شفافیت در خرید و فروش و وجود انواع ابزارهای مالی در بورس کالا، امروزه حضور و معاملات هر نوع محصولی در این بازار یک فرصت محسوب می‌شود که به رونق اقتصادی کشور با قدرت رقابت بالا منجر خواهد شد. معاملات طلای آب‌شده در بازارهای غیررسمی که جذابیت بالایی هم دارد با ریسک همراه است. گواهی سپرده شمش طلا ظرفیت جذب این سرمایه‌ها و سایر سرمایه‌های

مزایای راه‌اندازی گواهی سپرده کالایی شمش طلا در بورس کالا

- تعمیق بخشیدن به معاملات زنجیره دارایی طلا در بورس کالا با جذب بیشتر سرمایه‌گذاری در این حوز
- شفاف‌سازی از طریق حذف واسطه‌ها و افزایش قابلیت نقدشوندگی
- امکان خرید طلا برای عموم مردم و جذب سرمایه‌های خرد در حالی که امکان خرید شمش‌های یک کیلویی برای بسیاری از مردم وجود نداشت
- کاهش ریسک خرید و فروش از طریق معاملات گواهی سپرده شمش طلا نسبت به معاملات بازارهای غیررسمی
- ورود سرمایه‌های بازار آزاد طلای آب‌شده به سمت معاملات گواهی سپرده شمش طلا که ریسک پایین‌تری دارد
- کاهش هزینه‌های نگهداری و جابجایی
- امکان استفاده از گواهی سپرده شمش طلا به عنوان پشتوانه‌ای برای اخذ وام
- تامین نقدینگی و سرمایه در گردش و در نتیجه افزایش حجم سرمایه‌گذاری بر ذخایر معدنی طلای کشور
- فرصت استفاده از نوسان قیمت‌های جهانی
- امکان حضور بانک مرکزی به عنوان بازارگردان و تبدیل بخشی از ذخایر ریالی بانک‌ها به طلا و در نتیجه افزایش ذخایر طلا در بانک مرکزی

تغییر مقصد شمش طلا از بازار به بورس کالا

سرعت عمل در دادوستد برای جذب سرمایه گذاران به این بازار نکته ای کلیدی است

محمد کشتی آری، نایب رئیس اتحادیه فروشندگان طلا و جواهر/ تکانه های اثرگذار در بازارهای جهانی در کنار برخی رویدادها در بازارهای موازی نظیر ارز و سکه زمینه ساز تغییر تقاضای موجود در معاملات طلای آب شده به شمار می رود. محمد کشتی آری، نایب رئیس اتحادیه فروشندگان طلا و جواهر معتقد است که میزان عرضه طلای آب شده در بازار داخلی به اندازه ای است که بتواند مقداری بیش از حجم تقاضای واقعی بازار را پوشش دهد. همان طور که تجربه ماه های اخیر در این بازار به وضوح این واقعیت را تایید کرد. در حال حاضر، بازار آزاد به عنوان مهمترین بستر برای دادوستد طلای آب شده شناخته می شود. چنانچه سیاست های کلان اقتصادی، خواهان هدایت معاملات این فلز گرانبها به بستر رسمی بورس کالای ایران باشد، لازم است که به پیش نیازهای آن توجه خاصی شود. مطالعه روند معاملاتی بازار آزاد این محصول نشان از آن دارد که به دلیل ویژگی های فنی طلا و نوسانات لحظه به لحظه آن سرعت این معاملات بسیار مهم ارزیابی می شود. بنابراین اگر در کنار هدایت سرمایه گذاران به زنجیره معاملاتی طلای بورس کالا به دنبال فراهم کردن بستری برای تامین مالی واحدهای تولیدی این صنف نیز باشیم، لازم است که با آگاهی کامل از شرایط معاملاتی آن اقدام به طراحی سازوکارهای ابزار مالی طلا شود.



افتوخیز دادوستد طلای آب شده در سال جاری

سال جدید در حالی شروع شد که افزایش شدید قیمت انس جهانی طلا اتفاق افتاد و از طرف دیگر، رشد مستمر بهای ارز در بازار داخلی، زمینه ساز هدایت نقدینگی و سرمایه های موجود در سایر بازارها به سمت بازار طلا به عنوان دارایی سرمایه ای شد. طبیعی است که به دنبال این رخداد، تقاضای زیادی به بازار طلا و به ویژه بازار طلای آب شده وارد و روبه روز نیز بر میزان رشد آن افزوده شد که در نهایت ایجاد حباب در بهای سکه طلا را رقم زد. از این رو در نیمه ابتدای سال جاری حباب قیمت سکه تا کانال ۲ میلیون تومانی برای هر قطعه سکه افزایش یافت. پس از این رشد شتابان، بهای طلا که به بالاترین نرخ طی این مدت رسید، قیمت ها در بازار ارز و انس جهانی طلا تغییر فاز داد و روند کاهشی در پیش گرفت. اخیراً به دنبال خبرهای خوشایند پیرامون موفقیت آمیز بودن واکسن های کرونا، حرقه های امید در بازارهای کالایی ایجاد شده است. همچنین انتخابات آمریکا نیز مزید بر علت شد و در نهایت به عنوان محرکی اثرگذار در بازار جهانی طلا، ایفای نقش کرد و مانع رشد شتابان قیمت ها در این بازار شد، به طوری که حدود یک ماه است که نه فقط رشد مستمر بهای طلا در بازارهای جهانی و داخلی محدود شده، بلکه در مقطعی از زمان نیز روند کاهشی به خود گرفته است. پیامد افت بهای طلا، از جذابیت طلا به عنوان دارایی سرمایه ای تا حدودی کاست و انگیزه متقاضیان برای

حضور حداکثری در این بازار با افت محسوسی همراه شد. در نتیجه این اتفاقات، حباب سکه نیز کوچک تر شد تا حدی که برخی از افرادی که در روزهای رونق این بازار و تداوم رشد قیمت ها، با انگیزه سرمایه گذاری، سکه و طلا خریده بودند، به دلیل هراس از کاهش بیشتر قیمت ها دارایی های خود در این بازار را فروختند و به طرف عرضه پیوستند. بنابراین بخشی از حجم طلای آب شده خارج شده از بازار دوباره به چرخه بازار بازگشت.

از سوی دیگر با مداخله پلیس اقتصادی و نیروی انتظامی، سفته بازی، معاملات کاغذی و فردایی که توسط عده ای از واسطه گران در کشور انجام می شد، تا حد زیادی کنترل و این گونه معاملات که تعادل بازار طلا را بر هم می زد به حاشیه رانده شد که نتیجه مثبت این تحول در قالب کاهش چشمگیر حباب قیمت ها و شفاف سازی نرخ های این بازار نمایان شده است.

در حال حاضر با توجه به اینکه اغلب معامله گران کاغذی و فردایی از بازار خارج شده اند، معاملات واقعی و فیزیکی رونق گرفته است. بررسی معاملات فیزیکی طی یک ماه گذشته حاکی از آن است که عرضه به میزان نیاز بازار انجام می شود و به عبارتی عرضه، پاسخگوی نیاز متقاضیان بازار است و حباب قیمتی چندانی دیده نمی شود. قیمت ها بر اساس حاصل ضرب شاخص اقتصادی قیمت جهانی و بهای ارز روزانه و حتی ساعت به ساعت تعیین می شود. از این رو حتی انتظار می رود که اگر تقاضای فعلی، افزایش نسبی

ارزش افزوده آن نیز صفر خواهد بود. در زمینه تولید داخلی نیز معادن داخلی طلا به طور معمول محصولات خود را در تالار فیزیکی بورس کالا عرضه و از این بستر اقدام به دادوستد شمش طلا می‌کنند. البته می‌توان یادآور شد، به دلیل لزوم تسریع در دادوستدهای فعالان صنوف طلا، اعم از تولیدکنندگان و معامله‌گران، مراجعه به معادن و خرید مستقیم از آنها عرف این بازار نیست.

۲ پیش‌شرط هدایت تقاضای شمش از بازار آزاد به سمت بورس کالا

تجربه نشان داده است فعالان بازار به دلیل سرعت عملی که در دادوستدهای خود دارند برای ورود به بازار ابزارهای مالی بورس کالا با شرایط دشواری مواجه‌اند و به این ترتیب از نظر زمان‌بندی با بازهای طولانی‌مدت‌تر از معاملات فیزیکی بازار آزاد روبه‌رو هستند. در حال حاضر یک واحد تولیدی که نیازمند شمش طلا است با وقفه بسیار کوتاه و حتی کمتر از یک ساعت می‌تواند آن را از بازار آزاد تهیه و تامین کند، در حالی که سازوکار فعلی که در بورس کالا تعریف شده، زمان‌بر است. در نتیجه ورود فعالان بخش تولیدی به بستر معاملاتی بورس کالا با تاخیر همراه می‌شود و جاذبه خود را تا حدی از دست می‌دهد. بنابراین باید اعتماد فعالان صنوف طلا به معاملات بورسی را جلب کرد و با معرفی جامع و شفاف کردن نحوه معاملات بازار ابزارهای مالی بورس کالا، اطمینان به دسترسی سریع تولیدکنندگان به شمش طلا را تقویت کرد. بنابراین سرعت عمل در دادوستدها، می‌تواند موفقیت ابزارهای مالی در بورس کالا را افزایش دهد. در عین حال ورود به بازار گواهی سپرده شمش طلا برای سرمایه‌گذاران می‌تواند بستر خوبی برای سرمایه‌گذاری مهیا کند که به متنوع‌سازی پرتفوی آنها می‌انجامد، اما برای فعالان این صنف که به طور فیزیکی به شمش طلا نیاز دارد، سرعت عمل در دادوستد بسیار مهم است. باید امیدوار باشیم که ابزارهای مالی شمش طلا در بورس کالا می‌تواند نقدینگی‌های سرگردان این بازار را به سمت خود جذب و واسطه‌گری را از بازار آزاد، تا حد زیادی حذف کند، اما برای آنکه بتوان انگیزه معاملاتی در بستر بورس کالا را میان تولیدکنندگان صنوف طلا نیز بالا برد، لازم است که سیستم طراحی شود تا سرعت عمل دادوستد شمش طلا افزایش یابد.

را تجربه کند، به قدر نیاز طلای آب‌شده در بازار وجود دارد که بتواند حجم تقاضای افزایش‌یافته را تامین کند. در وضعیتی که متقاضیان طلای آب‌شده در بازار کاهش یافته‌اند، دور از انتظار نیست که معاملات طلا در بورس کالا نیز تحت‌الشعاع قرار گیرد، به‌ویژه آنکه اکنون از انگیزه و هیجان ناشی از افزایش روزانه نرخ‌ها در بازار، خبری نیست.

۲ سازوکار لازم برای حرکت از بازار فیزیکی به گواهی سپرده کالایی

عملیاتی کردن گواهی سپرده کالایی نیازمند درایت خاصی است که با بررسی و تحلیل کارشناسی می‌توان نتیجه موفقیت‌آمیزی را حاصل کرد. در گام اول، لازم است طراحی سازوکارها به‌شکلی انجام گیرد که اعتماد معامله‌گران این بازار به معاملات بورس کالا در زمینه دادوستد شمش طلا افزایش یابد. در حال حاضر که بورس اوراق بهادار، برای مدتی با افت شاخص همراه شده، تا حدودی سیگنال بی‌اعتمادی نسبت به بازار سرمایه مخابره می‌کند. از این‌رو ابتدا نیازمند ساختاری هستیم که ابزارهای مالی بورس کالا برای مبادله دارایی‌های مبتنی بر طلا در سایه آن بتوانند از ساختاری مشخص پیروی کنند. نکته دیگر مورد تاکید کارشناسان، تاثیرپذیری معاملات بورس از بازار فیزیکی است. بنابراین معاملات باید به‌گونه‌ای باشد که اخلال در نظم بازار ایجاد نکند تا بتوان دورنمای مثبتی برای توسعه ابزارهای مالی بورس کالا ترسیم کرد. اینکه طلا در دیگر کشورها به عنوان ابزاری سرمایه‌ای در بورس‌های کالایی فعال است، می‌تواند الگوی خوبی برای کشور ما باشد. همان‌طور که در معاملات سکه نیز این امر تصدیق شده است. اما سازوکار بازار در کنار بورس کالا در اقصی نقاط دنیا به شکلی است که به دور از برهم زدن تعادل بازار به فعالیت می‌پردازد و فاصله قیمتی خرید و فروش در سطوح حداقلی است. بنابراین اگر سازوکاری طراحی شود که در جهت تاثیر قرار دادن مثبت بازار باشد، بدیهی است که موفق خواهد شد.

۲ واردات شمش طلا

در گذشته واردات شمش طلا با ۴ درصد تعرفه گمرکی همراه بود. از این رو فعالان بازار انگیزه چندانی برای واردات شمش از بازارهای خارجی نداشتند. به دلیل حل شدن مسائل مربوط به قاچاق شمش طلا، تعرفه گمرکی برداشته شد و به صفر رسید. یعنی اگر فردی بخواهد شمش طلا را از کشورهای خارجی وارد کند، هیچ تعرفه گمرکی به آن تعلق نمی‌گیرد و از آنجایی که به عنوان ماده اولیه معرفی می‌شود، مالیات





زیر پوست معاملات «آب شده»

شفافیت معاملات بورسی باید جایگزین قیمت‌گذاری در «پله آهنی» شود

طلای آب‌شده اکنون در بستری غیررسمی و با شفافیت اندک در حوزه معاملات خصوصی مورد دادوستد قرار می‌گیرد. شیوه فعلی دادوستد این فلز گرانبها به عنوان سرمایه کشور چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. لاله دلشاد، مدیر بخش تحلیل و توسعه صراف‌ی رادین، معتقد است که دادوستد طلای آب‌شده در اتاق‌های معاملاتی بر مبنای برخی روش‌های متداول در دنیا نظیر معاملات CFD انجام می‌شود اما باز هم از لحاظ پوشش ریسک، شفافیت و تضامین مورد نیاز، فاصله بسیاری با بسترهای رسمی معاملاتی دارد. در صورت اقدام به هدایت و تکمیل زنجیره طلا در کانون کالایی کشور یعنی شرکت بورس کالای ایران، می‌توان نورافکن شفافیت را به طور کامل بر عرضه معاملاتی طلا افکند و از روشنای این رویکرد سرمایه‌گذاری، در بخش جذب سرمایه‌های خرد و متنوع‌سازی پرتفوی افراد، بهره لازم را برد. اخیراً با راه‌اندازی معاملات گواهی سپرده شمش طلا در بازار اوراق گواهی سپرده کالایی گامی موثر در جهت تحقق این هدف برداشته شده است که چشم‌انداز مثبتی برای توسعه و تعمیق بازار طلای آب‌شده را ترسیم می‌کند.



۲ کارکرد معاملاتی طلای آب‌شده

طلای قابل استفاده در بازار، عیار پایین‌تری دارد. بنابراین اطمینان زیادی به عیار آن نیست. از این رو لازم است پیش از استفاده در کوره ذوب و پس از تقسیم‌بندی آن به سائزهای مختلف، به عنوان طلای آب‌شده در معاملات استفاده شود.

طلای آب‌شده، طلایی است که یا عیار آن پایین و همراه با ناخالصی است یا طلاهای دست دومی را شامل می‌شود که قابل استفاده نیست (شکسته است یا برای کاربرد زینتی خواهان ندارد). این نوع طلا نسبت به

۴ پیدا و پنهان معاملات آب‌شده فردایی

بهای طلای آب‌شده در کنار قیمت سکه روی سایر بازارها نظیر بازار دلار تاثیرگذار است. در ماه گذشته معاملات فردایی طلای آب‌شده حذف شد و حجم دادوستد آن بسیار کاهش یافت. در این مقطع زمانی، مدت انجام معاملات کاهش یافت و شروع این معاملات از ساعت ۹ به ۱۱ صبح رسید و ساعت پایان معاملات هم از ساعت ۱۱ شب به چهار تا پنج عصر کاهش یافت و پس از آن معامله دیگری به ثبت نمی‌رسد، زیرا قیمتی برای معاملات فردایی وجود ندارد. هنگامی که زمان انجام معاملات کوتاه و معاملات فردایی نیز از دادوستدهای بازار حذف می‌شود، طبیعی است که حجم معاملات کاهش یابد. پیش از حذف معاملات طلای آب‌شده فردایی، حجم تقاضای این بازار بسیار قابل توجه و بالا بود اما در ماه گذشته به دلیل حذف این معاملات، بسیار کاهش یافت. از این رو در این برهه از زمان، توان طلا برای تغییرات قیمت سایر بازارها، به دلیل افت حجم دادوستدها که به دنبال حذف معاملات فردایی طلای آب‌شده اتفاق افتاد، کاهش پیدا کرد.

۴ حمایت از معاملات آب‌شده با تکمیل زنجیره طلا در بورس کالا

بررسی روند معاملاتی طلای آب‌شده در بازار آزاد و در این اتاق‌های معاملاتی حکایت از آن دارد که به رسمیت شناختن این بازار و طراحی بستری امن برای این معاملات، آن هم در شرایطی که متقاضیان خرد نیز امکان ورود به معاملات را داشته باشند (شبهه به معاملات CFD)، می‌تواند دادوستدهای این‌چنینی را به بسترهای شفاف و با مخاطره کمتر هدایت کند. به این ترتیب همزمان با مهیا کردن شرایطی مناسب و قابل اطمینان برای کسب سود سرمایه‌گذاران، اتاق‌های معاملاتی که در حال حاضر به شکل غیرقانونی فعال هستند را از جریان دادوستدهای بازار حذف خواهد شد.

طلای آب‌شده در دو حالت آب‌شده نقدی و آب‌شده فردایی مورد معامله قرار می‌گیرد. قیمت طلای آب‌شده نقدی طبق بهای همان روز، تعیین اما در آب‌شده فردایی، معامله امروز برای روز بعد و طبق قیمت فردا انجام می‌شود. بر اساس بررسی‌های تکنیکال روند قیمتی موجود در اغلب بازارها، نرخ فردایی تعیین‌کننده روند اصلی قیمت است و بازار طلای آب‌شده نیز از این قاعده مستثنی نیست. البته از اواخر مهرماه که نوسان کاهشی محسوس بهای دلار را در بازار تجربه کردیم و نرخ دلار از کانال ۳۲ هزار تومانی به ۲۵ هزار تومان افت کرد، معاملات آب‌شده فردایی تا حد زیادی حذف شد و تنها طلای آب‌شده نقدی مورد دادوستد قرار می‌گرفت و قیمت آن نیز به عنوان نرخ تعیین‌کننده به شمار می‌رفت. در ادامه و پس از گذشت یک ماه و نیم، مجدداً کنار قیمت طلای آب‌شده نقدی، بهای فردایی نیز مجدداً در دسترس فعالان بازار قرار گرفت.

۴ پله آهنی و اتاق‌های معاملاتی دو بستر غیررسمی برای آب‌شده

معاملات طلای آب‌شده در اتاق‌های معاملاتی انجام می‌شود و قیمت اصلی آن در مکانی معروف به «پله آهنی» تعیین می‌شود. دادوستدهایی که در این اتاق‌های معاملاتی انجام می‌شود از طریق حساب‌های بانکی که به نام اتاق ثبت شده و دفاتر مرکزی آنها قابل رهگیری است. بنابراین تا حدی می‌توان گفت که این معاملات یک شفافیت نسبی دارد. روند معاملاتی در این اتاق‌ها مانند برخی از بازارها به شکل معاملات CFD است. معاملات CFD معاملاتی است که سرمایه‌گذاران یا مشتریان به دلیل نداشتن پول کافی برای خرید کل دارایی مورد معامله، به این معاملات وارد می‌شوند و بخشی از مبلغ دارایی را می‌پردازند. به این ترتیب آنها می‌توانند با توجه به نوسان قیمتی بازار از سود آن استفاده کنند. این معاملات نه تنها در ایران بلکه در دیگر نقاط دنیا و در برخی از بازارها (انس طلا، بیت کوین و ...) جریان دارد. باید بدانیم سودی که در این معاملات به دست می‌آید، ریشه در نوسان قیمتی بازار دارد. شخصی که ایجادکننده اتاق معاملاتی است این امکان را دارد یک بازه قیمتی به عنوان بیشترین و کمترین میزان قیمت را برای معاملات طلای آب‌شده در نظر بگیرد و افراد اجازه اینکه با نرخی بالا یا پایین‌تر از این بازه به معامله بپردازند را نخواهند داشت. افرادی که در این اتاق‌های معاملاتی وارد می‌شوند، با لفظ خرید و فروش به معامله می‌پردازند. در واقع نوعی رویکرد حراجی در این اتاق‌ها شکل گرفته است که اگر فردی بخواهد به قیمت مشخصی خرید انجام دهد، آن را اعلام کند و اگر فروشنده‌ای حاضر به فروش در این قیمت باشد، نهایتاً معامله انجام می‌شود.



از معدن تا خزانه ملی، بدون توقف

با افزایش تقاضای شمش طلای داخلی؛ معادن به عرضه بورسی تشویق می‌شوند



پتانسیل استحصال طلا با توجه به ویژگی‌های زمین‌شناسی ایران، در نقاط مختلفی از کشور وجود دارد که نیازمند صرف هزینه‌های چند صد میلیون دلاری در بخش اکتشاف و فرآوری است. تا کنون بخش اعظم تامین مالی معادن کشور از مسیر بانک‌ها بوده است، در حالی که بازار سرمایه و به‌ویژه بهره‌گیری از بازار ابزارهای مالی بورس کالا پتانسیل قابل توجهی برای هدایت نقدینگی موجود در کشور به سمت معادن طلا دارد که توجه بیش از پیش مسئولان برای تحقق این امر می‌طلبد. امید امامی، مدیر معادن ایمیدرو معتقد است که بهبود تقاضا یکی از مهم‌ترین راهبردها برای حضور معادن طلا در بورس کالا است. وی شفافیت در امور واردات شمش و صنایع پایین دستی آن را برای تحقق این امر مهم می‌داند.

با لحاظ پتانسیل کشور در حوزه ذخایر طلا، این بخش جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاری‌های جدید را دارد. بیش از ۹۰ درصد از تولید جهانی در این سال با حاشیه سود مثبت همراه بوده و حدود ۸۰ درصد تولید، حاشیه سود بیش از ۲۰ درصد داشته است. همه این عوامل در کنار وجود ذخایر طلای کشور، گویای این واقعیت است که بستر توسعه سرمایه‌گذاری در ذخایر طلا مهیا است و البته نیاز به مطالعات بیشتر برای ارتقای بهره‌وری سرمایه‌گذاری و تولید، همچنان احساس می‌شود.

به‌طور میانگین طی پنج سال گذشته در جهان، برای کشف هر تن طلا، حدود ۶ میلیون دلار هزینه شده و به‌منظور حفظ پایداری تولید، نیاز است تا به ازای هر تن طلای استخراج‌شده، بین ۱/۵ تا ۲ برابر حجم تولید ذخیره کشف شود. با این حساب و با در نظر گرفتن ظرفیت ۱۲/۵ تنی فعلی تولید معدنی کشور، نیاز به صرف هزینه سالانه‌ای بالغ بر یکصد میلیون دلار در بخش اکتشافات ذخایر معدنی طلا وجود دارد. در بخش فرآوری نیز طرح‌های مختلفی در دست اجراست که برآورد کلی از هزینه سرمایه‌گذاری این بخش، بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است.

رویکرد شما برای بهره‌گرفتن از مزایای تامین مالی در بازار سرمایه در جهت رشد و توسعه معادن چیست؟
استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه موجب هدایت نقدینگی به سمت جریان‌های مولد خواهد شد. این در حالی است که در ایران سهم تامین مالی از طریق بازار سرمایه، در قیاس با سیستم بانکی کمتر و حدود ۲۱ درصد از مجموع تامین مالی بازار سرمایه و سیستم بانکی است. حال آنکه در برخی از کشورهای توسعه‌یافته، بازار سرمایه

ظرفیت تولید طلای معدنی کشور چه میزان ارزیابی می‌شود و به نظر شما بهره‌گیری از ابزارهای تامین مالی در بورس کالای کشور می‌تواند منابع لازم برای استحصال طلا در نقاط مختلف کشور را مهیا کند؟

ظرفیت تولید طلای معدنی در کشور بر اساس ظرفیت پروانه‌های بهره‌برداری معادن صادره و احتساب ریکاوری استحصال طلا در حال حاضر حدود ۱۲/۵ تن در سال است که با توجه به ذخیره حدود ۳۱۶ تنی طلای محتوی در کشور کماکان قابلیت توسعه دارد؛ در حال حاضر طرح جامع طلای کشور در حال تدوین است و با تکمیل این طرح، تناسب بین ذخایر و ظرفیت‌های موجود برای تولید معدنی طلا، به عنوان یکی از خروجی‌های آن مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهد گرفت؛ همچنین چالش‌های تولید شناسایی شده است و برای بهبود آن برنامه‌ریزی خواهد شد.

پیگیری‌های مختلفی تاکنون در این خصوص انجام و سازوکار استفاده از ابزارهای تامین مالی مانند انتشار اوراق سلف کالاهای مختلف در بورس کالا فراهم شده است اما شرایط خاص بازار طلا، بروز چالش‌هایی را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین آنها، شفافیت معاملات در بورس کالاست که موجب شده، خریداران تمایل چندانی به تامین نیاز خود از این مجرا نداشته باشند. با این حال تقویت نظارت‌های کارآمد بر بازار طلا و افزایش شفافیت در این حوزه به مرور معاملات را از بازار آزاد به سوی بورس کالا سوق خواهد داد.

وضعیت فعلی سرمایه‌گذاری در ذخایر معدنی طلا چگونه است و حفظ فرآیند تولید، استخراج و سرمایه‌گذاری در این حوزه به چه میزان منابع مالی نیاز دارد؟

استانداردها همسو شود. از دیگر شروط لازم نیز نبود مازاد تقاضا در بازار است؛ اگر محصولی دارای مازاد تقاضا باشد انگیزه‌ای برای توقف آن در انبارها وجود ندارد و در این شرایط عرضه اوراق گواهی نیز انجام نخواهد شد. بررسی مصارف پایین‌دستی کشور، نشان‌دهنده فرونی چشمگیر مصرف از تولید است؛ با وجود تمامی مزایای ورود به بازار معاملاتی گواهی سپرده، از جمله امکان وثیقه‌گذاری برای تامین مالی از محل موجودی انبار و تبدیل موجودی انبارها به نقدینگی، پیش‌شرط تحقق چنین معاملاتی، فراهم شدن سازوکارهای لازم است.

آیا ابزارهای تامین مالی بورس کالا می‌تواند به راه‌اندازی معادن کوچک‌مقیاس طلا کمک کند و چشم‌انداز مثبتی را در بخش معدنی ایجاد کند؟

بسیاری از معادن کوچک‌مقیاس کشور، با مشکل تامین سرمایه در گردش مواجه‌اند. این در حالی است که استفاده از ابزارهای تامین مالی بورس کالا، مانند استفاده از قراردادهای سلف، می‌تواند به راحتی سرمایه در گردش مورد نیاز این واحدها را تامین و به فعال‌سازی آنها کمک کند. همان‌طور که در سوال نخست نیز به آن اشاره شد، معضل اصلی در این باره در سمت تقاضا نهفته است. بهره‌مندی از این مزایا برای تولیدکنندگان معدنی، پیش از هر چیزی نیازمند مجاب کردن خریداران به خرید از طریق بازار بورس و شفافیت در معاملات است.

آیا مشوق‌هایی برای هدایت هرچه بیشتر معادن طلای کشور برای ورود به بازارهای مختلف بورس کالا و بهره‌گیری از ابزارهای تامین مالی آن در نظر دارید؟

بهبود تقاضا در بورس کالا، می‌تواند اصلی‌ترین مشوق حضور معادن طلای کشور در این بازار باشد؛ بزرگ‌ترین معضل در جذب نشدن تقاضای بازار در بورس کالا، مساله شفافیت است. افزایش نظارت بر واردات شمش طلای خارجی و مبادی توزیع آن، صنایع پایین‌دستی را مجبور به خرید شمش داخلی می‌کند. از طرفی با بهبود نظارت بر فعالیت واحدها و بسته شدن راه‌های فرار مالیاتی، تمایلی برای خرید و فروش خارج از بورس کالا باقی نخواهد ماند. در این شرایط و با مشخص شدن میزان تقاضا و سرازیر کردن آن به سمت شمش داخلی، معادن برای عرضه محصولات خود در بورس کالا تشویق خواهند شد. در این زمینه ابزارهای در دسترس سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران اندک است اما در زمینه تامین مالی و پوشش ریسک سرمایه‌گذاری معادن طلای بخش خصوصی، از طریق صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی ایمیدرو، می‌تواند همانند گذشته نقش بسزایی ایفا کند.

و انتشار اوراق بدهی، سهمی بیش از ۶۰ درصد از کل تامین مالی را تشکیل می‌دهند. پس لزوم توجه بیشتر به تامین مالی از طریق بازار سرمایه در کشور احساس می‌شود که البته مستلزم توجه ویژه و بلندمدت به این بازار برای ارتقای ظرفیت‌های آن از سوی مسئولان است. با این حال، روند رو به رشد تامین مالی از این محل غیر قابل انکار است و تنها در سال ۱۳۹۸ سهم بازار سرمایه حدود هفت درصد افزایش داشته است.

عرضه سهام شرکت‌های معدنی در بازار سرمایه، حتی پیش از شروع‌شان به تولید مواد معدنی، می‌تواند سرمایه لازم برای شروع فعالیت و یا توسعه آن را با هزینه مالی کمتر در اختیار این شرکت‌ها قرار دهد. استفاده از مزایای تامین مالی از طریق بازار سرمایه، نیازمند فراهم شدن برخی پیش‌شرط‌ها از سوی خود شرکت‌های متقاضی است؛ پیش‌شرط‌هایی مانند شفافیت و جامعیت گزارش‌های مالی، دارا بودن حداقل دارایی لازم برای پذیرش در بازار و موارد دیگری از این دست که طبعا شرکت‌ها باید در راستای تامین این پیش‌شرط‌ها و ورود به بازار سرمایه حرکت کنند.

دورنمای توسعه معادن طلا در صورت حضور سرمایه‌گذاران در این حوزه را چگونه می‌بینید؟

در صورت حضور موثر سرمایه‌گذاران و تامین مالی از این روش، توجه کافی به صنایع پشتیبان و همین‌طور نگاه ویژه به بازار مصرف و فراهم شدن سازوکار مناسب فروش برای تولیدکنندگان معدنی، می‌تواند چشم‌انداز تولید سالانه ۲۰ یا حتی ۳۰ تن طلا را در کشور متصور بود.

طبیعتا دستیابی به چنین عملکردی، در گروه سرمایه‌گذاری در فعال‌سازی ذخایر معدنی شناسایی‌شده و همین‌طور اکتشافات جدید در نواحی امیدبخش و تبدیل کردن آنها به گواهی‌نامه‌های اکتشاف، توجه به تامین پایدار مواد مصرفی حیاتی فرآیند تولید از جمله سیانید سدیم و ... است که در این خصوص دولت و بخش خصوصی، عملکرد مناسبی طی یک دهه اخیر داشته است. با توجه به دورنمای مثبت بازار طلا و افزایش فعالیت‌های اکتشافی به خصوص توسط دولت و شرکت‌های بزرگ معدنی، انتظار می‌رود بخش معدنی کشور در حوزه طلا، کماکان میزبان سرمایه‌گذاری‌های جدید باشد.

آیا ورود شمش طلا به بازار معاملاتی گواهی سپرده کالایی می‌تواند فرصت مناسبی را در توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و جذب سرمایه در ذخایر معدنی طلا فراهم کند؟

یکی از شرایط ورود محصول به بورس کالا، استاندارد بودن آن است؛ بنابراین برای عرضه گواهی سپرده شمش، لازم است تا در گام نخست، استانداردهای لازم، مانند عیار و وزن مشخص شود و در گام بعدی، تولید معادن کشور با این

در نه ماه سال ۱۳۹۹ رقم خورد

افزایش ۹۴ درصدی ارزش معاملات بورس کالای ایران

ارزش کل معاملات بورس کالای ایران در ۹ ماهه امسال در دو بخش بازار فیزیکی و مالی با افزایش ۹۴ درصدی رو به رو شد و به بیش از دو میلیون و ۲۸۹ هزار میلیارد ریال رسید. به گزارش کالا خبر، آمار معاملات بازار فیزیکی بورس کالای ایران در ۹ ماهه سال ۹۹ حاکی از آن است که در این بازار و در مجموع بیش از ۲۴ میلیون و ۲۲۲ هزار تن محصول به ارزشی بیش از یک میلیون و ۹۷۳ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد، که نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش ۳۲/۶ درصدی حجم و افزایش ۱۰۹ درصدی ارزش را تجربه کرده است.



■ رشد ۳۷۳ درصدی معاملات روغن

جدیدترین آمارهای شرکت بورس کالای ایران در یک سال گذشته نشان میدهد که حجم و ارزش معاملات روغن در تالار معاملات فرآورده های نفتی با رشد ۳۷۳ درصدی ارزش معاملات همراه بوده است، که این امر نشان دهنده سال رویایی این محصول در تالار نقره ای بوده است.

بر اساس این گزارش ۷۸ هزار و ۴۲۳ تن روغن به ارزش بیش از ۷ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۱۸۶ درصدی حجم و افزایش ۳۷۳ درصدی ارزش را تجربه کرده است.

۳۴ هزار و ۷۰۰ تن سلاپس واکس به ارزش بیش از یک هزار میلیارد ریال معامله انجام گردید، که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش حجم ۱۳ درصد و افزایش ۹ درصدی ارزش معاملات را تجربه کرده است.

۴۴ هزار و ۸۱ تن عایق رطوبتی معامله شد که ارزش این معاملات در بورس کالای ایران بیش از ۲ هزار میلیارد ریال می باشد، این خود افزایش حجم ۱۱ درصدی و افزایش ۷۸/۵ درصدی ارزش را به ثبت رسانده است.

در تالار محصولات پتروشیمی بورس کالا نیز طی ۹ ماه امسال، بیش از سه میلیون و ۸۸۶ هزار تن محصول به ارزش بیش از ۵۳۹ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که حجم و ارزش معاملات این بازار نیز افزایش ۱۸ و ۸۱ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته تجربه کرده است. به این ترتیب در این تالار دو میلیون و ۵۸۸ هزار و ۶۶۹ تن مواد پلیمری به ارزش بیش از ۴۴۲ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که افزایش ۱۲/۰۹ درصدی حجم و ۸۴ درصد مثبت ارزش را شاهد بودیم.

یک میلیون و ۲۹۴ هزار و ۶۱۱ تن مواد شیمیایی معامله گردید که بیش از ۹۷ هزار میلیارد ریال قیمت خورد؛ این به نوبه خود افزایش حجم ۳۲ درصدی و افزایش ارزش ۶۹ درصدی می باشد.

■ تالار کشاورزی

بر این اساس در ۹ ماهه سال ۹۹ و در تالار محصولات کشاورزی ۱۵ تن محصول به ارزشی بیش از یک هزار میلیارد و ۲۸۲ میلیون ریال داد و ستد شد که حجم و ارزش معاملات این تالار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته با کاهش حجم ۱۰۰ و افزایش ۱۰،۲۷۱ درصدی مواجه شده است.

■ تالار فرآورده های نفتی

همچنین طبق آمار ۹ ماهه سال ۹۹ بیش از ۱۰ میلیون و ۸۲۶ هزار و ۷۱۱ تن محصول به ارزش بیش از ۳۷۱ هزار میلیارد ریال در تالار فرآورده های نفتی به فروش رفت که حجم و ارزش محصولات معامله شده در این تالار به نسبت مدت مشابه سال گذشته به ترتیب افزایش ۳۰ و رشد ۵۷ درصدی را تجربه کرد.

در این تالار بیش از چهار میلیون و ۸۹۰ هزار تن وکیوم باتوم به ارزش بیش از ۱۵۴ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۲۶/۴ درصدی حجم و افزایش ۵۱ درصد ارزش را تجربه کرده است.

همچنین در این تالار ۳ میلیون و ۹۰۳ هزار و ۶۱۹ تن قیر به ارزش بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۲۳ درصدی حجم و افزایش ۵۴ درصد ارزش را تجربه کرده است.

یک میلیون و ۲۸۳ هزار و ۴۹۰ تن لوب کات به ارزش بیش از ۶۱ هزار میلیارد داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۳۲/۵ درصدی حجم و افزایش ۶۰ درصد ارزش را تجربه کرده است.

۵۹۲ هزار و ۲۶۸ تن گوگرد به ارزش بیش از ۳ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که این امر رشد چشمگیر فروش این محصول و افزایش ۳۴۰ درصدی ارزش این محصول را نسبت به سال گذشته در بورس کالا را نشان میدهد.

شاهد بودیم. در این تالار ۱۱ هزار و ۵۰۰ تن کک به ارزش ۳۳۸ هزار میلیون ریال معامله شده است که کاهش حجم ۴۲ درصدی و افزایش ارزش ۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرد.

بازار فرعی

حجم معاملات بازار فرعی طی ۹ ماهه ۷۷ هزار و ۴۷۹ تن محصول به ارزش بیش از ۴ هزار میلیارد و ۱۳۳ میلیون ریال مورد داد و ستد قرار گرفت که این تالار افزایش ۶ درصدی حجم و افزایش ۵/۴ درصدی ارزش معاملات نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرد.

در این تالار ۶ هزار و ۸۲۹ تن ضایعات به ارزش بیش از ۵۵۸ هزار میلیون ریال بفروش رسید که باعث افزایش ۵۲ درصدی حجم و همچنین افزایش ارزش ۲۳۱ درصدی نسبت به سال ۹۸ را به ثبت رسانده است. در بازار فرعی بورس کالای ایران ۲۰ تن پلیمر به فروش رسید که کاهش ۹۹/۹ درصد حجم و ۱۰۰ درصدی ارزش را به ثبت رسانده است.

بازار مشتقه

همچنین آمار معاملات قراردادهای مشتقه بورس کالای ایران بیانگر آن است که در مجموع در این بازار ۱۱ میلیون و ۶۴۹ هزار و ۳۶۶ قرارداد به ارزش بیش از ۱۶۲ هزار میلیارد ریال منعقد شد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۶ درصدی حجم و کاهش ۱۵/۸ درصدی ارزش معاملات را نشان می دهد. در بازار مشتقه، ۱۱ میلیون و ۶۲۳ هزار و ۳۳۰ قرارداد آتی به ثبت رسیده است که ارزش ریال آن بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد ریال می باشد. همچنین ۲۶ هزار و ۳۶ قرارداد اختیار معامله به ثبت رسیده است که ارزش کل این قراردادها بیش از ۲ هزار میلیارد ریال می باشد.

بازار مالی

همچنین در ۹ ماهه امسال و در بازار مالی که شامل اوراق سلف موازی استاندارد، گواهی سپرده کالایی و صندوق سرمایه گذاری است، بیش از یک میلیارد و ۱۶۳ میلیون و ۳۲۴ هزار قرارداد به ارزش بیش از ۱۵۲ هزار میلیارد ریال منعقد شد.

در بازار مالی تعداد قرارداد سلف موازی استاندارد ۵۰ میلیون و ۶۶ هزار و ۷۴۴ عدد به ثبت رسیده است که ارزش این معاملات بیش ۳۷ هزار میلیارد ریال می باشد.

همچنین تعداد قرارداد های گواهی سپرده کالایی ۹۶ میلیون و ۵۳۹ هزار و ۱۲۳ عدد به ثبت رسیده است که ارزش این گواهی های سپرده کالایی بیش از ۶۷ هزار میلیارد ریال می باشد. تعداد قرارداد صندوق سرمایه گذاری یک میلیارد و ۱۶ میلیون و ۷۱۸ هزار و ۵۸۶ عدد می باشد که ارزش این صندوق ها بیش از ۴۸ هزار میلیارد می باشد.

در تالار پتروشیمی دو هزار و ۹۸۰ تن گازها و خوراکیها به فروش رسید. ارزش این معاملات بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد می باشد و باعث افزایش حجم ۴۵۲ و افزایش خیره کننده ارزش ۱،۲۴۵ درصد را به ثبت رساند.

تالار صنعتی و معدنی

آمار معاملات تالار محصولات صنعتی و معدنی نیز نشان می دهد که طی ۹ ماهه امسال، ۹ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۹۳۴ تن محصول به ارزش بیش از یک تریلیون و ۵۱ هزار میلیارد ریال مورد داد و ستد قرار گرفت که این تالار افزایش حجم ۴۳/۱ و رشد ۱۶۱ درصدی ارزش معاملات نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرد.

در این تالار ۸ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۷۹۲ تن فولاد به ارزش بیش از ۸۰۷ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش حجم ۴۱/۲ درصد و افزایش ارزش ۱۷۹ درصدی را تجربه کرد.

در تالار صنعتی و معدنی ۱۵۹ هزار و ۳۲۵ تن مس به ارزش بیش از ۱۴۶ هزار میلیارد ریال داد و ستد گردید که افزایش حجم ۶/۱ درصد و افزایش ارزش ۹۸ درصدی را به ثبت رسانید.

۴ هزار و ۷۱۰ تن کنسانتره مولیبدن معامله شد، که ارزش بیش از ۷ هزار میلیارد ریال می باشد و این افزایش حجم ۳/۷ درصدی و افزایش ۶۶ درصدی ارزش می باشد.

همچنین ۵۱۹ تن طلا به ارزش بیش از ۵ هزار میلیارد و ۴۶۹ میلیون ریال در این تالار مورد معامله قرار گرفت که این معاملات باعث افزایش ۴۴ درصدی حجم و افزایش ۱۹۲ درصدی ارزش معاملات را برداشت.

در تالار صنعتی و معدنی ۱۷۵ هزار و ۴۰۰ تن آلومینیوم به ارزش بیش از ۶۳ هزار میلیارد ریال داد و ستد گردید که افزایش حجم ۳۶/۳۵ درصدی و افزایش ارزش ۱۲۲/۶ درصدی در معاملات آلومینیوم به ثبت رسیده است.

افزایش خیره کننده خرید و فروش روی در تالار نقره ای

در این تالار ۱۱ هزار و ۹۸۵ تن روی به ارزش بیش از ۵ هزار میلیارد ریال داد و ستد گردید، که افزایش ۱۶۶ درصدی حجم و افزایش ۳۲۱ درصدی ارزش را نمایان کرد.

همچنین در معاملات فولاد، ۸ میلیون و ۷۹۹ هزار و ۷۹۲ تن فولاد به ارزش بیش از ۸۰۷ هزار میلیارد ریال داد و ستد گردید که خود افزایش حجم ۴۱/۲ درصدی و افزایش ارزش نزدیک به دوپست درصد (۱۷۹ درصد) را تجربه کرد.

۱۵۹ هزار و ۳۲۵ تن مس به ارزش بیش از ۱۴۶ هزار میلیارد ریال داد و ستد گردید که افزایش حجم ۶/۱ درصدی و افزایش ارزش ۹۸ درصدی را به ثبت رسانده است.

۴۳۲ تن کنسانتره به ارزش حدود ۱۴ هزار میلیارد ریال بفروش رسید که افزایش حجم ۲۴ درصدی و افزایش ارزش ۱۹۹ درصدی را

کارنامه ۹ ماهه رقابت کارگزاران

برترین های تالار نقره ای زیر ذره بین آمار

در جریان معاملات ۹ ماهه تالار نقره ای، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با معامله بیش از ۱۵ میلیون و ۳۵۷ هزار تنی و با فاصله قابل توجه نسبت به محصولات صنعتی، صدر جدول پرجمترین تالارهای بورس کالا را به دست آورد. ارزش معاملات این تالار به رقمی بیش از ۹۲۶ هزار و ۲۷۹ میلیارد ریال رسید. از نظر ارزش معاملات اما این جایگاه به تالار محصولات صنعتی و معدنی اختصاص یافت، به طوری که در این تالار رقمی نزدیک به یک هزار و ۹۹۳ میلیارد ریال کالای صنعتی و معدنی دادوستد شد.



بزرگان تالار پتروشیمی

کل معاملات خرید را رقم زد. کارگزاری خبرگان سهام و مبین سرمایه نیز به ترتیب با سهم ۶/۴ و ۶/۴ درصدی از ارزش کل معاملات دومین و سومین کارگزار خریدار بزرگ تالار پتروشیمی بودند. در بخش فروش نیز کارگزاری خبرگان سهام توانست گوی سبقت را از سایر رقبای خود برآید. به طوری که این کارگزاری توانست با فروش بیش از سه میلیون و ۲۰۰ هزار تن محصول پتروشیمی ارزش تقریبی ۱۲۵ هزار میلیارد ریالی را به ثبت برساند و به تنهایی نزدیک به ۱۳/۵ درصد از ارزش کل معاملات در بخش فروش را در اختیار خود بگیرد. دو کارگزاری سینا و مفید نیز به ترتیب سهم ۹/۱ و ۸/۵ درصدی را از این متغیر کسب کردند و جایگاه دوم و سوم بزرگترین کارگزاران فروشنده را در تالار محصولات پتروشیمی به دست آوردند.

بررسی آمار معاملات شرکت های کارگزاری در بورس کالای ایران از ابتدای سال ۹۹ تا پایان آذر حکایت از آن دارد که نزدیک به ۴۸ درصد از ارزش معاملات تالار محصولات پتروشیمی در بخش خرید در اختیار ۱۰ شرکت کارگزاری و ۵۳ درصد از ارزش معاملات این تالار در بخش فروش در اختیار ۶ شرکت کارگزاری قرار داشت.

بر اساس آمار معاملات ۹ ماهه، کارگزاری مفید با خرید دو میلیون و ۱۱۳ هزار و ۴۵۷ تن محصول پتروشیمی به ارزشی بیش از ۶۶ هزار و ۴۱۳ میلیارد ریال بزرگترین کارگزار خریدار در بخش معاملات کالایی در تالار مذکور بود. با این آمار معاملاتی، کارگزاری مفید به تنهایی بیش از ۷ درصد از ارزش

تالار محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی

ردیف	کارگزار خریدار	مقدار خرید (تن)	ارزش معاملات خرید (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش خرید (درصد)	کارگزار فروشنده	مقدار فروش (تن)	ارزش معاملات فروش (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش فروش (درصد)
۱	مفید	۲,۱۱۳,۴۵۷	۶۶,۴۱۴	۷,۱۶	خبرگان سهام	۳,۲۰۰,۰۳۰	۱۲۴,۹۵۱	۱۳,۴۷
۲	خبرگان سهام	۱,۶۳۸,۲۹۶	۶۱,۰۴۳	۶,۵۸	سینا	۱,۹۴۲,۲۸۵	۸۴,۳۶۴	۹,۱۰
۳	مبین سرمایه	۱,۴۴۰,۲۴۵	۵۹,۳۱۷	۶,۴۰	مفید	۱,۶۹۹,۸۷۳	۷۹,۲۵۳	۸,۵۴
۴	ایستاتیس پویا	۷۰۶,۹۱۴	۵۹,۲۹۶	۶,۳۹	باهتر	۱,۵۲۶,۸۲۲	۷۳,۸۹۹	۷,۹۷
۵	باهتر	۱,۲۶۹,۴۰۷	۴۸,۳۳۷	۵,۲۱	صبا جهاد	۴۱۰,۵۸۵	۷۲,۴۹۲	۷,۸۲
۶	پیشگامان بهرپور	۴۴۵,۳۰۳	۳۳,۹۲۴	۳,۶۶	بانک ملی	۳۸۷,۵۳۰	۵۶,۱۸۵	۶,۰۶
۷	راهنمای سرمایه گذاران	۱۹۳,۲۰۴	۳۱,۱۰۳	۳,۳۵	بانک رفاه کارگران	۷۹۳,۲۹۶	۵۵,۲۷۰	۵,۹۶
۸	اقتصاد بیدار	۴۱۳,۴۴۶	۲۹,۲۹۰	۳,۱۶	بانک صنعت و معدن	۲۷۶,۰۸۹	۳۸,۱۱۲	۴,۱۱
۹	بانک مسکن	۳۶۰,۴۱۶	۲۹,۱۸۶	۳,۱۵	بانک تجارت	۲۱۲,۲۵۲	۳۱,۵۱۰	۳,۴۰
۱۰	اردیبهشت ایرانیان	۲۰۶,۶۲۰	۲۵,۳۱۸	۲,۷۳	اقتصاد بیدار	۴۵۲,۱۵۰	۳۰,۷۸۸	۳,۳۲



مدال آوران تالار محصولات صنعتی و معدنی

در بخش فروش، وزنه کارگزاران نخست سنگین‌تر بود؛ به طوری که کارگزاری باهنر تحقق ۳۷/۶ درصد از ارزش کل معاملات را در این بخش به تنهایی به عهده گرفت. کارگزاری ارگ هومن و سی ولکس نیز با فاصله اندکی نسبت به هم و با کسب سهم ۱۲/۵ درصدی، رتبه دوم و سوم را به عنوان کارگزاران برتر فروشنده کسب کردند. ارزش معاملات این دو مجموعه در حالی از ۱۳۳ هزار میلیارد ریال فراتر رفت که از نظر حجمی کارگزاری سی ولکس نسبت به کارگزاری ارگ هومن برتری داشت. به طوری که کارگزاری سی ولکس فروشنده بیش از ۷۴۸ هزار تن کالای صنعتی و معدنی بود و این مقدار در کارگزاری ارگ هومن رقمی نزدیک به ۴۶۸ هزار تن به ثبت رسید.

در تالار محصولات صنعتی و معدنی بورس کالای ایران کارگزاری مبین سرمایه با خرید دو میلیون و ۱۸۷ هزار و ۶۴۵ تن محصولات صنعتی و معدنی صدرنشین بود و به تنهایی بیش از یک پنجم کل ارزش معاملات در بخش خرید را به ثبت رساند. به طوری که ارزش محصولات خریداری‌شده توسط این شرکت کارگزاری طی ۹ ماهه امسال به ۲۲۱ هزار و ۸۲۴ میلیارد ریال رسید. کارگزاری‌های مفید و سی ولکس نیز به ترتیب ۹۹ هزار میلیارد ریال و ۷۵ هزار میلیارد ریال کالای صنعتی و معدنی خریدند و سهم ۹ و ۷ درصدی را به عنوان کارگزاری خریدار به خود اختصاص دادند.

تالار محصولات صنعتی و معدنی

ردیف	کارگزار خریدار	مقدار خرید (تن)	ارزش معاملات خرید (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش خرید (درصد)	کارگزار فروشنده	مقدار فروش (تن)	ارزش معاملات فروش (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش فروش (درصد)
۱	مبین سرمایه	۲,۱۸۷,۶۴۵	۲۲۱,۸۲۵	۲۰,۸	باهنر	۳,۹۴۱,۶۱۳	۴۰۱,۶۳۸	۳۷,۶
۲	مفید	۵۱۶,۶۵۰	۹۹,۱۳۰	۹,۳	ارگ هومن	۴۶۸,۲۴۸	۱۳۳,۳۴۱	۱۲,۵
۳	سی ولکس	۷۶۰,۹۱۶	۷۵,۰۱۷	۷,۰	سی ولکس	۷۴۸,۳۷۱	۱۳۳,۱۸۶	۱۲,۵
۴	بانک صنعت و معدن	۲۸۶,۶۲۴	۷۴,۸۴۱	۷,۰	ستاره جنوب	۵۶۹,۱۰۸	۴۵,۳۶۳	۴,۳
۵	مدیر آسیا	۵۴۰,۷۴۰	۷۲,۶۴۷	۶,۸	بانک سپه	۴۹۵,۷۰۸	۴۴,۲۵۲	۴,۱
۶	توانا	۵۳۱,۸۶۴	۵۳,۴۹۳	۵,۰	بانک کشاورزی	۳۸۶,۰۵۲	۳۴,۱۱۶	۳,۲
۷	اقتصاد پیدار	۴۲۷,۵۸۲	۴۱,۱۹۶	۳,۹	بورس بهگزین	۲۴۹,۹۸۲	۲۰,۸۴۰	۲,۰
۸	توسعه سرمایه دنیا	۴۰۶,۵۴۱	۳۴,۳۷۴	۳,۲	توسعه سرمایه دنیا	۲۴۳,۷۴۸	۲۰,۵۵۴	۱,۹
۹	ستاره جنوب	۳۸۶,۰۶۶	۳۱,۴۰۴	۲,۹	آفتاب درخشان خاورمیانه	۲۳۱,۵۰۵	۲۰,۲۲۸	۱,۹
۱۰	پارسیان	۲۹۰,۷۹۹	۲۶,۷۸۱	۲,۵	کالای خاورمیانه	۹۸,۷۸۲	۲۰,۰۱۴	۱,۹

📌 کارنامه ۹ ماهه کارگزاری های حوزه کشاورزی

در تالار محصولات کشاورزی ۶ کارگزاری در حوزه خرید فعال بودند و کارگزاری توسعه کشاورزی نقش کارگزار فروشنده را به تنهایی بر عهده گرفت. بر اساس آمارهای ثبت شده در ۹ ماهه سال جاری، ۱۵ تن کالای کشاورزی به ارزشی بیش از یک هزار و ۲۸۲ میلیارد و ۸۸۵ میلیون ریال خرید و فروش شد که کارگزاری نگاه نوین ۴۱ درصد، کارگزاری بانک مسکن ۳۳ درصد و کارگزاری سهم آشنا ۲۰ درصد از ارزش معاملات را به خود اختصاص دادند و به عنوان بزرگترین کارگزاران خریدار ایفای نقش کردند.

تالار محصولات کشاورزی

ردیف	کارگزار خریدار	مقدار خرید (تن)	ارزش معاملات خرید (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش خرید (درصد)	کارگزار فروشنده	مقدار فروش (تن)	ارزش معاملات فروش (میلیارد ریال)	سهم از کل ارزش فروش (درصد)
۱	نگاه نوین	۶	۵۲۹	۴۱,۳	توسعه کشاورزی	۱۵	۱,۲۸۳	۱۰۰
۲	بانک مسکن	۵	۴۲۲	۳۲,۹				
۳	سهم آشنا	۳	۲۵۲	۱۹,۶				
۴	پارسیان	۱	۷۵	۵,۸				
۵	گنجینه سپهر پارت	۰,۰۶	۴	۰,۳				
۶	باهنر	۰,۰۱	۱	۰,۱				

📌 پرتراکنش ترین کارگزاران مشتقه

در بازار مشتقه بورس کالای ایران کارگزاری آگاه با چهار میلیون و ۲۱۳ هزار و ۹۹۶ قرارداد منعقدشده در مجموع ارزش بیش از ۶۱ هزار و ۴۳۷ میلیارد ریالی را در حوزه خرید و فروش به ثبت رساند. کارگزاری مفید نیز با بیش از سه میلیون قرارداد منعقدشده و ثبت ارزش نزدیک به ۴۱ هزار میلیارد ریالی دومین کارگزار پرتراکنش معاملات آتی طی ۹ ماهه امسال انتخاب شد. کارگزاری پیشگامان بهرپرور نیز از این منظر سوم شد و با ثبت ارزش ۲۵/۳ هزار میلیارد ریالی و بیش از دو میلیون قرارداد منعقدشده جزو کارگزاران پرتراکنش بازار مشتقه در دوره مذکور انتخاب شد.

بازار مشتقه

ردیف	نام کارگزار	حجم خرید (تعداد قرارداد)	حجم فروش (تعداد قرارداد)	حجم کل (تعداد قرارداد)	ارزش خرید (میلیارد ریال)	ارزش فروش (میلیارد ریال)	ارزش کل (میلیارد ریال)
۱	آگاه	۲,۱۰۴,۸۵۴	۲,۱۰۹,۱۴۲	۴,۲۱۳,۹۹۶	۳۰,۷۲۱	۳۰,۷۱۶	۶۱,۴۳۷
۲	مفید	۱,۵۳۶,۱۹۲	۱,۵۳۱,۴۰۴	۳,۰۶۷,۵۹۶	۲۰,۵۰۷	۲۰,۴۴۵	۴۰,۹۵۳
۳	پیشگامان بهرپرور	۱,۰۰۶,۶۸۵	۱,۰۰۷,۰۰۲	۲,۰۱۳,۶۸۷	۱۲,۶۷۴	۱۲,۷۰۵	۲۵,۳۷۹
۴	مبین سرمایه	۸۱۱,۰۵۴	۸۰۰,۵۷۱	۱,۶۱۱,۶۲۵	۱۰,۸۳۰	۱۰,۷۴۸	۲۱,۵۷۹
۵	سرمایه و دانش	۷۴۷,۷۹۰	۷۴۹,۶۲۴	۱,۴۹۷,۴۱۴	۱۰,۵۷۳	۱۰,۶۳۹	۲۱,۲۱۱
۶	سهم آشنا	۵۳۹,۵۸۷	۵۴۴,۱۹۵	۱,۰۸۳,۷۸۲	۷,۰۹۵	۷,۱۴۵	۱۴,۲۴۰
۷	پارسیان	۴۹۹,۳۹۰	۴۷۸,۱۱۲	۹۷۷,۵۰۲	۵,۸۴۵	۵,۶۰۹	۱۱,۴۵۴
۸	آبان	۳۶۶,۰۳۵	۳۷۸,۳۱۷	۷۴۴,۳۵۲	۶,۰۲۱	۶,۱۰۸	۱۲,۱۲۸
۹	فاریابی	۳۶۲,۴۳۰	۳۶۲,۴۹۵	۷۲۴,۹۲۵	۴,۶۸۰	۴,۶۷۲	۹,۳۵۲
۱۰	گنجینه سپهر پارت	۳۴۱,۹۶۲	۳۴۴,۵۷۶	۶۸۶,۵۳۸	۶,۵۲۷	۶,۵۹۲	۱۳,۱۱۹

بازار فرعی

ردیف	کارگزار خریدار	مقدار خرید (تن)	ارزش معاملات خرید (میلیارد ریال)	سهام از کل ارزش خرید (درصد)	کارگزار فروشنده	مقدار فروش (تن)	ارزش معاملات فروش (میلیارد ریال)	سهام از کل ارزش فروش (درصد)
۱	پارسیان	۸,۹۸۶	۷۲۵	۱۷,۵	توسعه کشاورزی	۲۹,۲۹۳	۲,۶۰۰	۶۲,۶
۲	بانک مسکن	۹,۲۵۹	۷۰۱	۱۶,۹	بانک صنعت و معدن	۳۳,۲۸۵	۳۸۱	۹,۲
۳	بانک آینده	۵,۴۶۶	۶۱۴	۱۴,۸	بانک پاسارگاد	۲,۹۰۰	۲۴۲	۵,۸
۴	نگاه نوین	۵,۱۱۷	۴۴۸	۱۰,۸	آفتاب درخشان خاورمیانه	۱,۴۵۰	۲۱۷	۵,۲
۵	مفید	۱۲,۱۲۶	۳۲۹	۷,۹	بانک ملی	۲,۰۵۹	۱۸۱	۴,۴
۶	توسعه سرمایه دنیا	۱,۴۵۰	۲۱۷	۵,۲	باهنر	۴,۷۹۹	۱۶۵	۴,۰
۷	بانک ملی	۱۶,۵۵۰	۲۱۰	۵,۰	بانک کشاورزی	۱,۸۹۸	۱۳۶	۳,۳
۸	بانک خاورمیانه	۱,۸۵۶	۱۵۱	۳,۶	خبرگان سهام	۱,۲۰۰	۹۳	۲,۳
۹	سی ولکس	۸,۶۷۰	۱۵۰	۳,۶	صبا تامین	۱۵۰	۴۸	۱,۲
۱۰	بانک ملت	۱,۲۵۰	۱۱۲	۲,۷	سی ولکس	۳۹۶	۴۶	۱,۱

۶۰ درصد ارزش معاملات بازار فرعی در سطر پنج کارگزار

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارگزاری‌های پارسیان، بانک مسکن، بانک آینده و نگاه نوین حدود ۶۰ درصد ارزش کل خرید را در بازار فرعی بورس کالای ایران رقم زدند و بیش از ۶۲ درصد ارزش کل فروش ثبت‌شده نیز در کارگزاری توسعه کشاورزی به ثبت رسید تا عمده ارزش معاملات این بازار، چه در بخش خرید و چه در بخش فروش، در اختیار پنج کارگزار قرار گیرد.

اما از نظر حجم معاملات کارگزاری بانک ملی و مفید به ترتیب با ۱۶ هزار و ۵۵۰ تن و ۱۲ هزار و ۱۲۶ تن اول و دوم شدند و کارگزاری مسکن با خرید ۹ هزار و ۲۵۹ تن کالا عنوان سوم را در اختیار گرفت. در بخش فروش نیز، کارگزاری بانک صنعت و معدن ۳۳ هزار و ۲۸۵ تن کالا فروخت و اول شد. حجم فروش کارگزاری توسعه کشاورزی نیز به ۲۹ هزار و ۲۹۳ تن رسید تا رتبه دوم کارگزار فروشنده از نظر بیشترین حجم معاملات به این مجموعه اختصاص یابد. جایگاه سوم نیز به کارگزاری باهنر با فروش چهار هزار و ۷۹۹ تن کالا رسید.

پیش‌تازان گروه‌های کالایی

واکاوی گروه‌های کالایی در بازه ۹ ماهه نشان می‌دهد که گروه فولاد با ثبت معامله ۸ میلیون و ۸۴۳ هزار و ۸۸۸ تنی به ارزشی بیش از ۸۱۸ هزار و ۶۹۸ میلیارد ریال

صدرنشین شد. گروه مواد پلیمری نیز از این نظر در جایگاه دوم قرار گرفت و ارزش تقریبی ۴۴۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریالی را به ثبت رساند. وکیوم باتوم نیز توانست ارزش ۱۵۶ هزار و ۷۵ میلیارد ریالی را رقم بزند و به عنوان نماینده فرآورده‌های نفتی رتبه سوم را از آن خود کند. رتبه‌های اول تا سوم جدول پرجمع‌ترین گروه‌های کالایی نیز به ترتیب به فولاد، وکیوم باتوم و قیر رسید.

عملکرد زیرگروه‌ها زیر ذره‌بین آمار

عملکرد زیرگروه‌های کالایی حاکی از آن است که ورق گرم با حجم دو میلیون و ۴۱۹ هزار تن کالای معامله‌شده بالاترین ارزش معاملات را در اختیار گرفت و با ثبت ارزش ۲۲۸ هزار میلیارد ریالی اول شد. بلوم و بیلت فولادی نیز با حجم نزدیک به ۲/۶ میلیون تن و ارزش تقریبی ۲۰۹ هزار میلیارد ریالی پس از ورق گرم رتبه دوم را به دست آورد. حجم معاملات وکیوم باتوم نیز به بیش از ۴/۹ میلیون تن رسید تا این زیر گروه کالایی با ارزشی بیش از ۱۵۶ هزار میلیارد ریال سوم شود. از نظر حجم اما جایگاه نخست به وکیوم باتوم رسید و قیر و سپس بلوم و بیلت فولادی عنوان دوم و سوم پرجمع‌ترین‌ها را کسب کردند.

کالاهای پرگردش تالار نقره‌ای

بررسی کالاهای معامله شده نشان می دهد که شمش بلوم ۱۵۰*۱۵۰ با حجم ۲/۵ میلیون تنی با ارزش ترین کالای فروخته شده در تالار نقره ای طی ۹ ماهه سال ۱۳۹۹ بود و ارزش بالغ بر ۲۰۳ هزار میلیارد ریالی برای آن رقم خورد. ورق گرم B و وکیوم باتوم دو محصولی بودند که در بازه مذکور پس از شمش فولادی به عنوان پرگردش ترین کالاهای معامله شده در بورس کالا معرفی شدند. ارزش دو کالای مذکور به ترتیب به ۱۶۶ هزار میلیارد و ۱۵۶ هزار میلیارد ریال رسید.

از نظر حجم اما وکیوم باتوم و قیر ۷۰ تنی توانستند عنوان اول و دوم پرگردش ترین کالاهای را به دست آورند و بر شمش فولادی پیشی بگیرند. به این ترتیب شمش فولادی که از نظر ارزش بالاترین جایگاه بازار را در اختیار داشت، از نظر حجم به رتبه سوم جدول سقوط کرد.

■ عرضه کنندگان برتر تالار نقره ای

از ابتدای سال جاری تا پایان آذر، فولاد مبارکه اصفهان با فروش سه میلیون و ۶۲۵ هزار و ۲۶۳ تن کالا به ارزشی بیش از ۳۷۰ هزار و ۳۸۰ میلیارد ریال به عنوان بزرگترین فروشنده تالار محصولات صنعتی و معدنی انتخاب شد. شرکت ملی صنایع مس ایران نیز با فروش ۱۶۱ هزار و ۶۱۷ تن انواع محصولات مسی به ارزشی بالغ بر ۱۶۲ هزار و ۴۸۴ میلیارد ریال جایگاه دوم را به دست آورد و عنوان سوم پر فروش ترین تولیدکننده در بازه ۹ ماهه امسال به فولاد خوزستان با ۹۲۳ هزار و ۴۵۰ تن کالای فروخته شده رسید که ارزشی بیش از ۷۶ هزار و ۷۳۶ میلیارد ریال را رقم زد. از نظر حجم نیز فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و ذوب آهن رتبه های اول و دوم را در میان شرکت های عرضه کننده در تالار مذکور به دست آوردند.

در بخش محصولات معدنی نیز مجتمع سرب و روی انگوران تنها عرضه کننده بود و با فروش ۲۸۲ هزار و ۷۵۰ تن محصول ارزش بیش از ۶ هزار و ۲۷۶ میلیارد ریالی را رقم زد.

در تالار محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی نیز پتروشیمی تندگویان بالاترین رقم فروش را در بازه ۹ ماهه محقق کرد و با ثبت ارزش ۶۲ هزار و ۸۶۶ میلیارد ریالی توانست ۴۲۵ هزار و ۳۳۸ تن محصول در بازار بفروشد.

پالایش نفت اصفهان نیز با عملکرد خیره کننده خود بیش از یک میلیون و ۸۷۷ هزار تن فرآورده فروخت و ارزش ۶۲ هزار و ۳۳۸ میلیارد ریالی را به ثبت رساند تا به عنوان دومین شرکت پرفروش تالار مذکور شناخته شود. پالایش نفت بندعباس نیز به دنبال همگروهی خود توانست ضمن فروش یک میلیون و ۸۶۳ هزار تنی و کسب عنوان سومی جدول پرفروش های بازار، ارزش ۶۰ هزار و ۴۸۳ میلیارد ریالی را برای تالار مذکور به ارمغان آورد. از دیدگاه حجم معاملات نیز دو پالایشگاه نفت اصفهان و بندرعباس مقام اول و دوم را از سایر رقبا ربودند و پالایش نفت جی با فروش یک میلیون و ۴۴۹ هزار و ۵۸۲ تنی توانست در جایگاه سوم بایستد.

در تالار محصولات کشاورزی نیز اتحادیه استان خراسان های رضوی، جنوبی و شمالی بیشترین فروش را چه در حجم و چه در ارزش معاملات به ثبت رساندند. به طوری که خراسان رضوی با ثبت ارزش یک هزار و ۲۶ میلیارد ریالی و فروش ۱۲ تن محصول، بازیگر اصلی این تالار بود. دو مجموعه دیگر نیز با فاصله زیادی در جایگاه دوم و سوم تالار خود جای گرفتند. شرکت کشت و صنعت روژین تاک نیز با فروش ۱۲ هزار و ۲۳۱ تن کالا به ارزش یک هزار و ۲۴۶ میلیارد و ۷۸۲ میلیون ریالی از نظر ارزش معاملات به عنوان فروشنده بزرگ تالار فرعی معرفی شد. گرچه این عنوان از نظر حجمی به مجتمع فسفات اسفوردی با فروش ۳۲ هزار و ۵۰۰ تن کالا رسید.

در نهایت اینکه در بازه ۹ ماهه امسال سه ملک در مجموع به ارزش تقریبی ۳۲۶ میلیارد و ۴۵۹ میلیون ریال روی تابلوی اموال غیرمنقول بورس کالا معامله شد.

بورس کالا

چشم انداز





نقل مکان معاملات املاک به بورس

کشف نرخ منصفانه و معاملات شفاف ارمغان بورس کالا برای مسکن است

مأذنه امینی/ بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، سهم مسکن از سبد هزینه خانوار در سال‌های اخیر به بیش از ۳۶ درصد افزایش پیدا کرده و البته وقتی جامعه هدف به پایتخت‌نشینان محدود شود، اعداد بزرگتری برای تامین مسکن در آمار جای می‌گیرد. بانک مرکزی در این باره اعلام کرده که میانگین سهم هزینه مسکن از هزینه کل خانوار در استان تهران به حدود ۵۰ درصد رسیده و این در حالی است که این نسبت در سال ۹۲ حدود ۴۷ درصد برآورد شده بود و از سوی دیگر تخمین زده می‌شود تا پایان سال ۹۹ به بیش از ۵۴ درصد برسد.

کارشناسان افزایش قیمت مسکن در بازار را معلول علت‌های دیگری می‌دانند. افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و دستمزد نیروی انسانی از یک سو، سفته‌بازی، دلالی، سوءاستفاده از نابسامانی‌های اقتصادی و به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا از سوی دیگر، گریبان این بازار را گرفته است. در این شرایط عرضه مسکن در بورس، می‌تواند عوایدی همچون کشف قیمت عادلانه، برقرار کردن تعادل بین عرضه و تقاضا و ایجاد بستری شفاف برای انجام معاملات را به ارمغان بیاورد و در تامین مالی پروژه‌های بزرگ بخش خصوصی نیز موثر باشد.



۲ فرآیند عرضه چگونه است؟

ابتدا اطلاعاتی برای عرضه روی سایت بورس کالا منتشر می‌شود. این اطلاعات را فرد حقیقی یا حقوقی که قصد فروش ملک خود را دارد در اختیار بورس کالا می‌گذارد و جزئیات عرضه را شرح می‌دهد. اگر می‌خواهید در سازوکار حراج برای خرید املاک شرکت داشته باشید باید به کارگزاری مربوط به ملک مورد نظر خود مراجعه کنید. این کارگزاران مجوز انجام معاملات فیزیکی املاک را دارند. در نهایت باید کد معاملاتی خود را مختص به این بازار دریافت کنید. همچنین مشخصات کامل ملک در اطلاعات عرضه وجود دارد و مرحله بعد بازدید ملک بر اساس شرایط

اعلام‌شده توسط فروشنده است.

تودیع تضمین معادل ۳ درصد ارزش پایه ملک یکی دیگر از مواردی است که در این فرآیند باید درباره آن بدانید که این تودیع با سه روش انجام می‌شود که شرح کامل آنها در سایت بورس کالا قرار داده شده است. بعد از تودیع تضمین باید تا پیش از روز و ساعت عرضه برای ثبت سفارش با کارگزار خود هماهنگی لازم را انجام داده باشید و قیمت‌های مد نظرتان را به کارگزار اعلام کنید. در ساعت تعیین‌شده برای عرضه، اگر برنده حراج باشید باید مطابق با موارد اطلاعاتی عرضه واریز بخش نقدی را انجام دهید و اسناد و مدارک لازم را فراهم کنید. اگر هم برنده حراج

۲ از کشف نرخ منصفانه تا شفافیت غیرقابل انکار

کشف نرخ منصفانه را همواره اولین محصول حضور در بورس می‌دانند. برآیند موضع‌گیری کارشناسان بورس و اقتصاددانان، یکی از اصلی‌ترین مزایای عرضه املاک و مستغلات در بورس کالا، کشف نرخ عادلانه است، چرا که معاملاتی که در این بستر انجام می‌شود، در سراسر کشور امکان رصد دارد و هر کسی در هر نقطه‌ای می‌تواند با انجام مقدماتی همچون دریافت کد و انتخاب کارگزار، در حراج فروش املاک شرکت کند و نرخ مورد نظر خود را روی تابلو ببرد. همچنین مساله مهمی که در معاملات اموال غیرمنقول مانند املاک و زمین و مسکن وجود دارد این است که کشف نرخ در روش سنتی به صورت تک‌قیمت بوده اما در بورس کالا نوع معامله به صورت حراج است. در سازوکار حراج است که خریداران با هم بر سر قیمت پایه رقابت می‌کنند و بالاترین قیمت برنده حراج می‌شود. تامین مالی یکی دیگر از مهم‌ترین مزایای حضور در بورس است. یکی از رسالت‌های اصلی بازار سرمایه، تامین مالی بخش تولید کشور است (که ارزش‌آفرینی می‌کند). عرضه املاک در بورس می‌تواند به بخش خصوصی و انبوه‌سازان مسکن کمک کند که با امکانات و ابزارهای بورس کالا آشنا شوند و از امکان تامین مالی برای پیشبرد پروژه‌هایشان استفاده کنند.

زمان یکی دیگر از ظرفیت‌های نهفته انجام معاملات در بورس کالا است. انجام مزایده‌های سنتی و پاکتی همواره در روندی طولانی انجام می‌شده و بعضاً دیده‌ایم که یک شرکت در طول سال بیشتر از چهار مزایده نمی‌تواند برگزار کند. این روند طولانی فاصله قیمت‌گذاری تا زمان معامله را افزایش می‌دهد و از آنجا که تورم همواره در اقتصاد ما وجود دارد و عموماً هم دو رقمی است، بعد از مدتی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند اما قیمت کارشناسی ثابت می‌ماند و فروشنده عملاً متضرر می‌شود. این در حالی است که در بورس کالا فرآیند عرضه تا معامله و تسویه و تحویل‌گیری نهایتاً طی یک هفته به سرانجام می‌رسد که این می‌تواند امتیاز مهمی برای عرضه‌کنندگان باشد. خانه‌دار شدن کم‌درآمدها، مزیت دیگری است که گره خوردن بورس و مسکن به همراه خواهد داشت. خرید متری مسکن در قالب ابزار مالی در بورس کالای ایران، می‌تواند امکان مناسبی برای کسانی باشد که برای حفظ دارایی‌های نقد خود دنبال سرمایه‌گذاری در بازار مسکن هستند اما توان خرید کامل یک ملک را ندارند؛ سرمایه‌گذاری‌های کوچکی که در درازمدت می‌تواند بستر خرید خانه‌ای استاندارد را برای دهک‌های کم‌درآمد جامعه فراهم کند.

نباشید، تضامین شما آزاد خواهد شد. اما درباره فروشنده، ماجرا اندکی فرق می‌کند. شرکتی که قصد عرضه املاک خود در بورس را دارد باید فرمی تحت عنوان فرم جامع پذیرش در بازار فرعی و فرمی با عنوان امیدنامه را پر کند که اطلاعات مربوط به ملک خود را به طور کامل در اختیار بورس کالا بگذارد. ارائه قرارداد مشاور پذیرش، مدارک ثبت شرکت و صورت‌های مالی حسابرسی‌شده هم از دیگر ملزومات پیش از عرضه برای فروشنده است. اقرارنامه عرضه‌کننده هم یکی دیگر از مدارک مهمی است که باید آماده شود تا ثابت کند ملک فقط برای فروشنده است و کسی نسبت به آن ادعایی ندارد. بقیه مدارک مورد نظر هم سند رسمی تک‌برگ یا گواهی‌نامه پایان کار و گزارش رسمی دادگستری است. پذیرش ملک در بورس کالا اما چندان سخت نیست. ملکی که در بورس کالا عرضه می‌شود نباید مشاع باشد. شش دانگ ملکی که قرار است عرضه شود باید در اختیار فروشنده باشد و اگر ملک اجاره‌نامه دارد این اجاره‌نامه باید افشا شود.

۲ پیشگامان عرضه

در حال حاضر بانک‌ها، ستاد اجرای فرمان امام، مجمع جهانی اهل بیت، وزارت دفاع و وزارت صمت درخواست فروش اموال مازادشان را به بورس کالا ارسال کرده‌اند. اما اولین عرضه را شرکت «عمران شهر جدید پردیس» در سال جاری انجام داده که طی آن، یک پاساژ متعلق به این شرکت با ارزش یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و با شرایط پرداخت ۳۰ درصد ثمن به صورت نقد و مابقی در اقساط ۴۸ ماهه، عرضه شده است. کارگزار این عرضه هم بانک مسکن بوده است.

بعد از آن و در بیست‌وششم مرداد امسال، شرکت سرمایه‌گذاری عمران و توسعه پایدار ایرانیان به نمایندگی از بانک اقتصاد نوین آستین‌ها را بالا زد و یک قطعه زمین با کاربری مسکونی-تجاری را در شهرستان بندرعباس به قیمت پایه ۱۸ میلیارد و ۵۸۲ میلیون تومان به فروش رساند تا عرضه املاک مازاد بانک‌ها در بورس کالا رسماً وارد فاز اجرایی شود. عرضه بعدی هم یک زمین تجاری متعلق به بانک اقتصاد نوین بود و عرضه آخر در نهم آذر امسال توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در راستای برنامه فروش املاک مازاد دستگاه‌های دولتی، به وقوع پیوست. این وزارتخانه یک قطعه زمین محصورشده واقع در شهرستان دماوند را به قیمت پایه ۱۳ میلیارد تومان روی میز فروش گذاشت که مساحت آن بیش از سه هزار و ۶۰۰ مترمربع و دارای سند شش دانگ واقع در شهرستان دماوند-دشت مشاء است.



اما و اگرهای خانه‌دار شدن با بورس

کارشناسان از سایه‌روشن‌های طرح پیش‌فروش متری مسکن در «بورس کالا» می‌گویند

مأیله امینی/ فروش متری مسکن دوباره سر زبان‌ها افتاده است. حالا قرار است بورس در مقیاس بزرگ‌تری به مسکن پیوند بخورد زیرا این بار طرح پیش‌فروش متری مسکن در قالب انتشار اوراق سلف موازی استاندارد به طور جدی در بورس کالای ایران روی میز مسئولان قرار گرفته و تلاش بر این است تا با بهره‌گیری از مزایای این ابزار مالی، امکان افزایش پس‌انداز هدفمند مردم افزایش و احتمال خرید خانه از سوی آنان بیشتر شود. سازوکار بهبود شرایط هم از این قرار است که راه‌اندازی بورس مستقل املاک و مستغلات می‌تواند به تأمین مالی و تولید انبوه مسکن با قیمت تمام‌شده مناسب کمک کند. همچنین از سوی دیگر، با توسعه این روش قیمت‌گذاری در بستری شفاف‌تر انجام می‌شود و امیدها برای نظام‌مند و قاعده‌پذیر کردن بازار مسکن بالا می‌رود؛ حمید میرمعینی، کارشناس بازار سرمایه بر این باور است که با عرضه مسکن در بورس این تقاضای واقعی است که برای آن عرضه شکل می‌گیرد. پروانه اصلانی، مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن هم در این باره تأکید دارد با کمک این ابزار مالی بورس کالا، ارزش تمام‌شده ساخت یک واحد یا یک پروژه، تبدیل به ورقه‌های کوچک بهادار می‌شود و در بازار توسط انبوه‌ساز عرضه می‌شود. در این بازار مردم می‌توانند به منظور حفظ ارزش پول خود در مقابل تورم، اوراق مسکن از بورس کالا خریداری کنند. به عقیده او بازار سرمایه فضای مناسب و ابزار مناسب برای تأمین مالی بخش مسکن است. به این ترتیب سرمایه‌های خردی که در اقتصاد می‌چرخد و سرگردان است می‌تواند به عنوان تأمین‌کننده منابع ساخت در خدمت تولید مسکن یا تقاضا برای تجهیزات قدرت خرید متقاضی قرار گیرد. در نقطه مقابل، کارشناسی مانند ایرج رهبر (کارشناس مسکن) معتقد است ورود مسکن به بورس اتفاق گره‌گشایی نیست. این کارشناس فارغ از اینکه تحقق این اتفاق را دور از ذهن قلمداد می‌کند در نقد آن توضیح می‌دهد: در تمامی این سال‌ها تأکید کردیم که مسکن نباید یک کالای سرمایه‌ای باشد اما امروز با فروش متری مسکن در بورس آنها را تشویق به ورود به بازار مسکن برای سرمایه‌گذاری می‌کنیم. سیفی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری عمران و توسعه پایدار ایرانیان نیز می‌گوید: برای فروش متری مسکن باید به دنبال تبدیل ضوابط مدون باشیم. همچنین باید بازار را برای متقاضی شفاف و جذاب کنیم. متقاضی باید دقیقاً بداند که برای خرید چه مسکنی اقدام کرده است.





با چالش همراه کرده و سازوکار قیمت‌گذاری غیرشفافی را با تعداد بازیگران اندک به دنبال داشته است. کلهری بهترین راه حل برای فروش مسکن در بورس کالا را به صورت اوراق سلف موازی استاندارد مسکن می‌داند چرا که هم می‌تواند تعادل منطقی در حوزه مسکن و هم جذابیت لازم برای مشارکت سرمایه‌گذاری ایجاد کند و هر فرد می‌تواند به نسبت سهم سرمایه‌گذاری خود، از سود آن بهره‌مند شود. برآوردها نشان می‌دهد که بورس می‌تواند یک فرصت عالی و بی‌نظیر برای تامین مالی پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن به شمار آید، بنابراین این ابزار مالی ارائه‌شده در بورس کالا می‌تواند یک بازی برد-برد هم برای متقاضیان و هم برای انبوه‌سازان مسکن به شمار آید.

۲ آیا فروش متری در بورس کالا شفافیت را بالا می‌برد؟

ایرج رهبر درباره شفافیت به‌واسطه بورس کالا هم مخالفت‌هایی دارد. این کارشناس به بورس کالا می‌گوید: بله، بورس اگر بورس واقعی باشد می‌تواند بستر شفافیت برای انجام معاملات باشد. اگر دنبال شفافیت هستیم باید بورس‌های فعال در کشور را به استانداردهای جهانی نزدیک کنیم.

کلهری که امیدوارتر به نظر می‌رسد، پیش‌تر در ارتباط با نقش ورود مسکن به بورس کالا در شفافیت بازار ملک گفته بود: در حال حاضر به دلیل نبود سازوکار ارزش‌گذاری موثر در بازار مسکن و البته نبود بازار نظام‌مند با قابلیت جذب بازیگران متنوع از طیف‌های مختلف، ایجاد انحصار و ... شاهد نبود شفافیت هستیم. همین موضوع امکان دستکاری قیمت‌ها و ایجاد سقف و کف کاذب در بازار را تقویت می‌کند و عملاً شاهد کنترل مخرب بازار مسکن که نقشی تعیین‌کننده در سبد مصرف‌خانوار دارد، توسط دلالان و سفته‌بازان این بازار هستیم.

رویای شفافیت اما در بورس قابل تحقق است. به نظر می‌رسد با ورود مسکن به بورس کالا و تبدیل کردن دارایی‌ها به اوراق بهادار، امکان سرمایه‌گذاری برای اکثریت جامعه با دارایی‌های مختلف را فراهم و قطعاً

۲ فروش متری مسکن، واقعیت یا رویا؟

خرید متری مسکن در قالب ابزار مالی در بورس کالای ایران، می‌تواند پاسخ مناسبی به کسانی باشد که برای حفظ دارایی‌های نقد خود دنبال سرمایه‌گذاری در بازار مسکن هستند اما توان خرید کامل یک ملک را ندارند. کارشناسان بازار مسکن نسبت به پیوند این بازار با بورس خوشبین نیستند و این در حالی است که کارشناسان بورس این اتفاق را اتفاق مبارکی می‌دانند.

ایرج رهبر، کارشناس بازار مسکن بر این باور است که نباید مسکن را به شکل رسمی تبدیل به کالای سرمایه‌ای برای آحاد مردم کنیم. اگر نیت این است که افراد بی‌خانمان را خانه‌دار کنیم باید تولید را افزایش دهیم. این روش برای افرادی که دنبال سرمایه‌گذاری در بازار مسکن هستند روش مناسبی است اما شاید نسخه شفا بخشی برای همه متقاضیان نباشد. او می‌گوید: هرچقدر هم اوراق بهاداری که در دست داریم گران‌تر شود، مسکن هم پایه‌ای آن ممکن است گران شود و کسی که ۲۰ متر از یک پروژه را خریداری کرده نمی‌تواند بعد از گذر زمان این مقدار را بفروشد و تبدیل به ۱۰۰ متر سرپناه برای خودش کند.

این در حالی است که عسگری زاده، دبیر هیات اجرای فروش املاک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح توضیح می‌دهد: این‌گونه عرضه‌ها می‌تواند در شرایط رشد قیمت مسکن، کمک به خانه‌دار شدن افراد متوسط جامعه کند و به راهی برای سرمایه‌گذاری و تامین منابع مالی این دسته از افراد جامعه در طول زمان تبدیل شود و حافظ سرمایه‌های‌شان در دوران تورم‌های دو رقمی باشد.

کلهری، مدیر کالایی کارگزاری صبا جهاد هم بر این باور است که عرضه اوراق سلف موازی مسکن در بورس کالا به خانه‌دار شدن مردم و حفظ ارزش سرمایه آنها، کمک خواهد کرد. او همچنین پیش‌تر گفته بود که می‌توان از ظرفیت بازار سرمایه برای تامین مالی پروژه‌های بزرگ و انبوه‌سازی بخش خصوصی استفاده کرد. او در ارتباط با روش مناسب فروش متری مسکن در بورس کالا، می‌گوید: نیاز به نقدینگی سنگین، عملاً ورود سرمایه‌های خرد را به این بازار تاثیرگذار

بازار به سمت شفافیت خواهد رفت و موجب کشف روزانه قیمت‌ها خواهد شد، از طرفی در حال حاضر هیچ شاخصی برای تعیین قیمت مسکن وجود ندارد که بازار سرمایه می‌تواند این مهم را بر عهده بگیرد، این کار می‌تواند به توسعه سرمایه‌گذاری در بازار مسکن کمک شایانی کند و سرمایه‌گذاری‌های خرد بازار مسکن را به سمت افزایش تولید مسکن سوق دهد و با جذب سرمایه‌های خرد به تامین مالی این بازار تاثیرگذار و مولد کمک قابل‌ذکری کند؛ البته در بستری شفاف و اتاقی شیشه‌ای.

■ تامین مالی نیاز به توسعه زیرساخت‌ها دارد

هنوز راه درازی در پیش داریم. باید برای تبدیل بورس به ابزاری برای تامین مالی تلاش‌های زیادی صورت گیرد. تامین منابع برای بخش ساختمانی می‌تواند یکی دیگر از آورده‌های حضور مسکن در بورس برای این بازار باشد. ایرج رهبر اما بر این باور است بورس‌بازان حرفه‌ای زمین‌های ارزان را در مقیاس‌های بزرگ می‌خرند و آن را گران‌تر عرضه می‌کنند و همین موضوع احتمالا می‌تواند تامین مالی را دچار مشکل کند. او تاکید می‌کند: باید این تضمین وجود داشته باشد که یک بورس‌باز سودی را که به این صورت (خرید ارزان و فروش گران) به دست می‌آورد، وارد بازار مسکن و از آن برای تولید استفاده کند که گرفتن چنین تضمینی کار دشواری خواهد بود.

سیفی، مدیرعامل سرمایه‌گذاری عمران و توسعه پایدار ایرانیان اما درباره تامین مالی توضیح می‌دهد: از سال‌ها پیش همه سازنده‌ها قصد داشتند به محض اینکه ساختمان به مرحله نازک‌کاری می‌رسد بتوانند بر اساس نیازشان به تامین مالی، واحدهای خود را پیش‌فروش کنند. پس نیاز به تامین مالی همواره در بازار وجود داشته و خواهد داشت. او می‌افزاید: بورس کالا باید درباره پیش‌فروش از بستر خودش هم به جمع‌بندی درست و کاملی برسد تا پکیج خود را کامل کند و بتواند رونق را به این شیوه فروش به بازار مسکن هدیه دهد.

عسگری‌زاده هم در این باره می‌گوید: انجام فرآیند عرضه اوراق سلف مسکن حتما باید کارشناسی شود و نقطه نظرات مالکان، سرمایه‌گذاران و پیمانکاران در این خصوص جمع‌آوری و عرضه ارزش‌تمام‌شده ساخت یک واحد که تبدیل به اوراق می‌شود حتما باید مورد تحلیل قرار گیرد.

■ گزینه بورس کالا باید روی میز خریداران باشد

یکی از راه‌های دیگر برای بهبود حضور مسکن در بورس، آگاهی‌رسانی است. خریداران باید کم‌کم بتوانند برای خرید مسکن روی بورس هم حساب کنند و درباره آن

اطلاعات داشته باشند. سیفی در این باره می‌گوید: هنوز مراجعه‌کنندگان به بورس کالا برای خرید مسکن بسیار کم و محدودند. هنوز بازاریابی لازم اتفاق نیفتاده است. اگر دنبال ایجاد تقاضا در بورس کالا هستیم باید اشخاصی را که می‌خواهند خانه بخرند، مطلع و به حضور در این بازار تشویق کنیم. آرزوی روزی را داریم که در کنار بنگاه‌های املاک همه بدانند که می‌توانند به بورس کالا هم سر بزنند و این گزینه هم روی میز خریداران قرار گیرد. او ادامه می‌دهد: باید شرایط عرضه ملک در بورس را برای فروشنده هم جذاب‌تر کنیم و این یکی از همان اقداماتی است که از آن به عنوان بازاریابی یاد می‌شود. امروز و در حال حاضر از آنجا که به احتمال زیاد ملک فروشنده با قیمت پایه در نهایت به فروش می‌رود، این بازار از جذابیت کافی برای فروشندگان برخوردار نیست و فروشندگان مانند اقتصادنویان به‌نوعی به دنبال فرهنگ‌سازی و پیشگام بودن در این عرصه بوده‌اند نه سود و درآمد بیشتر برای خودشان.

■ همه مزایای یک پیوند

فروش متری مسکن و عرضه املاک دولتی در بورس کالا به‌نوعی به هم گره خورده و این در حالی است که فروش املاک دولتی بالاخره در بورس آغاز شده و فروش متری همچنان نیازمند مطالعه، آمایش و پالایش بیشتری است. سیفی در این باره می‌گوید: عرضه املاک دولتی و نهادهای بزرگ که مدت‌هاست بی‌فایده محبوس شده بدون شک اقدام مثبتی است. این موضوعی است که سیفی به آن اشاره کرده و می‌گوید: افزایش فشار حضور املاک مازاد در بورس با ابزار مالیاتی (برای خانه‌های خالی) حتما در بازار تاثیر خوبی می‌گذارد چرا که عرضه واقعی را زیاد و در نهایت متقاضی خودش را هم پیدا می‌کند.

عسگری‌زاده هم بر این باور است که فروش املاک دولتی در بورس موجب قوی‌تر شدن داده‌های آماری و قدرت پیش‌بینی‌پذیری شرکت‌کننده می‌شود. همچنین تمام واسطه‌های حاضر در روند معاملات را حذف می‌کند. او به «بورس کالا» توضیح می‌دهد: شفاف شدن کشف قیمت و رفع ابهامات، خارج شدن فروش املاک و اراضی نیروهای مسلح (و سایر نهادهای سازمان‌ها و ارگان‌ها) از حالت سنتی، دستیابی به مرجع قیمتی مناسب برای متقاضیان و سرمایه‌گذاران، حذف کامل انجام تشریفات مزایده‌ها و قرارگیری در مسیر فروش املاک و اراضی به‌صورت شیوه رقابتی در حضور متقاضی و شفاف‌سازی عرضه املاک و اراضی به‌صورت معتبر و رسمی از دیگر مزایای عرضه املاک مازاد دولت، بانک، شهرداری و سایر نهادها در بورس کالا است.

شفافیت و کاهش قیمت مسکن ارمان عرضه بورسی ملک

مصطفی امیدقائم، نخستین مدیرعامل فرابورس ایران | رنج شفاف نبودن بازار املاک و قیمت‌های ناعادلانه، سال‌هاست وبال گردن ما شده است. پیشنهاد ایجاد بورس مسکن و عرضه املاک در بورس کالا اما از اقدامات بسیار خوبی است که به شفافیت این بازار کمک شایانی می‌کند. هرچند عوامل بسیاری بر روی قیمت یک ملک تأثیر می‌گذارد اما شفاف شدن بازار مسکن از طریق عرضه املاک در بورس کالا می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش قیمت در این بازار داشته باشد. چالش اصلی و سختی پیش روی ورود ملک به بورس کالا، این است که ملک را که یک کالای ناهمگون است و شاید اساساً به سختی استانداردپذیر باشد، چگونه باید در بورس عرضه کنیم؟ مشخصاً کالایی که در بورس ارائه می‌شود، باید استاندارد باشد تا امکان مقایسه آن با انواع مشابه خود و معامله برایش فراهم شود. ملک در حال حاضر بسته به موقعیت خود، قیمت‌های بسیار متفاوتی را به خود اختصاص می‌دهد. اینکه ملک در کجا واقع شده و چه شرایطی داشته باشد، قیمت آن را به شدت متأثر می‌کند. من معتقدم برای وارد کردن چنین کالایی به بورس، می‌توان روش‌هایی یافت که قیمت ملک را استانداردپذیر کند. به طور مثال تبدیل واحد طبقه با استانداردهایی به ضریب مرغوبیت، تبدیل واحد متر پایه به ضریب طبقه، به دست آوردن ضریب مرغوبیت بر اساس اعداد و ارقام کارشناسی‌شده، استفاده از صندوق‌های زمین ساختمان، فروش‌های متری مسکن یا اوراق مشارکت قابل تعویض یا تبدیل به متر باشد. به علاوه می‌توان اوراقی را تعریف کرد که قابلیت معاوضه با واحدهای ساختمانی را در پایان دوره داشته باشد. همچنین بهتر است امکان هماهنگ شدن عرضه و تقاضا با یکدیگر برای شکل‌گیری بهتر معاملات و تغییر فرهنگ معاملاتی حال حاضر در خرید و فروش مسکن فراهم شود. در آخر باید از تجربه دیگر کشورها و مسیری که بتوان یک بازار شفاف و متناسب برای خرید و فروش ملک ایجاد کرد، استفاده کنیم. این بورس هم می‌تواند مثل بورس اوراق بهادار روزی به جایی برسد که آحاد مردم وارد آن شوند و اقدام به خرید و فروش ملک کنند.



تا ۲۰ درصد معاملات مسکن را به بورس مسکن منتقل کنیم، در این ایده موفق عمل کرده‌ایم. راه‌اندازی بورس املاک نیازمند ایجاد یک شاخص کاربردی در قیمت‌گذاری ودیعه املاکی است که بیرون از بورس معامله می‌شود. این شاخص، می‌تواند بسیار کارساز و موفق باشد و به معیاری برای قیمت‌گذاری املاک تبدیل شود. به طور مثال بالا رفتن و پایین آمدن تسه‌های بانک مسکن به نوعی معاملات ملک را نشان می‌دهد. بنابراین حتی اگر بتوانیم ۵ تا ۱۰ درصد معاملات مسکن را به بورس منتقل کنیم، خود به شاخصی برای معاملات بیرون بورس مبدل می‌گردد و این قطعا موفقیت این ایده را نشان خواهد داد. بر این اساس آینده روشنی را برای عرضه ملک در بورس متصور هستیم و معتقدم اگر معاملات مسکن به بورس منتقل شود با ایجاد واحدهای خاص‌تر و بافت شفاف‌تر، آینده موفق‌تری برای این بازار رقم بزنند.

بورس مسکن نقطه آغازی برای شفاف شدن بازار ملک است. بازاری که برای بسیاری از سرمایه‌گذارانی که دارایی‌هایشان را به صورت ملک نگهداری می‌کنند، اماکن مسکونی خالی باعث افزایش قیمت ملک شده است و همچنین سرمایه‌گذارانی که قصد دارند، اموال خود را به ملک تبدیل کنند، می‌تواند مفید باشد. به طور کلی اگر بتوانیم بازار شفاف‌تری برای عرضه‌کنندگان، تولیدکنندگان و متقاضیان متعدد و متکثر مسکن ایجاد کنیم، قیمت ملک شفاف‌تر، بهتر و عادلانه‌تر خواهد شد. همچنین ایجاد یک شاخص ملکی که همه بتوانند بر اساس آن خرید و فروش کنند، می‌تواند روی قیمت مسکن تأثیرگذار باشد و حتی بعید نیست که ایجاد بورس مسکن و به تبع آن شفاف شدن این بازار در بلندمدت به نزولی شدن قیمت ملک بینجامد. پیش‌بینی من در خصوص آینده بازار مسکنی که از بورس مسکن متأثر شده باشد، این است که اگر بتوانیم حجمی بین ۱۰



پایان بنگاهداری

گزارش میزان املاک و دارایی‌های مازاد بانک‌ها و الزامات قانونی عرضه املاک

پرونده واگذاری املاک مازاد نهادهای بزرگ و به‌خصوص بانک‌ها سال‌های سال است که باز مانده است. هر کدام از روسای کل بانک مرکزی که بر مسند کار آمده‌اند، به واقعیتی غیر قابل انکار آگاه بوده‌اند: یکی از راهکارهای کاهش قیمت تمام‌شده پول در کشور به‌خصوص در نظام بانکی، فروش و واگذاری اموال و دارایی‌های مازاد بانک‌هاست. املاکی که جزو دارایی‌های منجمدشده بانک‌ها به شمار می‌رود و محل سوداگری آنها در سال‌هایی بوده که قیمت مسکن در آستانه جهش قرار داشته است؛ به نظر می‌رسد بنگاهداری برای بانک‌ها و تبدیل سپرده‌های سپرده‌گذاران به زمین و ملک برای مدیران آنها همچنان جذاب است و شاید تنها نسخه شفاف‌بخش این گره، عرضه مازاد املاک آنها در بورس کالا باشد. گفتنی است بر اساس آخرین آمارهای موجود که فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد در سال گذشته اعلام کرده، ارزش اموال و املاک غیرمنقول بانک‌ها به ۷۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۴ حدود ۲/۸ برابر افزایش را تجربه کرده است. بر اساس روایت عباس مرادپور، مدیرکل امور بانکی و بیمه وزارت اقتصاد بانک‌ها حدود ۱۵ هزار ملک مازاد در سامانه ثبت کرده‌اند که تنها ۸ هزار ملک قابل واگذاری است.

تا پیش از این شیوه فروش املاک مازاد دولت، شهرداری‌ها، بانک‌ها و ... به مزایده گذاشتن آنها بوده است. راهی که این نهادهای بزرگ تا کنون طی کرده‌اند، عموماً از شفافیت لازم برخوردار نبوده است و یک روند سنتی و زمانبر قلمداد می‌شود. در کنار این موارد، همواره این نگرانی برای مدیران مجموعه‌هایی که قصد مزایده املاک را دارند، وجود داشته که آیا واقعا قیمت املاک مازاد آنها بر اساس نرخ‌های واقعی تعیین می‌شود یا به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی امکان فروش املاک در شرایط رقابتی و قیمت بالاتر مهیا نبوده است؟ بورس کالا می‌تواند ناجی فروش این املاک باشد. پای این املاک که به بورس باز شود، اولین محصول آن برای همه شفافیت است.



چرا بانک‌ها باید روی بورس باشند؟

با عرضه املاک مازاد بانک‌ها ساماندهی بازار مسکن هم کلید خواهد خورد. موضوع عرضه املاک مازاد بانک‌ها در بورس کالا، امکان خوبی است تا از این طریق این واحدها به فروش رود و خریداران نیز آنها را به چرخه بازار مسکن برگردانند. از سوی دیگر با حضور بانک‌ها در بورس می‌توان اطلاعات دقیقی درباره املاک بانک‌ها به دست آورد.

البته ماجرا در این جنبه خلاصه نمی‌شود. آن‌سوی ماجرا،

اطلاعات خریدارانی که این واحدها را در اختیار می‌گیرند، به‌راحتی در دسترس است و با توجه به اینکه قرار است از خانه‌های خالی مالیات اخذ شود، اگر این واحدها دوباره خالی بماند، می‌توان شناسایی‌شان کرد و از آنها مالیات گرفت. مالیات‌هایی که در شرایط بحران کمبود بودجه می‌تواند به رونق درآمد دولت کمک کند و تا حدی از تورم دوباره جلوگیری کند.

به نظر می‌رسد با فراهم شدن عرضه این املاک در بورس کالا، بازار سرمایه بهترین مکان برای انجام این

اقتصادی و دارایی ارزش آن به هفت هزار میلیارد تومان می‌رسد. برای تحقق این برنامه، در ابتدا املاک مزاد دستگاه‌های اجرایی شناسایی شد چرا که تا پیش از آن هیچ برآوردی از تعداد و ارزش املاک در اختیار دولت وجود نداشت. بر همین اساس در سال ۱۳۹۴ با راه‌اندازی سامانه اموال دستگاه‌های اجرایی (سادا) تمام دستگاه‌ها موظف شدند تا املاک مزاد بر نیاز خود را در این سامانه ثبت کنند. در ادامه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مکلف شدند نسبت به ثبت کلیه اموال غیرمنقول اعم از اراضی، املاک، ساختمان‌ها و فضاهای اداری در اختیار یا تصرفی دارای سند مالکیت یا بدون سند مالکیت، اجاری یا وقفی یا ملکی در سامانه جامع اطلاعات اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرایی (سادا) اقدام کنند. بعد از همه اینها در نهایت در مرداد امسال اعلام شد که تا کنون از حدود ۴۴۲ هزار ملک دولتی شناسایی شده، ۲۳ هزار و ۷۵۴ مورد آن در یک سال اخیر شناسایی شده است. همچنین بر اساس اعلام وزارت اقتصاد و وزارت اقتصاد تا کنون بالغ بر ۶۳۴ ملک مزاد در راستای شناسایی اموال دستگاه‌های اجرایی شناسایی و مجوز فروش آن صادر شده است.

قانون چه می‌گوید؟

واگذاری و فروش اموال مزاد دولتی ادارات از الزامات قانون بودجه است. طبق ماده «۲» آیین‌نامه اموال دولتی، موضوع ماده ۱۲۲ قانون محاسبات کشور، اموالی است که توسط وزارتخانه‌ها، موسسات یا شرکت‌های دولتی خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا درمی‌آید. بر اساس ماده ۱۱۵ قانون محاسبات عمومی کشور، فروش اموال غیرمنقول وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که مزاد بر نیاز تشخیص داده شود، بنا به پیشنهاد وزیر مربوطه با تصویب هیات وزیران و با رعایت سایر مقررات مربوطه، مجاز است و وجوه حاصل از فروش این قبیل اموال باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. بر اساس ماده «۳۲» وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مکلف‌اند نسبت به مستندسازی اموال غیرمنقول در اختیار خود برای صدور اسناد مالکیت تک‌برگی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی وزارتخانه یا موسسه مربوط برابر مقررات اقدام و اصل اسناد مالکیت را به خزانه اسناد اموال غیرمنقول دولت (وزارت امور اقتصادی و دارایی) تحویل دهند. همچنین باید نسبت به ثبت همه اموال غیرمنقول اعم از اراضی، املاک، ساختمان‌ها و فضاهای اداری در اختیار یا تصرفی دارای سند مالکیت یا بدون سند مالکیت، اجاری یا وقفی یا ملکی در سامانه جامع اطلاعات اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرایی (سادا) مطابق قوانین مربوط اقدام کنند. گفتنی است، بر اساس تبصره «۲» لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، دولت می‌تواند بنگاه‌های دولتی را پس از احراز صلاحیت حرفه‌ای و اهلیت متقاضی بوسیله روش‌های مختلف واگذار کند.

کار است، زیرا در بورس یک بستر شفاف وجود دارد که در آن همه‌چیز قابل رصد است و دیگر نمی‌تواند فساد و رانتی در این بین رخ دهد. همان‌طور که بارها و بارها گفته شده بانک‌ها باید از حضور در بازارهای مختلف از جمله مسکن خارج شوند و منابعی را که از فروش اموال و دارایی‌های خود به دست می‌آورند، به تسهیلات‌دهی به بخش‌های واقعی و مولد اقتصاد اختصاص دهند، در چنین صورتی است که اقتصاد کشور از رکود خارج می‌شود و می‌تواند به سوی رونق حرکت کند. در یک کلام، بنگاهداری وظیفه بانک‌ها نیست. گفتنی است شبکه بانکی سهم قابل توجهی در اموال و املاک مزاد دولت و شرکت‌های دولتی دارد. وزارت اقتصاد در یکی از آخرین گزارش‌های خود اعلام کرده که از دی ۱۳۹۶ تا مرداد سال ۱۳۹۹ مبلغ ۲۸۰ هزار میلیارد ریال از اموال مزاد بانک‌های دولتی به فروش رفته که ۱۳۰ هزار میلیارد ریال از این واگذاری‌ها در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

جزئیات اولین عرضه املاک بانکی در بورس کالا

فروش املاک مزاد بانک‌ها برای اولین بار توسط بانک اقتصادنویین در بورس کالا رقم خورد. این بانک با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و عملیاتی بورس کالای کشور، یکی از املاک مزاد خود را از طریق بورس عرضه کرد و به فروش رساند تا گام بلندی در حل معضل فروش املاک مزاد شبکه بانکی برداشته و پیشگام آغاز این حرکت شود. روابط عمومی این بانک، اهداف اقتصادنویین از عرضه املاک مزاد در بورس کالا را افزایش شفافیت، تمرکز بر بانکداری حرفه‌ای، حرکت در چهارچوب استانداردهای صنعت بانکداری و مولدسازی دارایی‌های راکد دانسته است. در این فرآیند یک قطعه زمین با کاربری مسکونی-تجاری در شهرستان بندرعباس به قیمت پایه ۱۸۵ میلیارد و ۸۲۰ میلیون ریال در همان دقایق ابتدایی آغاز عرضه رسمی به فروش رسید. همچنین نرخ تضمین متقاضیان خرید برای شرکت در حراج مبلغ ۵/۵۸ میلیارد ریال معادل ۵۵۸ میلیون تومان (۳ درصد قیمت پیشنهادی فروشنده) به صورت واریز وجه نقد یا تودیع ضمانت‌نامه بانکی در نظر گرفته شده بود که بعد از انجام معامله به حساب متقاضیانی که موفق به خرید نشده بودند، واریز شد.

۴۲۲ هزار ملک مزاد دولتی

حضور بانک‌ها در بستر شفاف بورس با موانع کمتری نسبت به املاک دولتی روبروست. از زمان تشدید تحریم‌ها، کاهش قیمت نفت و در نهایت شیوع ویروس کرونا، جبران کسری بودجه دولت تبدیل به یکی از مهم‌ترین مصائب کشور شده و اساساً راه تامین منابع بودجه و در مجموع نحوه تامین مالی دولت تغییرات ناگزیری کرده است. در این میان، یکی از این راه‌ها در کنار فروش اوراق، فروش اموال و املاک مزاد دولت است که بر اساس برآوردهای ارائه‌شده از سوی وزیر امور

سنگ آهن، تالار «حراج باز» بورس کالا را افتتاح کرد



بورس کراچی

بورس ہای جهانی

بائیں	تھیں	اٹھ	تھیں
00	48.70↓	▼ 0.30	1
15	28.05=	▼ 0.15	13
70	19.65=	▼ 0.15	2
15	80.5=	▲ 0.20	40
15	32.15=	▼ 0.25	2707
05	7.03↑	▲ 0.13	49023
50	15.45=	▼ 0.45	3
60	11.50	▼ 0.10	816
0	197.0=	0.00	118
75	15.70=	0.00	3474....
60	26.50↓	▼ 0.10	6
05	16.05=	▲ 0.20	462
--	--	--	--

5.18↓▼46.6232076M

بائیں	تھیں	اٹھ	تھیں
00	18.15=	▼ 0.20	37487
20	12.90↑	▼ 0.05	2858
90	23.80=	▼ 0.05	3710
85	12.05=	▼ 0.05	3571
10	8.19=	▼ 0.09	19842
20	8.73=	0.00	349
74	9.35=	▼ 0.03	3040
36	18.45↓	▼ 0.10	14904
50	18.25↑	▲ 0.05	5877
25	14.70=	▼ 0.05	3027
75	10.10↑	0.00	128
10	10.10↑	▼ 0.10	9

بائیں	تھیں	اٹھ	تھیں
00	18.15=	▼ 0.20	37487
20	12.90↑	▼ 0.05	2858
90	23.80=	▼ 0.05	3710
85	12.05=	▼ 0.05	3571
10	8.19=	▼ 0.09	19842
20	8.73=	0.00	349
74	9.35=	▼ 0.03	3040
36	18.45↓	▼ 0.10	14904
50	18.25↑	▲ 0.05	5877
25	14.70=	▼ 0.05	3027
75	10.10↑	0.00	128
10	10.10↑	▼ 0.10	9

تھیں	اٹھ	تھیں	اٹھ
51.5	52.0	51.3=	▼ 0.50
37.80	38.00	37.80↓	▼ 0.25
52.8	53.1	53.0=	▲ 0.20
77.6	77.9	77.9↑	▲ 0.40
9.41	9.47	9.41↓	▼ 0.07
--	--	--	--
23.70	23.75	23.70↓	▲ 0.05
--	--	--	--
--	--	--	--
تھیں	اٹھ	تھیں	اٹھ
13.10	13.15	13.15=	0.20
17.55	17.60	17.60=	0.30
14.50	14.55	14.55=	0.15
27.10	27.15	27.15=	0.00
21.05	21.10	21.10=	0.00
15.35	15.40	15.40=	0.00
17.85	17.90	17.90=	0.00
28.70	28.75	28.75=	0.00
26.10	26.15	26.15=	0.00
17.50	17.55	17.55=	0.00
14.90	14.95	14.95=	0.00
14.80	14.85	14.85=	0.00
18.25	18.30	18.30=	0.00
تھیں	اٹھ	تھیں	اٹھ
19.15	19.20	19.20=	0.05
66.4	66.5	66.5=	0.10
7.75	7.80	7.80=	0.05
13.7	13.8	13.8=	0.10
15.1	15.2	15.2=	0.10
33.6	33.7	33.7=	0.10
23.00	23.05	23.05=	0.05
9.13	9.18	9.18=	0.05
11.55	11.60	11.60=	0.05
15.05	15.10	15.10=	0.05
7.28	7.33	7.33=	0.05
41.85	41.90	41.90=	0.05



غول «آتی» در سرزمین اردها

بورس آتی شانگهای، بزرگترین بورس کالاهای صنعتی در چین است

هدا عربشاهی | راهاندازی بورس های کالایی از برنامه های راهبردی چین برای توسعه اقتصادی محسوب می شود. پکن از راهاندازی بورس های کالایی خود، دو هدف اصلی را دنبال می کند: تنظیم بازار و مدیریت ریسک و همچنین ایجاد مرجعیت قیمتی برای فعالان بازار در دیگر نقاط دنیا. بورس آتی شانگهای در چارچوب همین اهداف در دسامبر سال ۱۹۹۹ تاسیس شد و اکنون با گذشت تنها ۲۱ سال از آغاز به کارش، به عنوان بزرگترین بورس کالاهای صنعتی در سرزمین اصلی چین شناخته می شود. بورس آتی شانگهای که طبقه معاملات آن در منطقه پودونگ شانگهای قرار دارد، نهادی غیرانتفاعی است که از سوی کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار چین تنظیم می شود و در حال حاضر با ارائه ۲۰ قرارداد آتی با کالاهای مختلفی از جمله با طلا، لاستیک طبیعی، نفت کوره، قیر و گروه های فلزاتی چون مس، آلومینیوم، روی، سرب، قلع، نیکل، نقره و فولاد به شکل های میلگرد، مفتول و ورق گرم، مهم ترین رقیب بورس هنگ کنگ (بزرگترین بورس فراسرزمینی چین) به شمار می رود.



طلا، نقره، میلگرد فولادی، میله مفتول فولادی، ورقه فولاد گرم، نفت کوره، نفت خام، قیر، لاستیک طبیعی، خمیر چوب، لاستیک TSR ۲۰، فولاد ضد زنگ، نفت کوره کم گوگرد (LSFO) و همچنین اختیار معامله مس، اختیار معامله لاستیک طبیعی، اختیار معامله طلا، اختیار معامله آلومینیوم و اختیار معامله روی.

شرکت خدمات کسب و کار اس.اچ.اف.ای، شرکت فناوری اطلاعات آتی شانگهای، موسسه تحقیقات مشتقات و آتی شانگهای و بورس بین المللی انرژی شانگهای از شرکت های تابع بورس آتی شانگهای به شمار

بورس آتی شانگهای (SHFE) در واپسین روزهای سال ۱۹۹۹ از تلفیق بورس مواد غذایی، بورس فلزات و بورس کالای شانگهای و تحت مقررات متحدالشکل کمیسیون تنظیم مقررات چین (CSRC) راهاندازی شد و از آن زمان تا کنون، با هدف خدمت رسانی به اقتصاد واقعی، مطابق با اصول گشادگی، انصاف، امانت و صداقت، معاملات آتی مصوب CSRC را سازمان دهی می کند. در حال حاضر، بیست قرارداد آتی و پنج قرارداد اختیار معامله کالا در بورس آتی شانگهای در دسترس است که عبارت اند از: مس، آلومینیوم، روی، سرب، نیکل، قلع،

است. داده‌های روزانه نقره هم در دوره جولای ۲۰۱۲ تا کنون به طور متوسط برابر با یک میلیون و ۲۲۵ هزار و ۸۲۵ تن بوده که رکورد بیشترین مقدار آن برابر با ۲ میلیون و ۶۸۴ تن در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۰ و رکورد کمترین مقدار آن برابر صفر تن در ۱۸ جولای ۲۰۱۲ رقم خورده است. از سوی دیگر و به لطف معاملات آتی فلزات آهنی، سازوکار قیمت‌گذاری فولاد، از جمله محصولات فولاد میلگرد، مفتول و ورق گرم؛ بیش از سایر معاملات بهینه شده و این تحول، پیشرفت و رشد مداوم صنعت فولاد چین را به ارمغان آورده است. البته در روزهای ۱۵ تا ۱۷ دسامبر ۲۰۲۰ هیچ داده روزانه‌ای در خصوص معاملات آتی فولاد میلگرد در پایگاه داده‌های پرمیوم چین ثبت نشد. این پایگاه که داده‌های روزانه معاملات آتی فولاد میلگرد بورس آتی شانگهای را از جولای ۲۰۰۹ تا کنون، جمع‌آوری و ارائه می‌کند، متوسط داده‌های روزانه معاملات آتی این محصول را در این بازه زمانی ۱۳ میلیون و ۳۹۲ هزار تن ثبت کرده است که رکورد بیشترین مقدار آن در ۱۵ آوریل ۲۰۱۰ با رقم ۱۹۲ میلیون و ۳۰۸ هزار تن و رکورد کمترین مقدار را در روزهای پانزدهم، شانزدهم و هفدهم دسامبر ۲۰۲۰ برابر با صفر تن اعلام کرده است. این در حالی است که برای مثال، در سال ۲۰۱۷ حجم معاملات آتی فولاد میلگرد به ۷۰۲ میلیون قرارداد برابر با ۷/۰۲ میلیون تن بود که با وجود کاهش ۲۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۶ ارزش آن با ۱۱/۴ درصد رشد نسبت به سال قبل از آن به ۲۴ هزار میلیارد یوان رسیده که در این دوره زمانی، ۱۱۴ هزار تن میلگرد به مشتریان تحویل داده شده بود. این رقم نسبت به دوره مشابه قبل از خود با رشد ۳۴ درصدی همراه بود. همچنین در این سال، متوسط روزانه تعداد موقعیت‌های تعهد باز آتی میلگرد با ۱۹ درصد رشد به رقم ۲/۰۱۷۳ میلیون قرارداد رسیده بود. داده‌های روزانه مربوط به سرب هم از سوی این پایگاه داده‌ها از مارس ۲۰۱۱ تا کنون به طور متوسط برابر با ۲۲ میلیون و ۸۴۰ هزار تن بوده است که در این دوره زمانی، رکورد بیشترین ثبت داده‌های روزانه مربوط به اول آوریل ۲۰۱۳ با ۱۳۲ میلیون و ۲۷۶ هزار تن و رکورد کمترین آن مربوط به ۲۵ مارس ۲۰۱۱ با ۷۶ هزار تن سرب بوده است.

حضور فعال غول‌ها در قراردادهای آتی نفت خام

۲۶ مارس ۲۰۱۸، بورس آتی شانگهای بخش معاملات آتی نفت خام را راه‌اندازی کرد و یک سال بعد در مارس ۲۰۱۹ گزارشی از عملکرد یک‌ساله این معاملات را منتشر کرد که نشان می‌داد فقط در طول یک سال بیش از

می‌روند.

بر اساس اساسنامه بورس آتی شانگهای، مجمع اعضا از کل اعضا (در حال حاضر ۱۹۷ عضو) تشکیل شده و هیات‌مدیره هم به عنوان نهاد دائمی این مجمع دارای ۶ کمیسیون ویژه است که کمیسیون انطباق با بازار، کمیسیون تجارت، کمیسیون تحویل، کمیسیون بررسی عضویت، کمیسیون سازش، کمیسیون مالی و فناوری و در صورت نیاز، کمیسیون‌های خاص دیگر را شامل می‌شود. همچنین هیات‌نظارت به عنوان نهاد نظارتی داخلی بورس، مسئولیت مدیریت و نظارت بر عملکرد هیات‌مدیره را به عهده دارد.

بازار داغ معاملات آتی

معاملات آتی مس عرضه‌شده در بورس آتی شانگهای، رتبه سوم بانفوذترین بازار معاملات آتی مس جهان را در اختیار دارد. این بورس همچنین با هدف رفع نیازهای صنایع وابسته، دامنه وسیعی از محصولات فلزات غیرآهنی همراه با معاملات آتی آلومینیوم، روی، سرب، نیکل و قلع را نیز گسترش فراوانی داده است. به طوری که بر اساس اطلاعات مربوط به بازار مالی در پایگاه داده‌های پرمیوم چین، داده‌های روزانه مس در بازه زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا کنون به طور متوسط برابر با ۴۸ میلیون و ۹۰۸ هزار تن بوده که رکورد بیشترین مقدار آن در طول این دوره ۱۲ ساله، در ۱۷ مارس ۲۰۲۰ معادل ۲۴۶ میلیون و ۸۷۰ هزار تن و رکورد کمترین میزان آن در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ برابر با ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تن ثبت شده است.

بر همین اساس، داده‌های روزانه آلومینیوم در بازه زمانی زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تاکنون به طور متوسط برابر با ۱۶۲ میلیون و ۶۷۴ هزار تن بوده که رکورد بیشترین میزان آن در ۲۴ آوریل ۲۰۱۸ معادل ۸۷۹ میلیون و ۵۸۷ هزار تن و رکورد کمترین مقدار آن در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۶ برابر با ۲ میلیون و ۷۶ هزار تن ثبت شده است.

پیرامون معاملات آتی طلا و نقره باید یادآور شد که این بخش از معاملات آتی در بورس آتی شانگهای موجب پیشرفت سالم سیستم بازار فلزات گرانبها شده و همچنین ساختار و عملکردهای شرکت‌کننده در بازار آتی را هم غنی کرده است. براساس اطلاعات مربوط به بازار مالی در پایگاه داده‌های پرمیوم چین، داده‌های روزانه طلا در بازه زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا کنون، به طور متوسط برابر با ۷۵۶/۰ تن بوده که رکورد بیشترین مقدار آن در طول این دوره ۱۲ ساله، در ۱۸ ژوئن ۲۰۱۵ معادل ۴/۸۳۶ تن و رکورد کمترین میزان آن در ۱۰ مارس ۲۰۰۹ برابر با ۰/۰۰۶ تن ثبت شده

۴۰ هزار حساب برای معاملات آتی نفت خام در این بورس ثبت شده است و غولهای صنایع نفت و پتروشیمی، بازرگانان کالا و شرکتهای سرمایه‌گذاری از جمله بازرگانان فعال حاضر در این معاملات هستند. بر اساس گزارش بورس بین‌المللی انرژی شانگهای (INE) که از شرکتهای تابع بورس آتی شانگهای است، ۵۲ آژانس فرامرزی (به طور عمده از هنگ‌کنگ، سنگاپور، انگلستان، کره جنوبی و ژاپن) برای شرکت در معاملات آتی نفت خام ثبت شده‌اند که به مشتریانی از بریتانیا، استرالیا، سوئیس، سنگاپور، قبرس، سیشل و همچنین هنگ‌کنگ و تایوان خدمات ارائه می‌دهند. در بخش معاملات یک‌جانبه، کل حجم معاملات قراردادهای آتی نفت خام شانگهای در بازه مارس ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹ در INE معادل ۳۶/۷ میلیون لات با گردش مالی ۱۷/۱۲ هزار میلیارد یوان (۲/۵۵ هزار میلیارد دلار آمریکا) بود. حجم معاملات روزانه هم به طور متوسط به ۱۵۱ هزار لات و حداکثر رکورد معاملات روزانه به ۳۵۹ هزار و ۷۸۶ لات رسید. از زمان تاسیس معاملات آتی نفت خام شانگهای تا اولین سالگرد راه‌اندازی این بخش، قراردادهای آتی هفت بار تحویل شدند که حجم تحویل آنها ۷/۲ میلیون بشکه بود و به این ترتیب در مدت کوتاهی از راه‌اندازی قراردادهای آتی نفت خام در بورس آتی شانگهای، چین در شمار فعال‌ترین بازارهای معاملات آتی نفت خام جهان قرار گرفت.

ردیف	معاملات آتی فلزات مهم	تعداد قراردادهای به میلیون
۱	معاملات آتی فولاد میلگرد	۵۳۰/۹۸
۲	معاملات آتی نیکل	۱۱۴/۸۲
۳	معاملات آتی روی	۹۲/۳۵
۴	معاملات آتی فولاد ورق گرم	۸۶/۸۲
۵	معاملات آتی آلومینیوم	۶۵/۵۷
۶	معاملات آتی مس	۵۱/۲۵
۷	معاملات آتی نقره	۴۲/۲۵

جدول حجم معاملات آتی فلزات مهم در بورس آتی شانگهای در سال ۲۰۱۸

۲. اقتدار در تعیین قیمت لاستیک طبیعی

بورس آتی شانگهای از ۱۲ آگوست ۲۰۱۹ معاملات قرارداد آتی لاستیک طبیعی از نوع TSR۲۰ را با تبادل پولی یوان آغاز کرد. معاملات آتی TSR۲۰ (مخفف عبارت

Technically Specified Rubber به معنی لاستیک از نظر فنی مشخص شده) چهارمین معاملات آتی کالاهای چین است که پس از معاملات آتی نفت خام، معاملات آتی اسید ترفتالیک خالص شده (PTA) و معاملات آتی سنگ آهن برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی باز شده است.

معاملات آتی TSR۲۰ که در بورس بین‌المللی انرژی شانگهای از شرکتهای تابع بورس آتی شانگهای-فهرست‌بندی می‌شود، در اولین مرحله شامل قراردادهایی بود که از فوریه تا جولای سال ۲۰۲۰ تحویل داده شد و قیمت‌های معیار ۶ قرارداد آن، ۹ هزار و ۲۶۰ یوان (یک‌هزار و ۳۱۹ دلار آمریکا) به ازای هر تن تعیین شده بود.

لاستیک طبیعی TSR۲۰ که عمدتاً در کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله اندونزی و تایلند تولید می‌شود، ماده اولیه اصلی تولید لاستیک است و چین که به دلیل رشد صنایع خودروسازی چند سالی است که به مشتری عمده TSR ۲۰ تبدیل شده با راه‌اندازی بخش قراردادهای آتی این محصول در بورس آتی شانگهای قصد داشت از ابزاری مناسب برای مدیریت ریسک در برابر نوسانات قیمت لاستیک طبیعی بهره‌مند شود. تولید جهانی TSR۲۰ در سال ۲۰۱۸ به ۸/۷۴ میلیون تن رسید که ۶۳ درصد از محصول لاستیک طبیعی جهان را تشکیل می‌داد.

در حال حاضر، با هدف دستیابی به دستاوردهای فراوان از طریق «پروژه هدفمند کاهش کمیابی بیمه + آینده»، معاملات آتی لاستیک طبیعی هم به تدریج توانسته است وضعیت اقتدار خود را در قیمت‌گذاری تثبیت کند. بر این اساس داده‌های روزانه لاستیک در بازه زمانی زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا کنون به طور متوسط برابر با ۱۲۵ میلیون تن که رکورد بیشترین میزان آن در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ معادل ۵۲۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تن و رکورد کمترین مقدار آن در اول ژوئن ۲۰۱۱ برابر با ۲ میلیون و ۸۸۰ هزار ثبت شده است.

۲. نفت کوره کم‌گوگرد (LSFO)

چین در ۲۸ آوریل ۲۰۲۰ اعلام کرد که نخستین سهمیه صادرات نفت کوره کم‌گوگرد بسیار پایین (VLSFO) خود را از مجموع ۱۰ میلیون تن محموله در نظر گرفته شده برای سال ۲۰۲۰ ارسال خواهد کرد.

از این ۱۰ میلیون تن، سهم شرکتهای دولتی «سینوپک» ۴ میلیون و ۲۹۰ هزار تن، «سی‌ان‌پی‌سی»

نشان می‌دهد که برای حمل‌ونقل دریایی به سوخت تمیزتری نیاز است. از این رو، پالایشگاه‌های چین در واکنش به تغییر مقررات حمل‌ونقل دریایی، تولید نفت کوره کم‌گوگرد را افزایش دادند و پکن در اول فوریه ۲۰۲۰ تخفیف مالیاتی برای تولید داخلی این محصول را برای مخازن ذخیره آن تصویب کرد.

در سال ۲۰۲۰، چهار پالایشگاه مهم دولتی چین از جمله «سینوپک»، «پترو-چاینا»، شرکت نفت فلات قاره چین (سی.ان.او.سی) و «سینویم»، تولید کل نفت کوره کم‌گوگرد را به ۱۸/۱۵ میلیون تن در سال افزایش دادند. به‌ویژه، سینوپک در مارس ۲۰۲۰ اعلام کرد که پالایشگاه گوانگژو این کشور قادر به تولید نفت کوره کم‌گوگرد برای سوخت‌های حمل‌ونقل دریایی است. عمده تامین‌کنندگان نفت کوره در خاورمیانه، آمریکای جنوبی، روسیه و چین مستقر هستند و میزان تولید سالانه جهانی این محصول حدود ۵۰۰ میلیون تن است که از این میزان حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تن در بازار آزاد معامله می‌شود.

مصرف جهانی نفت کوره کشتی در سال‌های اخیر به ۲۸۰ میلیون تن رسیده است که بازار آسیا-اقیانوسیه با بیش از ۴۵ درصد رشد، سیر صعودی رو به افزایشی را در مصرف این محصول پیموده و به بزرگ‌ترین بازار مصرف نفت کوره کشتی در جهان تبدیل شده است. بنابراین راه‌اندازی این نوع قرارداد آتی می‌تواند جاه‌طلبی چین را به‌منظور ایجاد قطب منطقه‌ای مهمی برای سوختگیری کشتی‌ها در بندر ژوشان نشان دهد. هدف از این اقدام، رقابت در بازار چند میلیارد دلاری سوخت کشتی است که در حال حاضر تحت سلطه سنگاپور قرار دارد؛ مصرف

۲ میلیون و ۹۵۰ هزار تن، «سی.ان.او.سی» ۸۶۰ هزار تن و سهم سینوکم ۹۰۰ هزار تن تعیین شد و شرکت غیردولتی «زی‌پی‌سی» هم یک میلیون تن از این سهمیه‌بندی را دریافت کرد. وزارت بازرگانی چین در همان روز در بیانیه‌ای اعلام کرد که از اول ماه می ۲۰۲۰ مجوز صادرات نفت کوره کم‌گوگرد را هم صادر می‌کند.

سرانجام این کشور با هدف تلاش برای افزایش قدرت خود در قیمت‌گذاری نفت کوره کم‌گوگرد در بازار جهانی، از روز ۲۲ جولای ۲۰۲۰ معاملات آتی نفت کوره کم‌گوگرد (نفت کوره کم‌سولفور) را در بورس بین‌المللی انرژی شانگهای (INE) آغاز کرد و به این ترتیب، بازار خود را در این بخش به روی سرمایه‌گذاران خارجی گشود. نفت کوره کم‌گوگرد، سوخت مهمی در حمل‌ونقل دریایی است. پس از راه‌اندازی بخش قراردادهای آتی نفت خام در مارس ۲۰۱۸، قرارداد آتی نفت کوره دومین معاملات آتی نفت اوراق قرضه چین است که در بورس بین‌المللی انرژی شانگهای تاسیس شد.

در اولین روز معاملات قراردادهای آتی نفت کوره کم‌گوگرد که تحویل ماهانه آن از ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۱ انجام می‌شود قیمت معیار ۲ هزار و ۳۶۸ یوآن (معادل ۳۳۴/۶ دلار آمریکا) در هر تن عرضه شد. از ساعت ۱۱:۳۰ همان روز به وقت پکن، قیمت قرارداد ژانویه ۲۰۲۱ در هر تن با ۱۰/۵ درصد افزایش به ۲ هزار و ۶۱۷ یوآن برابر با ۳۶۹/۸ دلار آمریکا رسید.

اواخر سال ۲۰۱۹ سازمان بین‌المللی دریانوردی، قانون جدیدی وضع کرد که بر اساس آن کشتی‌ها فقط باید از نفت کوره گوگرد ۰/۵ درصد یا کمتر استفاده کنند. این قانون جدید که از اول ژانویه سال ۲۰۲۰ اجرا شد

قراردادهای اختیار معامله مس در بورس آتی شانگهای

بورس آتی شانگهای قراردادهای اختیار معامله مس را از ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸ آغاز کرد و تا ۲۲ نوامبر ۲۰۱۹ نسبت میان حجم متوسط قراردادهای اختیار معامله و قراردادهای آتی متضمن مس در این بورس به ۱۱/۱۱ درصد رسید. زمانی که نسبت حجم میان قراردادهای اختیار معامله و قرارداد آتی بالا باشد، نقش موفقیت‌آمیز اختیار معامله را به‌عنوان یک ابزار مصون‌سازی نشان می‌دهد.

همچنین حجم معاملات قراردادهای آتی مس در بورس آتی شانگهای در دوره زمانی ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۹ برابر با ۲۸ میلیون لات بود که این میزان معادل گردش مالی ۶۷۳ میلیون یوآن (۹۵/۸ میلیون دلار) بود. حجم و ارزش معاملات در کل سال ۲۰۱۸ هم برابر با ۵۱ میلیون لات معادل ۱/۲۹۸ میلیارد یوآن بود.

برابر با ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن بوده که رکورد بیشترین مقدار آن در طول این دوره ۱۲ ساله، در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ معادل ۵۴۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن و رکورد کمترین میزان آن در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸ صفر تن ثبت شده است.

سوخت کشتی سنگاپور در سال ۲۰۱۹ حدود ۴۷/۴۶ میلیون تن بود.

همچنین اطلاعات مربوط به بازار مالی در پایگاه داده‌های پرمیوم چین، داده‌های روزانه نفت کوره در بازه زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا کنون به طور متوسط

حجم جهانی قراردادهای آتی و اختیار معامله در سال ۲۰۱۹

پس از آن، آمریکای شمالی با ۲۹/۸ درصد و اروپا با ۱۴/۶ درصد به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. همچنین در این دوره زمانی، حجم قراردادهای اختیار معامله در بورس‌های آسیا و اقیانوسیه از حجم قراردادهای اختیار معامله در بورس‌های آمریکای شمالی پیشی گرفت و با ۴۷ درصد افزایش به ۸۳/۶ میلیارد قرارداد رسید و این در حالی بود که حجم قراردادهای اختیار معامله در آمریکای شمالی با ۳/۷ درصد کاهش، ۶/۰ میلیارد قرارداد را به ثبت رسانده بود.

بر این اساس، در بازه زمانی ژانویه تا دسامبر ۲۰۱۹، بورس آتی شانگهای، از نظر تعداد قراردادهای آتی و قراردادهای اختیار معامله، با یک میلیارد و ۴۱۲ میلیون و ۹ هزار و ۵۹۹ قرارداد در رتبه دهم رده‌بندی برترین بورس‌های جهان قرار گرفت که این رقم نسبت به یک میلیارد و ۱۷۵ میلیون و ۴۵۹ هزار و ۶۷۲ قرارداد در دوره مشابه سال ۲۰۱۸ با ۲۰/۱۲ درصد رشد مواجه بود.

نتایج گزارش سازمان اطلاعات مالی (FIA) حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۹ و در عرصه جهانی، حجم قراردادهای آتی با ۱۲ درصد رشد به ۱۹/۲۴ میلیارد قرارداد و حجم قراردادهای اختیار معاملات با ۱۶ درصد افزایش به ۱۵/۲۳ میلیارد قرارداد رسید. این آمار سالانه که اوایل سال ۲۰۲۰ منتشر شد نشان می‌دهد که بورس‌های مناطق آسیا-اقیانوسیه و آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۹ با بیشترین رشد مواجه بود در حالی که بورس‌های آمریکای شمالی و اروپا حجم معاملات خود را از دست دادند. تعداد قراردادهای معامله‌شده در بورس‌های آسیا-اقیانوسیه با ۲۹/۱ درصد افزایش به ۱۴/۴۹ میلیارد قرارداد و حجم مبادلات در بورس‌های آمریکای لاتین با رشد ۴۷/۶ درصد به ۴/۱۰ میلیارد قرارداد بالغ شده بود. منطقه آسیا-اقیانوسیه با در اختیار داشتن ۴۲ درصد از حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۱۹ بیشترین سهم را در این حوزه داشت و



فروکش تب بازارهای کالایی در سال ۲۰۲۱ تاثیر آمدن واکسن کرونا و رفتن ترامپ بر بازارها چیست؟



چهار سال گذشته برای بازار کالاها به‌ویژه در آمریکا، پرنوسان و پر از آشوب بود. این بازار در کانون سیاست‌های تجاری کاخ سفید قرار داشت، سیاست‌هایی که دونالد ترامپ در طول ریاست‌جمهوری‌اش در دستور کار قرار داده بود؛ از تعرفه‌گذاری بر فولاد و آلومینیوم گرفته تا تلاش برای توسعه صادرات ال.ان.جی، ترامپ تقریباً هیچ کدام از کالاها را در بازار به حال خودشان رها نکرد و به‌نوعی آنها را تحت تاثیر قرار داد. همیشه پای یک تذکره، فرمان اجرایی، ابلاغیه یا توثیق در میان بود که روی اورانیوم، سویا و هر کالای دیگری اثر می‌گذاشت.

اما ماجرا به ترامپ ختم نشد. سال ۲۰۲۰ با شیوع کرونا به سالی سخت‌تر برای عموم کالاها در جهان تبدیل شد. طبق گزارش بانک جهانی، از بازار فلزات گرفته تا کالاهای کشاورزی، همگی از شیوع کرونا متاثر شدند. قیمت نفت سقوطی بی‌سابقه را تجربه و می‌توان با قاطعیت گفت کرونا تقریباً به همه کالاها، شوکی عظیم وارد کرد. اما حالا به نظر می‌رسد بازی عوض شده است. جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پیروز شد و قرار است رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا باشد. تقریباً همزمان با این اتفاق، واکسن کرونا هم کشف و روانه بازار شد. با این تفاسیر آیا می‌توان در انتظار روزهایی متفاوت برای بازار کالاها بود؟

فولاد و آلومینیوم

در بازار کالاها، دو فلز حرف اصلی را می‌زنند: فولاد و آلومینیوم. به گزارش بلومبرگ، هر دو کالا در زمان ریاست‌جمهوری ترامپ دچار مشکل شدند. درد آنها مشترک است: تعرفه. اما آیا ورود بایدن به کاخ سفید می‌تواند نقطه آغاز برای تغییر تعرفه‌ها باشد؟ البته بایدن سیاست‌هایی متفاوت از ترامپ خواهد داشت اما برداشته شدن تعرفه‌ها نیاز به زمان دارد و به این زودی از میان نخواهد رفت. کسانی که در این بازار کار می‌کنند هنوز با هزینه‌های گمرک ۲۵ درصدی برای واردات فولاد و تعرفه‌های ۱۰ درصد برای آلومینیوم مواجه‌اند.

جو دو، کارشناس بلومبرگ معتقد است: برداشتن تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم در شرایط فعلی مثل این است که چاقوی در حال سقوط را بگیرد. پس این کار باید با احتیاط انجام شود. این کارشناس می‌گوید: بایدن به دنبال حفظ تعرفه‌هایی است که ترامپ برقرار کرده و احتمالاً این تعرفه‌ها را حفظ می‌کند تا مقابل چین بایستد و به نوعی اتحادش را با اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا نگه دارد. ناگفته نماند که چین بیش از نیمی از فولاد و آلومینیوم جهان را تولید می‌کند و این اقدامات بیشتر به این خاطر است که چین محدود شود. بایدن هم مانند ترامپ به دنبال حفظ این صنایع است اما سیاست‌هایی که در پیش خواهد گرفت تفاوت‌هایی جزئی با ترامپ خواهد داشت. در واقع او فقط کمتر از ترامپ، سروصدا خواهد کرد. اما در حالی که رفتن ترامپ و آمدن بایدن تاثیر چندانی بر بازار آلومینیوم و فولاد در آمریکا نخواهد داشت، کشف و

توزیع واکسن کرونا، روندی امیدبخش را برای این دو فلز اساسی و سایر فلزات رقم خواهد زد. بر اساس گزارش بانک جهانی، فلزات که در زمان شیوع همه‌گیری کرونا دچار مشکل شده بودند، اکنون با آمدن واکسن در سال ۲۰۲۱، روند بهبود را در پیش خواهند گرفت. به این ترتیب سال آینده، سال ثبات برای فلزات خواهد بود. اما نکته اصلی در مورد بهبود بازار فلزات جهان این است که این روند بهبود از چین آغاز می‌شود. در واقع تغییر مسیر در اقتصاد چین و رهایی این اقتصاد از کرونا می‌تواند بهبود برای بازار جهانی فلزات را به همراه داشته باشد.

نفت

انرژی مدتهاست که روی میز مذاکره چین و آمریکا قرار دارد. آمریکا با تولید نفت «شیل» و «ال.پی.جی»، انقلابی بزرگ در بازار نفت ایجاد کرده‌است. این کشور مازاد بر نیازش، تولید می‌کند و به همین دلیل باید صادرکننده باشد. سندی فیلدن، تحلیلگر بلومبرگ در حوزه انرژی می‌گوید: «تا زمانی که آمریکا مازاد بر نیاز داخلی، دست به تولید انرژی بزند، صادرکننده انرژی در جهان خواهد بود. از آن سو چین، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است. پس دولت جدید آمریکا یعنی دولت بایدن، باید به دنبال تغییراتی در سیاست‌های تجاری خود باشد تا بتواند این انرژی و نفت تولیدی را به دست چینی‌ها که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده هستند، برساند.»

اکنون انتظار می‌رود که بایدن قاطعانه در مورد تجارت انرژی با چین تصمیم بگیرد. اما در بازار نفت، آمریکا و

ترامپ تنها مساله نبود. کووید-۱۹ یکی از بزرگترین مسائل در بازار نفت در سال ۲۰۲۰ به شمار می‌رفت. بر اساس گزارش بانک جهانی، شیوع کرونا منجر به کاهش قیمت شدید در بازار نفت شد. در واقع شیوع این بیماری، شوکی بزرگ به بازار نفت وارد کرد اما در سال ۲۰۲۱، همراه با کشف واکسن کرونا و سایر اتفاقات در جهان، چه سرنوشتی برای نفت رقم خواهد خورد؟

طبق پیش‌بینی‌های بانک جهانی، قیمت نفت در سال ۲۰۲۱ به طور متوسط به ۴۴ دلار در ازای هر بشکه خواهد رسید. در سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی شده بود که متوسط قیمت نفت به ۲۱ دلار در ازای هر بشکه برسد. به این ترتیب، سال ۲۰۲۱ قرار است سالی بهتر برای این کالا باشد. یکی از دلایل افزایش پیش‌بینی در مورد قیمت نفت، کشف واکسن کرونا و آغاز دوباره گردشگری در جهان است. در واقع مسافرت‌ها دوباره از سر گرفته می‌شود چرا که مردم دیگر نگران سلامتی خود نخواهند بود. به این ترتیب فعالیت‌ها به سطوح پیش از شیوع کرونا می‌رسد. حاصل همه این اتفاقات، افزایش قیمت نفت خواهد بود. قیمت انرژی به صورت کلی، از زغال‌سنگ گرفته تا گاز طبیعی هم در سال ۲۰۲۱ روند بهبود را آغاز خواهد کرد. این در حالی است که در سال ۲۰۲۰، قیمت‌ها در مسیر کاهشی قرار گرفته بود. به این ترتیب آمدن بایدن و واکسن کرونا می‌تواند به بازار نفت و انرژی کمک کند.

۴. ال.ان.جی

دولت ترامپ در سال ۲۰۱۹ تلاش می‌کرد از صادرات ال.ان.جی به عنوان «گاز آزادی» و «مولکول‌های آزادی آمریکا» بهره بگیرد و آن را به آسیا و اروپا بفروشد. اما جنگ تجاری که ترامپ به راه انداخت و نگرانی‌های زیست‌محیطی در مورد گاز فلر، آسیب‌های جدی به این محصول وارد کرد.

البته بایدن هنوز سیاست‌هایش در مورد ال.ان.جی را اعلام نکرده است. اما به نظر می‌رسد او به دنبال کاهش تولید گاز متان است زیرا این ایده مورد استقبال اروپایی‌هاست. اما به هر حال او معاون باراک اوباما بوده است، کسی که ۶ پایانه صادرات گاز ال.ان.جی را تأیید کرد. در نتیجه احتمالاً سیاست‌هایی متفاوت از ترامپ در مورد ال.ان.جی خواهد داشت و این قضیه روی بازار این کالا اثرگذار خواهد بود. در کل به نظر می‌رسد بازار ال.ان.جی، آینده خوبی در پیش دارد.

۴. غلات و کشاورزی

مهم‌ترین نکته در مورد تفاوت ریاست‌جمهوری بایدن با ترامپ این است که روابط آمریکا با چین گرم‌تر خواهد شد. بهتر شدن روابط تجاری آمریکا با چین می‌تواند با بهبود در وضعیت کالاهایی نظیر ذرت، گندم و سویا همراه

باشد. البته انتظار می‌رود بایدن راه را برای صادرات بهتر کالاهای کشاورزی آمریکایی باز کند. در واقع او این محصولات را روانه آسیا خواهد کرد و بخش عمده‌ای از کالاهای کشاورزی هم روانه چین خواهد شد. آمریکا بهترین منبع ذرت و سویا در جهان است. برخی کارشناسان می‌گفتند چین از ابتدای امسال در انتظار تغییر در سیاست آمریکا بوده است و اکنون که نتیجه انتخابات آمریکا مشخص شده، احتمالاً روابط تجاری بهتری با این کشور ایجاد خواهد کرد.

از طرف دیگر، شیوع کرونا، منجر به آسیب‌های جدی به کالاهای کشاورزی شده بود. طبق آخرین گزارش بانک جهانی درباره وضعیت بازار کالاهای، انتظار می‌رود کالاهای کشاورزی در سال ۲۰۲۱ با ۳ درصد افزایش قیمت نسبت به سال ۲۰۲۰، روند بهبود خود را آغاز کند. البته نگرانی‌هایی درباره قحطی و به خطر افتادن امنیت غذایی در برخی از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور شکل گرفته و به همین دلیل قیمت مواد غذایی در بسیاری از کشورها با افزایش نرخ تورم بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. اکنون با توزیع واکسن کرونا می‌توان انتظار داشت آینده برای مواد غذایی و بازار کالاهای کشاورزی جای بهتری باشد.

۴. شوکی پس از شوک دیگر

بازار کالاهای همیشه در طول تاریخ با نوسان‌های بسیاری مواجه شده است. هر چند وقت یک بار، رویدادی در جهان، بازار کالاهای مختلف را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شیوع همه‌گیری کرونا در حقیقت آخرین رویدادی بود که به منزله یک شوک برای بازار کالاهای تلقی می‌شود. حضور ترامپ در چهار سال گذشته یعنی در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، یکی دیگر از مسائلی بود که شوکی بزرگ به بازار کالاهای در جهان وارد کرد. نکته مهم در مورد شوک کرونا این بود که تقریباً به همه کالاهای آسیب وارد کرد اما تداوم این شوک، نمی‌تواند اثری یکسان بر کالاهای داشته باشد. مدت زمانی که یک شوک ادامه پیدا می‌کند قطعاً روی کالاهای مختلف، اثراتی متفاوت بر جای می‌گذارد. برای مثال، بررسی‌های بانک جهانی نشان می‌دهد ادامه شوک کرونا می‌تواند آسیب‌های جدی‌تری به بازار کالاهای کشاورزی وارد کند. در این بین، کشورهایی که به لحاظ اقتصادی وابستگی بیشتری به تجارت کالا دارند هم وضعیت بدتری را تجربه خواهند کرد. ساختن دوباره اقتصاد بر پایه کالایی که یک بار شکست خورده است، کار آسانی نیست. به هر حال، اکنون با آمدن واکسن کرونا و رفتن ترامپ، محیط اقتصاد جهان در حال تغییر است. فضای اقتصادی جدیدی قرار است بر جهان حاکم شود و خبر خوب اینکه، قرار است حال اقتصاد و بازار کالاهای بهتر شود.

وداع بازارهای کالایی با رکود کرونایی

چشم انداز بازارها در دوره «پسا کرونا»

بحران کرونا در سال گذشته مانند بلایی بسیار فاجعه‌بارتر از تمامی بلایای طبیعی ویرانه‌ای از اقتصاد جهانی ساخت. گوشه‌ای از تصویر تخریب‌شده اقتصاد جهانی به مجموعه کالاها تعلق دارد که این گوشه هم با شدت بسیار زیادی آسیب دیده بود. با این حال، در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ رونق و بهبود اقتصادی در بسیاری از بازارها آغاز شد و به همین دلیل انتظار داریم که همین رویه در سال ۲۰۲۱ با قدرت بیشتری به مسیر خود ادامه دهد. واضح است که هر چه دنیا بیشتر از شر ویروس کرونا خلاص شود، بهبود اوضاع اقتصادی با سرعت بیشتری مسیر خود را طی می‌کند و در این بین بازار کالا هم وضعیتی استثنایی نسبت به بقیه بخش‌های اقتصاد جهان ندارد.

سال میلادی سپری شده، یک عبارت را بیش از هر چیز دیگری در عنوان خبرها و تحلیل‌ها دید: کرونا. این ویروس جدای از لطافات جبران‌ناپذیر جانی که به مردم دنیا زد، موج‌های گسترده‌ای از تعطیلی‌ها را هم همراه خود آورد که صدماتی جدی متوجه اقتصاد کشورهای مختلف سرتاسر جهان کرد.

یکی از جبهه‌هایی که بیشترین صدمه را از این تعطیلی‌ها دید، تقاضای کالاها بود. افت تقاضا در بازار کالا در نقطه اوج همه‌گیری کرونا با فرار سرمایه‌گذاران از دارایی‌های پرریسک همراه شد. سالی که گذشت سرشار از «اولین‌ها» بود که در بین آنها یک نمونه شاید در داستان‌های علمی-تخیلی هم قابل تصور نبود: منفی شدن قیمت نفت. با این حال، پس از سپری شدن دوره اوج تعطیلی‌ها اندکی بهبود در اقتصادهایی ایجاد شد که موفق به بازگشایی شده بودند.



قدرت «اژدها» و «عقاب» تاثیر خواهد گذاشت؟ قطعا سال ۲۰۲۰ به شکلی به پایان رسید که در مقام مقایسه چین وضعیت بسیار بهتری را نسبت به آمریکا از سر گذراند و حالا با مستقر شدن دولتی جدید در آمریکا باید دید این کشور چطور می‌تواند با رقیب غول‌آسای شرقی خود وارد مذاکره شود و نقش قدرت‌هایی دیگر نظیر اتحادیه اروپا و روسیه در این میان چه خواهد بود؟

۲۰۲۱ چگونه از راه می‌رسد؟

به هر صورت سال ۲۰۲۰ با تمام مختصات اقتصادی و بازاری خود به پایان رسیده و سال ۲۰۲۱ با ترکیبی از عناصر مشابه سال پیش از خود و عناصر جدیدی از راه آمده که در تضاد کامل با چهره ۲۰۲۰ است. با نظر انداختن به سال ۲۰۲۱ این انتظار ایجاد می‌شود که مجموعه کالاها رو به بالا حرکت کنند. گرچه بهبود اقتصاد کشورهای مختلف دنیا به پیشرفت بازار کالا کمک می‌کند، هنوز هم ظرفیتی برای محرک‌ها و مشوق‌های کالایی بیشتر وجود دارد. رشد قابل توجه عرضه پول، به کف رسیدن نرخ بهره و محرک‌های مالی، بالا رفتن انتظار تورمی را رقم زده‌اند و بنابراین ما هم انتظار داریم که پول به سمت کالاهایی جریان بگیرد که سفته‌بازان آنها به دنبال حفظ موقعیت‌هایی بلندمدت هستند؛ یعنی برای مثال در

البته در این بین بعضی کالاها نیازمند اندکی کمک بیرونی بودند تا بتوانند مجدداً قیمت بالارونده را تجربه کنند. برای مثال کاهش تولید نفت از سوی اوپک پلاس را می‌توان در این مجموعه قرار داد که منجر شد در حالتی که نگرانی از تقاضا کمتر و فشار بر عرضه زیاد شده است، مشکلات را تا حدی تلطیف کند. البته بسیاری از فلزات هم وضعیتی کم‌وبیش این‌چنین داشتند. در بین مواردی که منجر به بهبود و رونق اقتصادی شده، نام یک کشور به خوبی مشخص است: چین. این کشور واردات انرژی، فلزات و کالاهای کشاورزی خود را افزایش داد و این مساله در سالی که سرشار از عدم قطعیت بود، بی‌شک کمک بسیار زیادی به بازارهای مختلف کرد. این محرک‌های اقتصادی چین منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌سازی و بهبود تقاضا برای فلزات شده است. از سوی دیگر، باید این مساله را هم در نظر بگیریم که به دلیل افزایش واردات محصولات کشاورزی از سوی چین، امنیت تغذیه مردم این کشور هم علی‌رغم یک همه‌گیری جهانی تا حد بسیار زیادی تامین شده است. البته «فاز اول» توافق تجاری هم نقشی در افزایش اشتغال خرید از سوی چینی‌ها داشت. باید دید یکه‌تازی چین در پیش بردن اقتصاد جهانی، چقدر دوام خواهد آورد و مهم‌تر اینکه چقدر در موازنه

و ایمن رسید. پایین آمدن بازده سود و تضعیف دلار آمریکا تنها منجر به بالا رفتن بیشتر قیمت طلا شد. اگرچه خوش بینی های زیادی برای واکسن وجود دارد، باز هم پیش بینی می کنیم که در سال آینده قیمت طلا رویه مثبت به خود بگیرد زیرا انتظارت تورمی افزایش داشته است و بازده سود واقعی در منطقه منفی قرار دارد.

در نهایت هم باید کالاهای کشاورزی را در نظر بگیریم که به دلیل افزایش خرید چین در سال گذشته، توانستند روند بهبود را در همین سال آغاز کنند. این مساله که چرا چین تا این حد افزایش خرید محصولات کشاورزی را در دستور کار خود قرار داده است چند دلیل دارد که از بین آنها می توان به مذاکرات تجاری اشاره کرد. البته تحلیل های ما نشان می دهد که تقاضای چین در سال بعد هم خوب و قوی باقی خواهد ماند و خریدهای از پیش توافق شده قرار است در سال دوم هم افزایش پیدا کند.

همان طور که تا اینجا کار دیدیم، دیدگاه کلی ما نسبت به سال ۲۰۲۱ تقریباً مثبت است، نباید این مساله را هم فراموش کرد که هنوز هم ریسک های فراوانی در این دوران سرشار از عدم قطعیت وجود دارد. واکسن های کووید-۱۹ جدای از تولید، نیازمند سرعت بسیار زیادی در اجرا شدن در سطح جهان دارد و این سرعت بزرگ مقیاس هرچه بیشتر باشد زمینه های مختلف ریسک را کاهش می دهد. گرچه در حال حاضر تزریق واکسن به صورت نسبتاً جهانی آغاز شده است، اما هنوز هم ریسک اصلی ایستاده بر چارچوب دروازه ۲۰۲۱، وقوع احتمالی موج های جدید کووید-۱۹ و تعطیلی هاست.

فلزات و محصولات کشاورزی. البته سفته بازان، سطحی از علاقه را به نفت هم نشان داده اند، اما قطعاً بخشی از فضای خرید در بخش انرژی در سال ۲۰۲۱ هنوز نیازمند پر شدن با سفته بازهای متنوع است. علاوه بر این عوامل حمایت گر بازار کالاهای، بسیاری از تیم های تحلیل استراتژی بازار فارکس بر این باورند که دلار آمریکا در سال بعد هم ضعیف خواهد شد که همین مساله می تواند به بازار کالا کمک کند.

با نگاه کردن به مسائل بنیادین بازار کالا می توان این نتایج را گرفت: کاهش تولید اوپیک پلاس به احتمال زیاد منجر به کاهش سطح موجودی نفت استخراج شده در سال ۲۰۲۱ خواهد شد. همین مساله سطح دارایی های نفت را به مقداری عادی تر برمی گرداند و در عین حال با تزریق گسترده واکسن در سطح جهان باز هم تقاضا به خوبی افزایش پیدا می کند و پروازهای هوایی بین المللی به سطح معمول باز می گردد. جدای از نفت، اگر بخواهیم فلزات پایه را هم در نظر بگیریم به احتمال زیاد در سال ۲۰۲۱ با اختلال های کمتری نسبت به سال گذشته روبه رو باشیم و به احتمال زیاد رشد قابل توجه بالقوه در بازارهای خارج از چین کل بازار را تقویت کند. البته این مساله را هم نباید فراموش کرد که کووید-۱۹ برنامه داشتن آینده ای سبزتر را بیش از پیش در ذهن مردم و بسیاری از مسئولان مصمم کرد که این مساله تأثیری مثبت بر چندین فلز خواهد داشت.

در سالی که گذشت، طلا رکورد قیمتی خود را شکست و به دلیل عدم قطعیت های موجود به سطحی بسیار بالا



ویروس انگلیسی، بلای جان نفت

آغاز پر بیم و هراس سال نو میلادی برای معامله‌گران طلای سیاه



در پی شناسایی نوع جدیدی از ویروس کرونا در بریتانیا که سرعت شیوع بسیار بیشتری دارد، محدودیت‌های سفر در اغلب کشورها افزایش یافته و بدبینی به مهار کرونا عمیق‌تر شده است. همین هراس به بازارها رخنه کرده و زوروش به بسته حمایتی در حال تصویب دولت آمریکا چربیده است. کلیت این ماجرا به افت تجارت نفت در آسیا منجر شده است. به گزارش «بلومبرگ»، معاملات آتی نفت در نیویورک با افتی ۱/۸ درصدی به پایین‌تر از ۴۸ دلار به ازای هر بشکه رسیده است. محدودیت‌های مسافرتی جدید بخش عمده‌ای از بدنه انگلستان را از کار انداخت و در همین حال مسئولان آمریکایی درباره رشد تعداد مبتلایان پس از ایام کریسمس هشدار دادند. از سوی دیگر هم تولید صنعتی ژاپن کمتر از پیش‌بینی تحلیل‌گران از آب درآمد و آخرین ماه سال ۲۰۲۰ را با تغییر اندکی سپری کرد. همه این شواهد نشان می‌دهد که موج ویروس جدید هنوز هم اقتصاد بخش‌هایی از آسیا را درگیر خود کرده است. پس از اینکه ترامپ لایحه کمک ۹۰۰ میلیارد دلاری به خانوارهای آمریکایی را امضا کرد، زیان نفت خام به اندازه ۱/۵ درصد کاهش پیدا کرد، زیرا این باور وجود داشت که چنین لایحه‌ای تقاضای انرژی در بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا را افزایش می‌دهد. البته ترامپ پیش از آن مخالفت خود را با بسته کمکی مورد تایید کنگره ابراز کرده بود.

این رویه فعلاً معکوس شده است. تمام این مسائل اقتصادی در کنار مشکلات ناشی از محدودیت‌های جدید کرونایی یک‌سو، مشکلات و تنش‌های سیاسی سوی دیگر اوضاع را بیش از پیش پیچیده کرد. طی آخرین ماه سال ۲۰۲۰ ترامپ باز هم در خاورمیانه تنش ایجاد کرد و انگشت اتهام را بابت حمله‌های موشکی به نزدیکی سفارت آمریکا در عراق، به سمت ایران نشانه گرفت. از سوی دیگر وزیر نفت جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که ایران تولید نفت خود را در سال ۲۰۲۱ دو برابر خواهد کرد که این مساله خیلی سازگار با سیاست کوتاه‌مدت اوپک پلاس نیست. به هر صورت نفت هم مانند بسیاری از کالاهای دیگر از نوسانات تجاری جهان تاثیر می‌گیرد اما بیش از هر کالای دیگری درگیر مسائل سیاسی شده است و از سوی دیگر چشم‌انداز بلندمدت خیلی روشنی هم ندارد. دلیل این مساله آخر این است که پیش‌بینی می‌شود با بحث انرژی‌های جایگزین در سطح جهان، تقاضای نفت خام به مرور زمان کاهش پیدا کند. البته اینکه چنین پیش‌بینی‌هایی چقدر احتمال وقوع دارد مساله‌ای جداگانه است و بازار به طور کل با جریان‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت خود را تنظیم می‌کند.

نفت، سال ۲۰۲۰ را با وضعیت نه چندان جالبی به پایان برد زیرا محدودیت‌های مسافرتی جدید باعث شد دست‌کم به صورت کوتاه‌مدت خوش‌بینی ناشی از اجرای طرح واکسن در جهان در سایه قرار بگیرد. البته این واکسن در نهایت تقاضای انرژی را افزایش می‌دهد. اتحاد اوپک پلاس هم با آغاز سال جدید میلادی تولید خود را به ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسانده است. هاوی لی، اقتصاددان بانک بین‌المللی چین درباره این مساله می‌گوید: «در پایان سال ۲۰۲۰ با بازار نسبتاً آرامی روبه‌رو بودیم اما در روزهای ابتدایی سال جدید، روند آهسته رو به افتی آغاز شد. یکی از دلایل این مساله هم این است که با پایان یافتن سال، بسیاری از تاجران تنها می‌خواهند هر چه زودتر صورت‌های مالی خود را ببندند.»

منحنی معاملات آتی نفت خام هم بیانگر همین نوع از بدبینی ایجاد شده در بازار است. در آغاز این مساله اختلاف قیمت کنونی و آتی نفت برنت تنها ۵ سنت به ازای هر بشکه است. این عدد نشان‌دهنده ساختار یک بازار خرسی است که در آن، قیمت‌های کوتاه‌مدت، کمتر از قیمت‌هایی است که پس از آن از راه خواهد رسید. اختلاف بین این دو قیمت در ابتدای ماه دسامبر ۱۳ سنت به سوی یک بازار نسبتاً رو به رونق بود، اما



افتتاح معاملات صندوق های کشاورزی و گواهی سپرده خرمای مضافتی



بازار مشتقه

صنعتی

کشاورزی

پتروشیمی

معدنی

نفتی

بازار مالی



بورس کالای ایران



سال چهارم تولید

شرکت بورس کالای ایران
Iran Mercantile Exchange



www.ime.co.ir



[imereport](https://www.instagram.com/imereport)



[@kalakhobar](https://www.t.me/kalakhobar)



imereport.ir

تهران، خیابان آیت الله طالقانی، نبش بندر انزلی، شماره ۳۵۱
تلفن: ۸۵۶۴۰۰۰۰-۲
نمابر: ۸۸۳۸۳۰۰۰